

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ایشار و شهادت

در مکتب امام خمینی (س)

تبیان
آثار موضوعی
دفتر یازدهم

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف.....	مقدمه
۱.....	فصل اول: فرهنگ شهادت
۳.....	مفهوم ایثار و شهادت
۱۲.....	مقام شهدا
۳۷.....	اهداف شهدا و ایثارگران
۷۸.....	آثار و برکات خون شهدا و مجاهدین
۹۸.....	روحیات شهدا و ایثارگران
۱۱۵.....	ادعیه و ابراز عواطف و همدلی امام نسبت به شهدا
۱۲۵.....	فصل دوم: خانواده شهدا
۱۲۷.....	خاستگاه اجتماعی شهدا و ایثارگران
۱۳۶.....	موضع و مقام خانواده شهدا
۱۴۹.....	توصیه به خانواده شهدا

۱۵۶	وظایف ما نسبت به خانواده شهدا و ایثارگران
۱۵۶	وظیفه مردم نسبت به خانواده شهدا و ایثارگران
۱۸۰	وظیفه دولت در رسیدگی به خانواده شهدا (بنیاد شهید)

۱۹۵	فصل سوم: سایر ایثارگران
۱۹۷	جانبازان
۲۰۴	آزادگان
۲۰۵	مهاجرین جنگ تحمیلی

۲۱۵	فصل چهارم: بستر تاریخی ایثار و شهادت
۲۱۷	قبل از اسلام
۲۲۰	زمان پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)
۲۲۹	قیام عاشورا تبلور فرهنگ شهادت
۲۲۹	علل و عوامل قیام عاشورا
۲۳۷	اهداف قیام عاشورا
۲۴۳	انتخاب آگاهانه شهدای کربلا
۲۴۶	نتایج و آثار قیام اباعبدالله (ع)
۲۵۵	قیام عاشورا اسوه آزادگان

۲۶۵	فصل پنجم: ایام الله خونبار در انقلاب اسلامی ایران
۲۶۷	پانزدهم خرداد ۱۳۴۲
۲۸۳	هفدهم شهریور ۱۳۵۷
۲۸۶	هفتم تیر ۱۳۶۰
۲۹۷	هشتم شهریور ۱۳۶۰
۳۰۷	حج خونین ۱۳۶۶

۳۱۹	فصل ششم: اسوه‌های شهادت در عصر حاضر
۳۲۱	شهید سیدحسن مدرس
۳۳۱	شهید سیدمحمدرضا سعیدی
۳۳۲	شهید مرتضی مطهری
۳۳۸	شهید مهدی عراقی
۳۳۹	شهید سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی
۳۴۱	شهید محمد مفتاح
۳۴۳	شهید سیدمحمدباقر صدر
۳۴۴	شهید محمدحسین فهمیده
۳۴۵	شهید مصطفی چمران
۳۴۷	شهید سیدمحمد حسینی بهشتی
۳۴۷	شهید محمد منتظری
۳۴۷	شهید محمدعلی رجائی
۳۴۸	شهید محمدجواد باهنر
۳۴۸	شهید علی قدوسی
۳۵۰	شهید سیداسدالله مدنی
۳۵۳	شهید سیدعبدالکریم هاشمی نژاد
۳۵۵	سرداران شهید
۳۵۷	شهید سیدعبدالحسین دستغیب
۳۶۲	شهید محمد صدوقی
۳۶۵	شهید عطاءالله اشرفی اصفهانی
۳۶۷	شهدای خانواده آیت‌الله محسن حکیم
۳۶۹	شهید مهدی شاه‌آبادی
۳۷۰	شهید فضل‌الله محلاتی
۳۷۱	شهید سیدعارف حسین حسینی

فصل هفتم: احکام و استفتائات مربوط به شهدا ۳۷۵

شهدای معرکه جنگ ۳۷۷

شهدای خارج از معرکه ۳۷۹

مزار شهدا ۳۸۳

مسائل متفرقه ۳۸۴

فهارس ۳۸۷

فهرست تفصیلی ۳۸۷

فهرست مآخذ ۳۸۷

فهرست منابع ۳۸۷

مقدمه

شهادت از جمله مفاهیم والایی است که ویژه قیامها و انقلابهای مکتبی و الهی است. انقلاب ما نیز از این قاعده مستثنا نبوده، بلکه با بهره‌گیری از فرهنگ غنی و متعالی اسلام، شهادت را که می‌رفت به دست فراموشی سپرده شود، روح و حیاتی تازه بخشید. نباید از نظر دور داشت که در جامعه ما استمرار فرهنگ شهادت، ریشه در سوگواریهای منبعث از قیام عاشورا داشته و احیای آن به دست مصلحان دین، با غبارروبی از چهره تابناک قهرمانان صحنه کربلا صورت گرفته است. اگر سنت روضه خوانی و مراسم سوگواری نبود، شاید هرگز خاطره‌ای از حماسه حسینی باقی نمی‌ماند و لذا هرگز نمونه‌ای عینی و مجسم از شهید و شهادت که به مدد آن بتوان پای در میدان جهاد نهاد و پایمردی و جانفشانی کرد در دست نبود.

شهادت در این قاموس فدا کردن جان خویش در راه ارزشهای الهی و دستیابی به حیاتی ابدی است؛ به همین دلیل اگر کسی فاقد مایه‌های معنوی باشد، شهادت‌طلبی او معنایی نخواهد داشت. این خداباوری و معاداندیشی است که به شهادت معنا می‌دهد و از آنجا که در این نوع جهان‌بینی، شهید به حیاتی بالاتر و لایزال دست می‌یابد، جان‌نثاری‌اش معقول است؛ وگرنه عاقلانه نیست که کسی برای دستیابی به رفاه و زندگی دنیایی خود یا دیگران، از جان خویش درگذرد. شهادت و شهادت‌طلبی، میوه شجره طیبه اعتقاد به «احدی الحسینین» است که یکی از دو پیروزی را برای مجاهدان در راه

ب □ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

خدا نوید می دهد.

به فرموده حضرت امام خمینی (س) مقام شهادت، اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معناست و نهایت ایمان، همانا ایمان عاشقانه است شهادت ارثی است که از اولیا به ما می رسد. شهید خورشیدی است که بر انقلاب پرتو می افکند و شهادت چراغ هدایت ملت‌هاست. این ملت با عشق به شهادت، پیش رفت و این نهضت را به پیروزی رساند. اینکه ملت شهادت را خواست و گرایش به زندگی دنیوی را کنار گذاشت، تحولی بود فرخنده که همواره باید آن را پاس داشت و نگذاشت با سرد و کمرنگ شدن شعله فروزان عشق و شهادت، علایق دنیوی و مادی آنها را مسخ کرده، از این سستی و فتور، خونهای پاک شهدا هدر رود.^۱

اما سخن در این است که این پیامهای الهی و سرودهای رهایی را که به عنوان میراث عاشورای حسینی در کلام و پیام امام تجلی کرده بود چه کسانی شنیدند و به جان دریافتند؟ به عبارت دیگر طلایه داران جانبازی و شهادت در این انقلاب و دفاع هشت ساله از کدامین قبیله بودند؟ بی هیچ اغراق و تعارفی، بار اصلی بر دوش طبقات محروم و مستضعف بود. پس چه جای شگفتی است اگر پیشوای مستضعفان بفرماید: «یک تار موی این کوخ نشینان و شهید داده‌ها به همه کاخ نشینان جهان، شرف و برتری دارد»^۲ و از همین جاست که می توان گفت: چه مسئولیتی بزرگتر و سنگین تر از رسیدگی به بازماندگان این از جان گذشتگان و پیشتازان عشق و شهادت؟ خدمتی که ارزشش از هر خدمتی بیشتر و در حکم خدمت به نبی اکرم (ص) است. بدیهی است که شهادت در راه خدا چیزی نیست که بتوان آن را با سنجشهای بشری و انگیزه‌های مادی ارزیابی کرد، لیکن مراقبت دلسوزانه از حال خانواده‌های شهدا و خدمتگزاری و احترام به ایشان یک تکلیف الهی است. و این موضوع در حد امتیاز لفظی و عرفی کافی نبوده، بلکه باید در متن قانون و در عمل پیاده شود تا آنجا که، باید مصلحت پابره‌نه‌ها و شهید داده‌ها، بر مصلحت مرفهین بی درد، مقدم باشد.^۳

۱. صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۸۸

۲. همان؛ ج ۲۰، ص ۳۴۲

۳. همان؛ ج ۱۸، ص ۷۴

مقدمه □ ج

اما نزد امام، دفتر فیض شهادت، پرونده مختومه‌ای نیست که خدمت به خانواده شهدا آخرین برگ آن باشد؛ بلکه برای آن عارف واصل، فرهنگ شهادت چشمه پرفیزی است که فرزندان شهدا مظهر تراوش فیوضات آن محسوب می‌شوند و از این جهت می‌فرمایند:

چه افتخاری بالاتر از اینکه ما در تداوم انقلاب، ذخیره‌های عظیمی چون فرزندان محترم شهدا داریم که حضورشان یادآور رشادتها و فداکاریهای رادمردانی است که به برکت خونهای پاک آنان، انقلاب اسلامی بارور گردیده است، آنان بار امانت پدرانیشان را که میراث عزت و افتخار است، به خوبی بر دوش کشیده، با جدیت به تحصیل علم و کسب معرفت می‌پردازند. بنابراین بر دست اندرکاران و مسئولین کشور است که بیش از پیش به امور فرهنگی این عزیزان اهتمام نمایند، باشد که این شجره طیبه به بالندگی خود ادامه دهد و بشریت از ثمره پربرکت آن بهره‌مند گردد.^۱

با این تلقی از شهادت است که باید ملت‌مسانه دعا کرد:

«خداوندا، دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز بگذار و ما را هم از وصول به آن محروم مکن».^۲

ویژگیهای این مجموعه

این مجموعه که در حوزه معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) استخراج و با همکاری کارشناسان مرکز پژوهشهای فرهنگی «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» تنظیم شده و به مناسبت برگزاری دومین کنگره بین‌المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا منتشر می‌گردد، مشتمل بر هفت فصل است:

فصل اول که عنوان «فرهنگ شهادت» یافته است به مفهوم ایثار و شهادت، مقام، اهداف، آثار و برکات شهدا اشاره دارد و پرداختن به حالات شهدا و ادعیه و جملاتی که همدلی امام را نسبت به شهدا نشان می‌دهد، از آخرین مباحث این فصل به شمار

۱. همان؛ ج ۲۰، ص ۳۷.

۲. همان؛ ج ۲۱، ص ۹۳.

می‌رود.

فصل دوم به خانواده شهدا اختصاص یافته که در ضمن آن به خاستگاه اجتماعی شهدا و ایثارگران و مقام خانواده شهدا اشاره شده است؛ توصیه به خانواده شهدا و وظایف ما نسبت به آنان آخرین مباحث آن را تشکیل می‌دهد.

فصل سوم سایر ایثارگران یعنی جانبازان، آزادگان و مهاجرین جنگ تحمیلی را مطرح می‌کند.

فصل چهارم به بستر تاریخی ایثار و شهادت - که سرچشمه کوشش شهادت در انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد - پرداخته شده است و در این فصل قیام عاشورا به عنوان تبلور فرهنگ شهادت جایگاه ویژه‌ای یافته است. هر چند مجموعه مباحث مربوط به قیام عاشورا در مجلد جداگانه‌ای از طرف این مؤسسه منتشر شده است، ولی بخشی از آن مجموعه نیز در این فصل آورده شده است.

فصل پنجم به ایام الله خونبار در انقلاب اسلامی ایران اختصاص دارد. در **فصل ششم**، اسوه‌های شهادت عصر حاضر از زبان امام معرفی شده‌اند؛ لازم است اشاره کنیم در این فصل منحصراً به ذکر مباحثی پرداخته‌ایم که حضرت امام بعد از شهادت آن عزیزان مطرح کرده‌اند و از آوردن مطالبی که مربوط به قبل از شهادت آنان بوده خودداری شده است.

فصل هفتم به فتاوا و استفتائات مربوط به احکام شهید و شهادت اختصاص دارد و از مجموعه استفتائات، صرفاً به آن دسته که حاوی حکم و نظر معینی بوده اکتفا شده است. لذا سؤالات و پاسخهایی که مضمون نسبتاً مشابهی داشته‌اند حذف گردیده است.

در تنظیم این مجموعه حتی الامکان کوشیده‌ایم عبارتها را با توجه به پیام صریح و اصلی آنها ذیل نزدیکترین عنوان انتخابی بیاوریم و از تکرار آنها در سایر عناوین خودداری کنیم؛ به همین دلیل در بسیاری از موارد ممکن است مطلبی که ذیل یک عنوان خاص آمده است، حاوی پیامی مربوط به عنوان دیگر نیز باشد که به استثنای موارد معدود، در عنوان بعدی تکرار نشده است؛ لذا محققین محترم برای احصای نقطه نظرات حضرت امام در خصوص هر عنوان نمی‌توانند به موارد ذکر شده ذیل همان

عنوان اکتفا نمایند بلکه مراجعه به سایر عناوین این مجموعه اجتناب‌ناپذیر است. علاوه بر انتخاب عناوین و سرفصلهای مطالب این کتاب، برای هر یک از قطعات منتخب نیز جمله یا عنوانی در نظر گرفته شده است که عبارت آن لزوماً عین عبارت حضرت امام نیست، هر چند کوشش شده است به تعبیر امام نزدیک باشد؛ لذا خوانندگان و محققان محترم باید توجه داشته باشند که عناوین هر یک از قطعات منتخب که با حروف سیاه نگاشته شده است از تنظیم‌کنندگان این مجموعه می‌باشد و نباید به حضرت امام منتسب گردد.

در تنظیم قطعات منتخب داخلی هر یک از فصول و عناوین فرعی، ترتیب و توالی تاریخی صدور آنها از طرف حضرت امام ملاک بوده است، نه توالی منطقی مطالب. از آنجا که حضرت امام در مباحث خود پیرامون حوادث خونبار هفتم تیر و هشتم شهریور ۱۳۶۰ به شخصیت شهدای برجسته این دو حادثه اشارات مکرری دارند، آوردن مطالب مربوط به این حوادث و شهدای آن به طور مجزا مقدور نبود؛ لذا مطالب مورد نظر، ذیل حوادث مذکور آورده شد و در فصل مربوط به هر یک از اسوه‌های شهادت، مباحث مربوط به شهید بهشتی، شهید محمدمنتظری، شهید رجایی و شهید باهنر، به آن مباحث ارجاع داده شد.

از خداوند متعال می‌خواهیم تا حضرت روح‌الله، امام شهیدان انقلاب اسلامی را در جوار سیدالشهداء، حضرت حسین بن علی - علیه‌السلام - و دیگر صالحان و شهیدان، میزبان فرزندان ایثارگر خود قرار دهد و به ما نیز توفیق شرکت در این محفل انس را عنایت فرماید.

معاونت پژوهشی

مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س)

فصل اول

فرهنگ شهادت

- مفهوم ایثار و شهادت
- مقام شهدا
- اهداف شهدا و ایثارگران
- آثار و برکات خون شهدا و مجاهدین
- روحیات شهدا و ایثارگران
- ادعیه و ابراز عواطف و همدلی امام
- نسبت به شهدا

مفهوم ایثار و شهادت

بر همه اقشار ملت تکلیف الهی و وجدانی است که با اتحاد کلمه بدون هراس از قدرتها و ابرقدرتها، هدف اسلامی خود را تعقیب، و گلوی این ستمگر تاریخ^۱ را بفشارند، و با قاطعیت و جدیت به سوی هدف پیش روند، که وعده خداوند به مستضعفین نزدیک است، و کشتن و کشته شدن در راه خدا سرفرازی است. (۱)

۵۷/۸/۱۶

* * *

من شهادت در راه حق و اهداف الهی را افتخار جاودانی می دانم. (۲)

۵۷/۹/۱

* * *

من نمی توانم باور کنم که کسی مبادی معنوی نداشته باشد و برای مردم کوشش کند. من اصلاً باورم نمی آید. آنهایی که مبادی

کشته شدن در راه
خدا سرفرازی
است

شهادت افتخار
است

۱. محمدرضا پهلوی، آخرین شاه ایران.

معنوی دارند، آنهایی که خدا قائلند، آنهایی که جزا قائلند، آنهایی که عطا قائلند، اینها تعقل دارد که یک کسی خودش را، جان خودش را بدهد یک جان بالاتر بگیرد؛ همه چیزش را بدهد و از خدا زیادتیر، آنقدری که هیچ چشمی نمی‌تواند ببیند و هیچ گوشی نمی‌تواند بشنود بگیرد. این یک امری است معقول که ما عبا بدهیم صدتا عبا بگیریم. یک جانی که توی این کالبد محبوس است بدهیم آزاد بشویم، یک جانی که الهی است، آزاد است، محیط است، همه چیز است، اراده‌اش فعال است، می‌گوید بشو می‌شود، هر چیز و هر چه بخواهد می‌شود، یک همچو چیزی بگیرد. این معقول است که انسان در اینجا فداکاری کند جان بدهد؛ اما آن کسی که این مبادی را ندارد، یا بسیار احمق است یا دروغ است مطلب. من می‌گویم دروغ است مطلب؛ تعمیه است. اینکه من برای مردم، برای توده دارم زحمت می‌کشم. (۳)

اعتقاد به معنویت
پشتوانه شهادت
است

۵۷/۱۱/۱

* * *

در این دل‌های شب با خدای تبارک و تعالی مناجات کنید. از خدا بخواهید که شما را توفیق بدهد، توفیق شهادت بدهد، توفیق عزت بدهد. شهادت عزت شماست. شما نترسید از هیچ چیز. (۴)

شهادت عزت
شماست

۵۷/۱۲/۱۴

* * *

اگر نفس خودتان را تصفیه کردید، باک از هیچ چیز نداشته باشید. مردن چیز سهلی است، چیز مهمی نیست. این است که حضرت امیر - سلام الله علیه - مولای همه می‌فرمود که من به موت آنقدر

شهادت، سعادت
همیشگی

فرهنگ شهادت □ ۵

انس دارم که بیشتر از انسی که بچه به پستان مادرش دارد.^۱ برای اینکه او فهمیده بود که دنیا چیست و ماورا چیست؛ فهمیده بود که موت یعنی چه. موت حیات است. ما شهید دادیم لکن شهیدان ما زنده‌اند؛ پیش خدا زنده‌اند، آنجا رزق می‌خورند؛ ابدی هستند آنها. و ما هم از خدا می‌خواهیم که موفق به شهادت بشویم. یک آن است و سعادت همیشگی. زحمت یک آن، سعادت همیشگی دنبالش؛ سعادت همیشگی. (۵)

۵۷/۱۲/۱۴

* * *

شهادت برای مُسَلَم، برای مؤمن سعادت است؛ جوانهای ما شهادت را سعادت می‌دانند؛ این رمز پیروزی است. آنها که مادی هستند و مادیگر، آنها هرگز شهادت را نمی‌خواهند ولی جوانان ما شهادت را سعادت خودشان می‌دانند، اول راحت خودشان می‌دانند. این رمز پیروزی بود. آنها که گمان کردند می‌توانند در این برهه از زمان بین جوانان من، بین جوانان ما، بین عزیزان ما اختلاف بیندازند در اشتباهند. جوانان ما همه به اسلام متوجهند؛ همه با ایمان راسخ به پیش می‌روند. (۶)

شهادت سعادت
است

۵۸/۲/۵

* * *

یکی از فرقهای مکتب اسلام، مکتب توحید، با مکتبهای انحرافی، مکتبهای الحادی، این است که رجال این مکتب، شهادت را برای

۱. «وَاللَّهِ لَا بِنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَسَ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِنْدَى أُمِّهِ»؛ نهج البلاغه؛ خطبه پنجم.

خودشان فوز عظیم می دانند: **يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً**^۱ از شهادت استقبال می کنند، چون قائل هستند به اینکه، ما بعد این عالم طبیعت، عالمهای بالاتر و نورانیتر از این عالم است. مؤمن در این عالم در زندان است، و بعد از شهادت از زندان بیرون می رود. این یکی از فرقهایی است که بین مکتب ما، مکتب توحید، با سایر مکتبهاست. جوانهای ما شهادت را طالبند. علمای متعهد ما برای شهادت پیشقدم می شوند. آنهایی که به خدا اعتقاد ندارند و به روز جزا، آنها باید بترسند از موت؛ آنها از شهادت باید بترسند. ما و شاگردان مکتب توحید از شهادت نمی هراسیم؛ نمی ترسیم. بیایند امتحان کنند؛ چنانکه امتحان کردند. (۷)

شهادت رهایی از
زندان است

۵۸/۲/۱۴

* * *

ما شهادت را برای خودمان حیات می دانیم. دوستان ما شهادت را برای خودشان زندگی می دانند. مکتب اسلام اینطور است. این مکتب اسلام است که شهادت را زندگی می داند. این مکتب اسلام است که این بچه را پیش من می نشاند و از حلقوم او می شنویم که ما برای شهادت حاضریم. (۸)

ما شهادت را
حیات می دانیم

۵۸/۲/۱۵

* * *

اسلام است که این پیروزی را حاصل کرده، شهادت است که این پیروزی را حاصل کرده شهادت هم حفظ اسلام است. از اول، اسلام با شهادت پیش برده، حالا هم که می بینید که جوانهای ما

شهادت عامل
پیروزی است

۱. «ای کاش من با ایشان بودم و به رستگاری عظیم می رسیدم»؛ (نساء / ۷۳).

فرهنگ شهادت □ ۷

شهادت را می‌خواهند. همین امروز هم، که من این بیرون ایستاده بودم، یک جوان برومندی فریاد می‌کرد از آنجا که، «شما دعا کنید که من شهید بشوم». این حس بود که اینها را، ما را، پیش برد. این حس شهادت بود، و این حس جلو آمدن برای اسلام و شهادت بود که ما را به پیروزی رساند. (۹)

۵۸/۳/۱۱

* * *

نظامی اسلامی شهادت را برای خودش زندگی می‌داند. کسی که شهادت را زندگی دانست برای خودش، زندگی ابدی دانست برای خودش، این در مقابل غیر می‌ایستد و آخر نفس را می‌کشد و شهادت طلب می‌کند. (۱۰)

شهادت زندگی
است

۵۸/۳/۲۳

* * *

بدخواهان ما گمان نکنند که جوانهای ما از مُردن، از شهادت، باکی دارند. شهادت ارثی است که از اولیای ما به ما می‌رسد. آنها باید از مردن بترسند که بعد از موت را فنا می‌دانند. ما که بعد از موت را حیات بالاتر از این حیات می‌دانیم چه باکی داریم. (۱۱)

شهادت، میراث
اولیا

۵۸/۶/۲

* * *

برادران من! خواهران من! عزیزان من! مصمم باشید؛ از ترور نترسید، از شهادت نترسید؛ و نمی‌ترسید. شهادت عزت ابدی است، حیات ابدی است. آنها از شهادت بترسند و از مردن بترسند

شهادت عزت ابدی
است

که مردن را تمام می‌دانند و انسان را فانی. ما که انسان را باقی می‌دانیم و حیات جاودانه را بهتر از این حیات مادی می‌دانیم برای چه بترسیم؟! (۱۲)

۵۸/۲/۲۰

* * *

مشاهده معلولین، مشاهده مادرهای داغدیده، پدرهای فرزند از دست داده، برادرهای برادر کشته شده، و بالاخره شهادایی که در راه اسلام از دست رفته‌اند، برای ما هر روز یک روز عاشورا است. و من نمی‌دانم چه طور از شما برادرها و خواهرها که عزیزان خودتان را - که عزیزان ما هم بودند - از دست دادید، چه طور تسلیت بگوییم؛ و چه طور عذرخواهی کنم. شما می‌دانید که اسلام آنقدر عزیز است، آن قدر بزرگ است، که پیغمبر اسلام و اهل بیت آن بزرگوار هستی خودشان را، همه چیز خودشان را، در راه اسلام فدا کردند. ما هم که پیرو آیین مقدس اسلام هستیم و پیرو پیغمبر اسلام و ائمه اسلام هستیم اگر یک مقداری فداکاری کنیم و در راه اسلام همان طور که آنها فداکاری کردند ما هم فداکاری کنیم این برای ما هر چند سخت باشد، لکن یک آسایش فکری است. (۱۳)

۵۸/۷/۹

* * *

شهادت در راه خداوند زندگی افتخارآمیز ابدی و چراغ هدایت برای ملت‌هاست. (۱۴)

۵۸/۸/۱۱

* * *

فداکاری در راه
اسلام آسایش
فکری است

شهادت چراغ
هدایت ملت‌هاست

فرهنگ شهادت □ ۹

شهادت یک هدیه‌ای است از جانب خدای تبارک و تعالی برای آن کسانی که لایق هستند. (۱۵)

شهادت هدیه الهی است

۵۸/۸/۱۱

* * *

ملت ۳۵ میلیونی ما با مکتبی بزرگ شده‌اند که شهادت را سعادت و فخر می‌دانند و سروجان را فدای مکتب خود می‌کنند. (۱۶)

شهادت فخر ملت ماست

۵۹/۲/۵

* * *

ما شهادت را یک فوز عظیم می‌دانیم و ملت ما هم شهادت را به جان و دل قبول می‌کند و از جنگ نخواهیم هراسید و مرد جنگ هستیم، لکن مایل نیستیم به اینکه جنگ واقع بشود. (۱۷)

شهادت فوز عظیم است

۵۹/۷/۱۷

* * *

انسان که باید این راه را برود و مردنی است، چه بهتر که این سعادت را تحصیل کند و امانت را به صاحب امانت بسپرد؛ موت اختیاری؛ شهادت؛ رسیدن به خدا در لباس شهید و با ایده شهادت. در بستر مردن، مردن است و چیز نیست، لکن در راه خدا رفتن شهادت است و سرفرازی و تحصیل شرافت برای انسان و برای انسانها. (۱۸)

شهادت «در راه خدا رفتن» است

۶۰/۱/۱۳

* * *

ما از خدا هستیم همه، همه عالم از خداست، جلوه خداست و همه عالم به سوی او برخواهد گشت. پس چه بهتر که برگشتن اختیاری باشد و انتخابی و انسان انتخاب کند شهادت را در راه خدا و انسان اختیار کند موت را برای خدا و شهادت را برای اسلام. (۱۹)

۶۰/۱/۱۳

* * *

مگر شهادت ارثی نیست که از موالیان ما که حیات را عقیده و جهاد می دانستند و در راه مکتب پرافتخار اسلام با خون خود و جوانان عزیز خود از آن پاسداری می کردند به ملت شهیدپرور ما رسیده است؟ مگر عزت و شرف و ارزشهای انسانی، گوهرهای گرانبهایی نیستند که اسلاف صالح این مکتب، عمر خود و یاران خود را در راه حراست و نگهداری از آن وقف نمودند؟ (۲۰)

۶۰/۴/۹

* * *

ما برای چه نگرانی داشته باشیم؛ مایی که به تکلیف خودمان داریم عمل می کنیم؟ نگرانی آن باید داشته باشد که بر خلاف مسیر حق است. آن باید نگرانی داشته باشد که چنانچه کشته بشود، به عقیده خودش این است که نابود شده است و به عقیده ما این است که به جهنم رفته است. ما چرا نگرانی داشته باشیم؟ ما که اگر شهید بشویم، قید و بند دنیا را از روح برداشته ایم و به ملکوت اعلی و به جوار حق تعالی رسیده ایم، چرا نگران باشیم؟ مگر مردن هم نگرانی دارد؟ مگر شهادت هم نگرانی دارد؟ ما دوستانمان که شهید شده اند، در جوار رحمت حق هستند؛ چرا برای اینها دلتنگ

شهادت بازگشتی
انتخاب شده است

شهادت میراث
اولیاست

شهادت آزادی
روح است

باشیم؟ دل‌تنگ باشیم که از یک قید و بندی خارج شده‌اند و به یک فضای وسیع و در تحت رحمت حق تعالی واقع شده‌اند؟ (۲۱)

۶۰/۴/۱۰

* * *

گمان ندارم کسی بتواند ادعا کند که ملتی جز ملت عظیم الشان ایران از کوچک و بزرگ و زن و مرد سراسر کشور اینگونه پشتیبان قوای مسلح خود باشند و ایثارگر و داوطلب به جبهه‌های جنگ برای فداکاری و شهادت سبقت گیرند. و گمان ندارم هیچ معیاری جز عقیده به مکتب و ایثار در راه خدا و هدف معنوی قادر به حل این معما باشد. (۲۲)

هدف معنوی، رمز
معمای شهادت
است

۶۱/۱/۲۹

* * *

از اول که این نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید همه قشرهای ملت قوای نظامی و انتظامی و چه پاسداران عزیز و چه جهاد سازندگی و چه کمیته‌ها، همه قشرهای ملت با هم دست برادری دادند و به پیش رفتند. چقدر شهید دادند و چقدر مجروح دادند، و چه خانواده‌هایی جوانهای خودشان را در راه اسلام از دست دادند، لکن نباید ما بگوییم که از دست دادند. آنکه محفوظ است، آنکه برای همه محفوظ است، آن خدمتی است که در راه اسلام، و آن خونی است که در راه اسلام ریخته شود. اسلام از اول برای همین امر قیام کرده است که به این مستمندان عالم در مقابل ستمگران خدمت کند، و این ستمگران را به جای خود بنشانند، و شما اشخاصی هستید که پیرو یک همچو اسلام عزیز هستید و به

خون شهید محفوظ
است

این پیروی باید ادامه بدهید. (۲۳)

۶۲/۳/۱

* * *

بکوشید تا حجاب خودیت را بردارید، و جمال جمیل او - جل و علا - را ببینید. آنگاه است که هر مشکلی آسان و هر رنج و زحمتی گوارا؛ و فدا شدن در راه او اَحلی از غسل، بلکه بالاتر از هر چیز، به گمان آید. (۲۴)

۶۲/۱۱/۲۲

* * *

اذناب امریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسأله‌ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است. نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی اینها خیالات باطل ملیگراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است. (۲۵)

۶۷/۴/۲۹

* * *

مقام شهدا

شما که برای اسلام بپا خاسته‌اید و جان و مال نثار می‌کنید، در صف شهدای کربلا هستید؛ چرا که پیرو مکتب آنانید. (۲۶)

۵۷/۸/۴

شهادت از غسل
شیرین تر است

شهادت اوج بندگی
است

شهدا در صف
شهدای کربلا
هستند

ممکن است که انسان تخیل بکند که ما رفتیم به جنگ با کفار-مثلاً- و کشتیم، کشته شدیم؛ خیال بکند که این ضرر است؛ لکن این ضرر نیست، کشته‌ها پیش خدا زنده‌اند. اجرهایی که آنجا هست ربطی به این عالم ندارد. اینکه برای خداست، همیشه نفع دارد؛ همیشه از خسارت محفوظ است. مردهای تاریخ بسیاریشان تنها ایستادند در مقابل قدرتها. (۲۷)

۵۷/۸/۲۸

* * *

من به جوانان عزیز و غیوری که جان خود را نثار راه دوست کرده‌اند، حسرت می‌برم. (۲۸)

۵۷/۹/۱

* * *

من نمی‌دانم با چه بیانی از این جوانهایی که در طول این مدت فداکاری کردند تشکر کنم. آنقدری که می‌توانم عرض کنم این است که این مطلب برای خداست و ما هم از خدا هستیم؛ **إِنَّا لِلَّهِ**، و به سوی او هم می‌رویم؛ دیر و زود خواهیم رفت؛ و چه بهتر که در این راهی که داریم قهراً به آن طرف می‌رویم با یک توشه باشد. و آن توشه توشه توحید است؛ توشه خدمت به اسلام است.

من نمی‌توانم برای - خدمتگزاری - جوانی که برای خدمتگزاری به اسلام شب تا صبح، شب زنده داری می‌کند، در حال خطر واقع می‌شود، مجاهده می‌کند، ارزش برای این ما نمی‌توانیم حساب بکنیم که ارزش این چقدر است، اجرت این چقدر است، مگر غیر از خدا می‌تواند کسی به این اعمال پاداش

شهادت همیشه از خسارت محفوظ است

من به شهیدان حسرت می‌برم

شهادت از خدا هستند

بدهد؟ مگر طبیعت و زینتهای طبیعت، پاداش یک موجودی است که برای خدا قیام کرده است و برای خدا خودش را به خطر انداخته است؟! آن چیزی که دل ما را خوش می‌کند این است که برای شما پیش خدای تبارک و تعالی یک حسابی باز است و الا ما نمی‌توانیم از شماها تشکر کنیم یا خدای نخواستہ به شما اجر بدهیم. ما همچو قدرتی نداریم، آنچه هست این است که شما از خدا هستید، برای خدا هم کار کردید و خدا هم اجر شما را می‌دهد. اجری که خدا می‌دهد، آن ارزش دارد، ارزش عمل شما آن است که خدا به شما می‌دهد **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ**^۱ جنت، آن جنتی که لقای خداست، جنتی که لقای دوستان خداست؛ آن برای شما کافی است. (۲۹)

۵۸/۶/۲۶

* * *

شهادتی که نور انقلابمان، و خواهران و برادران معلولی که سرمایه انقلاب اسلامی ما هستند. (۳۰)

شهدا نور انقلابند

۵۸/۱۱/۲۲

* * *

من باید یک تسلیت به سرتاسر ایران و تبریک عرض کنم. و خصوصاً به خوزستان و بالاخص به دزفول تبریک عرض کنم برای اینکه، آنطور روح مقاومت دارند، و آنطور مردانه قیام کردند و مشغول به مقابله با دشمن هستند، و تسلیت به کسانی که جوانهایشان را از دست دادند. و ما همه هستیم. همه شریک

شهدا برای اسلام
هستند

هستیم، جوانها مال همان تنها پدر و مادرها نبود. جوانها مال اسلام بود. پیغمبر اسلام تسلیت به شما می‌گوید. مصیبت بر اسلام وارد شده. از آنها تشکر کنم به اینکه برای اسلام خوب قیام کردید و اجر شما با اسلام است. با خدای اسلام است.

و تشکر کنم از همه قوای مسلحه‌ای که در این جنگ بین اسلام و کفر، قیام به وظیفه کردند و خوب هم قیام کردند. شهید دادند و خرابی برای مملکت‌مان وارد شد. اینها هم شهید دادند و کوشش کردند و مردانه قیام کردند. از آنها هم همه و از همه رده‌های بالایی که - بالا و پایین ما نداریم ان شاء الله - برادرهایی که در این مسائل وکیل بودند رفتند آنجا، نخست وزیر است - نمی‌دانم - رئیس جمهور است، امام جمعه است همه اینها که مشغولند به این خدمت و صادقانه هم مشغولند، از آنها تشکر کنم، و ملت ما باید قدردانی بکنند از آنها. اینها برادرهای شما و ما هستند که در جبهه‌ها رفتند و شهید می‌دهند و جدیت می‌کنند، و ان شاء الله پیروز می‌شوند. کسانی که بر ضد اسلام هستند، به جای خودشان می‌نشانند. (۳۱)

۵۹/۸/۶

* * *

جوانهای مایی که برای خدا دارند جنگ می‌کنند، اجرشان با خداست. امکان دارد که یک کسی برای خدا کار بکند و خدای تبارک و تعالی، به او عنایت نداشته باشد؟! شهیدشان با همان شهدای صدر اسلام ان شاء الله، محشور است، و قدرتمند هستید. (۳۲)

۵۹/۸/۱۲

شهیدان با شهدای

صدر اسلام

محشورند

شهادت بالاترین
فضل است

خدمت به شهید ارزشش بیشتر از همه خدمتهاست. معلولی که جان خودش را در دست گرفته و تقدیم کرده است لکن موفق نشده است به شهادت، آن هم فداکاری خودش را کرده است. شما که خدمت به شهید می‌کنید و بنیاد شما که بنیاد شهید است، قدر این بنیاد را بدانید و قدر این خدمت را بدانید. برای کم کسی اینطور مطلبی که برای شهید گفته شده است برای کم کسی هست. آنها را قرین انبیا قرار داده‌اند. خدمت شما به آنها خدمت به نبی اکرم است. خدمت به انبیاست. بدانید که شما در راه شهید دارید خدمت می‌کنید. و بنیاد شما بنیاد شهید است. و شهید، افضل است. شهادت از همه چیزها [افضل است] و باز در روایتی^۱ است که هر خوبی بالاتر از او هم خوبی هست تا برسد به قتل در راه خدا؛ شهادت در راه خدا. بالاتر از او دیگر خوبی در کار نیست. و معلوم [است] نکته‌اش برای اینکه، کسی که همه چیزش را برای خدا تقدیم کرده است و حیات که بالاترین سرمایه است برای او در این عالم تقدیم کرده است. دیگر از این برّ و از این خوبی بالاتر نمی‌شود باشد. شما خدمت می‌کنید به انسانهایی و به کسانی که وابسته هستند به این شهدا و شهدا به آنها علاقه دارند. و الآن هم شهید هستند نسبت به آنها، و خدمت شما ارزشمندترین خدمتهاست که تصور می‌شود، به حسب اینطور روایات. (۳۳)

۵۹/۱۰/۲۰

* * *

شهادت نظر می‌کند به وجه‌الله
در روایتی از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - نقل شده است که برای شهید هفت خصلت است که اولی آن عبارت است

۱. بحارالانوار؛ ج ۷۴، ص ۶۰.

از اینکه اول قطره‌ای که از خون او به زمین بریزد تمام گناہانی که کرده است آمرزیده می‌شود. و مهم آن، آخرین خصلتی است که می‌فرماید. می‌فرمایند که - به حسب این روایت - که شهید نظر می‌کند به وجه الله و این نظر به وجه الله راحت است برای هر نبی و هر شهید. شاید نکته این باشد که حجابهایی که بین ما و حق تعالی هست و وجه الله است و تجلیات حق تعالی هست، تمام این حجابها منتهی می‌شوند به حجاب خود انسان. انسان خودش حجاب بزرگی است که همه حجابهایی که هست، چه آن حجابهایی که از ظلمت باشند و آن حجابهایی که از نور باشند منتهی می‌شود به اینکه حجابی که خود انسان است. ما خودمان حجاب هستیم بین خودمان و وجه الله. و اگر کسی فی سبیل الله و در راه خدا این حجاب را داد، این حجاب را شکست، و آنچه که داشت که عبارت از حیات خودش بود تقدیم کرد، این مبدأ همه حجابها را شکسته است، خود را شکسته است، خودبینی و شخصیت خودش را شکسته است و تقدیم کرده است. و چون برای خدا جهاد کرده است و برای خدا دفاع کرده است از کشور خدا و از آئین الهی و هرچه داشته است در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم کرده است، خود را داده است، این حجاب شکسته می‌شود. شهدا، شهادی که خدای تبارک و تعالی و در سبیل خدای تبارک و تعالی و راه خدای تبارک و تعالی جان خودشان را تقدیم می‌کنند، و آنچه که در دستشان است و بالاترین چیزی است که آنها دارند تقدیم خدا می‌کنند، در عوض خدای تبارک و تعالی این حجاب که برداشته شد جلوه می‌کند برای آنها، تجلی می‌کند برای آنها. چنانچه برای انبیا هم چون همه چیز را در راه خدا می‌خواهند، و آنها خودی را نمی‌بینند و خود را از خدا می‌بینند، و

برای خودشان شخصیتی قائل نیستند، حیثیتی قائل نیستند در مقابل حق تعالی. آنها هم حجاب را برمی دارند. فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا^۱ تجلی می کند خدای تبارک و تعالی در کوه طور و یا در جَبَلِ انبیت خود موسی و موسی «صَعَق» [برایش پیش می آید]. آنها در حال حیات، انبیا و اولیا نظیر انبیا و تالی تلو انبیا در زمان حیاتشان آن چیزهایی که حجاب بوده است بین آنها و بین حق تعالی می شکنند و صَعَق برای آنها حاصل می شود و موت اختیاری برای آنها حاصل می شود. خدای تبارک و تعالی بر آنها تجلی می کند، و نگاه می کنند به حسب آن نگاه عقلی، باطنی و روحی و عرفانی، و ادراک می کنند و مشاهده می کنند جلوه حق تعالی را، و شهید هم به حسب این روایتی که وارد شده است، نظیر انبیا، وقتی که شهید شد چون همه چیز را در راه خدا داده است، خدای تبارک و تعالی جلوه می کند به او و آن هم «يَنْظُرُ إِلَيَّ» جلوه خدا، الی وَجْهِ اللَّهِ این آخر چیزی است که برای انسان، آخر کمالی است که برای انسان هست. در این روایتی که در کافی نقل شده است، در این روایت، انبیا را مقارن شهدا قرار داده است که در جلوه ای که حق تعالی می کند بر انبیا همان جلوه را هم بر شهدا می کند. شهید هم يَنْظُرُ إِلَيَّ وَجْهِ اللَّهِ و حجاب را شکسته است. همان طوری که انبیا حجابها را شکسته بودند. و آخر منزلی است که برای انسان ممکن است باشد. مژده داده اند که برای شهدا این آخر منزلی که برای انبیا هم هست، شهدا هم به حسب حدود وجودی خودشان به این آخر منزل می رسند. (۳۴)

۵۹/۱۰/۲۰

* * *

من به شما اهالی خوزستان و سایر مرزنشینانی که مورد تهاجم واقع شدید تبریک عرض می‌کنم و تذکر می‌دهم به شما دو جمله از کتاب خدا را: **لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَيْكُمْ**.^۱ این تعلیم خدای تبارک و تعالی است به انسانها از اول تا آخر که در پیشامدها چنانچه پیشامدی بود که برای شما ضرری داشت، به حسب ظاهر و چشمهای ظاهربین، شما محزون نباشید، که اینها ضرر نیست. نه تأسف بخورید و نه محزون باشید. برای آن چیزی که از دستتان رفته است؛ برای اینکه بظاهر از دست رفته است و در واقع آنها باقی هستند و برای شما شرافت تحصیل کرده‌اند و نه فرحناک باشید برای چیزهایی که به دست می‌آید از دنیا؛ برای آنکه آنچه از دنیاست فانی است و آنچه برای خدا تقدیم می‌شود باقی و ابدی است. و این شهدا زنده هستند و در پیش خدای تبارک و تعالی: **عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ**.^۲ آنها الآن در درگاه خدای تبارک و تعالی روزیهای معنوی و روزیهای همیشگی را به آن نایل شدند و آنچه که از خدا بود تقدیم کردند و آنچه که داشتند و آن جان خودشان بود، تسلیم کردند و خدای تبارک و تعالی آنها را پذیرفته است و می‌پذیرد و ماها عقب ماندیم. ما باید تأسف بخوریم که نتوانستیم این راه را برویم. آنها پیشقدم بودند و رفتند و به سعادت خود رسیدند و ما عقب ماندیم و نتوانستیم در این قافله سیر کنیم و در این راه راهرو باشیم....

خداوند تمام شهدای راه اسلام را و تمام کسانی که در راه اسلام معلول شدند، در راه اسلام خانمان خودشان را از دست دادند، در راه اسلام به آوارگی رسیده‌اند، خداوند تمام آنها را به

۱. حدید / ۲۳.

۲. آل عمران / ۱۶۹.

سعادت‌های ابدی برساند. این مصیبت‌ها بر همه ما وارد است و آن شرافتی که این جوانها تحصیل کردند برای انسانیت است، شرافت انسانی است. ارزش انسانی را اینها به ثبوت رساندند؛ خدایشان رحمت کند و خدایشان بپذیرد. و من به تمام بازماندگان این شهدا، به همه آنها، هم تسلیت عرض می‌کنم و هم تبریک. مبارک باد بر اهالی خوزستان و بر اهالی جنوب و غرب این خدمتگزاری و این جان‌نثاری و این پایداری. (۳۵)

۶۰/۱/۱۳

* * *

بگذار این ددمنشان که جز به «من» و «ما»های خود نمی‌اندیشند و **يَاكُلُوْنَ كَمَا تَأْكُلُ الْاَنْعَامُ**^۱ عاشقان راه حق را از بند طبیعت رهانده و به فضای آزاد جوار معشوق برسانند. (۳۶)

۶۰/۴/۹

* * *

امروز ما مفتخر هستیم به توده‌های عظیم متعهد به اسلام عزیز و جوانان غیرتمند و رزمنده که از اول انقلاب شجاعانه قیام کرده‌اند و ندای حق را اجابت کردند و گروه کثیری از آنان به لقاءالله که آمالشان بود، رسیده، و گروه عزیز دیگر که سلامت خود یا اعضای گرانقدر خود را در راه اسلام و هدف از دست داده‌اند و با چهره‌های بشاش و نورانی با آنان مواجه هستیم. و نیز مفتخریم که مادران دلیری که عزیز از دست داده‌اند و پدران عزیزی که جوانانشان شهید شده‌اند آنچنان با ما برخورد می‌کنند که گویی

شهدا به جوار
معشوق می‌رسند

وصیتنامه شهدا
سند ایمان است

عروسی عزیزان و جوانانشان را جشن می‌گیرند. و اینجانب هر وقت با این عزیزان معظم برخورد می‌کنم یا وصیتنامه انسان‌ساز شهیدی را می‌بینم احساس حقارت و زبونی می‌کنم. اینان سند ایمان و تعهدشان را به اسلام در دست دارند، و قبور شهدا و اجساد و ابدان معلولان، زبان‌گویایی است که به عظمت روح جاوید آنان شهادت می‌دهد، و شکایتی اگر دارند از آن است که به فیض شهادت نرسیده‌اند و یا در حالی که به ثواب شهادت رسیده‌اند، می‌نالند که چرا نمی‌توانند برای دفاع به جبهه‌ها برگردند، و فریاد «جنگ جنگ تا پیروزی» را سر می‌دهند. (۳۷)

۶۰/۱۱/۲۱

* * *

اینجانب هر وقت با یکی از این چهره‌ها روبه‌رو می‌شوم و عشق او را به شهادت در بیان و چهره نورانی‌اش مشاهده می‌کنم احساس شرمساری و حقارت می‌کنم. و هر وقت در تلویزیون، مجالس و محافل این عزیزان که خود را برای حمله به دشمن خدا مهیا می‌کنند، و مناجات و راز و نیازهای این عاشقان خدا و فانیان راه حق را در آستانه هجوم به دشمن می‌نگرم که با مرگ دست به گریبان هستند و از شوق و عشق در پوست نمی‌گنجند، خود را ملامت می‌کنم و بر حال خویش تأسف می‌خورم. (۳۸)

۶۱/۱/۱۰

* * *

شما جان خودتان را فدا می‌کنید، و بسیار اشخاص هم هستند که در راههای انحرافی باز هم این کار را می‌کنند. صورت عمل، یک

شهدا عاشق خدا
هستند

صورت است، لکن معنی دو و محتوا دو است، میزان محتوای عمل است، نه صورت عمل. شمشیر علی بن ابیطالب - سلام الله علیه - و فرود آوردن شمشیر و به دشمن، آن شمشیر را ضربه زدن و او را کشتن، این امری است که در همه جا واقع می شود و بسیاری از اشخاص این عمل را کرده اند و می کنند. ارزش به اینها نیست، ارزش به آن است که در قلب علی بن ابیطالب چه می گذشته است و مرتبه اخلاص او چه اندازه بوده است. (۳۹)

۶۱/۱/۲۸

* * *

تمام افرادی که در جبهه ها به جنگ مشغولند و تمام کسانی که جان خودشان را فدای اسلام می کنند، همه اینها در محضر خدای تبارک و تعالی هستند و اجر هیچ یک از افراد ضایع نخواهد شد. چیزی که برای خداست، باقی است: **مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ**^۱. هر چیزی که از ماست، اینها از بین می رود و آن چیزی که برای خداست و تقدیم به محضر خداست او باقی می ماند. (۴۰)

۶۱/۵/۱۷

* * *

زبانها و قلمها در توصیف جوانان و نوجوانان، پیران و سالخوردگان عزیزی که خون پاک خود و سلامت خویشان را فدا کردند تا اسلام، زنده و کشور، پاینده بماند، و از شر دشمنان خونخوار آزاد شود، عاجزند. و نیز عاجزند که به پدران و مادران دلیری که چنین

ارزش شهادت به
مرتبه اخلاص
وابسته است

شهادت در محضر
خدا هستند

شهادت، مشمول
عنایات بی پایان
خداوند

فرزندانی را تربیت کردند و به اسلام تقدیم نمودند دل‌داری دهند، و از خواهران و برادرانی که در جوار آنان بودند دلجویی نمایند. اینان مشمول عنایات و رحمت‌های بی‌پایان خداوند، در جوار اولیای عظیم‌الشان، با سعادت در دنیا و آخرت قرینند، خدایشان رحمت و برکت دهد.

درود بی‌پایان به روح پاک شهیدان راه حق، و سلام فراوان بر آسیب‌دیدگان و آوارگان در جبهه‌های دفاع از اسلام و ایران اسلامی، و درود و سلام بر بازماندگان شهدا و خانواده‌های آسیب‌دیدگان، و سلام خداوند و انبیا و اولیای او بر بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء. (۴۱)

۶۱/۶/۳۱

* * *

از شهیدان ارجمندی که خداوند تعالی در شأن آنان کلمه بزرگ *أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ* را فرموده است، بشری قاصر مثل من چه تواند گفت. آیا بار یافتن نزد خداوند و ضیافت مقام ربوبی از آنان را می‌توان با قلم و بیان و گفت و شنود توضیح داد؟ آیا این همان مقام *فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي*^۱ نیست که حدیث شریف بر سید شهیدان و سرور مظلومان منطبق نموده است؟ آیا این جنت همان است که مؤمنان در آن راه دارند، یا لطیفه الهی آن است؟ آیا این بار یافتن و ارتزاق نزد رب الارباب همان معنی بشری آن است، یا رمزی الهی و والاتر و فوق برداشت بشر خاکی؟
بارالها، این چه سعادت عظیمی است که نصیب بندگان خاص خود فرمودی که ما از آن محرومیم. اکنون من به مادران و پدران

قلم قاصر ما در
وصف شهیدان چه
توانند گفت

مربی این بندگان خاص خدا و همسران و بازماندگان این عزیزان به
جای تسلیت، تبریک عرض می‌کنم. **يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً
عَظِيماً**^۱ (۴۲)

۶۱/۹/۲۰

* * *

با فرا رسیدن یوم الله، روز بیست و دوم بهمن سالروز شکست
باطل و جنود ابلیسی به دست حق طلب جندالله، ماها و نویسندگان
و گویندگان و سخنوران اگر بخواهیم ارزش عمل این شهیدان و
جانبازان راه خدا را و فداکاری آنان و حجم پیامد این شهادتها و
جان نثاریها را بشماریم، شاید ناچار باشیم به عجز خود اعتراف
کنیم، تا چه رسد به مراتب معنوی و مسائل انسانی و الهی آن، که
بی شک عاجز و وامانده می‌باشیم. آنان که از اینگونه عشق به
لقاء الله و شهادت و بارقه‌های باطنی و جلوه‌های روحی که از
ثمراتشان اینگونه عشق است، غافل هستند و تا آخر عمر چون من
قلم شکسته اسیر گره‌های طبیعت و دامهای شیطانی می‌باشند،
دستشان از قله بلند این تحولات معجزه‌آسای الهی کوتاه است.
پس اولی آن است که به بعضی پیامدهای ظاهری مشهود بپردازیم
- چه - که ارزیابی همه جانبه آن نیز میسر نیست. (۴۳)

ارزیابی همه‌جانبه
مقام شهدا میسر
نیست

۶۱/۱۱/۲۱

* * *

شهادت در راه خداوند چیزی نیست که بتوان آن را با سنجشهای
بشری و انگیزه‌های عادی ارزیابی کرد. و شهید در راه حق و هدف

الهی را نتوان با دیدگاه امکانی به مقام والای آن پی برد؛ که ارزش عظیم آن معیاری الهی و مقام والای این دیدی ربوبی لازم دارد؛ و نه تنها دست ما خاک نشینان از آن و این کوتاه است، که افلاکیان نیز از راه یافتن به کنه آن عاجزند؛ چه که آنها از مختصات انسان کامل است، و ملکوتیان با آن مقام اسرارآمیز فاصله‌ها دارند. قلم اینجا رسید و سر بشکست. و ما بازماندگان و عقب افتادگان در آرزوی آن و این باید روز شماری کنیم، و حسرت شهادت و شهید و شهید پروران اینچنانی را، که با اینار ثمره حیات خود عاشقانه به این شهیدان شاهد افتخار می‌کنند، به گور بریم؛ و از شجاعت‌های بی‌نظیر شهیدان و دوستان اسیر و مفقودشان و آسیب دیدگان و اشتیاق زاید الوصف اینان برای بازگشت به میدان شهادت احساس خجلت و حقارت کنیم. زنان و مردان و کودکان نمونه‌ای که در زیر بمبارانها و از بستر بیمارستانها سرود شهادت سر می‌دهند و با دست و پای قطع شده بازگشت به جبهه‌های انسان‌ساز را آرزو می‌کنند، فوق آنچه ما تصور می‌کنیم و فلاسفه و عرفا به رشته تحریر در می‌آورند و هنرمندان و نقاشان عرضه می‌کنند، می‌باشند. آنچه آنان با قدمهای علمی و استدلالی و عرفانی یافته‌اند، اینان با قدم عینی به آن رسیده‌اند و آنچه آنان در لابلای کتابها و صحیفه‌ها جستجو کرده‌اند اینان در میدان خون و شهادت در راه حق یافته‌اند.

بار الها، ما را به خدمتگزاری در راه آنان و برای هدف بزرگشان توفیق ده؛ و شهدای عزیزمان را در خوان ضیافت معنوی خود از جلوه‌های خاص خویش ارزانی بخش. (۴۴)

۶۲/۶/۶

* * *

افلاکیان نیز از
درک مقام شهدا
عاجزند

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ.^۱

اگر نبود برای شهدا در راه خداوند مگر این آیه کریمه، در معرفی مقام بلند پایه شهدا، کافی بود که عزیزانی در راه حفظ اسلام و کشور اسلامی بزرگترین سرمایه خود را از دست داده‌اند. شهادتی که در حفظ شرف اسلام و دفاع از جمهوری اسلامی همه چیز خود را در طبق اخلاص، تقدیم خداوند متعال کردند.

شرف بزرگ شهدا
ضیافت الله است

در این آیه کریمه بحث در زندگی پس از حیات دنیا نیست که در آن عالم همه مخلوقات دارای نفس انسانی به اختلاف مراتب از زندگی حیوانی و مادون حیوانی تا زندگی انسانی و مافوق آن زنده هستند، بلکه شرف بزرگ شهدای در راه حق، «حیات عندالرب» و ورود در «ضیافه الله» است. این حیات و این ضیافت را با قلم‌های شکسته‌ای مثل قلم من نمی‌توان توصیف و تحلیل کرد، این حیات و این روزی غیر از زندگی در بهشت و روزی در آن است. این لقاء الله و ضیافه الله می‌باشد. آیا این همان نیست که برای صاحبان نفس مطمئنه وارد است فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي^۲ که فرد بارز آن سید شهیدان - سلام الله علیه - است. اگر آن است چه مزه‌ای برای شهیدان در راه مرام حسین - علیه السلام الله - که همان سبیل الله است، از این بالاتر که در جنتی که آن بزرگوار شهید فی سبیل الله وارد می‌شود و در ضیافتی که آن حضرت حاضرند، به این شهیدان اجازه دخول دهند که آن غیر از ضیافتهای بهشتی است و آنچه در وهم من و تو و شما نیاید، آن بُود. (۴۵)

۶۲/۱۱/۱۹

* * *

۱. آل عمران / ۱۶۹.

۲. فجر / ۲۹-۳۰.

قلم و بیان اینجانب عاجز است از قدردانی و شکرگزاری از مجاهدین فداکار اسلام که با مجاهدت و جانبازی در راه هدف و حفظ آرمانهای اسلامی و پیروزیهای عظیم در تمام جبهه‌ها موجب افتخار و سرافرازی جمهوری اسلام و اولیای خدا - علیهم الصلوة والسلام - شدند. با چه بیان و قلم از جوانانی که به عشق خداوند و شوق لقاء الله در سبقت در دفاع از حق و اسلام عزیز سر از پای نمی‌شناسند و تنها سرمایه بزرگ خود را که جان است فدای هدف مقدسی می‌کنند که انبیا و اولیای بزرگ خدا، همچون سید مظلومان و سرور فداکاران، نمودند و ندای هَنَاهُ مِنَّا لِدَلَّةِ أَنْ بزرگمرد تاریخ را با قول و عمل خود در سراسر کشور بلکه جهان سر می‌دهند، می‌توان تجلیل نمود. و با کدام قلم و بیان می‌توان از عزیزانی که سنگرهای جنگ را به محراب مسجد و معراج الی الله تبدیل کردند ثنا کرد. گیرم که قلم‌فرسایان هنرمند بتوانند میدانهای شجاعت و دلاوری آنان و قدرت و جسارت فوق‌العاده آنها را در زیر آتش مسلسلها و توپها و تانکها ترسیم نمایند و نقاشان و هنرپیشگان بتوانند پیروزیهای هنرمندانه آنان را در آن شبهای تاریک در مقابل موشکها و بمب‌افکنهای دشمن غدار و عبور از پیچ و خمهای سیمهای خاردار و کوههای سر به فلک کشیده و بیرون کشیدن دشمنان خدا از سنگرهای بتونی و مجهز به جهازهای پیشرفته را مجسم نمایند؛ لکن آن بعد الهی عرفانی و آن جلوه معنوی ربّانی، که جانها را به سوی خود پرواز می‌دهد، و آن قلبهای ذوب شده در تجلیات الهی را با چه قلم و چه هنر و چه بیانی می‌توان ترسیم کرد. راستی این غریبان و شرقیان و غربزدگان و شرقزدگان و ملی‌گرایان این فداکارها را با این بعد معنوی و روح

قلمها از قدردانی
مقام شهدا عاجزند

۱. «بسیار دور است از ما ذلت‌پذیری»؛ از سخنان امام حسین، علیه‌السلام.

عرفانی و عشق الهی با چه چیزی توجیه و تحلیل می‌کنند؟ اینجا عمل و جسارت مطرح نیست؛ انگیزه و روح و جهت لَدی الرَّبِّ^۱ آن مطرح است. عشق به محبوب حقیقی، که همه چیز را محو می‌کند و هر انگیزه‌ای غیر از عشق به او را می‌سوزاند، مطرح است. در کدام جنگ و نهضت و انقلاب و شورش، در طول زمان و سراسر خلقت، سربازانی چنین و فداکارانی مانند ایران را سراغ دارید؛ جز در طبقه اولیای الهی و تربیت شدگان در مکتب آنان، که فرزندان این دیار به نور آنان استضاء کرده و از خود رسته‌اند. و در کجا، در لابلای تاریخ، چون مادران و پدران و همسران و خواهران و برادران و سایر بستگان اینان را سراغ دارید که پس از چند قربانی باز برای قربانی دیگر فرزندان خود پیشقدم می‌شوند. این مکتب قرآن و اسلام راستین است؛ و اینان فرزندان این قرآن و این مکتب و آن صاحب مکتبمان . سلام و تحیات خدا و رسولانش بر این مادران و پدران و این فرزندان عالیمقام. و درود بر این جانبازان و از هر چیز در راه هدف گذشتگان باد. (۴۶)

۶۲/۱۱/۲۲

* * *

خداوند همه را توفیق بدهد که قدر نعمت‌های خدا را بدانند و بدانند که همه چیز از اوست. اگر همه چیز را از او دانستند دیگر در هیچ چیز ناراحت نمی‌شوند. ناراحتیها برای این است که انسان از خودش می‌بیند. ما در فقدان عزیزانمان که ناراحت می‌شویم برای اینکه، اینها را از خودمان می‌دانیم. اگر ما همه را از خدا بدانیم و ببینیم که اینها نعمتی هست که خدا داده، نعمتی هست که خدا

شهادا مهمان خدا
هستند

می برد پیش خودش، شهدا مهمان خدا هستند، اگر اینها را ما واقعاً در قلبمان ادراک نکنیم. عید می شود برای کسانی که شهید دارند، عید می شود برای کسانی که مجروح شدند، عید می شود برای کسانی که در راه خدا عزیزان خودشان را از دست دادند، برای اینکه این عزیزان، عزیزان خدا هستند، اینها همه از او هستند. و من امیدوارم که این حس و این ایمان در ما پیدا بشود و تقویت بشود. (۴۷)

۶۳/۱/۱

* * *

ما را چه رسد که با این قلمهای شکسته و بیانههای نارسا در وصف شهیدان و جانبازان و مفقودان و اسیرانی که در جهاد فی سبیل الله جان خود را فدا کرده و یا سلامت خویش را از دست داده اند یا به دست دشمنان اسلام اسیر شده اند مطلبی نوشته یا سخنی بگوییم.

زبان و بیان ما عاجز از ترسیم مقام بلند پایه عزیزانی است که برای اعلای کلمه حق و دفاع از اسلام و کشور اسلامی جانبازی نموده اند. الفاظ و عبارات توان توصیف آنانی را که از بیت مُظلم طبیعت به سوی حق تعالی و رسول اعظمش هجرت نموده، و به درگاه مقدسش بار یافته اند، ندارد. از مجاهدینی که سنگرهای نبرد را تبدیل به مساجد و میدانهای جهاد را با بانگ تکبیر مهبط ملائکه الله نموده اند، چگونه سخن توان گفت؟ در اقدام شریف مادران بزرگواری که در دامنه های مطهر خود چنین فرزندانی را برای اسلام تربیت کرده اند، چه می توان نثار کرد؟ و برای اسیرانی که در زندانهای مخوف دشمن شجاعانه بر سر دشمنان بشریت

زبان و بیان از
ترسیم مقام شهید
عاجز است

فریاد می‌کشند چگونه توان تعظم نمود؟ پس با اعتراف به عجز، برای شهیدان آرزوی رحمت خلص الهی و برای جانبازان، این شهیدان زنده، سلامت و برای اسرا و مفقودین عزیز و دلیر، آرزوی بازگشت به میهن و برای مادران و پدران و همسران و فرزندان، این نمونه‌های صبر و مقاومت، صبر و سعادت دارین، و برای رزمندگان در جبهه‌های حق علیه باطل، پیروزی درخواست می‌نماییم.

سلام و درود خداوند بر همگان و دعای خیر بقیة الله الأعظم - ارواحنا فداه - شامل تمامی آنان باد. (۴۸)

۶۳/۶/۵

* * *

عزیزانی که در جبهه‌ها در دفاع از اسلام و کشور اسلامی سر از پا نمی‌شناسند و جهات معنوی و عرفانی آنان را و عمق ارزش آن را جز خدای تعالی کسی نمی‌داند و راهی برای امثال نویسنده بر آن نیست، باید هر چه بیشتر به نصرت حق تعالی اعتماد کنند؛ که قدرتهای امکانی در مقابل نصر الهی ناچیز است. عزیزان من، شما پیروز و منصورید چه در راه حق تعالی به نصرت ظاهری برسید و چه شهید و معلول و اسیر شوید. حق تعالی با شماست و دست توانای بقیة الله که یدالله است دستگیر شما. آن کس که برای خدا و عزت اسلام و نجات محرومان قیام کند چه باک از حوادث دهر دارد. (۴۹)

۶۳/۱۱/۲۲

* * *

درود و رحمت خداوند متعال بر شهدای ارجمند و جانبازان

شهدا پیروزند

عزیز، این مهاجران الی الله و رسوله که بالاترین سرمایه‌ای که خداوند به آنها امانت داده در راه پر ارزش والاترین ایده در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم محضر مقدسش کردند، و ارزشمندترین نظام را تا سرحد جان و توان پاسداری کردند و دشمنان خدا را از میهن اسلامی بیرون رانند. کدام هجرت به سوی خدا و رسول بالاتر و والاتر از این هجرت است و کدام فداکاری ارزشمندتر از این فداکاری و جانبازی است. و چه کس و چه شخصیت می‌تواند ارزش این سرمایه آمیخته با معنویت و اخلاص را ارزیابی کند و عوض و اجر دهد، جز صاحب اصلی آن و مشتری والای آن، که فرموده: **فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ**. (۵۰)

شهدا مهاجران
الی الله هستند

۶۳/۱۱/۱۸

* * *

ملت عزیز ما با تعهدی که به اسلام دارند، جنگ را تا سرحد شهادت و لقاء الله که از بزرگترین آمال اولیای خدا و ارباب معرفت است ادامه می‌دهند، گرچه آن را بیخبران نابودی انگارند و مادیرایان لقاء الله را نابودی لقب می‌دهند. (۵۱)

شهادت آرزوی
اولیای خداست

۶۵/۵/۱۶

* * *

جوانان عزیز متعهدی که هر یک از آنها ارزشهای الهی‌ای دارند که ما از درک آن عاجزیم، شهید شده‌اند و معلول گردیده‌اند و به اسارت درآمده‌اند. (۵۲)

ما از درک ارزش
شهدا عاجزیم

۶۵/۵/۱۶

گرامی باد بر ملت بزرگ ایران، و بر پیروان شاهد بزرگ، حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله و سلم - وجود رادمردانی که راه شهادت را برگزیده‌اند و در هجرت از زندگی عالم ادنی و جهان سفلی به وادی ایمن و ملکوت اعلا رسیده‌اند، و در جستجوی حیات سرچشمه را یافته‌اند و سیراب و سرمست از جرعهٔ اِرْجِعِیْ اِلَی رَبِّکِ^۱ به رؤیت جمال و کشف رضایت حق نایل آمده‌اند. «و کَفَىٰ بِهِمْ فَخْرًا»^۲ و چه غافلند دنیاپرستان و بیخبران که ارزش شهادت را در صحیفه‌های طبیعت جستجو می‌کنند و وصف آن را در سروده‌ها و حماسه‌ها و شعرها می‌جویند و در کشف آن از هنر تخیل و کتاب تعقل مدد می‌خواهند. و حاشا که حل این معما جز به عشق میسر نگردد، که بر ملت ما آسان شده است. و اینک ما شاهد آنیم که سبکبالان عاشق شهادت بر توسن شرف و عزت به معراج خون تاخته‌اند؛ و در پیشگاه عظمت حق و مقام جمع‌الجمع به شهود و حضور رسیده‌اند؛ و بر بسیط ارض ثمرات رشادتها و ایثارهای خود را نظاره می‌کنند. (۵۳)

معمای شهادت جز
به مدد عشق حل
نگردد

۶۵/۱۱/۱۶

* * *

خون پاک صدها هنرمند فرزانه در جبهه‌های عشق و شهادت و شرف و عزت سرمایهٔ زوال‌ناپذیر آنگونه هنری است که باید، به تناسب عظمت و زیبایی انقلاب اسلامی، همیشه مشام جان زیبا پسند طالبان جمال حق را معطر کند. (۵۴)

خون شهدا، سرمایهٔ
زوال‌ناپذیر هنر
متعهد

۶۷/۶/۳۰

۱. فجر / ۲۸.

۲. کافی است برای آنان همین فخر.

از شهدا که نمی‌شود چیزی گفت. شهدا شمع محفل دوستانند. شهدا در قهقهه مستانه‌شان و در شادی وصولشان *عِنْدَ رَبِّهِمْ يُزْقَوْنَ* اند؛ و از «نفوس مطمئنه‌ای» هستند که مورد خطاب *فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي* پروردگارند. اینجا صحبت عشق است و عشق؛ و قلم در ترسیمش بر خود می‌شکافد. (۵۵)

۶۷/۷/۱

* * *

درود بر حاملان امانت وحی و رسالت پاسداران شهیدی که ارکان عظمت و افتخار انقلاب اسلامی را بر دوش تعهد سرخ و خونین خویش حمل نموده‌اند. (۵۶)

۶۷/۱۲/۳

* * *

شما رزمندگان متوقع نباشید که از مثل من یا هر کس که از سنخ بشر است، از شما تقدیر کند، نمی‌تواند تقدیر کند. خداوند تعالی مشتری شماست. شما آنچه که داشتید، بزرگترین مؤونه‌ای که داشتید و آن جان بود و روح، در راه خدا داده‌اید. چه آنهایی که شهید شدند و به لقاء الله ان شاء الله رسیدند و چه شما که حاضر برای شهادتید، عمده این حضور است.

شما دو مطلب را متحقق کردید که با این دو مطلب کسی از سنخ بشر - جز آن که از اولیای خدا باشد و الهام از خدا گرفته باشد - نمی‌تواند تقدیر شما را بکند. یکی بزرگتر سرمایه خودتان که آن حیات است، در طبق اخلاص گذاشتید، و دیگری اینکه این هدیه را با اخلاص در طبق اخلاصتان گذاشتید. عمده آن اخلاصی

شهدا شمع محفل
دوستانند

شهدا، حاملان
امانت وحی

اخلاص و ایثار
شما
جمهوری اسلامی
را بیمه کرد

است که در شما جوانان ظاهر است. شما از این اخلاص و ایثار، جمهوری اسلامی را بیمه کردید. فتجهایی که نصیب شما شده است، خصوصاً در فتح مبین، گرچه با هیچ معیاری نمی‌توان آن را سنجید و هیچ زبانی نمی‌تواند از آن توصیف کند، لکن آنچه که بالاتر از همه اینهاست، این صداقت شما و این اخلاص شما در بارگاه حق تعالی است. آنچه که در نزد خدا ارزشش از همه بالاتر است، این ایثار از روی اخلاص است. همان که خدای تبارک و تعالی در سوره «هَلْ أَتَى» اهل بیت عصمت را به آن توصیف می‌کند که: *يُطِيعُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ* ... اطعام طعام چیزی نیست، آن هم یک قرص جو، آنکه اهمیت دارد «علی حبه» هست.

آنکه در پیشگاه حق تعالی ارزش دارد و هیچ بشری نمی‌تواند آن را توصیف کند، این اخلاص و محبتی است که شما دارید. شما جان خودتان را فدا می‌کنید، و بسیار اشخاص هم هستند که در راههای انحرافی باز هم این کار را می‌کنند. صورت عمل، یک صورت است، لکن معنی دو و محتوا دو است، میزان محتوای عمل است، نه صورت عمل. شمشیر علی بن ابیطالب - سلام الله علیه - و فرود آوردن شمشیر و به دشمن، آن شمشیر را ضربه زدن و او را کشتن، این امری است که در همه جا واقع می‌شود و بسیاری از اشخاص این عمل را کرده‌اند و می‌کنند. ارزش به اینها نیست، ارزش به آن است که در قلب علی بن ابیطالب چه می‌گذشته است و مرتبه اخلاص او چه اندازه بوده است.

آن مرتبه اخلاص است که یک ضربت را با عبادت ثقلین، عبادت جن و انس مقابل کرده است. شما این اخلاصتان و این شهادت طلبی و این ایثار برای خداست که ارزش به شما داده

است، و ارزش او را هیچ معیاری نمی‌تواند اندازه‌گیری کند. عزیزان من، حفظ کنید این نعمت را؛ خداوند به شما یک همچو نعمتی داده است که شما را با عنایت ذاتی خودش، با دست غیبی خودش متحول کرده است به یک انسانهای خالص برای خود، و انسانهایی که جان و هر چه دارند، در راه خدا ایثار می‌کنند و **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ** آن جنتی که مشتری به شما عطا می‌کند، با جنتی که برای دیگران تحقق پیدا می‌کند، فرق دارد. امیدوارم که این جنت، جنت لقاء باشد. امیدوارم که مشتری شما، شما را در حضور خود پذیرایی کند. اولیای خدا در آن عالم هم که هستند، به غیر خدا سرگرم نیستند. نعمتهای بهشت را از آن می‌گذرند و متوجه به لقای حق تعالی هستند. و شما که جان‌نثاری دارید می‌کنید و ایثار می‌کنید و با ایده شهادت به میدانهای جنگ می‌روید و از اسلام دفاع می‌کنید و از مکتب دفاع می‌کنید و کشورهایی را که [چشم] طمع به این کشور دوخته‌اند مایوس می‌کنید، همه اینها ارزشمند و بسیار ارزشمند، لکن آن اخلاص و محبت شما و آن ایثار در راه خدا، بالاترین ارزش است برای شما. آن ایثار و اخلاص است که حتی در ترازوی عالم غیب هم نمی‌شود که سنجش بشود. آن پیش‌خدای تبارک و تعالی سنجش می‌شود. و ما مفتخریم که در یک همچو برهه از زمان واقع شدیم، که مثل شما عزیزان در آنجا و در آن زمان و در آن مکان واقع شدید، و ما از هوایی تنفس می‌کنیم که شما از آن هوا تنفس می‌کنید. شما ایثار‌گرید و شما اخلاص‌مندید، شما بر نفس خود پیروز شدید و ما عقب ماندیم. شما احتمال این معنی را ندهید که تفنگ و ژ-۳ و مسلسل شما پیروز شده است؛ مقابل شما هم بالاتر از این را داشتند. شما اندک داشتید و آنها بسیار. لکن آنچه که شما

را پیروز کرد و پیروز می‌کند، آن ایمان شماست و آن اخلاص شماست، [که] در شما هست و در آنها نیست. شما برای خدا در میدانها وارد می‌شوید و آنها برای شیطان؛ آنها حزب شیطانند و شما حزب خدا. آنچه شما را در دو جبهه پیروز کرد و پیروز کرده و می‌کند ان شاء الله - جبهه باطنی و نفسانی و جبهه جنگ با گروه شیطانی - آن اخلاص و ایمان شماست که شما را پیروز می‌کند. شما شیعه همان هستید که می‌فرمود: اگر همه عالم در مقابل من بایستند، تنها در مقابل همه می‌ایستم. آن ایمان است که او را آنطور در مقابل همه چیز می‌ایستاند. آن اخلاص اوست. آن روحانیت و معنویت اوست. و شما هم شیعه او هستید. و امیدوارم که از روحانیت او و از علومی که خدای تبارک و تعالی به او عنایت کرده است و از نفحات الهی که در روح مبارک او دمیده شده است، به شما و همه ما نصیبی داده بشود.

برادران، شما پیروزید، و شهدای شما پیروزند، ملت شما پیروز است. شما یک ملتی دارید که در تمام دنیا مثل آن ملت پیدا نمی‌شود. و ملت یک شمایی دارد که در تمام دنیا مثل شما پیدا نمی‌شود. (۵۷)

۶۸/۱/۲۸

* * *

اسلام و قرآن از همه کس بیشتر برای فداکاری در راه استقلال کشور و نگرهبانی از توده دعوت کرده اسلام است که از کشتگان در راه خدا و در میدانهای جنگ قدردانیها کرده و گفته گمان نکنید که آنها مرده‌اند آنان زندگانی ابدی دارند و در ناز و نعمت در پیشگاه خدا جاویدانند، اسلام فداکاران خود را هیچگاه فراموش نکند و تا

شهیدان زندگانی
ابدی دارند

دنیا دنیا است نام شهیدان در راه آزادی و حریت را به بزرگی و سرفرازی می‌برد، اسلام است که برای یک قطره اشک در راه فداکاران خود پاداشها دهد تا نام فضیلت و شهامت آنها برای همیشه باقی باشد، اسلام خون شهیدان در راه خود را نمی‌گذارد از جوش بیفتد و حس فداکاری را در سربازان به این وسیله بیدار می‌کند. (۵۸)

* * *

اهداف شهدا و ایثارگران

بزرگان اسلام ما، در راه حفظ اسلام و احکام قرآن کریم کشته شدند، زندان رفتند، فداکاریها کردند تا توانستند اسلام را تا به امروز حفظ کنند و به دست ما برسانند. امروز وظیفه ماست که در برابر خطراتی که متوجه اسلام و مسلمین می‌باشد، برای تحمل هرگونه ناملایمات آماده باشیم تا بتوانیم دست خائنین به اسلام را قطع نماییم و جلو اغراض و مطامع آنها را بگیریم ... (۵۹)

۴۲/۱/۲

* * *

ما خودمان را باید فدا کنیم برای اسلام؛ آمال و آرزویمان را باید فدا کنیم برای اسلام. (۶۰)

۴۳/۱/۲۶

* * *

اگر ما برای مقصد اسلامی، برای مقصدی که انبیا خودشان را به

هدف حفظ اسلام و احکام قرآن کریم است

آمال ما، فدای اسلام

آب و آتش زدند، اولیای عظام خودشان را به کشتن دادند، علمای بزرگ اسلام را آتش زدند، سر بریدند، حبس کردند، تبعید کردند، حبسهای طولانی کردند، اگر چنانچه ما برای مقاصد اسلام بترسیم، دین نداریم. دیندار هم برای اینکه خرقة را از این عالم خالی کند می ترسد؟ اگر ما ماورای این عالم را اعتقاد داشته باشیم، باید شکر کنیم که در راه خدا کشته بشویم و برویم در صف شهدا. بترسیم؟ از چه چیز بترسیم؟ آن باید بترسد که غیر این عالم جایی ندارد. خدای تبارک و تعالی وعده کرده به ما که یک جای خوب دارید، اگر چنانچه به دین من رفتار کنید؛ و ما امیدوارم که رفتار کنیم؛ امید دارم که رفتار کنیم. ما از چه بترسیم؟ چه ترسی ما داریم از شماها؟ شما آن آخر امر این است که ما را اعدام کنید؛ اول زندگی راحت ماست؛ از این کثافتکاریها بیرون می رویم؛ از این رنج و میحَن خلاص می شویم. آقای ما فرموده: **وَاللّٰهُ لَا يُنْفِخُ اَنْفُسَ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِئَدَىٰ اُمِّهِ**^۱. خوب ایشان فرموده اند، ما البته نمی توانیم همچو دعویها بکنیم، لکن ما شیعه او هستیم. ما اگر از مرگ بترسیم، معنایش این است که ماوراء الطبیعه قبول نیست. (۶۱)

مقصد ما مقصد
انبیاست

۴۳/۱/۲۶

* * *

مبارک باد بر شما افراد روشنفکر و متدین که در راه اهداف شریفه اسلام، که ضامن رفاه عموم و تأمین معنویات و مادیات بشر است، فداکاری می کنید. مبارک باد بر مسلمانانی که در راه دفاع از احکام اسلام و ممالک مسلمین و رهایی از یوغ استعمار و اعمال خبیث

هدف شهدا اهداف
شریفه اسلام است

۱. «به خدا سوگند، انس پسر ابیطالب به موت بیش از انس کودک به پستان مادرش می باشد»؛ نهج البلاغه؛ خطبه پنجم.

آن، به حبس و تبعید و شکنجه و قتل تن می دهند و برای قطع ایادی ظلم با هر محرومیتی می سازند. (۶۲)

۵۵/۷/۴

* * *

ما سوگمندان و مفتخرانه عزیزانی را در راه هدف که واژگونی رژیم طاغوتی و برپاداشتن پرچم پرافتخار اسلام است، فدا کردیم؛ و این درست راه اسلام و برنامه مسلمین راستین در صدر اسلام بوده و در طول تاریخ خواهد بود: **و: تَكْمٌ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ**^۱. پیغمبر بزرگ اسلام همه چیزش را فدای اسلام کرد تا پرچم توحید را به اهتزاز در آورد. (۶۳)

۵۷/۳/۲۰

* * *

ما از این غیورانی که در راه هدف مقدس اسلام فداکاری می کنند و از جان و مال دریغ ندارند، و تن به ظلم نمی دهند و سکوت مرگبار را شجاعانه با اهدای جان خود می شکنند، و راه و رسم پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - و امامان تشیع را یافته و بدانان اقتدا نموده اند، تشکر نموده و به آنان تبریک می گوئیم. (۶۴)

۵۷/۵/۵

* * *

عزیزان من! از فدایی دادن و نثار جان و مال در راه خدا و اسلام و ملت مسلمان نهراسید، که این شیوه پیغمبر عظیم الشان و اوصیا و

هدف، برپاداشتن
پرچم پرافتخار
اسلام است

هدف شهدا، تداوم
راه و رسم پیامبر
اسلام است

اولیای آنان بوده، و خون ما رنگینتر از خون شهدای کربلا نیست که
با مخالفت با سلطان جائز شیوه اولیاء الله
اسلام معرفی می‌کرد، ریخته شد. (۶۵)
است

۵۷/۸/۴

* * *

خواهران و برادران عزیز! صبور باشید و سستی و ضعف از خود
نشان ندهید؛ راه شما راه خدا و اولیای خدا است. خون شما در
راهی می‌ریزد که خون پیغمبران و امامان و اصحاب صلاحیتدار
آنان ریخته شد. شما به آنان می‌پیوندید و این نه تنها غم ندارد، که
شادی آور است. (۶۶)
راه شهدا راه
اولیاء الله است

۵۷/۷/۲۰

* * *

وقتی یک امری برای خدا شد و مقابل ظلم شد، ما چه غمی
داریم. اصلاً این غمی ندارد که ما برای خدا داریم کار می‌کنیم و
جوانهای ما برای خدا دارند فداکاری می‌کنند؛ هیچ ابداً از این
هراسی به دلتان راه ندهید. وسوسه‌های شیاطین که خوب ما چه
کنیم، چه می‌شود، یا از این حرفهایی که شیاطین القا می‌کنند و
بعضی شیاطین هم می‌گویند به ماها و به شما؛ هیچ ابداً خودتان
محکم بایستید و هیچ هراس به دلتان راه ندهید که شما پیروزید ان
شاء الله. چه کشته بشویم و چه بکشیم حق با ماست. ما اگر کشته
هم بشویم در راه حق کشته شدیم و پیروزی است، و اگر بکشیم
هم در راه حق است و پیروزی است. (۶۷)

۵۷/۸/۳

نباید ما نگران باشیم از اینکه فدایی می‌دهیم؛ این سیره انبیا بوده است که این کارها را می‌کرده‌اند. انبیا، اولیا، در مقابل ظلمه، در مقابل اشخاصی که ظلم به مردم می‌کردند، قیام می‌کردند و کشته می‌شدند و کشتار می‌کردند و جوانهایشان را می‌دادند و اصحابشان را می‌دادند و مسأله‌ای نیست که ما حالا یک نگرانی داشته باشیم که مبادا خون راه بیفتد! باید خون راه بیفتد؛ باید یک ملتی که می‌خواهد خودش را نجات بدهد از زیربار اینهمه جنایات و این همه خسارات که بر او وارد شده است، همین طور مجانی نمی‌شود که انسان به دست بیاورد. یکی از این مادرها -ظاهراً در بهشت زهرا- ایستاده و صحبت کرده که درخت آزادی محتاج به آبیاری است و خون پسر من یکی از چیزهایی است که آبیاری می‌کند. ما یک همچو شیرزنان داریم.

احتیاج دارد اسلام به اینکه فدا بدهیم برای این اسلام. از صدر اسلام تا حالا چه نفوس طیبه‌ای فدایی شدند. (۶۸)

۵۷/۸/۳

* * *

ملت ایران برای رهایی از چنگال دیو استبداد و استعمار و رسیدن به حکومت اسلامی، نهضت مقدس اسلامی خود را آغاز کرده و به یاری خدای تعالی تا رسیدن به پیروزی ادامه خواهد داد. بدیهی است که چون دشمنان قسم خورده مردم، یعنی شاه و حامیانش به آسانی حاضر به کنار رفتن نیستند، لهذا لجاجت دشمنان ملت و مقاومت دلیرانه مردم مسلمان در مقابل آنان، ضایعاتی برای آنان به بار خواهد آورد. ولکن مسلمان می‌داند که اگر کشته شود در صف شهدای کربلاست و چیزی را از دست نمی‌دهد و بدین

آبیاری درخت
آزادی با خون
شهدا

نهضت ما برای
رسیدن به حکومت
اسلامی است

مناسبت تا پیروزی نهایی به قیام خود ادامه می دهد. (۶۹)

۵۷/۸/۱۶

* * *

من از دانشجویان عزیز که در راه اسلام و کشور فدایی داده اند و در مقابل شاه با مشتی گره کرده ایستاده و او را محکوم کرده اند تشکر می کنم. (۷۰)

دانشجویان در راه
اسلام فدایی
داده اند

۵۷/۸/۱۶

* * *

مردمی که قیام کرده اند و بچه هایشان را، جوانهایشان را دارند فدا می کنند برای آزادی، برای استقلال، برای اسلام، برای حکومت عدل، اینها «اراذل پست» هستند در منطق شما؟^۱ (۷۱)

قیام ملت برای
آزادی و استقلال و
حکومت عدل
است

۵۷/۹/۴

* * *

سؤال: [اگر چنانچه این روشهای مسالمت آمیز و مبارزات سیاسی کنونی به نتیجه ای نرسید، آیا شما دستور می دهید که طرفدارانتان بجنگند؟ واقعاً اسلحه بردارند و بجنگند؟]

جواب: ما حتی الامکان میل داریم که با مسالمت تمام بشود، و با همین ترتیبی که الآن ملت ایران مشغول هستند که آن اعتصابات و تظاهرات است کار تمام شود و ماه محرم هم زیادتر خواهد شد. ولی چنانچه به نتیجه ای نرسید، ممکن است که تجدید نظر بکنیم.
سؤال: [حتی اگر این به معنای آن باشد که طرفداران خودتان را

برای احقاق حق،
شهادت ضروری
است

۱. اشاره به کارتر، رئیس جمهور وقت امریکا.

جلوی گلوله‌های شاه بفرستید؟]
جواب: البته طرفدارهای ما نمی‌خواهند جلوی گلوله‌ها بروند.
آنها می‌خواهند حق خودشان را استیفا کنند. و برای احقاق حق،
این امری است ضروری. (۷۲)

۵۷/۹/۱۰

* * *

امروز روزی نیست که شما بنشینید توی خانه‌تان و بگویید که
تکلیف من این است که بروم مثلاً فرض کن دکان و برگردم، بروم
مسجد و برگردم، بروم محراب و برگردم. امروز آن روز نیست. اگر
آن روز بود، خوب من هم قم بودم و مشغول درس بودم، مشغول
بحثم بودم و مشغول استفاده از آقایان. امروز آنطور نیست آقا!
امروز مطلب مهم است. از مهماتی است که جان باید پایش
داد. همان مهمی است که سیدالشهداء جانش را داد برایش، همان
مهمی است که پیغمبر اسلام بیست و سه سال زحمت برایش
کشید، همان مهمی است که حضرت امیر - سلام‌الله علیه - هجده
ماه با معاویه جنگ کرد در صورتی که معاویه دعوی اسلام
می‌کرد... برای اینکه یک سلطان جائر بود، برای اینکه یک
دستگاه جائر بود، باید به زمینش بزند. آنقدر از اصحاب
بزرگوارش را به کشتن داد، آنقدر از آنها را هم کشت؛ برای چه؟
برای اینکه اقامه حق بکند، اقامه عدل بکند. (۷۳)

هدف، اقامه عدل و
حق است

۵۷/۱۱/۱۳

* * *

خون دادید، جوان دادید لکن خون و جوان شما به نفع اسلام و

برای اسلام بود. اسلام عزیزتر از آن است که ما خوف داشته باشیم که خونمان یا جوانانمان در راه او شهید شود. اسلام شهیدان زیاد داشته است. امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - شهید اسلام است و برای اسلام شهادت پیدا کرد. حسین بن علی در راه اسلام شهید شد. ما باکی از شهادت نداریم، ما باکی از کشته دادن نداریم. شما ملت ایران که با خون خود، با جوانهای خود اسلام را بیمه کردید، دست اجانب را قطع کردید. (۷۴)

با شهادتها اسلام
بیمه شد

۵۷/۱۲/۱۰

* * *

منطق منطق صدر اسلام است که اگر بکشیم بهشت می رویم، و اگر کشته بشویم بهشت می رویم. این منطق شکست ندارد. منطق دنیا نیست که اگر چنانچه بمیرند، یا به جهنم می روند یا به جایی بدتر از جهنم - اگر باشد! منطق منطق دین است. منطق منطق اسلام است، منطق قرآن است. (۷۵)

منطق شهید، منطق
اسلام است

۵۷/۱۲/۱۴

* * *

درود بر شهدای راه آزادی! سلام بر شهدای سرتاسر ایران! درود بر شهدای شهرستان قم! درود بر شما جوانان رشید! سلام بر بانوان و جوانان رشید قم! درود بر بانوان و جوانان سرتاسر ایران! من از شما مفارقت کردم در صورتی که اکثر جوانان فعلی نارس بودند؛ و به خدمت شما آمدم در صورتی که بسیاری از جوانان ما از دست رفته است. بسیاری از آنهایی که ما ندیدیم آنها را و حالا شمایل آنها را می بینیم، شهید شدند - افتخار شهادت در راه

هدف بزرگ شهدا
حکومت عدل
اسلامی است

اسلام، افتخار شهادت در راه قرآن کریم، افتخار شهادت در راه آزادی و استقلال، افتخار شهادت در راه هدف بزرگ اسلام و آن حکومت عدل اسلامی، «جمهوری اسلامی». شما جوانان برومند ایران، و شما جوانان برومند قم به اسلام عزیز حق پیدا کردید. اسلام بر همه منت دارد، ما هیچ منتی بر اسلام نداریم. من منت از شما می‌کشم؛ من زیر منت شما ملت ایران و شما اهالی محترم قم، زیر منت شماها هستم. شماها بودید که نهضت اسلامی را به ثمر رساندید. شما ملت بزرگ ایران و اهالی معظم قم بودید که با مشت بر تانکها و توپها و مسلسلها غلبه کردید... ما باکی از این نداریم که خونهای طیب جوانهای ما در راه اسلام ریخته شده است؛ باکی از این نداریم که شهادت نصیب عزیزان ما شده است. این یک شیوه مرضیه‌ای است که در شیعه امیرالمؤمنین از اول پیدایش اسلام تاکنون بوده است. (۷۶)

۵۷/۱۲/۱۸

* * *

و من در این آخر سال تأسف خودم را از این شهدایی که ما داشتیم باید اظهار بکنم. ما بسیار متأسفیم از این شهدایی که دادیم، که مثل اینکه ۱۶۰ هزار نفر مجروح و [شهید] - مثل اینکه نوشته بود ۱۶۰ هزار نفر مجروح و کشته - داشتیم. در هر صورت - هر چه داشتیم - یک نفرشان هم زیاد بود. یک نفرشان هم نباید واقع بشود. لکن حالا شد؛ اما چون که برای اسلام بود و صبغه دینی و اسلامی داشت نه برای دنیا؛ و لهذا می‌آمدند بعض اشخاص و به من می‌گفتند که شما دعا کنید که ما شهید بشویم. این صبغه، صبغه دین است، اسلام است. آنی که ما پیش بردیم همین بود. اینطور

شهدایی که دادیم
برای اسلام بود

روحیات بود که برای شهادت داوطلب بودند یعنی از مرگ نمی ترسیدند. همان طوری که صدر اسلام هم پیشرفت مسلمین همین بود. ما بسیار اشخاص ارزنده را از دست دادیم لکن چون برای اسلام بود ان شاء الله روح همه آنها شاد است و همه آنها در سعادت و تحت لوای خدای تبارک و تعالی هستند. و برای بازماندگان آنها هم ما دعای صبر می کنیم که خداوند به همه آنها صبر و اجر و مزد عنایت بفرماید. (۷۷)

۵۷/۱۲/۲۹

* * *

تمام قدرتهای بزرگ نتوانست جلو این ملت را بگیرد و این ملت با مشت خالی غلبه کرد بر آنها. و نبود جز اینکه اسلام در کار بود و مردم شهادت را طالب بودند؛ و نبود الا اینکه همه با هم بودند: از آن بچه کوچک تا آن پیرمرد هشتاد ساله، همه یک حرف می زدند. (۷۸)

۵۸/۱/۲۹

* * *

ملت چیزی دستش نبود، مشت و خون داشتند؛ غیر از این چیزی نداشتند. مع ذلک قدرت ایمان بود که شهادت را برای خودشان فوز می دانستند. این قدرت - که شهادت را برای خودش فوز بداند - غلبه داد ایران را بر قدرتهای بزرگ دنیا. همه پشت سرش ایستاده بودند، همه قدرتها. من داخل کار بودم. از امریکا مکرر پیغامها به من بود، و همه پشت سرش ایستاده بودند. مع ذلک قدرت ایمان این مردم غلبه کرد. (۷۹)

۵۸/۲/۳

چون اسلام در کار
بود مردم شهادت
را طالب بودند

قدرت ایمان
شهادت را فوز
می داند

خداوند را سپاس می‌کنم که اراده فرمود منت بر مستضعفین بگذارد علیه مستکبرین و زمین را از لُوث مستکبرین پاک کند و مستضعفین را به حکومت زمین برساند. اسلام برای همین مقصد آمده است و تعلیمات اسلام برای همین معناست که مستکبری در زمین نباشد و نتوانند مستکبرین مستضعفین را استعمار و استثمار کنند. ما به تَبَع تعالیم عالیة قرآن و آنچه از اسلام و سیره رسول اکرم و ائمه مسلمین به دست آوردیم و از سیره انبیا - چنانچه در قرآن نقل می‌فرماید - به دست آوردیم، آن است که مستضعفین با هم مجتمع شوند و بر مستکبرین تَوْره کنند و نگذارند حقوق آنها را ببرند. ما با این تعالیم پیشرفت کردیم و ملت ما شهادت را استقبال کرد برای این مقصد. و چون شهادت مورد هدف او بود، با مشت و خون بر تمام قوای جهنمی، بر دَبَابات، بر مسلسلها، بر ابرقدرتها، که در پشت شاه سابق صف کشیده بودند، غلبه کرد. (۸۰)

۵۸/۲/۴

* * *

این معجزه است که خانمها را در مقابل تانک و توپ، در مقابل مسلسلها، در مقابل تویها و تانکها برقرار کرد و از هیچ چیز نهرا سیدید. این نور قرآن و اسلام است که در دلهای شما و در قلوب همه ملت ایران جلوه کرده است. این نور ایمان است که شما خانمها هم از شهادت نمی‌هراسید. (۸۱)

۵۸/۲/۱۶

* * *

خون ما فدای اسلام ما مصمم هستیم که تا آخر قطره خون، خودمان و ملتمان را فدای

مقصد احقاق حق

مستضعفین است

نترسیدن از

شهادت ناشی از

نور ایمان است

اسلام کنیم. (۸۲)

۵۸/۲/۱۷

* * *

اسلام از روز اول که ظهور پیدا کرد، با شهادت، این دین حنیف را ترویج کرد. اسلام شهدای بزرگ داشته است و مفتخر است به اینکه در راه خدا و در راه هدف، شهدای بزرگ داده است. ما هم مفتخریم به اینکه در راه اسلام و در راه هدفمان شهید بدهیم؛ و این^۱ آخر شهید ما نیست. ما باز شهدایی ممکن است بدهیم؛ و برای ما زندگی این دنیا مطرح نیست. مطرح هدف است و در راه هدف کوشش می‌کنیم؛ و هرچه پیش بیاید چون برای هدف است از او استقبال می‌کنیم. (۸۳)

ما مفتخریم که در
راه اسلام شهید
بدهیم

۵۸/۲/۱۷

* * *

اگر نهضت برای خدا باشد، از شهادت خوف نیست. شکست در نهضتی که برای خدا باشد نیست. مسلمین صدر اسلام می‌گفتند اگر بکشیم بهشت است، و اگر کشته شویم بهشت است. شما هم همین طور هستید. (۸۴)

وقتی هدف خدا
باشد از شهادت
خوف نیست

۵۸/۲/۲۱

* * *

استقلالی که تو [ی] آن امام زمان نیست، آزادی که تو [ی] آن قرآن نیست، آزادی که در آن پیغمبر اسلام نیست. ملت ما این را

۱. اشاره به شهادت استاد مطهری توسط گروهک فرقان.

می خواهد؟ خونش را داد برای این؟ برای آزادی داد؟ برای خدا داد. ملت ما تبع حضرت سیدالشهداء شد. او خونش را برای کی داد؟ حکومت می خواست؟ استقلال می خواست؟ آزادی می خواست؟ او خدا را می خواست، او اسلام را می خواست، او می خواست که اسلام در خارج تحقق پیدا بکند. (۸۵)

۵۸/۳/۲

* * *

شما عزیزان خودتان را برای اسلام دادید؛ حالا که عزیزها را دادید، به ضد اسلام بخواهید وارد بشوید، هدر بدهید خون عزیزان خودتان را؟ توجه بکنید! اینها می خواهند هدر بدهند خون شما را. (۸۶)

۵۸/۳/۴

* * *

شما زحمت کشیدید، زن و مرد زحمت کشید، به خیابانها ریخت، جورها کشید، خونها داد که اسلام را زنده کند؛ برای اسلام خون داد، برای شهادت داوطلب شد. آنکه می خواست ملت ما، آنکه به او رأی داد ملت ما، «جمهوری اسلامی» بود. اسلام مورد نظر بود. (۸۷)

۵۸/۳/۴

* * *

از اینکه این جوانها از دست شما رفته است و مصیبت واقع شده است من متأثرم لکن برای اسلام و برای قرآن کریم ارزش دارد که

خون دادن برای
تحقق اسلام است

عزیزان خودتان را
برای اسلام دادید

خونها برای زنده
کردن اسلام بود

فداکاری برای
اسلام و قرآن

همه از بین برویم. (۸۸)

۵۸/۳/۸

* * *

ملت ما اینهمه زحمت کشیدند و اینهمه خون دادند و اینهمه گرفتاری پیدا کردند و اینهمه فریاد زدند، اینها برای اسلام این کارها را کردند. اسلام را مردم می خواهند. اگر ما اسلام نداشتیم الآن هم همان معانی سابق بود. مردم برای جهات دیگری غیر اسلام نمی روند خون خودشان را بریزند. مردم شهادت را می خواهند. الآن هم باز اشخاصی می آیند از من استدعا می کنند که دعا کنید که ما شهید بشویم. شهادت را برای چه می خواهند؟ شهادت را برای این می خواهند که یک مثلاً غیر اسلام یک چیز دیگری تحقق پیدا کند؟ یک دمکراسی غربی باشد؟ یک آزادی مثل شوروی باشد؟ یک آزادی مثل - مثلاً - آمریکا باشد؟ یا اسلام را می خواهند اینها؟ (۸۹)

شهادت را برای
اسلام می خواهند

۵۸/۳/۸

* * *

چرا این ملت به خیابانها ریخت و «الله اکبر» گفت؛ چرا جوانهایش را داد و شب پشت بامها رفت و فریاد زد و مرگ بر که و زنده باد که گفتند. این برای چه بود؟ برای اسلام بود. اینها اسلام می خواستند. فقط مسأله این نبود که ما آزادی می خواهیم آزادی منهای اسلام را نمی خواهد دولت ایران، ملت ایران؛ ملت ایران اسلام را می خواهد. آزادی باشد لکن مثل شوروی باشد؟ آزادی باشد لکن مثل مملکت دیگری باشد؟ اجنبی باشد؟ کی همچو چیزی را

ملت، اسلام را
می خواهد

ملت ما می‌خواست؟! (۹۰)

۵۸/۳/۸

* * *

خونشان را جوانهای ما برای اینکه یک زندگی مرفهی در دنیا داشته باشند خون می‌دادند؟ این می‌شود که یک کسی خودش را بکشد که زندگی‌اش خوب باشد؟ (۹۱)

کسی برای رفاه
مادی خون
نمی‌دهد

۵۸/۳/۱۶

* * *

من نمی‌دانم چطور اظهار تأثر کنم در اینطور مصیبتها که به ما وارد شده است. نمی‌دانم با شما برادران خودم و فرزندان خودم چطور مواجه باشم، و چطور بینم من سالم نشسته‌ام و شما مجروح و درمانده هستید. آنچه که مایه دلخوشی است این است که این امور برای اسلام واقع شده است، و برای خدا بوده است. و آنچه که برای خدا هست پیش خدا محفوظ است. شما سلامتی خودتان را از دست دادید برای اسلام؛ چنانکه اولیای خدا جان خودشان را برای اسلام دادند. اسلام عزیزتر از آن است که ما تصور می‌کنیم...

جوانان ما برای
تجدید حیات
اسلام فدا شدند

شما زحمت کشیدید، شما رنج بردید، جوانهای ما فدا شدند و اسلام را در این وقت که می‌رفت رو به تباهی برود زنده کردید. خداوند شما را اجر عنایت کند که اسلام در این زمان با کوشش شما تجدید شد. اگر نبود این کوششهای جوانهای ما و اقشار ملت، می‌رفت که اسلام را دست جنایتکاران از بین ببرد. شما قیام کردید، فداکاری کردید و اسلام را زنده کردید. و خداوند به شما

زندگی ابدی خواهد داد. (۹۲)

۵۸/۳/۲۴

* * *

شما برای خدا نهضت کردید، دلیلش اینکه جان را گذاشتید کف دست و راه افتادید در خیابانها و فریاد کردید اسلام. این دلیل بر این است که شما برای خدا کردید این کار را. اگر برای خدا نبود، خوب، کسی جان برادرش را، خودش را نمی دهد. تو می دانی که دارد تفنگ می آید، دارند مسلسل می بندند؛ دارد توپ می آید، تانک می آید، سرباز مسلح است. این دلیل بر این است که برای خدا این کار انجام گرفت. همین وصیت خدا موعظه ای که خدا کرده است، عمل شد: **أَعْظَمُ بُوْجْدَةٍ**؛ یکی. **إِنَّمَا أَعْظَمُ بُوْجْدَةٍ**؛ به آنها بگو که من فقط یک موعظه دارم و آن این است که نهضت شما، قیام شما، برای خدا باشد. توی این همه چیز هست، توی این یک کار، یک موعظه، همه چیز هست. شما این موعظه خدا را پذیرفتید تا حالا، نگذارید از دستتان برود. (۹۳)

همه چیز برای
خداست

۵۸/۳/۲۸

* * *

الآن هم باز جوانهایی گاهی می آیند پیش من و می گویند دعا کنید که ما شهید بشویم. شهادت را می خواهند. این یک تحولی بود که در این ملت پیدا شد که برایشان زندگی این دنیا خیلی مطرح نبود؛ شهادت را می خواستند. اگر مطرح بود این امور مادی این زندگی، نمی رفتند در مقابل توپ، در مقابل تانکها، مسلسلها.

ما شهادت را
می خواهیم

رفتند در مقابل توپ و تانک، از بیجه اینقدری رفت تا بزرگها، از دانشگاهی رفت تا علمای مذهب؛ از بازاری رفت تا کارگر؛ ارتش. (۹۴)

۵۸/۳/۲۸

* * *

ملت ما که به خیابانها ریختند، به پشت‌بامها رفتند، شب و روز زحمت کشیدند، جوانهایشان را دادند، خونشان را دادند، این برای اسلام بود. اگر اسلام نبود، همچو کاری نمی‌کردند. (۹۵)

ملت برای اسلام
جوان می‌دهد

۵۸/۳/۲۸

* * *

آنچه مقصد بود اسلام بود؛ آنچه مردم خونشان را در راه آن دادند اسلام بود؛ آنچه مردم جوانهایشان را دادند و زنها جوانهایشان را دادند، و بعد هم اظهار تشکر می‌کردند، آن اسلام بود و اعتقاد به اینکه باید اسلام تحقق پیدا بکند. (۹۶)

مقصد اسلام بود

۵۸/۳/۳۱

* * *

اینقدر خون جوانهایمان از بین رفت برای اینکه یک مملکتی داشته باشیم مال خودمان، اینقدر مردم جانفشانی کردند و زنها جوانهایشان را دادند برای اینکه یک مملکت عدل اسلامی پیدا بشود. (۹۷)

این خونها برای
ایجاد حکومت
عدل اسلامی ریخته
شد

۵۸/۴/۶

* * *

ما در عید فطر سابق که عید خون بود و در این عید هم که باز عید خون است هراسی از خون نداریم. اسلام دین خون است برای فجار؛ و دین هدایت است برای مردم دیگر. اولیای ما بی هراس خون دادند و بی هراس در جنگهای خونین وارد بودند. امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - آن موجود یگانه، در عین حالی که نهج البلاغه برای هدایت داشت، شمشیر برای آنهایی که توطئه گر بودند. ما خونها دادیم و شهدا دادیم. اسلام خون داد و شهدا داد. ما فرقه‌های شکافته دادیم، مثل علی بن ابی طالب، علی بن الحسین و سرهای برنیزه رفته دادیم، مثل سیدالشهداء و اصحاب و اعوان او. اسلام در تمام اعصار، با خون و با شمشیر و با اسلحه پیش برد و نمایش پیدا کرد. ما از شهید دادن باکی نداریم. در عید فطر سال قبل و در آن ایام شهدا دادیم و در این فطر و در این ماه صیام هم شهدا دادیم، از شهادت باکی نیست. اولیای ما هم شهید شدند یا مسموم شدند یا مقتول. اولیای ما هم بعضی از آنها در حبس و بعضی از آنها در تبعید به سر بردند. برای اسلام هر چه بدهیم کم دادیم. و جانهای ما لایق نیست. بدخواهان ما گمان نکنند که جوانهای ما از مُردن، از شهادت، باکی دارند. شهادت ارثی است که از اولیای ما به ما می‌رسد. آنها باید از مردن بترسند که بعد از موت را فنا می‌دانند. ما که بعد از موت را حیات بالاتر از این حیات می‌دانیم چه باکی داریم. (۹۸)

برای اسلام هر چه
بدهیم کم دادیم

۵۸/۶/۲

* * *

این آخر که آنها حمله کردند و کودتا خواستند بکنند و نقشه کشیدند که در یک شب تمام سرها را - سرهای قوم را - از بین

ببرند، خدا رحمت کند قرنی^۱ را گفت: سه ساعت و نیم طول کشید، گفت: جنگ بین مردم و قوای شاه مخلوع سه ساعت و نیم شد! با سه ساعت و نیم غلبه کرد، مشتها غلبه کرد بر تانکها، بر توپها. این ایمان بود، این برای این بود که جوانهای ما از مُردن نمی ترسیدند؛ برای این [که] شهادت را فنا نمی دانستند؛ شهادت را یک زندگی جاویدان می دانستند. کراراً پیش من آمدند، کراراً، حالا هم می آیند گاهی، که شما دعا کنید ما شهید بشویم. من دعا می کردم که ثواب شهید پیدا کنید ان شاء الله. یک همچو روحیه ای پیدا شد؛ نظیر همان روحیه ای که در زمان رسول الله در جوانهای آن وقت بود. این اسباب این شد که غلبه کرد مشت بر تانک. (۹۹)

۵۸/۶/۳

شهادت را فنا
نمی دانستند

* * *

ما هر روز مواجه می شویم با این جنایاتی که از طرف بازمانده های همان رژیم [انجام می شود] هر روز باید متأثر باشیم از این مصیبت هایی که بر ما و بر خواهران و برادران ما وارد می شود. لکن آن چه ما و شما را تسلیت می دهد این است که این کارها برای خدا بوده است؛ و چیزی که برای خداست محفوظ می ماند. اسلام از این شهدا زیاد داشته است؛ و صدر اسلام، پیغمبر اکرم شاهد شهدای بسیار بزرگ بوده است. و بعد ایشان هم حضرت امیر - سلام الله علیه - هم شهید شد، و هم شاهد شهدای بزرگ بود. بعد از او هم حضرت سیدالشهداء - سلام الله علیه - هم شهید شد و هم شاهد شهدای بزرگ بود. اسلام همیشه از این فداییها داشته است.

این فداییها برای
اسلام است

۱. مرحوم سپهبد ولی الله قرنی اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۳ توسط گروهک فرقان به شهادت رسید.

و قرآن کریم، که به همه ما و به همه بشر حق دارد، سزاوار است که ما در راه او فداکاری کنیم. من از خدای تبارک و تعالی، رحمت برای آن^۱ شهید طلب می‌کنم و صبر و اجر برای مادر و عیال و سایر بازماندگان او. خداوند به شماها صبر عنایت کند؛ و این شهید را در نتیجه اعمال شما جزء شهدایی که فداکار در راه اسلام بوده‌اند ثبت فرماید. من به شما تسلیت عرض می‌کنم و شریک شما هستم در این غمها و در این گرفتاریها. و این باری است که روی دوش ما سنگینی می‌کند لکن مهم این است که برای اسلام است. امیدوارم که اسلام برای همه محفوظ بماند؛ و فداییان ما فداییان اسلام و در ردیف شهدای درجه اول در صدر اسلام باشند. (۱۰۰)

۵۸/۶/۱۵

* * *

الآن هم می‌آیند به من می‌گویند، مکرر - دستجمعی، تنهایی - که شما دعا کنید ما شهید بشویم. معقول است که بگوید من شهید بشوم برای اینکه شکم سیر بشود؟ برای شکمش می‌خواهد شهید بشود؟! کسی معقول است که تقاضای شهادت بکند برای شکمش؟ همچو معقول نیست این معنا، تقاضای شهادت برای اینکه ادراک کرده است که در شهادت موت نیست؛ یک حیات جاوید است، برای حیات جاوید است که این تقاضای شهادت می‌کند. زیربنا توحید است، زیربنا عقاید حقّه الهی است؛ نه زیربنا شکم باشد. اینهایی که اقتصاد را زیربنا می‌دانند، اینها منحط کردند انسان را از حدّ انسانیت به حد یک حیوانی، مثل سایر

برای حیات
جاوید، تقاضای
شهادت می‌کنند

۱. شهید هادی فرخ‌نیا.

حیوانات؛ این هم مثل سایر حیوانات. (۱۰۱)

۵۸/۶/۱۷

* * *

نهضت برای اسلام است؛ و شهادت هم برای اسلام. و آنچه که
برای اسلام است شرف است و عزت است. (۱۰۲)

نهضت و شهادت
برای اسلام است

۵۸/۶/۲۱

* * *

اینهمه خون دادند مردم، برای این بود که مثلاً در ایران فقط چه
چیز ارزان بشود، چه چیز گران بشود؟ برای خدا، مردم خون
می دهند. مگر عقلشان را شیطان برده است که بیخودی خون
خودشان را بدهند. (۱۰۳)

مردم برای خدا
خون می دهند

۵۸/۶/۲۸

* * *

من به همه شهدایی که در راه اسلام، جان خودشان را فدا کردند
سلام می فرستم. و از خدای تبارک و تعالی برای همه رحمت و
آمزش از خدا طلب می کنم. و به همه بازماندگان آنها تسلیت
عرض می کنم. و من شریکم در غم همه و من خدمتگزار به همه
هستم و دعاگو. البته مصیبت برای بازماندگان زیاد است؛ لکن
چون در راه خداست؛ شما خودتان را با صاحب شرع، با ولی
اعظم، با رسول اکرم، در بین آنها خودتان را وارد کردید. آنها هم
عزیزان خودشان را در راه اسلام داده اند؛ و شما هم عزیزانتان را
داده اید. و خواهرها هم همین طور. و آن چیزی که آسان می کند

عزیزان ما در راه
خدا فدا شدند

مصیبتها را این است که همه انسانها رفتنی هستند و همه ماها رفتنی هستیم، و چه بهتر که در راه خدا فدا بشویم. و فدا شدند آنهایی که رفتند به جوار رحمت خدا. (۱۰۴)

۵۸/۷/۲۹

* * *

ما اینهمه جوان دادیم، در دانشگاهها جوان دادیم، در مدرسه‌های قدیمی جوان دادیم، در مدارس علمی و اسلامی و فرهنگ جوان دادیم، در خیابانها و بازارها و کوچه‌ها شهید دادیم که به مقصد برسیم. برای مقصد بود و آن مقصد همان بود که ملت ما فریاد کشیدند و آن را خواستند: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. (۱۰۵)

مقصد شهدا
استقلال، آزادی،
جمهوری اسلامی
است

۵۸/۸/۱۳

* * *

شما اشخاصی هستید که بچه‌هایتان را، جوانهایتان را دادید برای اینکه اسلام را زنده بکنید. شما تابع امیرالمؤمنین‌اید، نه تابع مکتبهای انحرافی که اصل این مسائل را کار ندارند، و توجه به آن ندارند. (۱۰۶)

جوانهایتان را برای
زنده کردن اسلام
دادید

۵۸/۸/۱۸

* * *

از ما دائماً این مطلب را حتی حالا می‌خواهند که شما دعا کنید ما شهید بشویم. آخر کسی دلش می‌خواست شهید بشود برای شکم؟! کسی جوانش شهید بشود برای اینکه یک خانه خوبی

اولیا شهادت را
برای عالم دیگر
می‌خواهند

داشته باشد؟! یا مسأله این نیست. مسأله یک عالم دیگری است. شهادت برای یک عالم دیگری. آن شهادتی که همه اولیای خدا، همه انبیا دنبالش بودند و بسیاری از اولیای ما به شهادت رسیدند، آن معنا را می‌خواستند. مردم دنبال آن معنا هستند. (۱۰۷)

۵۸/۹/۲۱

* * *

ما تقریباً هر روز مواجه هستیم با این مادرهایی که بچه‌هایشان را از دست دادند و این پدرهایی که عزیزانشان را از دست دادند و این معلولین و این مجروحین و این گرفتاریهایی که در رژیم سابق برای ملت ما مهیا شده بود. ما هر روز تأثرات زیادی در این مسائل داریم، لکن خودمان را تسلیت می‌دهیم به اینکه ملت ما به صورت مجاهدین صدر اسلام درآمدند. همان طور که در صدر اسلام در رکاب رسول‌الله و امیرالمؤمنین، - سلام‌الله‌علیه - عده‌ی کثیری از فرزندان اسلام از دست رفتند، لکن اسلام را حفظ کردند. امروز هم که ما در یک موقعیتی واقع هستیم که اسلام روبروی کفر ایستاده است و احتیاج به فداکاری دارد، ملت ما بحمدالله مردانه ایستاده و فداکاری می‌کند. نه مردها، زنها، و نه زنها و مردها، بچه‌ها همه ایستاده‌اند. (۱۰۸)

ملت ما روبروی
کفر ایستاده است

۵۸/۱۰/۱۱

* * *

من وقتی شما جوانها را می‌بینم که با صداقت، با سلامت روح فعالیت برای اسلام می‌کنید و خودتان را در معرض خطر مرگ قرار می‌دهید مباحات می‌کنم. افتخار می‌کنم که در بین مسلمانها یک

همچو جوانهای رشید متعهد هست. از این جهت، ما نباید از قدرتمندهایی که اتکال به خدا ندارند، اتکال به مسلسل دارند، ما نباید بترسیم. ترس مال آن است که برای شهادت حاضر نباشد. در روایتی است که حضرت علی بن الحسین در کربلا که بودند به پدرشان گفتند که - قریب به این معنا - که به آنها گفته بودند که شما کشته می شوید. عرض کرد به سیدالشهداء که مگر ما بحق نیستیم؟ فرمود چرا. گفت دیگر مبالات از مردن نداریم کسی که بحق است و کسی که قائل است به اینکه این عالم تمام یک مدبر دارد و او خداست، و عالم طبیعت پایینترین عوالم است - در قرآن از او به دنیا تعبیر شده، دنیا این پایین - وقتی بنا باشد که شهید منزلش در ملاً اعلیٰ باشد، این چه خوفی دارد؟ خوف را باید امثال کارترها داشته باشند که اعتقاد به این مسائل ندارند.

اینهایی که همه مقصدشان این است که در اینجا چند روزی به یک قدرتمندی برسند یا به یک جنایتکاری برسند، آنها باید بترسند. اما جوانهای ما که اعتقاد به ماورای طبیعت دارند، و شهادت را برای خودشان یک فوزی می دانند، اینها ترس ندارند. ما فرض می کنیم که همچو قدرتی برای آن قدرتمندان باشد که بریزند و بکشند و همه چیز را از بین ببرند، مع ذلک ما چون بحق هستیم نباید بترسیم. (۱۰۹)

۵۹/۲/۱۲

* * *

خوب ما خون بچه هایمان [را] داده ایم، یک قبرستان اینجا پر است از جوانهای ما، قبرستانهای شهرستان پر از جوانهای ماست که در راه این مملکت و در راه این اسلام اینها کشته

شما جوانها با
سلامت روح برای
اسلام فعالیت
می کنید

جوانهای ما برای
اسلام کشته شدند

شده‌اند. (۱۱۰)

۵۹/۵/۱۵

* * *

شما ای ملت عزیز و ارتش عراق! بدانید که قوای مسلح ما، ارتشیان دلاور و پاسداران قدرتمند و شهربانی و ژاندارمری شجاع و پیش‌مرگان فداکار همراه با قشرهای رزمنده ملت و سپاه، بسیج سلحشور، قدرت عظیمی است منسجم، و چون سد آهنین در مقابل همه قدرتمندان ایستاده است. و چون خدای متعال و اسلام و قرآن کریم انگیزه نبردشان و شهادت و وصول به حق آرمانشان است، پیروزی با آنان است. (۱۱۱)

آرمان شهدا وصول
به حق است

۵۹/۷/۱۲

* * *

مملکت اسلام از اول خرداد تا حالا، بیشتر از صد هزار جمعیت از آن کشته شده است و بیشتر از صد هزار معلول ما الآن داریم. اینها برای چه معلول شده‌اند؟ برای چه کشته شده‌اند؟ برای نفت بوده است؟ آدم برای نفت خودش را می‌کشد؟ برای خانه بوده است؟ برای ارزانی بوده است؟ خوب، ما از تظاهرات مردم باید اینها را بفهمیم. همه می‌گفتند: ما اسلام را می‌خواهیم. اگر اسلام نبود، نه نفت می‌توانست هیچ کاری بکند و نه سایر چیزها. مگر مردم می‌شود جوانهایشان را بدهند برای نفت؟ می‌شود جوانشان را بدهند برای خانه؟ الآن که شما در جبهه‌های جنگ هستید و ارتشیهای ما، که خداوند نصرتشان بدهد، در مراکز فعال هستند، الآن کی هست که دارد از آنها پشتیبانی می‌کند؟ آن

مردم ما
جوانهایشان را
برای اسلام
می‌دهند

زنهایی که برای شما نان می‌پزند و آن مردمی که برای شما پول می‌دهند و آن مردمی که برای شما ذخیره می‌دهند و آنقدر چیزها را می‌فرستند. همین مردم مسلمانند. شما ببینید در تلویزیونتان که یک زنی که ده تا تخم‌مرغ آورده، دارد می‌آورد می‌دهد همین را. یک بچه‌ای که ده تومان دارد این را می‌دهد. اینها برای چه اینها را می‌دهند؟ اینها برای اسلام است، برای کشور اسلامی است. (۱۱۲)
۵۹/۸/۲۵

* * *

من نمی‌دانم از کجا شروع کنم، و نمی‌دانم با مواجهه با اشخاصی که در راه اسلام، در راه خدای تبارک و تعالی معلول شده‌اند و در اینجا حاضرند، و چهره‌هایی که عازم به سفر برای دفاع از اسلام هستند، چطور ستایش کنم. من از شما جوانها، از شما که در راه اسلام و در راه ایمان خودتان رنج دیدید و معلول شده‌اید، و شما جوانها که عازم به جبهه‌ها هستید، چطور تشکر کنم. من وقتی این صحنه‌های اسف‌آور و افتخار آمیز را می‌بینم عاجز از اینکه در مقابل آنها مطلبی بگویم. شما خودتان زبان گویای افتخار هستید. زبان گویای اسلام هستید. شماها افتخار برای این ملت آفریدید. و شماها بودید که دست قدرتهای بزرگ را، چپاولگر را، معاند با اسلام را، طاغوت را از این مملکت کوتاه کردید. و شما هستید که برای اسلام باز کوشش می‌کنید و جانفشانی می‌کنید. و هیچ چیز در مقابل این خدمتها جز خدای تبارک و تعالی، هیچ کس جز خدای تبارک و تعالی نمی‌تواند به شما اجری بدهد. زحمتهای شما را خدای تبارک و تعالی اجر خواهد داد.

شما برای اسلام
جانفشانی می‌کنید

شما اگر معلول هستید، که خداوند شفا بدهد همه شما را، و

برای خدمت به اسلام معلول شده‌اید. و شمایی که عازم جبهه‌ها هستید، برای خدمت به اسلام هستید، اسلام برای شما بسیار ارج قائل است و تشکر از شما می‌کند. و همه ملت از شما متشکر هستند. (۱۱۳)

۵۹/۹/۲۶

* * *

انصاف نیست که جوانان عزیز اسلام از ارتش و سپاه و ژاندارمری و بسیج و شهربانی گرفته تا گروه‌های جانباز عشایر و عزیزان شهرها و روستاها در سراسر کشور در خدمت اسلام و مسلمین خون خود را نثار و جان خود را فدا کنند، ما در کناری بنشینیم و با قلمها و زبانهای خود قلب نورانی آنان را آزار دهیم. انصاف دهید که ما برای اسلام و کشور اسلامی خود چه کرده‌ایم و این جوانان عزیز از خود گذشته، از دانشگاهی تا روحانی و از روستایی تا شهرستانی و از کارگر تا بازاری چه کرده‌اند. از اول انقلاب تا کنون تمام رنجها و زحمتهای جانبازها بر دوش این طبقات بوده است و آنان ولی نعمت ما بوده‌اند. (۱۱۴)

۵۹/۱۱/۲۲

* * *

این کوردلان گمان کرده‌اند که شما، جوانان و عزیزان خود را در راه نفت و بنزین داده‌اید و به اسلام و میهن عزیز خود برای پرکردن شکم خود خدمت می‌کنید. اینان را که دشمن عزت و شرافت شما هستند از خود برانید و مجال ندهید که توطئه‌های آنان به

این جوانان در خدمت اسلام و مسلمین جان نثار می‌کنند

کوردلان گمان کرده‌اند برای شکم جوان داده‌اید!

شماره برسد. (۱۱۵)

۵۹/۱۱/۲۲

* * *

شما ملت عزیز بزرگوار، همه چیز خودتان را برای رضای خداوند
تعالی در طبق اخلاص نهادید و این مائده بزرگ آسمانی را به
دست آوردید. (۱۱۶)

ملت عزیز برای
رضای خدا همه
چیزشان را در طبق
اخلاص گذاشتند

۵۹/۱۱/۲۲

* * *

با رفتن شهیدایی با اینکه بسیار ارزشمند، بسیار ارزشمند بودند و
هستند، با رفتن شهدا، در عین حال که ما متأثر هستیم، لکن چون
ما توجهمان به خداست و برای خداست و ملت ما برای خدا قیام
کرده است، با رفتن اشخاص، هیچ سستی به خودشان راه
نمی دهند. (۱۱۷)

ملت برای خدا قیام
کرده است

۶۰/۶/۹

* * *

منطق ملت ما، منطق مؤمنین، منطق قرآن است: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ
رَاجِعُونَ**.^۱ با این منطق، هیچ قدرتی نمی تواند مقابله کند. جمعیتی که
- ملتی که - خود را از خدا می دانند و همه چیز خود را از خدا
می دانند و رفتن از اینجا را به سوی محبوب خود، مطلوب خود
می دانند، با این ملت نمی توانند مقابله کنند. آن که شهادت را در
آغوش، همچون عزیزی می پذیرد، آن کوردلان نمی توانند مقابله

منطق ما، منطق
قرآن است

کنند. اینها یک اشتباه دارند و آن اینکه شناخت از اسلام و شناخت از ایمان و شناخت از ملت اسلامی ما ندارند. آنها گمان می‌کنند که با ترور شخصیتها، ترور اشخاص، می‌توانند با این ملت مقابله کنند؛ و ندیدند و کور بودند که ببینند که در هر موقعی که ما شهید دادیم ملت ما منسجمتر شد.

ملتی که قیام کرده است. در مقابل همه قدرتهای عالم، ملتی که برای اسلام قیام کرده است، برای خدا قیام کرده است، برای پیشرفت احکام قرآن قیام کرده است، این ملت را با ترور نمی‌شود عقب راند. آنها گمان می‌کنند که افکار مؤمنین و ملت بپا خاسته ما همچون افکار غربزده‌ها و غرب است که جز به دنیا فکری نمی‌کنند و جز متاع دنیا را نمی‌بینند، آنها هم آن‌طورند.

ملتی که از اول، از صدر اسلام و پیشوایان آن جان خودشان را فدا کردند برای هدف خودشان، که آن خدا و اسلام است، به این مسائل و به این امور از بین نخواهند رفت و سستی نخواهند داشت. ملت ما، ملت عزیز ما در تاریخ خوانده است که علی بن ابی طالب - سلام الله علیه - با دست یکی از همین منافقین، با دست یکی از همین اشخاصی که به صورت اسلام، [اما] از اسلام جدا بودند، فرق مبارکش شکافت. ملت ما چون علی بن ابی طالب را فدا کرده است از برای اسلام، فدا کردن امثال این شهدا^۱ برای ملت ما یک مسأله مهم نیست، گرچه خود واقعه و خود این افرادی که شهید شده‌اند در نظر همه ما عزیز و ارجمندند. (۱۱۸)

۶۰/۶/۹

* * *

۱. اشاره به شهدای فاجعه انفجار نخست‌وزیری یعنی شهید رجایی و باهنر.

از ملت تشکر کنیم که در همه مراحل، از قبل از انقلاب تا زمان انقلاب و تا پیروزی انقلاب، یکدل و یک جهت برای اقامه عدل اسلامی و برای دفع اشرار و رژیمهای فاسد و اقامه رژیم جمهوری اسلامی، کوشش کردند و از زمانی که بپا خاستند تاکنون در صحنه بوده‌اند و با تمام توان خود و بذل مال و جان و فرزند و خاندان، برای پیدا شدن عدل الهی و مستقر شدن احکام آسمانی کوشا بوده‌اند. (۱۱۹)

بذل جان و مال و
فرزند برای تحقق
عدل الهی

۶۰/۷/۱۷

* * *

خدای تبارک و تعالی که می‌فرماید: «کسانی که نصرت مرا بکنند آنها را نصرت می‌کنم»، می‌داند که ما و ملت ما نصرت دین او را می‌خواهیم و پیاده شدن احکام اسلام را می‌خواهیم و از اول نهضت همه هم و غم ملت ما بر این بوده است که جمهوری اسلامی با محتوای اسلامی تحقق پیدا بکند. شهدا همه در راه این مقصد از صحنه ظاهری خارج شدند و دوستان عزیز ارتشی و سپاه پاسداران و سایر قشرهای مسلح و غیرمسلح، آنها همه دنبال همین مقصد هستند. وقتی که همه ما و همه شما و همه ملت دنبال نصرت احکام اسلام و نصرت خدای تبارک و تعالی هستیم خدای تبارک و تعالی نصرت می‌کند ما را. (۱۲۰)

هم و غم ملت ما
تحقق اسلام است

۶۰/۱۰/۷

* * *

جوانان ما مهیا هستند از برای جانفشانی در راه اسلام و همان طوری که اسلام می‌خواهد که در مقابل کفر و زندقه و در

مقابل ستم و ستمکاران ایستادگی بکنند، مردانه ایستادند و ایثار کردند و جانفشانی کردند و این مطلب را به ثبت رساندند. (۱۲۱)
۶۰/۱۲/۱۰

جوانان ما برای
جانفشانی در راه
اسلام مهیا هستند

* * *

فرق است ما بین ایده شماها و دشمنهای شما؛ آنها برای قدرتمندی، برای نمایش قدرت، برای شیطان، با اسلام به جنگ برخاستند و شما برای خدا و برای رضای او و برای قوت دادن به اسلام و پیاده کردن احکام اسلام به دفاع برخاستید. شما مدافع از انسانهای مظلوم در طول تاریخ هستید. مدافعات شما از اسلام و پیروزی شما انحصار به پیروزی در میدان ندارد. شما در تمام ابعاد پیروز هستید و شما در تمام جهات معنوی و مادی پیروز هستید و شما در طول تاریخ پیروز هستید و پیروزی شما پشتوانه پیروزی مستضعفین جهان است در طول تاریخ. شمایی که با آغوش باز و با روی گشاده به طرف الله و به طرف لقاءالله و به طرف شهادت می روید پیروز هستید؛ چه در میدان جنگ پیروز بشوید و می شوید، و چه - خدای نخواسته - شکست بخورید و نخواهید خورد. شما آن چیزی را که همراه دارید دشمنان شما ضد او را همراه دارند؛ شما رضای خدا را همراه دارید و آنها سخط خدا را، شما ایمان را همراه دارید و آنها طرفداری از کفر را، شما آرامش قلبی دارید و در این جنگ با آرامش، با خاطر آسوده، با این ایده که اگر شهید بشوم پیروزم و اگر پیروز بشوم هم پیروزم، شما این را دارید و آنها از مرگ فرار می کنند. بین این دو طایفه بسیار فرق است؛ آن که مرگ را در آغوش می گیرد برای اینکه شهادت است، برای اینکه از اسلام است، برای اینکه دفاع از حق است و آن که از

شما برای
قوت دادن به اسلام
قیام کردید

مرگ فرار می‌کند برای اینکه برای طعمه، جنگ می‌کند. فرق است مابین ملتی که داوطلب برای شهادت هست و برای پیروزی هست - و من امیدوارم که داوطلبها بیشتر بروند و اسم بنویسند و خواهند رفت - و آنهایی که با سرنیزه به جنگ می‌آیند، اگر اقدام نکنند از پشت کشته خواهند شد، آنهایی که با اسم داوطلب، با فشار و زور و با هزار جور اذیت و آزار به جنگ می‌شوند، آنهایی که ملت‌هایشان به آنها پشت کرده است. بین شما که ملت پشتیبان شماست و نگهبان از شماست و به همین جهت خدای تبارک و تعالی نگهبان شماست و پشتیبان شماست، با آن که برای شیطان می‌خواهد جنگ بکند، برای شیطان نفس می‌خواهد جنگ بکند فرق است مابین اینها. فرق است مابین انقلاب اسلامی ایران با انقلابهای دنیا؛ انقلابهای دنیا بی‌استثنا برای ایمان نیست، برای خدا نیست، انقلاب ایران برای خداست و از اول هم فریاد خدا بوده است، «الله اکبر» بوده است و تا آخر هم همین است. (۱۲۲)

۶۰/۱۲/۱۸

* * *

فرق هست مابین داوطلبی و ایثار شما با داوطلبی و ایثار منحرفین. آنها برای رسیدن به دنیا و برای رسیدن به آمال و شهوات نفسانی وارد می‌شوند در میدانها و شما برای شهادت و برای رسیدن به لقاءالله وارد می‌شوید. (۱۲۳)

۶۱/۱/۲۸

* * *

تنها ایمان به خداوند و عشق به شهادت در راه اسلام و روح ایثار و

تفاوت اهداف
شهادت با منحرفین

عشق به شهادت،
ابزار نبرد رزمندگان

فداکاری، ابزار نبرد نابرابر اینان بود. (۱۲۴)

۶۱/۱/۲۹

* * *

تکلیف، بزرگ است و همه باید این تکلیف بزرگ را بپذیریم. آخر مطلب شهادت است و وصول به لقاءالله و حضور در محضر حضرت سیدالشهداء و امثال او، و این غایت آمال اشخاصی است که عشق به خدا دارند. و ما می‌بینیم در جبهه‌ها، برای ما نقل می‌کنند از جبهه‌ها که این جوانهای عزیز در جبهه‌ها شب چه حالی دارند؛ چه ذکر و فکر و دعایی دارند و نمازی و روز با چه نشاطی به جبهه‌ها می‌روند. این چیزی است که خدای تبارک و تعالی، نعمتی است که خدای تبارک و تعالی به این ملت عطا فرموده است. این این نعمت را حفظ کنید. (۱۲۵)

وصول به لقاءالله
غایت آمال است

۶۱/۷/۲۵

* * *

انصافاً ما رهین منت این توده‌های بزرگواری هستیم که همه چیزشان را می‌دهند و چیزی هم نمی‌خواهند. از آن پیرزنها که آن چیزی که در طول عمرشان تهیه کردند، حالا می‌آیند برای اسلام می‌دهند تا آن اشخاصی که قلکشان را می‌شکنند و پولش را می‌آورند برای اسلام می‌دهند. (۱۲۶)

همه چیزشان را
برای اسلام
می‌دهند

۶۱/۷/۲۵

* * *

کسی که جوانش را برای اسلام می‌دهد دیگر دنبال این نیست که

جوانشان را برای
اسلام می دهند

مثلاً فلان چیز را ندارد، چطور باشد، یا فلان چیز را دارد، چه
بشود. ما باید این اسلام عزیز را نگهداری بکنیم. (۱۲۷)

۶۱/۱۱/۴

* * *

خدای تبارک و تعالی با قدرت غیبی خودش به این ملت عنایت
فرمود و این جوانها را متحول کرد به یک انسانهای عارف مسلک
که برای خدای تبارک و تعالی و به عشق خدای تبارک و تعالی از
جانشان می گذرند و مادران و پدران آنها از فرزندان رشیدشان
می گذرند و این فداکاری موجب این شد که ما در عین حالی که
بسیار از بزرگانمان را از دست دادیم و بسیار از جوانان
ارزشمندمان را از دست دادیم و خسارات بسیار بر ما وارد شد از
دست دشمنها، مع ذلک آنچه که به دست [آورد] اسلام عزیز بود،
و اسلام ارزش دارد که همه چیز در راه او داده بشود، چنانچه
اولیای خدا چنین کردند. (۱۲۸)

جوانان ما به عشق
خدا از جانشان
می گذرند

۶۱/۱۱/۲۱

* * *

شهادت در راه خدا
غایت آمال جوانان

غایت امر این است که ما در راه خدا شهید می شویم و این غایت
آمال جوانهای ماست. (۱۲۹)

۶۲/۱/۲۱

ماست

* * *

اسلام بزرگ و ملت شریف و فاتحان عزیز ما افتخار می کنند به
هزاران سرباز گمنام بزرگواری که در پی نام و نشان نیستند و برای

کشور اسلامی خویش و اسلام عزیز و ملت انسانپرور افتخاراتی می‌آفرینند معجزه‌آسا و پیروزیهای ژرف. فرق است بین سرباز گمنامی که قدرتهای مادی دنیا به آن فخر می‌فروشند و بین سربازان گمنامی که پروردهٔ اسلام و مکتب توحید است، که انگیزهٔ آنان تحصیل قدرت و اکثراً ستمکاری است و انگیزهٔ اینان خدا و طلب حق است. (۱۳۰)

طلب حق، انگیزه
شهادای گمنام

۶۲/۲/۱۴

* * *

تا امروز هم تمام این فداکاریها، فداکاریهای روی اسلام است نه اینکه حساب دیگری دارد. مسألهٔ ملیت هست، اما نه آنطوری که آقایان خیال می‌کنند که ما ملیت را بگیریم و کاری به اسلام نداشته باشیم، اول ملی باشیم و بعد اسلامی باشیم، نخیر، مسألهٔ اسلامی بودن است که مردم را وادار کرد به اینکه جوانهایشان را بدهند و فریاد بزنند باز جنگ، این غیر از این چیزی نیست. (۱۳۱)

فداکاریها برای
اسلام است

۶۲/۶/۷

* * *

شمایی که می‌خواهید آدم بشوید زحمت دارد آدم شدن. می‌خواهید سرفراز در دنیا باشید این زحمت دارد؛ بیخود نمی‌شود، اگر نوکری آنها را بکنید دیگر ارزش ندارید، یک پول هم ارزش ندارید. اگر بخواهید از تحت سلطهٔ همه بیرون بروید و خودتان باشید این ارزش دارد، یک ارزش انسانی است، یک شرافت انسانی است، این زحمت دارد، این گرانی دارد، این کمبودی دارد، این جهاد دارد، این دفاع دارد، این شهادت دارد،

سرافرازی در دنیا
شهادت لازم دارد

این برای ارزش انسانی است. همین است که انبیا برای او کار کردند. همین است که امام حسین برای او کشته شد. اگر آن هم فکر می‌کرد که زحمت دارد، اصحاب او هم با آن کمی فکر می‌کردند زحمت دارد، که توانستند یک همچو انقلابی را به جابیاورند که تا حالا هم اثرش باقی مانده است. ولی وقتی برای خدا شد، زحمت کم می‌شود. (۱۳۲)

۶۲/۱۱/۱۱

* * *

در راه خدا نه شهادت و نه نقص عضو و نه گرفتاری هیچ یک از اینها اشکال ندارد. این چیزی بوده است که اولیای خدا از اولی که خلقت تحقق پیدا کرده است، انبیای عظام در طول تاریخ مبتلا به آن بودند و نترسیدند و جلو رفتند. (۱۳۳)

۶۳/۲/۳۰

* * *

مردم انقلاب کردند، باید پای زحماتش هم بنشینند. مردم، پیغمبران و پیغمبر اسلام را و ابراهیم را در نظر بگیرند، ببینند که با آنها چه مخالفتها شد، ولی دست از هدفشان نکشیدند. اگر ما مسلمانیم، باید دنباله روی آنها باشیم. دنباله روی از آنان که فقط روزه و نماز و مسجد نیست. دنباله روی از آنان مبارزه برای حفظ اساس اسلام است. باید برای حفظ اساس اسلام تا آخر ایستاد و پیشروی کرد. (۱۳۴)

۶۳/۶/۱۸

* * *

در راه خدا از
شهادت باکی
نیست

مبارزه برای حفظ
اساس اسلام است

اما ملتی که برای شهادت می‌رود، ملتی که زن و مردش عاشق شهادت هستند و فریاد شهید شدن می‌زنند، یک همچو ملتی دیگر از اینکه فلان چیز کم است، فلان چیز زیاد است، این نمی‌نالد. اقتصادش چطور است، این مال آنهایی است که وابسته به اقتصاد هستند، دل به اقتصاد دادند. آنهایی که دل به خدا دادند، آنها اینطور نیستند که دنبال این باشند که فلان چیز فراوان باشد؛ فلان چیز کم باشد، زیاد باشد، نرخش کم باشد، نرخش زیاد باشد. اینها که در نظر اینکه شهید می‌خواهد بشود، این چیزها نیست. آن که دارد برای شهادت می‌رود به او بگویی که مثلاً مالت را دزد برده است، او اصلاً اعتنا به این حرف ندارد. به او بگویی که قیمت [اجناس] گران است، او که نرفته برای اینکه غنیمتی بیاورد. غنیمتی که او می‌خواهد بیاورد آن غنیمتی است که هیچ زوال ندارد. آن چیزی است که هیچ شکست ندارد. آن کاری است که از دست هیچ کس بر نمی‌آید جز از دست خدای تبارک و تعالی و ملت ما دارد این کار را می‌کند و من امیدوارم که همه اینطور بشویم. (۱۳۵)

شهید دنبال غنیمتی
است که زوال ندارد

۶۴/۱/۱

* * *

نماز جمعه را که می‌زنید خیال می‌کنید ملت ما عقب می‌نشیند! می‌بینید که در نماز جمعه^۱ چه کردند. این یک مطلبی است گفتنی، تاریخی، تا کسی نبیند آنجا را، آن منظره را نبیند، باورش نمی‌آید که زن بچه‌اش تو بغلش است، مرد بچه‌اش پهلویش است هیچ

ملت دنبال عظمت
اسلام است

۱. اشاره به بمبگذاری منافقین در نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۴ که منجر به شهادت جمعی از نمازگزاران شد.

حرکت نکند، اینهمه فشار، هیچ حرکت نکند، از آن ورافججار، آن نامردها، از آنطرف هم آنطور رگباری که ملاحظه کردید همه. مع ذلک همه هم با طمأنینه نشسته‌اند سر جای خودشان و هیچ ابداً حرکتی نمی‌کنند. و ملت، یک همچو ملت است. ملت اینطوری دیگر دنبال این نیست که گوشتش ارزان است یا گران است، دنبال این نیست که کم است یا زیاد است. این دنبال این است که اسلام را بزرگ کند. (۱۳۶)

۶۴/۱/۱

* * *

شما به دنیا ثابت کردید که ایران زیربار هیچ ظلمی نمی‌رود، و ایران با هیچ تهدیدی از میدان بیرون نمی‌رود، و ایران متکی به یک قدرت عظیم است و آن قدرت خدا. کسی که متکی به قدرت خداست، کسی که ایمان در قلب او هست، کسی که علم به معاد دارد و خدا را می‌شناسد و قضای الهی را می‌داند، این از این معانی از میدان در نمی‌رود. فکر دیگری بکنند؛ آنهایی که نشسته بودند و برای خودشان خیالبافی می‌کردند که دو ماه دیگر، سه ماه دیگر، یک سال دیگر، دو سال دیگر، یک فکر دیگری بکنند، این فکر درست از کار درنیامد. ابرقدرتها هم یک فکر دیگری بکنند و بهتر این است که دست از این کارها بردارند. بهتر این است که این عامل خبیث خودشان را که اینطور رسوایی به بار آورد برای ابرقدرتها، دست از پشتیبانی این بردارند. این بدبخت را بازی دادند و بعد معلوم شد که مسأله این جور نبود. الآن هم این دست و پاها هیچ اثری ندارد. اینها خیال می‌کردند که حالا دیگر چند تا بمب بیندازند به شهرهای ایران، ایران از میدان در می‌رود. اینها

کسی که علم به معاد
دارد از میدان
به در نمی‌رود

هزاران بمب‌انداختند، بمباران کردند، همهٔ مناطق طرفهای مرز را بمباران کردند و شهرهای بزرگ ما را هم بمباران کردند. و روز قدس آنطور جمعیت و فریاد بود که به گفتهٔ بعضی از مخبرین؛ «صدای توپها را مردم دیگر نمی‌شنیدند، صدای بمبها را دیگر مردم نمی‌شنیدند»، فریاد مردم غلبه کرده بود. این فریاد از قلب مؤمن است و این فریادی که از قلب مؤمن است بر همه چیز غلبه می‌کند؛ بر کاخ سفید هم غلبه می‌کند و غلبه کرده است. و موج این ایمان در سرتاسر دنیا از زیر بار این ظلمهایی که در طول تاریخ بر آن شده است، از زیر این بار دارد در می‌آید. همه جان‌نغمه این است که ظلم نه دست توانای ملتها، ابرقدرتها را به جای خودشان نشانده و می‌نشانند. ملتهای مستضعف در هر جای جهان رو به بیداری هستند، نمی‌پذیرند امروز دیگر آن حرفهایی که سابق گفته می‌شد. آن اربابهایی که می‌کردند و کشتیهایی که می‌آوردند در اطراف خلیج فارس و امثال اینها، یا کارهای دیگری که می‌کردند، تمام اینها کهنه شده است، دیگر پیش مردم ارزش ندارد. ملتی که بیرون آمده روز جمعه و می‌گوید که «ما برای شهادت آمدیم»، آنها را از مردن نترسانید، این شهادت است. شما هر چه می‌توانید بترسانید، این است که؛ «ما خانه‌های شما را خراب می‌کنیم، خود شما را هم می‌کشیم»، آنها جلو آمدند، می‌گویند ما برای این آمدیم، چطور اینها را می‌ترسانید؟ این کار احمقانه است. (۱۳۷)

۶۴/۳/۳۰

* * *

ترجیح دادن شهادت و شرف اسلام
 سلحشوران ایران، شهادت را بر ذلت و شرف اسلام و انسانی را
 بر رفاه و عیش چند روزهٔ توأم با خواری و شرمساری

ترجیح داده. (۱۳۸)

۶۴/۵/۲۵

* * *

ملتی که برای رضای حق تعالی انقلاب کرد و برای ارزشهای معنوی و انسانی بپاخاسته است، چه باک دارد از شهادت عزیزان و آسیب دیدن نور چشمانش و تحمل سختیها و مکاره^۱، که جنت لقاءالله که فوق تصور عارفان است، محفوف^۲ به مکاره است. چه می‌گوییم! این جنت اولیا، مکاره را در کام ملت ما شیرینتر از عسل کرده. (۱۳۹)

ملتی که برای
ارزشهای معنوی به
پاخاسته از
شهادت باک ندارد

۶۴/۱۲/۳

* * *

ما مواجه هستیم با یک ملتی که همه چیز خودش را در طبق اخلاص گذاشته است و برای اسلام دارد صرف می‌کند؛ جوانها را می‌دهد، جوانها جان خودشان را می‌دهند، زنها جوانهای عزیز خودشان را می‌دهند و با آن شور و شمع، آنها به میدان می‌روند و مردم با آن شور و شمع در جبهه و خارج جبهه دارند فداکاری می‌کنند. (۱۴۰)

اخلاص برای
اسلام

۶۵/۳/۱۹

* * *

خداوندا! تو می‌دانی که فرزندان این سرزمین در کنار پدران

۱. مکاره: رنجها، سختیها.
۲. محفوف: گرداگرد فراگرفته.

ومادران خود برای عزت دین تو به شهادت می‌رسند و با لبی خندان و دلی پر از شوق و امید به جوار رحمت بی‌انتهای تو بال و پر می‌کشند. (۱۴۱)

۶۶/۵/۶

* * *

آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن بپاخواستید و دنبال می‌کنید و برای آن جان و مال نثار کرده و می‌کنید، والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد؛ و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایده توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهناور وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است؛ و آن در مکتب محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم- به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده؛ و کوشش تمام انبیای عظام -علیهم سلام الله- و اولیای معظم -سلام الله علیهم- برای تحقق آن بوده و راهیابی به کمال مطلق و جلال و جمال بی‌نهایت جز با آن میسر نگردد. آن است که خاکیان را بر ملکوتیان و برتر از آنان شرافت داده، و آنچه برای خاکیان از سیر در آن حاصل می‌شود برای هیچ موجودی در سراسر خلقت در سرّ و علن حاصل نشود.

شما ای ملت مجاهد، در زیر پرچمی می‌روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است، بیابید آن را یا نیابید، شما راهی را می‌روید که تنها راه تمام انبیا -علیهم سلام الله- و یکتا راه سعادت مطلق است. در این انگیزه است که همه اولیا شهادت را در راه آن به آغوش می‌کشند و مرگ سرخ را «احلی من العسل»

هدف شهادت عزت
دین است

ملت برای ایده
توحید قیام کرد

می دانند؛ و جوانان شما در جبهه‌ها جرعه‌ای از آن را نوشیده و به وجد آمده‌اند. (۱۴۲)

۶۸/۳/۱۵

* * *

آثار و برکات خون شهدا و مجاهدین

ما کشته دادیم و رنج بردیم لکن هر قطره خون آنها خونهایی را در رگ جوانان غیرتمند ما به جوش آورد و آتشی در دل آنها روشن کرد که به خواست خداوند تعالی خاموش نشود مگر پس از سوزاندن درخت جهنمی استعمار و به آتش کشیدن عمال روسیاه آن. (۱۴۳)

خون شهدا آتشی
علیه ظالمین
برافروخت

۵۷/۱/۴

* * *

ملت عزیز ما با قیام دلاورانه خود و نثار خون فرزندان عزیز خود، نام ارجمند خود را در تاریخ و در صف اول مجاهدان اسلام ثبت نمود. (۱۴۴)

نام ملت ما در صف
اول مجاهدان
اسلام ثبت گردید

۵۷/۸/۴

* * *

زندانیان سیاسی ما می دانند که آزادیهای خود را در اثر جانبازیهای شجاعانه ملت مسلمان ایران به دست آورده‌اند، و سپاس و تقدیر آنان در برابر این فداکاریها آن است که مبارزات بی‌امان خود را تاواژگونی رژیم و آزادی دیگر برادران و خواهران خود

آزادی، حاصل
جانبازی مجاهدان
است

ادامه دهند. (۱۴۵)

۵۷/۸/۴

* * *

همه می‌دانند این پیروزی از قدرت اسلام است و مسلمین با دادن خون شریف خود آن را به دست آورده‌اند. (۱۴۶)

خون شهدا عامل پیروزی است

۵۷/۱۲/۹

* * *

این شعار باید محفوظ باشد که این قیام «قیام ملی» نیست، این قیام «قیام قرآنی» است، این قیام «قیام اسلامی» است. یک ملت ضعیفی که هیچ نداشت، در مقابل ابرقدرتها و در مقابل این قدرت شیطانی، که همه چیز داشتند و تا دندان مسلح بودند [غالب شدند]، به قوه ملیت نمی‌تواند غلبه کند؛ ملتی که غلبه کرد برای اینکه شهادت آرزوی او بود. بعض جوانهای من از من شهادت را طلب می‌کردند و مرا قسم می‌دادند که دعا کن که شهید بشویم. زنهایی که جوانهای خودشان را دادند، افتخار بر این کردند که شهید دادیم. و آنکه یک پسر از او باقی مانده بود باز می‌گفت این را هم اهدا می‌کنم. این قدرت ملیت نیست؛ این قدرت ایمان است، این قدرت اسلام است. خلط نکنند، اشتباه نکنند. این اسلام است که غلبه کرد بر ابرقدرتها؛ این اسلام است که فرزندان آن به شهادت راغب هستند؛ این قوه ایمان است که مردم را سرتاسر ایران بسیج کرد. این دست غیبی الهی بود که مردم ایران را - سرتاسر - از بچه دبستانی تا پیرمرد بیمارستانی، با هم هم‌صدا و با هم هم‌مقصد کرد. این هیچ جبهه‌ای نمی‌تواند این کار را بکند؛

آرزوی شهادت، عامل پیروزی ملت

هیچ بشری قادر نیست که همچو بسیجی بکند؛ هیچ ملتی نمی‌تواند اینطور بسیج بشود. قدرت ایمان، قوهٔ اسلام، قدرت معنوی ملت، این پیروزی را به ما ارزانی داشت. (۱۴۷)

۵۷/۱۲/۱۸

* * *

قوت ایمان در ملت ما طوری بود که شهادت را سعادت می‌دانستند و دنبال شهادت بودند و خوف از مرگ نداشتند؛ و لهذا مشتتهای اینها بر تانکها غلبه کرد. (۱۴۸)

۵۸/۱/۱۳

* * *

مردم برای اسلام خون می‌دهند نه برای سیاست. برای سیاست اسلامی. ملت ما به واسطهٔ اتکا به اسلام، این نهضت را پیش برد. ملت ما عاشق شهادت بود؛ با عشق به شهادت این نهضت پیش رفت. اگر این عشق و علاقه نبود، هرگز ما در مقابل آنهمه قدرت پیروز نمی‌شدیم. (۱۴۹)

۵۸/۱/۱۶

* * *

ما به قدرت طبیعی بر این مشاغل و بر این مصیبتهایی که وارد شده است فائق نیامده‌ایم؛ برای اینکه قدرت ما به حسب طبیعت یک قدرت بسیار ناچیزی بود در مقابل قدرتهای بسیار بزرگ مثل قدرت امریکا و قدرت شاه سابق، با آن ابزاری که اینها در دست داشتند. ما به اینها که غلبه کردیم، ملت ما که در

چون شهادت را سعادت می‌دانستند، مشتها بر تانکها غلبه کرد

این نهضت با عشق به شهادت پیش رفت

تحول روحی ملت رمز پیروزی است

این نهضت پیروز شد، این فقط برای اتکال به خدا بود. در ملت ما یک تحولی حاصل شد که آن تحول سابقه نداشت؛ آن تحول اینطور بود که شهادت را برای خودشان فوز عظیم می دانستند. جوانهای ما الآن هم پیش من می آیند، بعضی از آنها، و می گویند که شما دعا کنید که ما شهید بشویم! این رمز پیروزی بود که همان طوری که در صدر اسلام مسلمان با این رمز پیش بردند، ملت ما هم با این رمز پیش برد؛ و با این رمز است که ملتها می توانند پیش ببرند. (۱۵۰)

۵۸/۱/۱۷

* * *

رمز پیروزی امروز ما این است که اتکا به خدای تبارک و تعالی داشتیم. رمز پیروزی ما این است که جنبه فقط سیاسی نبود، فقط برای نفت و امثال اینها نبود؛ جنبه جنبه معنوی بود، اسلامی بود. جوانان ما آرزوی شهادت می کردند، جوانان ما شهادت را استقبال می کردند؛ همان طور که در صدر اسلام سربازهای اسلام، شهادت را استقبال می کردند. سربازان ما از شهادت باک ندارند برای اینکه مردن را... فنا شدن نمی دانند. سربازان ما شهادت را سعادت می دانند و برای این سعادت کوشش می کنند. رمز پیروزی اتکال به قرآن و این شیوه مقدس بود که شهادت را استقبال می کردند، خوف در دل آنها نبود. (۱۵۱)

۵۸/۱/۲۶

* * *

این معجزه است که با شهید شدن یک عزیز، موج در تمام دنیا

رمز پیروزی این
بود که آرزوی
شهادت می کردند

موج خون شهید
در دنیا

بلند می شود. (۱۵۲)

۵۸/۲/۱۶

* * *

ملت شریف ایران همچون برادران اسلامی صدر اسلام و عصر
وحی با فقدان سازوبرگ جنگی و با دست تهی، لکن با قدرت
ایمان و ایثار خون و فداکاری در راه اسلام و سبقت به شهادت در
راه هدف به پیروزی رسید و دشمنان مستبد و مستعمر و مستثمر
را از صحنه خارج و در زباله دانی تاریخ دفن کرد. (۱۵۳)

ملت با سبقت در
راه شهادت به
هدف رسید

۵۸/۲/۱۰

* * *

این وحدت کلمه را حفظش کنید و این ایمان را، این ایمان را که
جوانهای عزیز ما، بسیار عزیز ما می آیند استدعا می کنند که دعا
کنید ما شهید بشویم. این جوان سی ساله، بیست ساله، بیست و
پنج ساله، کمتر هجده ساله، می آید می گوید که دعا کنید من شهید
بشوم. این احساس، این تحولی که در جامعه ما پیدا شد، اینها رمز
پیروزی ما بود، این را نگهش دارید. (۱۵۴)

شهادت طلبی رمز
پیروزی است

۵۸/۴/۱۲

* * *

ملتی که جوانان نورسشان از شهادت در راه هدف - که همان اسلام
است - استقبال می کنند، از سوء قصدها و ترورها نمی هراسند.
سوء قصد به اشخاصی که در طول عمر به خدمت خالق و خلق
اشتغال داشته اند، اراده آنان را مصمم تر و حقانیت مکتب را

ترورها حقانیت
مکتب را واضحتتر
می کند

واضحتر می‌نماید. (۱۵۵)

۵۸/۴/۲۴

* * *

اسلام در کشور ما می‌رفت تا به تباهی کشیده شود که با خون شهیدانِ ملت ما حیات خود را باز یافت. (۱۵۶)

ملت ما با خون،
حیات خود را
بازیافت

۵۸/۹/۷

* * *

امریکا از این وحدت کلمهٔ ملت ما و از اینکه ملت ما به اینجا رسیده است که جوانهای غیور ما کفن پوش شدند، شهادت می‌خواهند، از این وحشتناک است. (۱۵۷)

امریکا از
شهادت طلبی ملت
ما وحشت دارد

۵۸/۹/۲۱

* * *

رحمت سرشار خداوند متعال بر شهدای فضیلت؛ شهدایی که با نثار خون خود درخت با برکت اسلام را آبیاری نمودند. درود فراوان بر معلولین و مصدومین در راه انقلاب اسلامی که ایران را در جهان سربلند نمودند. (۱۵۸)

شهدا درخت اسلام
را آبیاری نمودند

۵۸/۱۱/۱۹

* * *

گرچه شهدای گرانمایه و جوانان برومندی را از دست دادیم، و برادران و خواهران معلول و ناقص‌العضو به جای گذاشتیم؛ شهدایی که نور انقلابمان، و خواهران و برادران معلولی که سرمایه

انقلاب اسلامی ما هستند و از احترام خاصی در میان ملت قدرشناس ما برخوردارند. لکن در عوض، ملتی بزرگ را نجات دادیم و چنگال گرگان آدمخوار- وحشیان به صورت آدمی- را از شریان حیات امتی عظیم الشان قطع کردیم. و با خواست خداوند و اراده مصمم ملت عزیز تا ابد صحنه میهن اسلامی خود را از لوث وجود جنایتکاران بی فرهنگ و خیانتکاران غارتگر پاک، و در تحت لوای پر برکت «الله اکبر» برای هم میهنان خود آزادی و استقلال را تأمین نمودیم. (۱۵۹)

پاک شدن میهن
اسلامی از لوث
وجود جنایتکاران

۵۸/۱۱/۲۲

* * *

به تمامی شما و خواهران و برادرانی که در محیط جنگ به زندگانی دلاورانه خود ادامه می دهید و از کشته شدن به دست دشمنان خدا در راه خدا ترسی ندارید و با چنگ و دندان از میهن عزیزتان برای رضای خدا دفاع می کنید و موجب دلگرمی رزمندگان اسلام می شوید و همه چیز خود را در طَبَقِ اخلاص قرار داده اید و با فداییهای مکرر صحنه های شجاعت و شهامت را در تاریخ سراسر مبارزات بی امانتان ثبت نموده و می نمایید و با درس فداکاری و رشادت به مستضعفین جهان می آموزید که وعده خدا بر حکومت پابرهنگان جهان حق است، به شما که با مبارزات خویش روی ابرقدرتها و قدرتها را سیاه کردید، درود می فرستم و در مقابل صبر و استقامتتان خاضع و خاشع. (۱۶۰)

فداکاریها، معرف
تحقق حکومت
پابرهنگان

۵۹/۱۱/۱

* * *

عزیزان من! شما می دانید آنچه که به دست آوردید از نفی طاغوت و جایگزین کردن جمهوری اسلامی به جای آن، ارزان نبوده است بلکه با خون هزاران جوان مؤمن و هزاران معلول و مجروح که ما باید تا آخر عمر خود را رهین آنان بدانیم، به دست آمده است. (۱۶۱)

۵۹/۱۱/۲۲

* * *

این جانبازان حماسه آفرین که پرچم پرافتخار لاله الاالله را بر فراز این کشور عزیز به اهتزاز درآورده اند و با خون و توان خود شرافت انسانی ملت بزرگ را بیمه نمودند و با پشتیبانی توده های میلیونی بیخاسته، ائمه کفر و الحاد را شکست مفتضحانه داده و کشور را از لوٹ وجود آنان پاک نموده اند، الحق به ملت ما حق بزرگ دارند. رحمت خدا و سپاس بی پایان ملت عزیز نثار روح آنان و دیگر فداکاران در راه گسترش عدالت اسلامی - انسانی باد. (۱۶۲)

۵۹/۱۱/۲۲

* * *

شما کوردلان با آنکه دیده اید با شهادت رساندن شخصیت های بزرگ صفوف فداکاران در راه اسلام فشرده تر و عزم آنان مصمم تر می شود، می خواهید با به شهادت رساندن عزیزان ما این ملت فداکار را از صحنه بیرون کنید. (۱۶۳)

۶۰/۴/۹

* * *

آنچه به دست
آورده ایم حاصل
خونهاست

با خون خود
شرافت ملت را
بیمه کردند

با شهادت عزیزان
صفوف فداکاران
فشرده تر می شود

ملت ما عازم و جازم و مستقیم و مدافع ایستاده است و از منافع اسلام دفاع می‌کند و چنانچه، هرکس و هر شخصیتی هم شهید بشود در این ملت اثری جز اینکه منسجمتر بشود و بیشتر تقویت روحی بشود ندارد. همان طوری که در صدر اسلام اگر آن اشخاص متعهد کشته می‌شدند، مردم و لشکر اسلام قویتر می‌شدند و به پیش می‌رفتند و ملت ما از باب اینکه به غیر اسلام نظر ندارد و خودش را متوجه به خدا کرده است و در راه خدا به پیش می‌رود، از این امور مادی که اسباب سستی در افراد می‌شود، آنها از این امور بری هستند. (۱۶۴)

۶۰/۶/۱۰

* * *

این ملت فداکار است که در اول انقلاب با نثار خون جوانان خود و زحمات طاقت‌فرسا پیروزی را به دست آورد و همه را از زندانها و تبعیدها و انزواها و اختناقها نجات داد و حکومت را از ستمگران بازستاند و به آنان تحویل داد. (۱۶۵)

۶۰/۷/۱۷

* * *

شما پیروزید برای اینکه شهادت را در آغوش می‌گیرید و آنهایی که از شهادت و از مردن می‌ترسند، آنها شکست خورده‌اند اگر هم لشکر عظیم داشته باشند. (۱۶۶)

۶۰/۱۲/۱۰

* * *

شهادت موجب
تقویت روحیه
ملت است

با نثار خون
جوانان، حکومت
را از ستمگران
گرفتند

شهادت عامل
پیروزی است

اگر ما تسلیم امریکا و ابرقدرتها می شدیم، ممکن بود امنیت و رفاه ظاهری درست می شد و قبرستانهای ما پراز شهدای عزیز ما نمی گردید، ولی مسلماً استقلال و آزادی و شرافتمان از بین می رفت. آیا ما می توانیم نوکر و اسیر امریکا و دولتهای کافر شویم تا بعضی چیزها ارزان شود و شهید و مجروح ندهیم؟! هرگز، ملت زیر بار این ننگ نخواهد رفت و تن به این ذلت نخواهد داد. (۱۶۷) ۶۱/۷/۲۱

* * *

ما خسارت خیلی دیدیم. لکن نمی ارزد این خسارت؟ خوب، صدر اسلام هم حضرت سیدالشهداء را که از همه خسارات بالاتر بود، [از دست دادیم]. و سیدالشهداء می دانست که دارد چه می کند، می دانست که اینجا، این سفر اینطوری است. خوب، از خطبه های بین راهپایان و از فرمایشاتی که کردند معلوم است که مسأله این بوده است که... نه، اینکه مسأله این بوده است که حالا چون می خواستند بروند آنجا، ببینند چه می شود. وضع جوری بوده است که باید بشود، باید این فداکاری بشود تا اینکه کار درست بشود. و ما هم امروز هر چه داریم از آن فداکاری است که آن فداکاری برای اسلام بود که همان مقداری که تا حالا [دوام] آورده است از همان بوده است. و ما باید این را، این پایگاه را حفظش بکنیم و فداکاری را به مردم یاد بدهیم که باید فداکاری بکنید. فقط قضیه این نیست که ما برای سیدالشهداء گریه کنیم، آن هم البته بزرگ است، لکن فداکاریهایش را باید حساب بکنیم. باید ارزش آن کاری که او کرده است و آن بساط ظلمی که به هم زده است، [بیان کنیم] می خواستند بکشانند به کفر و آن مسائلی که

استقلال و آزادی،
محصول خون
شهدا

گرچه خسارت
زیاد دیده ایم ولی
آنهمه مفاسد را دفع
کردیم

یزید می خواست درست بکند، طبعاً همه را خنثی کردایشان. حالا شما هم همین طور، این مسائلی که در زمان محمدرضا و زمان رضاشاه اوج گرفته و آن بساط درست شد، این هم دیگر اینها را ملت بحمدالله، این کار را کرد؛ ملت اینها را خنثی کرد و از بین برد. و الآن شما در تمام ایران، یک دکانی که علناً بخواهد یک چیز غیرمشروع را بفروشد، گمان ندارم داشته باشیم. آن وقت در هر خیابان اینجا، آقایان که توی تهران بودند و می رفتند و می دیدند، در هر خیابانی چقدر از این مسائل فساد بود. بالاتر از آن، بین تهران و شمیران چه خبر بود، از آن عشرتکده‌ها و از آن مسائل که نقل می کنند! لب دریاها چه خبر بود! خوب، این خبرها تمام شد، این یک نعمتی بود که خدا به ما داد. (۱۶۸)

۶۱/۷/۲۲

* * *

ملت ما از اول قیام کرد برای اینکه جمهوری اسلامی بدون اینکه بوی شرق یا غرب را بدهد مطلوب اوست. حالا که اینهمه جوان داده است و اینهمه خون داده است و اینهمه عزیزان را از دست داده است، حالا دیگر نمی آید بگوید که خیر، حالا همه ما را کشتید، دست شما درد نکند، بسم الله! ما تا آخرین وقت و تا آخرین نفس ایستاده ایم و ملت ایستاده است. (۱۶۹)

۶۱/۷/۲۵

* * *

اسلام عنایتش را، لطفش را به این ملت مظلوم، در طول تاریخ عنایتش را، پرتو عنایتش را افکند بر اینها و اینها متحول شدند.

ملتی که اینهمه
خون داده است، به
دشمن نمی گوید
بسم الله

انسان عشرتکده‌ای، متحول شد به انسان مجاهد اسلامی. انسان شهوتران متحول شد به انسان عاشق موت. و این عشق به موت است که تمام مسائل اسلام را دارد حل می‌کند. اگر نبود این جوانها و این رزمنده‌هایی که همه عشق به موت دارند، از همه قشرهایی که هستند، از ارتش و سپاه و بسیج و سایرین و عشایر و سایر مردم که همه با هم هستند، اگر این تحول نبود، ما باز در زندانهای شاهنشاهی باید باشیم. (۱۷۰)

۶۱/۱۰/۱۲

* * *

این پیروزی معنوی و مادی مرهون اسلامی بودن انقلاب و مردمی بودن و توجه مردم به اسلام و تحول روحی عظیمی است که خداوند در این ملت، معجزه‌آسا ایجاد فرمود، از آن جمله این جوانان بسیار عزیز در سطح کشورند که ناگهان با یک جهش برق‌آسای معنوی و روحی با دست رحمت حق تعالی از منجلابی که برای آنان با دست پلید استکبار جهانی که از آستین امثال رضاخان و محمدرضاخان و دیگر سرسپردگان غرب یا شرق تهیه دیده بودند، نجات یافته و یکشنبه ره صدساله را پیمودند و آنچه عارفان و شاعران عارف پیشه در سالیان دراز آرزوی آن را می‌کردند، اینان ناگهان به دست آوردند و عشق به لقاءالله را از حد شعار به عمل رسانده و آرزوی شهادت را با کردار در جبهه‌های دفاع از اسلام عزیز به ثبت رساندند و این تحول عظیم معنوی با این سرعت بی‌سابقه را جز به عنایت پروردگار مهربان و عاشق پرور نتوان توجیه کرد. اینجانب هنگامی که این جوانان عزیز در عنفوان شباب را، که با گریه از من عقب مانده تقاضای دعا برای

اگر عشق به
شهادت‌ها نبود، ما
باید هنوز در
زندانیهای
شاهنشاهی باشیم

نتیجه شهادت‌ها آن
است که دنیا سر
تعظیم فرود آورده
است

شهادت می‌کنند، مشاهده می‌کنم از خود مأیوس و از آنان شرمنده می‌شوم و هنگامی که عکسهای متعدد این شهیدان نورس نورانی را می‌نگرم و ارزشهای انسانی و مقامات الهی آنان، که خود از آنها به مرحله‌هایی دور هستم غبطه می‌خورم و چون به مادران و پدران این جوانان و نوجوانان شهید برخورد می‌کنم و آن شجاعتها و شهامت‌های فوق تصور را از آنان مشاهده می‌کنم احساس حقارت نموده، به پیشگاه پیامبر بزرگ اسلام - صلی الله علیه و آله - و حضرت بقیة الله - روحی لمقدمه الفداء - به خاطر چنین امتی و پیروانی متعهد و مجاهد تبریک عرض می‌کنم و از خداوند تعالی ولی نعمت و حافظ امت سپاسگزارم. امروز، اسلام بزرگ، نتیجه آن ایثارها و شهادتها را می‌بیند که دنیا در مقابل آن با همه تبلیغات گمراه کننده و کارشکنیهای بی‌حد و حصرش، ناچار است سر تعظیم فرود آورد و این نسیمی است که از معنویات اسلام در این کشور مظلوم در طول ستمشاهی وزیدن گرفته است و امید از الطاف خداوند منان است که این نسیم الهی را افزایش دهد و آن را به همه کشورهای ستمدیده و دربند مرحمت فرماید. (۱۷۱)

۶۱/۱۱/۲۱

* * *

خدای تبارک و تعالی با قدرت غیبی خودش به این ملت عنایت فرمود و این جوانها را متحول کرد به یک انسانهای عارف مسلک که برای خدای تبارک و تعالی و به عشق خدای تبارک و تعالی از جانشان می‌گذرند و مادران و پدران آنها از فرزندان رشیدشان می‌گذرند و این فداکاری موجب این شد که ما در عین حالی که بسیار از بزرگانمان را از دست دادیم و بسیار از جوانان

این فداکارها
موجب شد اسلام
عزیز را به دست
آوریم

ارزشمندان را از دست دادیم و خسارات بسیار بر ما وارد شد از دست دشمنها، مع ذلک آنچه که به دست [آورد] اسلام عزیز بود، و اسلام ارزش دارد که همه چیز در راه او داده بشود، چنانچه اولیای خدا چنین کردند. (۱۷۲)

۶۱/۱۱/۲۱

* * *

ما جوانهایمان تاکنون آنقدر شهید داده‌اند، تاکنون مادرها آنقدر شهید داده‌اند، پدرها آنقدر شهید داده‌اند، جوانها آنقدر خون خودشان را داده‌اند برای اینکه سرّ این قدرتهای بزرگ از سر ایران کم بشود. حالا که بحمدالله رسیدیم به اینجایی که دستها کوتاه شده، حالا ما کوتاه بیاییم تا آنها دستشان بلند بشود؟ (۱۷۳)

۶۲/۳/۱۴

* * *

آیا در منطقه قدرتی به پایه قدرت رژیم ظالمانه شاهنشاهی و ستمشاهی بود و ملتی همچون این ملت مظلوم دریند بود؟ و دیدید که با دست خالی و ایثار جان و توان در مدت کوتاهی از بندها رها و ستمگران و دزدان را یا در بند کشیدند و یا بیرون راندند. (۱۷۴)

۶۲/۳/۲۸

* * *

بحمدالله شهیدان ما که پیرو شهید عظیم الشان اسلام - علیه السلام - هستند جمهوری اسلامی را بیمه کردند و پیروزی بر دشمنان اسلام

قطع دست قدرتها
از برکات خون
شهادت

ملت ما با ایثار
جان، ستمگران را
بیرون راندند

و ایران و ملت بزرگوار ایران و سایر ملت‌های مسلمان بلکه مستضعفان جهان را تحفه آوردند. بی‌جهت نیست که مستکبران جهان با تمام توطئه‌ها و شیطنتها بر ضد یک ملت کوچک چهل میلیونی که به حسب معنویت و ارزشهای انسانی بر قلّه بلند و والای سعادت ارتقا یافته است، قیام نموده‌اند. خود این توطئه‌ها و بوق و کرناهای ابرقدرتهای عالم و پیوستگان و وابستگان به آنان از بزرگترین ارزشها و والاترین مقامها برای یک ملت است که تاکنون برای هیچ ملتی رخ نداده است و این ارزش را شهدای الامقام و جانبازان، این شهدای زنده و به دنبال آنان، ملت عظیم‌الشأن ایران در پشت جبهه‌ها آفریده‌اند. (۱۷۵)

پیروزیها تحفه‌ای
است که شهیدان
آورده‌اند

۶۲/۱۱/۱۹

* * *

سپاس بی‌پایان از خداوند تبارک و تعالی که با عنایات خاصه خود منت بر ما نهاده و ما را به ملتی که با قیام خونین و انقلاب الهی خویش و روح ایمان و عرفان بر ابرقدرتها تاخته است، سرافراز فرموده است؛ ملتی که با فداکاری ارزشمند، دست ستمگران را از کشور عزیز اسلامی قطع نموده و شرف و استقلال آن را برگردانده است؛ ملتی که مجد و عظمت میهن اسلامی را تجدید و خود را بر مقدرات و سرنوشت خود آزادانه مسلط و حکومت عدل اسلامی را به جای حکومت طاغوت ستمشاهی جایگزین کرده است و اسلام عزیز را بر ملت‌های تحت ستم در شرق و غرب عرضه نموده است. رحمت خداوند و سلام و درود صالحان و مخلصان بر روان شهدای بزرگ و نثار جانبازان و مفقودین و اسرای عزیز که با نثار جان و خون و سلامت و دوری از میهن خود، در راه شرف، عزت

به برکت خون
شهدا تمام توطئه‌ها
خنثی شد

کشور و اسلام، راه را برای نیل به سعادت دنیا و آخرت باز، خود و ملت خود را در پیشگاه مقدس حق تعالی سرافراز و روسفید نمودند.

اکنون پس از گذشت چندین سال از انقلاب اسلامی شکوهمند و فشارهای جانکاه قدرتمندان و توطئه‌های بی‌امان همه جانبه ستمگران بزرگ و کوچک برای اطفای نور خدا، بحمدالله تعالی با قدرت عظیم روحی و به برکت خون پاک شهدا و جانبازان در راه اسلام، تمام توطئه‌ها خنثی، و کیند ستمگران به خودشان برگشت و بارقه با عظمت اسلام در جهان رو به گسترش است و وعده خداوند متعال بر امامت و وراثت مستضعفان، گویی نزدیک است. (۱۷۶)

۶۴/۱۱/۱۷

* * *

ای شهدای بزرگ و ای شهدای زنده عزیز، اگر نبود مجاهدات شما و برادران و خواهران بزرگوار شما در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها، که با اخلاص خود عنایات خاص خداوند قادر را جلب نمودید، کدام قدرت و کدام ابزار جنگی می‌توانست جمهوری اسلامی و کشور عزیز شما را از این دریای موج متلاطم، که شرق و غرب و وابستگان به آنان دست به دست هم و بازو به بازوی یکدیگر داده و در پی غرق آن کوشیدند و می‌کوشند، نجات دهد. این کوردلان از خدا بیخبر و عاری از معنویات نمی‌دانستند که این کشتی نوح است که خدایش کشتیبان و پشتیبان است. اینان با ابزار و ساز و برگ مادی به جنگ ایمان و معنویت و کشور صاحب‌الزمان - ارواحنا لمقدمه الفداء - آمده‌اند؛ و اکنون نیز پس از سالها تجربه به

نجات کشور
مرهون مجاهدات
شماست

خود نیامده‌اند و به حرکات مذبح‌خانه ادامه می‌دهند. ولی چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان. خداوندا! ما هیچیم هیچ! و هر چه هست از تو و به سوی تو است. ما به قدرت مطلق تو امیدواریم و از تو استمداد می‌کنیم. اگر تو با مایی شکست و پیروزی را به پیشیزی نمی‌شناسیم. تو خود یار این ملت و این جوانان مخلص باش؛ و رحمت خود را بر این شهیدان جاوید نثار فرما. و جانبازان، این شهیدان زنده را شفا و اخلاص و اجر عنایت نما؛ و به بازماندگان آنان و خاندان و پرستاران اینان صبر و جزای خیر مرحمت فرما و اسرا و مفقودین ما را صحت و استقامت و نجات بده؛ و رزمندگان عظیم‌الشأن، این پشته‌های جمهوری اسلامی را پیروزی و قدرت و شجاعت بیشتر لطف فرما. (۱۷۷)

۶۳/۱۱/۱۸

* * *

این ملت بزرگ ایران است که با قامتی استوار بر بام بلند شهادت و ایثار ایستاده است و هر روز نشاط و تحرک و فریاد او برای ادامه راه بیشتر می‌شود. (۱۷۸)

۶۶/۵/۶

* * *

قلم و بیان من عاجز است که مقاومت عظیم و گسترده میلیون‌ها مسلمان شیفته خدمت و ایثار و شهادت را در این کشور صاحب‌الزمان - ارواحنا فداه - ترسیم نماید، و از حماسه‌ها و رشادتها و خیرات و برکات فرزندان معنوی کوثر، حضرت فاطمه

شهادت، عامل
نشاط ملت

انقلاب ما از برکات
عاشورا است

زهرآ - سلام الله علیها - سخن بگوید؛ که همه آنها از هنر اسلام و اهل بیت و از برکات پیروی امام عاشورا سرچشمه گرفته است. و ملت ماکمریندها را محکم بسته‌اند؛ و از زن و مرد و پیر و جوان همه و همه، جز تعداد انگشت شماری منافق خود فروخته جاسوس و سایر وابستگان به استکبار جهانی، در صحنه نبرد حق در برابر باطل ایستاده‌اند و بر یکدیگر سبقت می‌جویند. و کدام سبقتی در مسیر الی الله بالاتر از اینکه سیلزدگان محصور در فکر کمک به جبهه‌اند و رزمندگان در صحنه نبرد هم بضاعت مالی خود را به سیلزدگان تقدیم می‌کنند؟ و کدام تحولی بالاتر از اینکه پدران و مادران و همسران شهیدان ما از فراق عزیزان خود شکوه نمی‌کنند، ولی غبطه و حسرت دوری از قافله شهدا را بر زبان دارند؟ (۱۷۹)

۶۵/۱۱/۱۶

* * *

از همت بلندشان^۱ جمهوری اسلامی ایران پایدار و انقلاب ما در اوج قله عزت و شرافت مشعلدار هدایت نسلهای تشنه است؛ و قطرات خونشان سیلابی عظیم و طوفانی سهمناک را برپا کرده است و ارکان کاخهای ظلم و ستم شرق و غرب را به لرزه انداخته است، و آنان را در عزا و ماتم از دست دادن یاران و نوکرانی چون محمدرضا خان و «سادات‌ها» و «نمیری‌ها» و نیز اقتدارها و افتخارات شیطنی خود سیاهپوش کرده است. و هنوز اول ماجرا است، و کابوسهای دیگری دارند. و باید خود را برای نابودی و مرگ جیره‌خوارانی چون صدام و دست نشاندگانی چون اسرائیل

خون شهدا کاخ
ظالمین را لرزانده
است

۱. شهدا.

غاصب آماده کنند؛ که اینها همه از برکات سحر شهیدان ماست. و ما در انتظار رؤیت خورشیدیم. و به شهیدان باید گفت: **أَتَيْكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْت أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ**^۱. (۱۸۰)

۶۵/۱۱/۱۶

* * *

در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسأله را مطرح نمایند که ثمره خونها و شهادتها و ایثارها چه شد. اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بیخبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد. و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربیت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند! (۱۸۱)

خون شهیدان،
انقلاب و اسلام را
بیمه کرد

۶۷/۴/۲۹

* * *

۱. برگرفته از آیه ۲۰ سوره مائده: «خدا آنچه را که به شما داد به هیچکس در جهان نداد».

هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همهٔ صحنه‌ها از آن بهره‌جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، ما در جنگ، پرده از چهرهٔ تزویر جهانخواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت و ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی‌مان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یک‌ایک مردمان بارور کردیم، ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرتها و ابرقدرتها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد، جنگ ما کمک به افغانستان را به دنبال داشت، جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت، جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظامهای فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند، جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت، تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آنچنانی برخوردار شد و از همهٔ اینها مهمتر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.

همهٔ برکات جنگ و
انقلاب از خون
شهادت

همهٔ اینها از برکت خونهای پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، همهٔ اینها از تلاش مادران و پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با امریکا و غرب و شوروی و شرق نشأت گرفت. جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. چه کوتاه‌نظرند آنهایی که خیال می‌کنند چون ما در جبهه به آرمان‌نهایی

نرسیده‌ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و
صلابت بیفایده است! (۱۸۲)

۶۷/۱۲/۳

* * *

روحیات شهدا و ایثارگران

مردم ایران الآن روحیه‌شان همچو قوی است که تانک از آن طرف
می‌آید، سرباز با سرنیزه از آن طرف می‌آید، اینها با مشت جلو
می‌روند و با سنگ و با چوب با آنها مقابله می‌کنند. این زمین
می‌خورد، مرده است، آن یکی می‌آید سر جایش؛ هیچ دست
بر نمی‌دارد و این روحیه‌ای است که اینها را عقب خواهد زد و الآن
پیاده‌شان کرده است. (۱۸۳)

با مشت به جنگ
سرنیزه می‌روند

۵۷/۷/۲۹

* * *

امروز نونها لان هفت - هشت ساله دبستانهای ما فدایی
می‌دهند و در راه اسلام عزیز و کشور، خون نثار می‌کنند. شما
در چه تاریخی چنین دیده‌اید؟ امروز زنده‌های شیردل، طفل خود
را در آغوش کشیده و به میدان مسلسل و تانک دژخیمان رژیم
می‌روند. در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان
ثبت شده است؟ امروز غریو «مرگ بر شاه» از دل طفل
دبستانی تا پیران بیمارستانی مجال را بر رژیم منحط پهلوی چنان
تنگ نموده و اعصاب شاه را آن‌سان خرد کرده که دست از پا
نشناخته و تسکین خاطر خود را با خون کودکان و جوانان ما

در کدام تاریخ
چنین مردانگی و
فداکاری از زنان
ثبت شده است؟

بیمه می‌کند. (۱۸۴)

۵۷/۷/۲۰

* * *

این جمعیت ما جوری شده بود و متحول شده بودند - این تحول باز تحول اسلامی بود - جوری شده بودند که شهادت را برای خودشان یک فوز عظیم دانستند. یک جوان - من در نجف بودم، یک جوان خیلی زیبا و در سن بین بیست تا سی - آمد پیش من و مرا قسم داد که شما دعا کنید که من شهید بشوم. این روحیه مادرهایی که دو - سه تا از بچه‌هایشان را داده بودند، وقتی که به ما می‌رسیدند می‌گفتند که این فدای اسلام، و من باز یکی دارم که آن هم باز می‌خواهم شهید بشود. یک همچو روحیه فداکاری، یعنی همان روحیه‌ای که در زمان رسول‌الله برای مردم پیدا شده بود و در ظرف نیم قرن مسلمین را بر تقریباً دنیای آن روز غلبه داد، این روحیه در ملت ما پیدا شده بود که خودشان را با شوق و اشتیاق می‌خواستند فدا بکنند. آنچه ما را غلبه داد این روحیه بود؛ فلسفه نبود، جهان‌بینی نبود، اسلام‌شناسی نبود؛ هیچ این حرفها نبود. این روحیه که در ملت پیدا شد و این تحرکی که پیدا شد یک مطلب غیبی بود که در ظرف مدت کوتاهی یک همچو تحول روحی در جمعیت پیدا شد؛ و ما تا اینجا که آمدیم با این تحول روحی همراه هستیم. (۱۸۵)

۵۸/۱/۱۷

* * *

شما ملاحظه کردید که جوانهای ما که شهید شدند - همه اینها -

مادرانی که سه
فرزندشان شهید
شده مایلند فرزند
دیگرشان را هم
بدهند

شهادت را استقبال می‌کردند؛ این برای قدرت اسلام بود. و از حالا به بعد هم باید این قدرت را حفظ کرد، این ایمان را حفظ کرد تا این وحدت کلمه حفظ بشود، تا پیروز بشویم ان شاء الله. و من امیدوارم که با وحدت کلمه و قدرت ایمان، ما این راه را تا آخر برسانیم، به آنطوری که می‌خواهیم. (۱۸۶)

جوانهای ما از
شهادت استقبال
می‌کردند

۵۸/۱/۱۹

* * *

و ما با این قدرت ایمان، که همه اقشار ملت ما با هم فریاد اسلام رازدند، پیروز شدیم نه با عدد و عده ما هیچ نداشتیم و آنها همه سلاحها را [داشتند] لکن ما مسلح به سلاح ایمان بودیم و ملت ما آرزوی شهادت می‌کردند. مثل اصحاب رسول الله در صدر اسلام، همانها که با عده کم امپراتوریهای بزرگ را شکست دادند، ما هم با یک عده کم و با نداشتن ساز و برگ جنگی یک امپراتوری ۲۵۰۰ ساله جبار را - با پشتیبانی ابرقدرتها از او - شکستیم و شکست دادیم و این سد بزرگ را از پیش پای ملت خود برداشتیم. (۱۸۷)

ملت ما مثل
اصحاب رسول الله
آرزوی شهادت
می‌کردند

۵۸/۲/۵

* * *

قیام برای خدا، و استقامت دنبال آن قیام. در وصیت خدا به وسیله پیغمبر برای امت؛ این است که قیام کنید برای خدا، یکی یکی قیام کنید، جمع جمع قیام کنید؛ لکن قیام برای خدا. در این آیه^۱ است که استقامت کنید. شما ملت قیام کردید، و بحمدالله قیام شما برای

۱. «قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ...»؛ (سبأ / ۴۶).

خدا بود، همه فریاد می‌زدید که ما «جمهوری اسلامی» می‌خواهیم. برای احکام اسلام قیام کردید. امر اول را که فرموده‌اند قیام کنید برای خدا اطاعت کردید؛ باقی مانده است امر دوم: **فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ وَمِنْ تَابِ مَعَكَ**^۱؛ استقامت کنید، این قیام را حفظ کنید. این تحول روحی که برای شما ملت حاصل شده است حفظ کنید. استقامت کنید، نگه دارید این تحول انسانی که بالاتر از تحولهای فعال خارجی است. این تحولی که شما را برای رسیدن به آمال مشتاق کرد که خون بدهید، این تحول انسانی که شما برای برادرانتان حاضرید جان بدهید و حاضرید مال بدهید و حاضرید وقت صرف کنید، این تحول مهم بود؛ این تحول بالاتر از اصل مبارزه بود. تحول نفسانی؛ تحول روحی؛ تحول انسانی؛ این تحول را حفظ کنید؛ مستقیم باشید، استقامت کنید. دشمن در توطئه است. دشمن در حال توطئه و نقشه است. اگر استقامت نکنید، اگر این تحول را حفظ نکنید، شاید خدای نخواستہ دشمن پیروز شود. این تحول روحی، این تحول انسانی، این تحولی که اساس پیروزی شما بود، این تحول را حفظ کنید تا پیروز شوید.

خداوند ان شاء الله به شما سلامت و سعادت عنایت کند، و استقامت که بالاترین نعمت است. قیام برای خدا، و استقامت در آن قیام. تا اینجا قیام کردید و پیروز شدید؛ اگر استقامت کنید پیروز خواهید شد. اگر استقامت کنید این عددی که در صدد توطئه هستند ریشه کن خواهند شد. (۱۸۸)

۵۸/۳/۴

* * *

روحیه
شهادت طلبی بالاتر
از اصل مبارزه
است

جوانهایی گاهی می آیند پیش من و می گویند دعا کنید که ما شهید بشویم. شهادت را می خواهند. این یک تحولی بود که در این ملت پیدا شد که برایشان زندگی این دنیا خیلی مطرح نبود؛ شهادت را می خواستند. اگر مطرح بود این امور مادی این زندگی، نمی رفتند در مقابل توپ، در مقابل تانکها، مسلسلها. رفتند در مقابل توپ و تانک، از بچه اینقدری رفت تا بزرگها، از دانشگاهی رفت تا علمای مذهب؛ از بازاری رفت تا کارگر؛ ارتش هم جزو شما شد. (۱۸۹)

۵۸/۳/۲۸

* * *

همین دیروز بود که اینجا می رفتم یک کسی بیخ گوش من گفت که دعا کنید من شهید بشوم. این تحول که مردم شهادت را برای خودشان فوز عظیم می دانستند و می آمدند توی خیابانها به عشق اینکه شاید هم شهید بشوند، این تحول اسباب این شد که این پیروزی حاصل شد. و الآن این تحول را باید حفظش کنیم. (۱۹۰)

۵۸/۴/۱۳

* * *

ما الآن مشاهدمان هست که جوانهای ما - چه جوانهای نیروی انتظامی و چه جوانهای معمولی و پاسدارها و حتی بازاریها - مکرر می آیند پیش من، حتی امروز، و آرزو می کنند، به من می گویند شما دعا کنید ما شهید بشویم. این روحیه، این روحیه انقلابی، که در نفوس پیدا شده است، این یک معجزه الهی است. بشر نمی تواند یک ملت را همچو متحول کند. دست غیبی در کار است. (۱۹۱)

۵۸/۶/۱۱

امور مادی و گردش
زندگی این دنیا
مطرح نبود

به عشق اینکه شاید
شهید شوند به
خیابانها می ریختند

این روحیه انقلابی
یک معجزه الهی
است

شهادت برای ما فیض عظیمی است و جوانهای ما شهادت را آرزو دارند؛ و ملتی که شهادت را آرزو دارد پیروز است. و شما ملت پیروزید ان شاء الله. (۱۹۲)

۵۸/۶/۲۱

* * *

من مطمئنم به اینکه شما پیروز می شوید ان شاء الله؛ برای اینکه یک همچو روحیه‌ای امروز من در بین ملت‌مان می‌بینم. یک دفعه و دو دفعه نبوده است، از نجف تا اینجا، مواجه شدم من با جوانهای زیبا، جوانهایی که اول جوانی شان است، و اینها یکی شان آمد در نجف آمد جلو من نشست بنا کرد قَسَم دادن من را، که شما [را]... قَسَم داد که من شهید بشوم. بعد هم که ما در اینجا آمدیم، زن این تقاضا را کرده؛ جوانها این تقاضا را کرده‌اند. زنی که بچه‌هایش را از دست داده است باز می‌گوید که من یکی-دو تا دارم این را هم می‌دهم. این روحیه، روحیه‌ای است که اطمینان برای ما می‌آورد. این بر همه تانکهای عالم مُقَدَّم است؛ یعنی پیروز می‌شود. این روحیه، روحیه‌ای است که خدای تبارک و تعالی انعام کرده است، مرحمت کرده است، این مرحمت الهی را حفظ کنید، این امانت است. این را کوشش کنید محفوظ بماند. و مادامی که این روحیه الهی، این هدیه الهی، در بین شماها هست، از هیچ نترسید؛ نگرانی هیچ وقت نداشته باشید. به فکر این نباشید که چرا به ما احسنت نگفتند؛ چرا به ما اجر ندادند؛ چرا با ما مثلاً همراهی نکردند. خدا همراه شماست. امام زمان - سلام الله علیه - دعاگوی شماست. از چه ما می‌ترسیم؟ ما چرا بترسیم؟ مایی که راهمان راه خداست، مایی که در مقابل این قدرت

جوانهای ما
شهادت را آرزو
دارند

روحیه
شهادت طلبی ملت
ما بر تانکهای عالم
مقدم است

شیطانی، که همه چیز ما را، اسلام ما را، جوانهای ما را، همه چیز ما را، از بین برد، قیام کردیم، از چه بترسیم؟ از این بترسیم که کشته می شویم؟ خوب، بشویم. جوانهای ما همه کشته شدند. از این می ترسیم که غلبه بکنند؟ غلبه هم بکنند ما ترس نداریم، برای اینکه ما حقیق. وقتی حق هستیم، غالب هم بشویم ما حق هستیم؛ مغلوب هم بشویم ما حق هستیم. و ان شاءالله غالب می شویم، مطمئن باشید، دلتان را به این مبدأ خیر متصل کنید. با خدا مناجات کنید. (۱۹۳)

۵۸/۶/۲۶

* * *

ما اشخاصی هستیم که در این راه، شهادت را سعادت برای خودمان می دانیم. ملت ما الآن هم از من می خواهند که دعا کنم که شهید بشوند. ملتی که شهادت را می خواهد او را از چه می ترسانند؟ او را از مردن می ترسانند؟ اینها شهادت را شرف خودشان می دانند. آنها ما را از مردن می ترسانند؟ مردن برای آنها ترس دارد که قائل نیستند به ماورای طبیعت. (۱۹۴)

۵۸/۹/۱

* * *

ملتی که اینطور تحول پیدا کرده است که در سرمای این راهها، با رنج، جوانهایش پیاده می آیند و غسل شهادت می کنند و پیشقدم برای شهادت هستند، پیروزند اینها. شما جوانها پیروزید ان شاءالله. و آنها که گمان می کنند که با یک ترور، با یک راه انداختن ناراحتیهایی می توانند این ملت را از راه خودش منحرف کنند

شهادت را شرف
خودشان می دانند

برای شهادت
پیشقدم هستند

اشتباه می‌کنند. (۱۹۵)

۵۸/۹/۲۹

* * *

امروز همه انقلابی و آماده شهادت هستند. من جداً اعلام می‌کنم که ما می‌توانیم به آسانی در برابر تجاوز امریکا بایستیم. امریکا ممکن است ما را شکست دهد ولی نه انقلاب ما را و به همین دلیل است که من به پیروزی خودمان اطمینان دارم. دولت امریکا مفهوم شهادت را نمی‌فهمد. ما با چنین روحیه‌ای است که همه مشکلات ایران را حل می‌کنیم. به شعارهای مردم نگاه کنید که می‌گویند، «کارتر نمی‌داند منطق شهادت چیست». (۱۹۶)

۵۸/۱۰/۱۵

* * *

ما باید با یک همچو قدرت و روحیه‌ای که شما می‌گویید که آنها می‌گفتند ما می‌خواهیم شهید بشویم به پیش برویم. من از آن وقتی که این نهضت شروع شد مکرر هر چند روز یک مرتبه، زنان و مردان می‌آمدند پیش من و اصرار می‌کردند که شما دعا کنید تا ما شهید بشویم. من دعا می‌کنم که شما موفق بشوید و ثواب شهادت را داشته باشید. برای اسلام خدمت کنید. این روحیه موجب پیشرفت است. جدیت کنید که این روحیه محفوظ باشد. (۱۹۷)

۵۹/۲/۲۵

* * *

ملت ما شهادت را دارد ترجیح می‌دهد، و می‌گوید که ما

با روحیه
شهادت‌طلبی مردم
همه مشکلات را
حل می‌کنیم

مکرر می‌آمدند
اصرار می‌کردند که
دعا کنید شهید
شویم

می خواهیم شهید بشویم. از اول نهضت تقریباً - من در نجف بودم آن وقت - تا حالا زن، مرد، جوانها می آیند و از من استدعا می کنند که شما دعا کنید ما شهید بشویم، من دعا می کنم ثواب شهید پیدا کنند. یک مجلس عقدی که ما چند وقت پیش از این در همین تهران داشتیم، آن زن و مردی که با هم ازدواج کردند، بعد آن زن یک کاغذی به من داد خواندم. دیدم می گوید که شما دعا کنید من شهید بشوم. زنی که تازه عروسی کرده، شوهر کرده، می گوید شما دعا کنید من شهید بشوم. یک ملتی که شهادت را می طلبند و دعا می خواهند برای شهادت، اینها از دخالت نظامی می ترسند؟ اینها از حصر اقتصادی می ترسند؟ (۱۹۸)

ملت ما شهادت را
ترجیح می دهد

۵۹/۳/۱۴

* * *

ملت ما اکنون به شهادت و فداکاری خو گرفته است و از هیچ دشمنی و هیچ قدرتی و هیچ توطئه ای هراس ندارد. هراس آن دارد که شهادت، مکتب او نیست. (۱۹۹)

ملت ما به فداکاری
خو گرفته است

۵۹/۶/۱۶

* * *

این جوانهایی که در آن میدان دارند جنگ می روند و برادرهایشان [را] می بینند کشته شد و افتاد، هیچ فترت و فتوری به آنها دست نمی دهد. به همان طوری که از اینجا با شوق رفتند، با همان طور در جنگ هم با اشتیاق و با دلاوری و با جرأت، با آغوش باز، شهادت را استقبال می کنند. این یک مسأله ای است. ایران یک وضعی پیدا کرده است که ما نمی توانیم این وضع را تعبیری از آن بکنیم، جز

با آغوش باز
شهادت را استقبال
می کنند

فرهنگ شهادت □ ۱۰۷

اینکه بگوییم یک مملکت الهی است. یک مملکتی است که فهمیدند افرادش و اشخاصش، که برای اسلام باید جانفشانی کرد. (۲۰۰)

۵۹/۸/۶

* * *

ما وقتی یک ملت داریم که سی و چند میلیون است و بیست میلیون جوان داریم که آرزوی شهادت بسیاریشان می‌کنند. دیروز یک پیرمرد نزدیک به هشتاد - تقریباً بین هفتاد و هشتاد بود - آمد با من مصافحه کرد و رفت آن کنار. دوباره من دیدم ایستاد و دوباره دارد می‌آید. دفعه دوم که آمد اینجا، گریه می‌کرد. اشکهایش را من دیدم که آنجا جاری بود. می‌گفت من می‌خواهم بروم جنگ بکنم. من گفتم به او که من و تو باید دعا بکنیم، جوانها باید جنگ بکنند. (۲۰۱)

۵۹/۸/۱۲

* * *

شاید هر روز یا اکثر روزها، جوانهایی اینجا بیایند و با گریه بخواهند که عازم به جبهه‌ها بشوند برای شهادت. حتی پیرمردهای ضعیف هم این آرزو را دارند و بچه‌های نارس هم این آرزو را دارند. این برای این است که در این کشور اسلام حکومت می‌کند؛ و حکومت این کشور حکومت بر ابدان نیست؛ حکومت بر قلوب است قلوب مردم با کسانی که در این کشور حکومت می‌کنند همراه است. و ملت است که حکومت می‌کند. (۲۰۲)

۵۹/۱۲/۱۳

پیرمردهای هشتاد
ساله برای رفتن به
جبهه گریه می‌کنند

پیرمردهای ضعیف
هم آرزوی جبهه
دارند

جانبازان می‌گویند
دعا کنید ما شهید شویم

دیروز یک کسی که پایش قطع شده بود، عصا زیر بغلش گذاشته بود، آمده اینجا. من باهاش مصافحه کردم. گفتم: دعا کنید من شهید بشوم. (۲۰۳)

۶۰/۳/۲۴

* * *

شناخت
شهادت طلبان
مشکل است

شما^۱ ملتی را که معلولان‌شان در تخت‌های بیمارستانها آرزوی شهادت می‌کنند و یاران را به شهادت دعوت می‌کنند، نشناخته‌اید. (۲۰۴)

۶۰/۴/۹

* * *

والدین شهدا گریه
می‌کنند که اجازه
رفتن به جبهه بیابند

نمونه‌ای که شما فرمودید که آن پیرزن اینطور گفته است، زیاد پیش من وارد می‌شود، نمونه‌ها زیاد است؛ پیرمرد، پسرهایش، پسرش، شهید شده، می‌آید گریه می‌کند که من می‌خواهم بروم، من به او می‌گویم که آخر تو مثل من پیرمردی، تو نمی‌توانی بروی آنجا جنگ کنی. خوب من می‌توانم بروم یک کاری بکنم. (۲۰۵)

۶۰/۱۱/۲۱

* * *

عشق به شهادت در
دل زن و مرد، پیر و
جوان موج می‌زند

ملتی که عشق شهادت در دل زن و مرد و کوچک و بزرگش جوش می‌زند و برای شهادت هریک بر دیگری سبقت می‌گیرد و از شهوات حیوانی و دنیایی گریزان بوده و عالم غیب و رفیق اعلیٰ را

باور کرده است، با این خسارات^۱، هرچه بزرگ باشد، از صحنه خارج نمی شود. (۲۰۶)

۶۰/۱۱/۲۲

* * *

این داوطلبی از برای رفتن به جبهه‌ها و این با آغوش باز شهادت را پذیرفتن، این در زمانهای سابق حتی در زمان رسول الله و حتی زمان امیر المؤمنین - سلام الله علیه - به این شکل نبوده است. (۲۰۷)

۶۰/۱۲/۱۹

* * *

شما مثل این پاسدارهایی که اشک می ریزند برای اینکه بروند به جبهه و شهید بشوند، کجا سراغ دارید؟ (۲۰۸)

۶۱/۱/۱

* * *

اینها^۲ نمی دانند که در یک کشوری که وضعش اینطوری است، در یک کشوری که همه مردمش فریاد می زنند و جنگ می روند و عشق به فداکاری دارند، در یک همچو کشوری نمی شود از این کارها کرد، نمی شود با این کشور معارضه کرد، نمی شود در این کشور کودتا کرد. کشوری که همه قوای نظامی اش دنبال شهادت می روند و همه قوای نظامی و انتظامی - پاسدار مسلحش - و همه عشایری، که آنها هم در جنگها وارد می شوند. همه دارند با روی

در صدر اسلام نیز
مثل جوانان ما
نبوده است

اشک می ریزند
برای اینکه بروند
جبهه و شهید شوند

همه با روی گشاده
به طرف جبهه
می روند

۱. شهادت شخصیت‌های بزرگ و متعهد.
۲. اشخاص منحرف داخل و خارج کشور.

گشاده طرف شهادت می‌روند، با یک همچو کشوری نمی‌شود
بایک گروه چند صد نفری - یا بیشتر یا کمتر - معارضه بکنند. (۲۰۹)
۶۱/۱/۲۱

* * *

یکی از آقایان به من گفت که در جبهه نوجوان دوازده - سیزده
ساله‌ای را دیده است که دستش قطع شده و بلافاصله دست قطع
شده خود را گرفته و رفته است به سوی میدان جنگ. (۲۱۰)
در همان حال که دستشان قطع شده به میدان می‌روند
۶۱/۳/۴

* * *

گاهی امریکا ایران را تهدید می‌کند، و هنوز نفهمیده است که ایران
که برای کوتاه شدن دست آنان با انگیزه شهادت قیام نموده است و
جهاد در راه خداوند را به جان و دل می‌خرد، از تهدید امثال او باک
ندارد. (۲۱۱)
جهاد در راه خداوند را با جان و مال می‌خرند

۶۱/۳/۱۵

* * *

گمان کرده‌اند دولت متکی به خدا و ملت عظیم ایران بیدی است
که از این باده‌ها بلرزد. ملتی که اکنون طعم شیرین شهادت را
چشیده است و پیرو مولای خود امیرالمؤمنین و اولاد عظیم‌القدر
او که شهادت را فوز عظیم می‌دانسته و در محراب شهادت و
میدان نبرد ندای **فوت ورب‌الکعبه^۱** را سر می‌دادند از سازمانهای
نوکر ابرقدرتها نمی‌هراسد. ملتی که ابرقدرت امریکا را از کشور
ملتی که طعم شیرین شهادت را چشیده است از ابرقدرتها
نمی‌هراسد

۱. به خدای کعبه رستگار شدم.

بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - با ذلت و خواری راند و نفت و خزائن خود را از حلقوم آن بیرون کشید، از طبلهای تو خالی سازمانهای ساخته آن نمی ترسد. و این ملت و دولت پیرو آن، همان گونه که کراراً اعلام نموده اند، خواستهای مشروع خود را از صدام و حزب علفقی می گیرند، و برای احقاق حق مشروع خود به هر اقدامی دست می زنند «بَلَّغَ مَا بَلَّغُ»^۱. (۲۱۲)

۶۱/۴/۲۵

* * *

شما می بینید این ارتشیها و پاسدارها و بسیج و سایر نیروها در جبهه چه می کنند. آنها وقتی می خواهند به خط مقدم بروند، انگار که به حجله عروسی می روند و حتی صدر اسلام هم اینچنین وضعی را کمتر به خود دیده است. و بعضی از افراد نمی توانند این همه از خود گذشتگی را بفهمند و کارهای انجام شده را نادیده می گیرند. (۲۱۳)

۶۱/۷/۲۱

* * *

اسلام چیزی نیست که کسی بتواند از آن رویگردان باشد. ما هر روز شاهدیم که مادران شهدا، کسانی که حتی چند شهید داده اند، فریاد می زنند که اگر باز هم داشتیم در راه خدا می دادیم و تأسف می خورند که دیگر فرزندی ندارند که در راه خدا بدهند. اجانب تبلیغ می کنند که در ایران بچه های کوچک را با زور به جبهه می فرستند، در حالی که چنین نیست. مردم می خواهند جلوی این

روحیات مجاهدان
ما، در صدر اسلام
کمتر دیده شده
است

تأسف می خورند
که چرا فرزندی
ندارند در راه خدا
بدهند

۱. هرچه بادا باد.

جوانهای چهارده پانزده ساله را بگیرند که به جبهه نروند، ولی آنها از دست پدر و مادرها فرار می‌کنند و به جبهه می‌روند. مسلماً فردی را که بالغ نیست، نه کسی می‌گوید به جبهه برو و نه کسی چنین حقی دارد که بگوید. مردم ما بحمدالله، خودشان از رفتن به جبهه‌ها استقبال می‌کنند و جبهه‌ها را پر می‌کنند. (۲۱۴)

۶۱/۹/۳

* * *

ملتی که برای شهادت ایستاده است مشکلات در او اثری ندارد. پدران و مادرانی که عزیزان خودشان را فدای اسلام می‌کنند، مشکلاتی برای آنها پیش نمی‌آید، آنها بر مشکلات غلبه کرده‌اند. کشور ما بر مشکلات خودش غلبه کرده است، تمام فشارها را از همه اطراف بر او آورده‌اند و تحمل کرده است و **إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ**^۱. (۲۱۵)

ملتی که برای
شهادت ایستاده
است مشکلات در
او اثر ندارد

۶۲/۲/۴

* * *

بحمدالله ایران به این صفت، بسیاری از قشرها به این صفت متصفند و من فراموش نمی‌کنم قصه روز جمعه^۲ را که آنطور باشکوه، با نورانیت، با استقامت گذشت. آنطور مردم با طمأنینه، با آن صداهایی که می‌آمد، با آن رگبارهایی که می‌آمد، من ملاحظه می‌کردم، نگاه می‌کردم، مخصوصاً نگاه می‌کردم بینم در بین مردم چه وضعی هست، ندیدم حتی یک نفر را که یک تزلزلی درش پیدا

ملت با نورانیت و
طمأنینه آماده
شهادت هستند

۱. بقره / ۱۵۳.

۲. روز جمعه ۲۴ اسفند ۱۳۶۳ که منافقین در محل برگزاری نماز جمعه تهران بمبگذاری کردند.

باشد. و آن وقت امام جمعه آنطور با آن طنین قوی صحبت کرد، مردم آنطور گوش کردند، آنطور فریاد زدند که ما برای شهادت آمدیم. یکی از اینهایی که شهید شده است - یا اینکه چند نفر، یکی - دو نفر از شان - به من گفتند که این وصیت هم کرده است، همینکه من می‌روم برای شهادت، وصیت کرده و از همانهایی است که در همین جا شهید شده. با یک همچو ملتی کسی نمی‌تواند مقابله کند. ملتی که اینطور است؛ آن روزی که اعلام می‌کنند که می‌خواهیم بمباران کنیم نماز جمعه را، بیایند و بیشتر بیایند، حتی آنهایی که نمی‌آمدند برای نماز، [از] قراری که برای من نقل کرده‌اند، آنهایی که برای نماز جمعه هم نمی‌آمدند هفته‌های دیگر، این هفته آمده‌اند؛ این یک همچو ملتی است. یک همچو ملتی را نمی‌تواند کسی به واسطهٔ بمباران کردن یک جایی، به واسطهٔ شرارت‌هایی که دارد می‌شود، این را منصرفش کند از اینکه دارد. (۲۱۶)

۶۴/۱/۱

* * *

یک کشوری که همه بیدار و همه مستعد برای شهادت هستند، اینها را از چه می‌ترسانند؟ کسی که می‌گوید «من شهادت را می‌خواهم، دعا کنید که من شهید بشوم» شما او را از قتل می‌ترسانید؟ شما او را از موشک می‌ترسانید؟ یک کسی که بعد از موشک خوردن می‌ایستد و می‌گوید «جنگ، جنگ تا پیروزی» شما او را از جنگ می‌ترسانید؟ این وضع، وضعی است که خدا پیش آورده است، چیزی را که خدا پیش آورده، با او معارضه نمی‌شود کرد. (۲۱۷)

۶۴/۱/۱۵

بعد از
موشک خوردن
می‌ایستد و می‌گوید
جنگ جنگ تا
پیروزی

مگر ما و شما هر روز شاهد این کاروانهای کربلا نیستیم که با شور و شوق و عشق و عطش به پیشباز شهادت می‌روند. مگر شما هر روز شاهد میدانهای با عظمت قتال با متجاوزین نیستید که به مرگ لبخند می‌زنند و معجزه می‌آفرینند. راستی این چه تحولی است که بر سراسر این کشور صاحب‌الزمان - روحی فداه - نور افشانی می‌کند و چه آتشفشانی است که منحرفان و کج‌اندیشان و بدخواهان را در خود فرو برده و ذوب می‌کند؟ این، جز اراده‌ی خدا و جلوه‌ی اوست که خفاشان از آن می‌گریزند و اولیای خدا و عارفان به آن دل بسته‌اند؟ (۲۱۸)

با عشق و عطش به
پیشباز شهادت
می‌روند

۶۴/۱۲/۳

* * *

الحمد لله این کشور رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - امروز میلیونها جوان داوطلب جنگ و شهادت در خود پرورانده است و دل و دیدگان ملت ما را جز رضایت حق چیزی پر نخواهد کرد و به همین جهت از بذل مال و جان و فرزندان خویش در راه خدا لذت می‌برند. (۲۱۹)

ملت ما از بذل
فرزندان خود لذت
می‌برند

۶۶/۵/۶

* * *

ملتی که دنبال شهادت است، ملتی که افرادش این است که دست و پایشان وقتی قطع می‌شود، گله می‌کنند که خدایا! چطور؟ مگر ما لایق نبودیم که جان ما را بگیرد؟ یک همچو ملتی را نترسانید از اینکه ما چه می‌کنیم. (۲۲۰)

جانبازان از خدا
گله می‌کنند که مگر
ما لایق شهادت
نبودیم

۶۶/۳/۸

ادعیه و ابراز عواطف و همدلی امام نسبت به شهدا

من در اولین فرصت خودم را نزد شما می‌بینم تا در شادی و غم با شما سهیم باشم و با هم در صف واحد به اعمال عمّال اجانب خاتمه دهیم. من امیدوارم به فوز **إِخْدَى الْحُسَيْنِ** نایل شوم، یا پیشرفت مقصود و اقامه عدل و حق، یا شهادت در راه آنکه راه حق است. از خداوند تعالی غلبه حق بر باطل را خواهان و پیروزی ملت شریف ایران را خواستارم. (۲۲۱)

۵۷/۱۱/۹

* * *

از ۱۵ خرداد تا حالا که آمدیم، خون دادیم یعنی شما خون دادید، من که نشسته‌ام اینجا. من هم هیچ حقی ندارم. شما خون دادید. شماها به میدان رفتید؛ شماها مبارزه کردید؛ ماها هیچ حقی نداریم. ما باید برای شما خدمت کنیم. خودمان نباید استفاده کنیم. نه استفاده عنوانی. خاک بر سر من که بخوادم استفاده عنوانی از شما بکنم! خاک بر سر من که بخوادم خون شما ریخته بشود و من استفاده‌اش را ببرم! (۲۲۲)

۵۸/۳/۱۵

* * *

امیدوارم که این شهدا در نامه‌ای که اسم شهدای بدر و کربلا نوشته می‌شود، نوشته شده باشد. و برای شماها هم همان طور که

من در اولین
فرصت خود را نزد
شما می‌بینم

خاک بر سر من که
بخوادم از خون
شهدا استفاده ببرم!

امیدوارم نامتان در بازماندگان کربلا و اُحُد و امثال اینها بودند و اجر داشتند، شما هم ردیف شهدای بدر در شمار آنها نامتان به ثبت برسد. (۲۲۳)

۵۸/۷/۹

و کربلا ثبت شود

* * *

بعد از طلب مغفرت برای شهدای انقلاب اسلامی و قدردانی از فداکاریهای آنان به بازماندگان آنان، مادران و پدران آنان تبریک عرض نمایم که چنین شیرزنان و شیرمردانی تربیت نمودند. و نیز به معلولین و آسیب‌دیدگان انقلاب که در پیشبرد نهضت ملت و تحقق جمهوری اسلامی پیشقدم بودند، تبریک عرض کنم. الحق انقلاب اسلامی ما مرهون فداکاریهای این دو قشر عزیز است. (۲۲۴)

۵۹/۱/۱

* * *

من امیدوارم که این شهیدانی که برای خدا به شهادت رسیده‌اند، نزد خدای تبارک و تعالی، مقاماتی را داشته باشند که لشکر اسلام در جنگ احد و در سایر جنگها داشتند. خداوند ان شاء الله خانواده‌های آنان را سلامت بدارد، و من هم به آنان تسلیت می‌گویم. اینها از خود ما هستند. مثل اینکه فرزندان خود من باشند. متأثر هستم و مفتخر به اینکه همچو روحیه‌ای در تمام سربازها پیدا شده. (۲۲۵)

۵۹/۲/۲۶

* * *

به مادران و پدران
به خاطر تربیت
چنین فرزندانی
تبریک عرض
می‌کنم

امیدوارم مقامات
شهدای جنگ احد
را داشته باشند

اینجانب به عنوان یک خدمتگزار و دعاگوی حقیر، خود و ملت را مرهون این عزیزان می‌دانم، و از خداوند بزرگ طلب رحمت و مغفرت برای همگان می‌نمایم. تاریخ، فداکاری این جوانان غیور متعهد را فراموش نمی‌کند، و نام نامی ملت عظیم ایران و فداکاران در راه اسلام در صفحات تاریخ ثبت و در چهره دهر ضبط است. (۲۲۶)

۵۹/۵/۲۲

خود را مرهون
شهادت می‌دانم

* * *

من از خداوند تعالی رحمت برای شهدای عزیز در این جنگ تحمیلی خواستارم. اینان برای اسلام فدا شدند و در نزد خدای تعالی و در جوار رحمت و اسعه او به سعادت ابدی و افتخار دائمی رسیدند، و به بازماندگان آنان تبریک و تسلیت عرض می‌کنم. شما مسلمانان متعهد دین خود را به اسلام بزرگ و خداوند متعال ادا کردید و راه وفاداری و فداکاری را به ما آموختید. خداوند تعالی ما را به شما ملحق کند و از این فیض عظیم محروم نفرماید. (۲۲۷)

۵۹/۷/۲۷

خداوند ما را به
شما ملحق کند

* * *

من شرم می‌آید که خود را در مقابل این عزیزان سرشار از ایمان و عشق و فداکاری به حساب آورم؛ آنان با عشق به خدای بزرگ به معشوق خویش پیوستند و ما هنوز در خم یک کوچه هم نیستیم. خداوندا، این عزیزان از خود گذشته را در جوار رحمت خود بپذیر، و ما را از قیدها و بندهای خودبینی و خودخواهی نجات مرحمت فرما. (۲۲۸)

۶۰/۲/۱

ما هنوز در خم یک
کوچه هم نیستیم

ای کاش خمینی در
میان شما بود
ای کاش «خمینی» در میان شما بود و در کنار شما در جبهه دفاع
برای خدای تعالی کشته می شد. (۲۲۹)

۶۰/۶/۹

* * *

خداوند تعالی این ملت را که از ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ و از آن وقت تا کنون برای اقامه عدل الهی از هر چه داشته است گذشته است، و عزیزان برومند خود را که قامت رشید و بلند آنان چون ابدیت استوار و گرمی خونشان چون عشق به جمال جمیل حق روح افزا بود، به پای دوست به قربانگاه فرستادند، با نور هدایت خود ارشاد، و با جلوه قدرت ازلی خود برومند و با بارقه روانبخش خود در احقاق حق و ابطال باطل استوار و پایدار فرمایند، و این وحدت و صلابت را از آنان سلب ننماید. (۲۳۰)

۶۱/۳/۱۵

* * *

از خداوند تعالی خواهانم... شهدای ما را به رحمتی که برای خاصان درگاهش اختصاص داده است مفتخر فرماید و مجروحان و آسیب دیدگان عزیز ما را شفای عاجل عنایت فرماید و اسرا و گمشدگان عزیز ما را هر چه زودتر از شرّ صدامیان نجات داده و به میهن اسلامی خودشان برگرداند و به بازماندگان شهدا مخصوصاً پدران و مادران و همسران و همه نزدیکان آنان اجر و صبر مرحمت فرماید و رزمندگان سلحشور ما را پیروز فرماید. (۲۳۱)

۶۱/۱۱/۲۱

خداوند این ملت را
در احقاق حق و
ابطال باطل پایدار
فرماید

شهدای ما را به
رحمت خاصان
درگاهش مفتخر
فرماید

بارالها... و شهدای مظلوم اسلام را بویژه شهدای نهضت و انقلاب اسلامی ایران از پانزدهم خرداد ۴۲ تاکنون، به رحمت جاوید خود غریق فرمایی و پدران و مادران و همسران و بستگان آنان را صبر و اجر وافر عنایت نمایی و آسیب دیدگان در جبهه و پشت جبهه را شفا و سلامت مرحمت فرمایی. (۲۳۲)

۶۲/۳/۱۵

* * *

بارالها... به شهدای اسلام بویژه شهدای جنگ تحمیلی رحمت و تقرب به درگاه خود مرحمت و به آسیب دیدگان عزیز صحت و عافیت و اجر شهدا عنایت کن و به اسرا و مفقودین صبر و رهایی نصیب فرما و به بازماندگان شهدا و نزدیکان آسیب دیدگان و مفقودین بردباری و اجر مرحمت فرما. (۲۳۳)

۶۳/۱۱/۲۲

* * *

من با این قلم شکسته و این چشم بسته در حق این ملت و این عزمش و این سلحشوران و این رزمش چه می توانم بگویم؟! پس بهتر آن است که قلم بشکنم و دم فرو بندم و اجر و مزد رزمندگان و وابستگان به آنان و آسیب دیدگان و دل بستگان آنان را از خدای بزرگ بخواهم. امید آن است که وَلِیْ نِعَمَ، این میهمانان را که به سوی او می روند از محضر خود کامیاب فرماید و به این رزمندگان غرورآفرین قدرت بیشتر و قوّت والاتر عنایت نماید و به همه ملت عزیز بویژه آنان که در این جهاد فی سبیل الله فعالیت و دخالت

شهدای انقلاب
اسلامی را به
رحمت جاوید
غریق فرماید

به شهدای جنگ
تحمیلی تقرب به
درگاه خود را
مرحمت فرماید

امیدوارم میهمانان
را از محضر خود
کامیاب فرماید

داشته‌اند، عزت و عظمت مرحمت کند و این عزیزانی^۱ [را] که در این جنایت هوایی به سوی او پرواز کرده‌اند، اجازه ورود به محفل خاص خود دهد. (۲۳۴)

۶۴/۱۲/۳

* * *

خداوندا، شهدای عزیز این ملت را که برای تو و برای اعتلای دین تو جان باخته‌اند، در جوار اولیایت مخلص فرما؛ و به بازماندگان آنان، خصوصاً پدران و مادران، فرزندان و همسرانشان که برای رضای تو فراق و دوری آنان را تحمل می‌کنند و پرچم مبارزه آنان را بر دوش گرفته و به پیش می‌روند صبر و اجر کرامت کن؛ و فرزندان آنان را برای رأفت و مهربانی بیشتر به مادران داغدیده خود مهیا فرما؛ و جانبازان عزیز و پیروز و سرافراز ما را شفا عنایت کن؛ و مفقودین و اسرا، این شیرمردان دربند را با سلامت و پیروزی به اوطان خود بازگردان؛ و ما را خدمتگزار این ملت، و ملت را قدرشناس زحمات شهیدانمان گردان؛ و شیرینی و حلاوت محبت و رضایت خود را به ما عنایت کن؛ و دعای خیر حضرت بقیةالله - ارواحنا فداه - را شامل حالمان گردان؛ و این انقلاب را از خطر آفتها و لغزشها و کید کافران و منافقان و ملحدان حفظ فرما. (۲۳۵)

خداوندا شهدای ما
را در جوار اولیا
مخلص فرما

۶۵/۱۱/۱۶

* * *

۱. پیام امام خمینی (س) به مناسبت شهادت حجت‌الاسلام محلاتی و همراهان در فاجعه سقوط هواپیمایی مسافربری توسط جنگنده‌های عراقی.

من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه
دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم
شهادتم. (۲۳۶)

۶۶/۵/۶

* * *

خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز،
و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت
ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود
این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت!
خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و
مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز
مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام، و در برابر
عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم. و
بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آنهایی که از
کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به
حال ساکت و بی تفاوت و یا انتقادکننده و پرخاشگر گذشتند! (۲۳۷)

۶۷/۴/۲۹

* * *

امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث
سخت و برابر همه توپها و موشکهای دشمنان باز کرده است و
همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری
می‌کند. (۲۳۸)

۶۷/۴/۲۹

در انتظار فوز
شهادتم

بدا به حال آنان که
در قافله ایثار
حضور نداشتند

برای درک شهادت،
روزشماری می‌کنیم

من هدیه‌ای جز دعای خیر برای فرزندان شاهدان همیشه تاریخ، خصوصاً آنهایی که در تحصیل جزء شاگردان ممتاز شناخته شده‌اند، ندارم. امیدوارم خداوند عطش علم‌آموزی را در آنان زیاد، و سینه‌هاشان را دریای معارف خود گرداند، و تعهد عمل را به آنان کرامت نماید. (۲۳۹)

۶۷/۶/۲۸

* * *

خداوند شهدای عزیز و گمنام بسیج را به نعمت همجواری اهل بیت - علیهم السلام - متنعم و جانبازان عزیز را شفا و اسرا و مفقودین عزیز را سالمأ به اوطانشان بازگرداند. (۲۴۰)

۶۷/۹/۲

* * *

خداوندا! شهدای روحانیت و حوزه‌ها را از نعم بیکران و رزق حضور خویش بهره‌مند فرما. خداوندا! به جانبازانشان شفا مرحمت کن و به خانواده‌های شهداشان صبر و اجر مرحمت فرما. مفقودین و اسراشان را هر چه زودتر به اوطانشان برگردان. خداوندا! ارزش خدمت و خدمتگزاری به دین خود و به مردم را در دل و دیدگان ما افزون و جاودانه نما «انک ولی النعم». (۲۴۱)

۶۷/۱۲/۳

* * *

من در اینجا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و

من هدیه‌ای جز
دعای خیر ندارم

خداوند

شهدای گمنام بسیج
را به نعمت
همجواری اهل بیت
مغتنم فرماید

خداوندا شهدا را از
رزق حضور
خویش بهره‌مند
فرما

فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیلهای غلط این روزها^۱
رسماً معذرت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم مرا در کنار
شهدای جنگ تحمیلی بپذیرد. (۲۴۲)

۶۷/۱۲/۳

* * *

از پیشگاه مقدس پروردگار می‌خواهم که هر روز بر قدرت و
شوکت و صلابت این مدافعان راستین میهن اسلامی بیفزاید و
شهدای گرانقدر آنان را که همه ما در زیر سایهٔ برکات آنان به
نعمت امنیت و آزادی و استقلال رسیده‌ایم، با شهدای بزرگوار
اسلام محشور فرماید و به جانبازان عزیزشان شفا کرامت نماید و
مفقودین و اسرای بزرگوارشان را به اوطان خود برگرداند و به
خانواده‌های معظم شهدا صبر و اجر مرحمت فرماید. (۲۴۳)

۶۸/۱/۲۸

* * *

از خانواده شهدا
رسماً معذرت
می‌خواهم

پروردگارا شهدای
ما را با شهدای
بزرگوار اسلام
محشور فرما

۱. اشاره به تحلیلهای ساده‌لوحانه بعضی افراد مبنی بر عدم دسترسی به آرمانهای نهایی در جنگ تحمیلی.

فصل دوم

خانواده شهدا

□ خاستگاه اجتماعی شهدا و ایثارگران

□ موضع و مقام خانواده شهدا

□ توصیه به خانواده شهدا

□ وظایف ما نسبت به خانواده شهدا و

ایثارگران

وظیفه مردم نسبت به خانواده شهدا و ایثارگران

□ وظیفه دولت در رسیدگی به خانواده

شهدا (بنیاد شهید)

خاستگاه اجتماعی شهدا و ایثارگران

این زاغه‌نشینها بودند که در خیابانها فریاد کردند و خون دادند و جوان دادند؛ و مادرهایی که چهار تا بچه داشتند سه تا بچه‌هایشان رفته بود، باز می‌گفتند که این هم اگر برود برای خداست. (۲۴۴)

۵۷/۱۲/۶

* * *

تمام مسائل که واقع شد ما مرهون منتِ - بعد از خدای تبارک و تعالی - این ملت ایران، و خصوصاً طبقهٔ مستمندان، نه طبقهٔ اشراف و اعیان و بالادستها، ما مرهون آنها هستیم. آنهایی که زن و مرد، صغیر و کبیر، در هر وقت که اقتضا می‌کرد در خیابانها می‌ریختند و هیچ در مقابل مسلسلها ابا نداشتند؛ سینه‌ها را باز می‌کردند و می‌گفتند: بزن. باید بگویم که گوشت و خون غلبه کرد بر تانک و مسلسل. و این قدرت خدای تبارک و تعالی بود. (۲۴۵)

۵۷/۱۲/۶

* * *

زاغه‌نشینها بودند

که خون دادند

ما مرهون طبقه

مستمندان هستیم

توده ملت خون دادند نه اعیان و اشراف

آنکه خون داده همین توده بوده است؛ آنکه جوان داده است، همین توده بوده است. یک دسته‌ای بیرون بوده‌اند، اشراف و اعیان هم بالاها نشسته بودند، و شما خون دادید؛ شما جوان دادید. (۲۴۶)

۵۷/۱۲/۱۰

* * *

شما آمار اینهایی که کشته شدند - یکوقتی اگر می‌توانید، هرکس می‌تواند در هرجا هست به دست بیاورد - اگر یک دولت [مند] توی آن هست، اگر یک تاجر درجه اول توی آن هست، اگر یک خان توی آن هست، اگر یک سردار توی آن هست، اگر یک وزیر توی آن هست، اگر یک کمونیست توی آن هست، شما پیدا کنید به ما اطلاع دهید! همه آنها مسلمانهایی بودند که توی خیابانها ریختند و گفتند که «مرگ بر او» و «ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم». همه کشته‌های ما از اینها [ست]. شما افشا کنید، ببینید پیدا کنید که چند نفر تاجر معتبر بودند، چند نفر خان بوده توی اینها، چند نفر رئیس مثلاً کذا بوده است، چند نفر وزیر بوده است، چند تا مدیر کل بوده است؟ یکی از اینها را نمی‌توانید پیدا کنید! هرچه بوده، [از] این ملت، این توده جمعیت و ملت بوده است؛ این ملت مسلم. غنایم مال اینهاست و باید به اینها داد: مستمندان، اینهایی که صدمه دیدند، آنهایی که کشته داده‌اند، آنهایی که جوان داده‌اند، پیرزنهایی که جوانهایشان از بین رفت. این غارتگری اینها را، باید برای اینها زندگی تأمین کرد. (۲۴۷)

۵۷/۱۲/۱۵

* * *

آنهایی که امروز برای استفاده نامشروع می‌خواهند سر این سفره بنشینند کجا بودند آن روز که مستضعفین خون خود را می‌دادند؟ (۲۴۸)

۵۸/۲/۲۶

* * *

۱۵ خرداد برای اسلام بود و به اسم اسلام بود و به مبدأیت اسلام و راهنمایی روحانیت و همین جمعیتها که الآن اینجا هستند. اینها بودند که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند. همین سنخ جمعیت بودند که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند. و همین سنخ جمعیت بودند که کشته شدند. همین طبقه از افراد اسلامی بودند که برای اسلام قیام کردند و هیچ نظری جز اسلام نداشتند ۱۵ خرداد را به وجود آوردند. همین جمعیتی که مقصدی غیر از اسلام ندارند در تعقیب ۱۵ خرداد تا حالا دنبال کردند. از همین جمعیت که مقصدی غیر از اسلام ندارند امید آن است که تعقیب کنند و نهضت ما را به ثمر برسانند.

باید دید این جمعیت کی هستند. اینها که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند و آنها که در ۱۵ خرداد، به طوری که مشهور است، پانزده هزار فدایی دادند و آنهایی که پس از ۱۵ خرداد و ۱۵ خردادها و پس از قتل عام ۱۵ خرداد و قتل عامهای دیگر در میدانها آمدند چه قشری از جمعیت بودند؟ آنهایی که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند، آنهایی که دنباله ۱۵ خرداد را تا کنون رساندند، آنهایی که برای شکستن سد رژیم فعالیت کردند، آنهایی که به خیابانها ریختند و فریاد «الله اکبر» کردند، همین قشر از جمعیت بودند. حق مال همین قشر از جمعیت است؛ دیگران هیچ حقی ندارند...

مستضعفین بودند
که خون دادند

شهدای ۱۵ خرداد
از اقشار مسلمان و
مستضعف بودند

ای کسانی که گمان می‌کنید [قدرتی] غیر اسلام رژیم را ساقط کرده است، ای کسانی که احتمال می‌دهید که غیر مسلمین و غیر اسلام کس دیگر دخالت داشته است، شما مطالعه کنید، بررسی کنید اشخاصی که در ۱۵ خرداد جان دادند، سنگهای قبرهای آنها را ببینید کی بودند اینها. اگر یک سنگ قبر از این قشرهای دیگر غیر اسلامی پیدا کردید، آنها هم شرکت داشته‌اند. اگر در قشرهای اسلامی یک سنگ قبر از آن درجه‌های بالا پیدا کردید، آنها هم شرکت داشته‌اند. ولی پیدا نمی‌کنید. هر چه هست این قشر پایین است، این قشر کشاورز است، این قشر کارگر است، این تاجر مسلم است؛ این کاسب مسلم است؛ این روحانی متعهد است. هر چه هست از این قشر است. پس ۱۵ خرداد را به تبع اسلام اینها به وجود آوردند و به تبع اسلام اینها حفظ کردند؛ و به تبع اسلام اینها نگهداری می‌کنند. (۲۴۹)

۵۸/۳/۱۵

* * *

از ۱۵ خرداد تا حالا که آمدیم، خون دادیم یعنی شما خون دادید، من که نشسته‌ام اینجا. من هم هیچ حقی ندارم. شما خون دادید. شماها به میدان رفتید؛ شماها مبارزه کردید؛ ماها هیچ حقی نداریم. ما باید برای شما خدمت کنیم. خودمان نباید استفاده کنیم. نه استفاده‌ی عنوانی. خاک بر سر من که بخوام استفاده‌ی عنوانی از شما بکنم! خاک بر سر من که بخوام خون شما ریخته بشود و من استفاده‌اش را ببرم! طبقه‌های بالا، آنهایی که فعالیت هیچ نداشتند و مخالفت هم ندارند، حقی ندارند، و نباید حقی داشته باشند؛ لکن اگر از حالا خدمت بکنند، صاحب حق می‌شوند. و من

من مأیوسم که
طبقات بالا خدمتی
به انقلاب بکنند

مأیوسم که خدمت بکنند. (۲۵۰)

۵۸/۳/۱۵

* * *

گروههایی که در سرتاسر این کشور این انقلاب را به ثمر رساندند، همان زن و مرد محروم [بودند] و همانهایی که مستضعف هستند و کاخ نشینها آنها را استضعاف می کنند و اینها ثابت کردند که کاخ نشینها هستند که ضعیفند و پوسیده اند و برای این ملت هیچ کاری نکرده اند و نخواهند کرد. این دانشگاه بود، جوانهای دانشگاه که آنها هم از محرومین و مستضعفین اند و این طبقه محروم جامعه بود که از همه رفاهها محروم بود، لکن قلبش مملو از عشق به اسلام و ایمان بود و با آن عشق و با آن ایمان این حرکت را دنبال کرد و شهید داد و در مقابلش چیزی مطالبه نکرد. (۲۵۱)

۶۰/۱/۱۶

* * *

ما اگر با یک نظر سطحی از نخستین روزهای نهضت تا پیروزی، و از پیروزی تا کنون به کردار طبقات مختلف و گروهها نگریسته و ارزیابی کنیم، می توانیم تا حدودی مدعیان پرتوقع و فداکاران بی توقع را به طور اجمال از هم جدا کنیم. قشرهایی که انقلاب را با فداکاری بیدریغ و جان نثاری سخاوتمندانه، بی هیچ چشمداشتی به پیروزی رسانده، و از پیروزی تا کنون برای دفاع از انقلاب و رفع مشکلات از پای ننشسته اند و تا کنون با آنکه سنگینی انقلاب به دوش آنان بوده است توقع نام و نشان و مقامی نداشته و ندارند، اینان توده های میلیونی و محرومان جامعه هستند - که خدایشان

این طبقه محروم
جامعه بود که شهید
داد

سنگینی انقلاب بر
دوش توده های
میلیونی و
محرومان جامعه
است

قدرت و سعادت دهد. (۲۵۲)

۶۰/۱۱/۲۱

* * *

انفجار جنایت‌بار عظیمی^۱ که شب گذشته صدای مهیب آن را شنیدیم و حجم عظیم آن را در وسائل ارتباط جمعی خواهید دید و شنید، در جنوب شهر تهران در بین جماعت مظلومی که از طبقه مستضعف و مستمند تشکیل می‌شود اتفاق افتاد و صدها بیگناه و مظلومی را شهید و مجروح کرد. کودکان نارس را در آغوش مادران به هلاکت رساند و شرافت و انسانیت را به سوگ نشاند، و چهره قبیح امریکاییان منافق و منحرف را بیشتر ظاهر کرد. اینان انتقام شکست مفتضحانه خود را از مظلومان متعهد به اسلام جنوب شهری می‌گیرند، و شکست خود را از چشم آنان می‌بینند. جنوب شهریه‌ای محروم و طبقه مظلوم در طول تاریخ با تعهد به ارزشهای انسانی و اسلامی، بیشتر و مصمم‌تر در مقابل قدرتها و وابستگان و دلباختگان به آنها پیاخته و می‌خیزند. و اینان هستند که با مشت گره کرده خود و حضور دائم در صحنه اسلام، قدرتها را در هم می‌کوبند، و طمعکاران را که به دنبال قدرتها بودند، مأیوس نمودند. سربازان و سپاهیان و بسیجیان و سایر قوای مسلح امروز ما نیز در همین طایفه و طبقه هستند. (۲۵۳)

جنوب شهریه‌ای
محروم در طول
تاریخ بیشتر
پیاخته‌اند

۶۱/۷/۱۰

* * *

۱. اشاره به بمبگذاری سازمان منافقین در میدان امام خمینی تهران که منجر به شهادت عده کثیری از مردم بیگناه و مستضعف گردید.

همین زاغه‌نشینانی که من یادم نمی‌رود که وقتی در تلویزیون دیدم از یک خانه‌ای از این زاغه‌ها یک عده‌ای پیرمرد و پیرزن و بچه و اینها بیرون آمدند و یکی از آنها پرسید که کجا می‌روید، گفتند می‌رویم تظاهر، تظاهرات. همینها بودند که ناهار روزشان و شام شبشان را نداشتند، لکن با همت والای خودشان، با آن قدرت معنوی الهی خودشان در آن رژیم بیرون آمدند و شهید دادند و فاتح شدند، و در جمهوری اسلامی هم همینها هستند که پشتیبانی می‌کنند و در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها محکم ایستاده‌اند. (۲۵۴)

۶۲/۲/۱۸

* * *

در کدام جنگ و نهضت و انقلاب و شورش، در طول زمان و سراسر خلقت، سربازانی چنین و فداکارانی مانند ایران را سراغ دارید؛ جز در طبقه اولیای الهی و تربیت شدگان در مکتب آنان، که فرزندان این دیار به نور آنان استضاء کرده و از خود رسته‌اند. (۲۵۵)

۶۲/۱۱/۲۲

* * *

امروز هم قشر فعال در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها همان طبقات محروم ساده زیست هستند. و در بین آنان از آن وابستگان و دل‌بستگان به علایق دنیا اثری نمی‌بینید. (۲۵۶)

۶۳/۳/۷

* * *

مصلحت پابره‌ها و گودنشینها و مستضعفین، بر مصلحت

زاغه‌نشینان شهید
داده‌اند

فداکاران جنگ،
تربیت شده مکتب
اولیای الهی

قشر فعال در
جبهه‌ها طبقات
محروم هستند

قاعدین در منازل و مناسک و متمکین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پیشتازان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند و باید سعی شود تا از راه رسیده‌ها و دین به دنیا فروشان، چهره کفرزدایی و فقرستیزی روشن انقلاب ما را خدشه‌دار نکنند و لکه ننگ دفاع از مرفهین بیخبر از خدا را بر دامن مسئولین نجسباند و آنهایی که در خانه‌های مجلل، راحت و بی درد آرمیده‌اند و فارغ از همه رنجها و مصیبت‌های جانفرسای ستون محکم انقلاب و پابره‌های محروم، تنها ناظر حوادث بوده‌اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته‌اند، نباید به مسئولیت‌های کلیدی تکیه کنند، که اگر به آنجا راه پیدا کنند چه بسا انقلاب را یکشبه بفروشند، و حاصل همه زحمات ملت ایران را بر باد دهند، چرا که اینها هرگز عمق راه طی شده را ندیده‌اند و فرق و سینه شکافته نظام و ملت را به دست از خدا بیخبران مشاهده نکرده‌اند و از همه زجرها و غربت‌های مبارزان و التهاب و بیقراری مجاهدان که برای مرگ و نابودی ظلم بیگانگان دل به دریای بلا زده‌اند، غافل و بیخبرند. (۲۵۷)

پابره‌های
محروم، ستون
محکم انقلاب

۶۶/۵/۶

* * *

وقتی که پابره‌ها و گودنشینان و طبقات کم‌درآمد جامعه ما امتحان و تقید خود را به احکام اسلامی تا سر حد قربانی نمودن چندین عزیز و جوان و بذل همه هستی خود داده‌اند و در همه صحنه‌ها بوده‌اند - و ان شاء الله خواهند بود - و سر و جان را در راه

طبقات کم‌درآمد
جامعه ما، سر و
جان می‌دهند

خدا می دهند، چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم! ما مجدداً می‌گوییم که یک موی سر این کوخ‌نشینان و شهیددادگان به همه کاخ و کاخ‌نشینان جهان شرف و برتری دارد. (۲۵۸)

۶۶/۵/۶

* * *

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست؛ و آنها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند. و آنهایی هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. (۲۵۹)

۶۷/۴/۲۹

* * *

همه نیز می‌دانیم که اکثریت این قشر^۱ و رزمندگان عزیز اسلام از

۱. خانواده شهدا.

مرفهین کمتر دل برای انقلاب سوزانده‌اند	طبقات محروم و کم‌درآمد بودند و مرفهین کمتر دل برای انقلاب سوختند. (۲۶۰)
--	--

۶۷/۷/۱۱

* * *

موضع و مقام خانواده شهدا

افتخار مادران و خواهران به شهادت جوانان برومند	ملتی که مادران و خواهران شیردلش افتخار به مرگ جوانان برومندش می‌کند که در صف شهدا هستند، پیروز است. (۲۶۱)
---	---

۵۶/۱۱/۲

* * *

در غم خانواده شهدا شریکم	من در غم خانواده‌های افتخار آفرین سراسر ایران خود را شریک می‌دانم و یاد کودکان دبستانی ایران که اخیراً به دست شاه جبار کشته شده‌اند قلبم را می‌فشارد. (۲۶۲)
-----------------------------	---

۵۷/۷/۲۰

* * *

من از مصیبت وارد بر خانواده شهدا زجر می‌برم	ما زجرمان زجر این ملت است. من وقتی صورت آن مردهایی که بچه‌هایشان و پسرهایشان را کشتند در ذهنم می‌آید، زجر می‌برم. من وقتی آن مادری که یقه‌اش را پاره می‌کند در مقابل این چیزها که بیاید من را بکشید، شما که جوانم را کشتید بیاید مرا هم بکشید، این زجر می‌دهد ما را؛ نه اینکه به من یک چیزی بد گذشته، زجر دیده‌ام. نه، خیلی هم خوش گذشته. آنچه که مرا زجر می‌دهد آن
---	--

مصیبتی است که بر ملت ما وارد شده. (۲۶۳)

۵۷/۸/۱۳

* * *

سؤال: [مشارکت فعال زنان در انقلاب چه معنایی دارد؟]

جواب: زندانهای شاه از زنان شیردل و شجاع مملو است. در تظاهرات خیابانی زنان ما، بچه‌های خردسال خود را به سینه فشرده، بدون ترس از تانک و توپ و مسلسل، به میدان مبارزه آورده‌اند. جلسات سیاسی‌ای که زنان در شهرهای مختلف ایران، برپا می‌کنند کم نیست، آنان نقش بسیار ارزنده‌ای را در مبارزات ما ایفا کرده‌اند. مادران شجاع فرزندان اسلام، خاطره‌جانبازی و رشادت زنان قهرمان را در طول تاریخ زنده کرده‌اند. در چه تاریخی این چنین زنانی را سراغ دارید و در چه کشوری؟ (۲۶۴)

۵۷/۸/۲۰

* * *

الآن همه جوانهایشان را توی دست گرفتند و دارند می‌دهند، پیرزن چند تا جوانش از بین رفته و ایستاده و گفته است که من حاضرم همه چیز از بین برود. (۲۶۵)

۵۷/۸/۲۷

* * *

آن زنی که چهار تا بچه‌اش را کشتند در بهشت زهرا آنطور فریاد می‌زند و داد می‌زند و مردم را دعوت می‌کند به اینکه دست بزنید، بچه‌های مرا زدند گریه نکنید، دست بزنید، که آن شخص

مادران شجاع،
زنده‌کننده خاطره
جانبازی زنان
قهرمان

مادر چند شهید
می‌گوید حاضرم
همه چیز از بین
برود

می‌گفت که مردم گریه کردند و دست زدند؛ این چیز تازه‌ای است که مردم برای خاطر ... [کُشته‌های این زن] گریه می‌کردند و این زن می‌گفت که نه گریه نکنید دست بزنید، مردم هم دست می‌زدند برای خاطر این و هم گریه می‌کردند برای مصیبتی که وارد شده؛ یک همچو مملکتی را نمی‌شود با سرنیزه عقبش زد. (۲۶۶)

۵۷/۸/۲۹

* * *

ما در این مدت مصیبتها دیدیم؛ مصیبتهای بسیار بزرگ. و بعضی پیروزیها حاصل شد که البته آن هم بزرگ بود. مصیبتهای زنهای جوان مرده، مردهای اولاد از دست داده، طفلهای پدر از دست داده. من وقتی چشمم به بعضی از اینها که اولاد خودشان را از دست داده‌اند می‌افتد، سنگینی در دوشم پیدا می‌شود که نمی‌توانم تاب بیاورم. من نمی‌توانم از عهده این خسارات که بر ملت ما وارد شده است برآیم. من نمی‌توانم تشکر از این ملت بکنم که همه چیز خودش را در راه خدا داد. خدای تبارک و تعالی باید به آنها اجر عنایت فرماید. من به مادرهای فرزندان دست داده تسلیت عرض می‌کنم و در غم آنها شریک هستم. من به پدرهای جوان داده، من به آنها تسلیت عرض می‌کنم. من به جوانهایی که پدرانشان را در این مدت از دست داده‌اند تسلیت عرض می‌کنم. (۲۶۷)

۵۷/۱۱/۱۲

* * *

مادر چهار شهید از مردم می‌خواهد گریه نکنند

در مواجهه با خانواده شهدا بار سنگینی بر دوش خود احساس می‌کنم

زنها و مادرهایی که بچه‌هایشان شهید شده است می‌گویند ما مفتخر هستیم، و یکی دوتای دیگر که داریم اینها را هم می‌خواهیم شهید بشوند؛ و دعا کنید که شهید بشوند. این یک تحولی بود که همان تحولی که در صدر اسلام بین مسلمین حاصل شده بود که شهادت را برای خودشان فوز می‌دانستند و نمی‌ترسیدند از اینکه کشته بشوند؛ کشته شدن را شهادت می‌دانستند؛ دنیا را راه عبور می‌دانستند؛ عالم آخرت را مستقر و مقرّ انسانی می‌دانستند. از این جهت، این پیروزی ما مرهون یک همچو تحول روحی است که در مردم پیدا شد. (۲۶۸)

۵۸/۷/۱۰

* * *

این معنا که شما می‌گویید که تشر زده آقای کارتر و ما را خواسته بترساند، این نظیر همان تشری است که آن حیوان می‌زند و ما هم بنا نداریم بترسیم. یک قومی می‌ترسند که برایشان مردن یک مسأله باشد. شما یک مقداری باشید توی این مردم. همینایی که اینجا الآن فریاد دارند می‌زنند. یک مقداری توی اینها باشید ببینید که اینها منطقتشان چیست؟ اینها می‌گویند که ما می‌خواهیم که شهید بشویم. همین امروز که در روزنامه من دیدم این عیال مرحوم آقای مفتح می‌گوید^۱ که ما افتخار می‌کنیم که یک شهید دادیم. یک مردمی که بانوانش اینطور باشند که به شهادت سرپرستشان آن هم یک چنین سرپرستی افتخار بکنند و بسیاری از این زن‌ها که جوانشان را از دست دادند می‌آیند پیش من می‌گویند که ما باز هم داریم. باز هم داریم که تقدیم کنیم. یک چنین ملتی را آقای کارتر از

شهادت فخر
خانواده شهداست

ما افتخار می‌کنیم
که شهید دادیم

۱. آیت‌الله دکتر محمد مفتح که در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۲۷ به دست عوامل گروهک منحرف فرقان به شهادت رسید.

نظامی می ترسانند؟! (۲۶۹)

۵۸/۹/۲۸

* * *

ملت شریف ایران از شما خانواده‌های عزیز شهدای پاسدار
قدردانی می‌کند؛ و بالاتر از این تقدیری است که از بارگاه مقدس
خداوند متعال نصیب شما و همه شهدای اسلام و وابستگان به
آنان خواهد شد. شهدای این انقلاب بزرگ چون شهدای صدر
اسلام در پیشگاه مقدس ربوبی ارزشمند و مورد عنایت حق تعالی
و اولیای اسلام هستند و خواهند بود. (۲۷۰)

ملت، قدردان شما
خانواده‌های عزیز
شهادت

۵۹/۵/۲۲

* * *

درود خداوند بر خانواده‌های شهیدایی که با صبر و شکیبایی و
مقاومت و با تقدیم عزیزان خود به خدا و اسلام بزرگترین
حماسه‌های تاریخ معاصر را ترسیم کرده و می‌کنند. و درود بر تمام
پاسداران اسلام که با خون خود و مشتهای مردانه انقلاب اسلامی
را به ثمر رساندند. و درود بر تمام قوای مسلح متعهد اسلامی که با
گرایش به انقلاب مقدس ایران و پشتوانه ملت عزیز کاخ ستمگری
را واژگون کردند. (۲۷۱)

خانواده شهدا،
ترسیم‌کننده
حماسه تاریخ

۵۹/۵/۲۲

* * *

ما هر روز مواجهیم با صحنه‌هایی که در عین حال که دلخراش
است، غرور آفرین است. دیروز جمع کثیری از معلولین آمدند، و

امروز هم معلولین از اصفهان آمده‌اند با عکسهای زیادی که از شهدا آورده‌اند. من این تحول عظیمی که در ایران پیدا شده است که در عین حالی که پدرها با عکس جوان خودشان آمده‌اند، و مادرها چند نفر از فرزندانشان را از دست داده‌اند، لکن روحیه آنها روحیه بسیار بلندی است، و این تحول مبارک است بر ملت ایران. من در این مجمعی که این جوانان را و این عکس جوانان را می‌بینم باید تأثرات خودم را به بازماندگان اینها، و تسلیت خودم را به پدرها و مادرهای اینها تقدیم کنم و برای آنها هم طلب مغفرت. خداوند به شماها اجر عنایت کند و صبر عنایت کند، و آن جوانهای غرور آفرین ما را به رحمت و اسعه خود غریق کند. این مسائل در طول تاریخ بوده است. در صدر اسلام اینطور مصائب برای اولیای خدا و برای مسلمین صدر اسلام بسیار بوده است. و شاید از آن وقت تا کنون اینطور وضعیتی که در ایران هست و این تحولی که برای ملت ما از زن و مرد و بزرگ و کوچک حاصل شده است، سابقه نداشته باشد. خداوند تبارک و تعالی به ما هر چه داریم داده است، و ما هر چه داریم از او ست و باید تقدیم او کنیم. سعادت را آنها بردند که آن چیزی را که خدا به آنها داده بود تقدیم کردند، و ما عقبمانده آنها هستیم. من به همه شما برادران و عزیزان که فرزندان خودتان را از دست داده‌اید تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. تبریک برای اینکه شما خانواده‌هایی بودید که در دامن شما این جوانهای برومند تربیت شده‌اند که فداکاری کردند برای اسلام. اسلام بر ما حق بزرگ دارد؛ حق حیات دارد. و ما هر چه در راه اسلام بدهیم آن حقی که اسلام به ما دارد ادا نکردیم. من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه شما را و رحمت برای این جوانهایی که فداکاری

روحیه خانواده
شهدا بسیار بلند
است

کرده‌اند طلب می‌کنم. (۲۷۲)

۵۹/۹/۲۷

* * *

من از شما بانوان محترم، بازماندگان شهدای نیروی هوایی و اقربای معلولین نیروی هوایی تشکر می‌کنم که با روی گشاده و با روحیه قوی با من مواجه هستید، و به مخالفین نهضت با شجاعت، استقامت، نمایش می‌دهید که شما شیرزنان مثل متعلقین شما، شیرمردان، در راه اسلام و در راه کشور اسلامی برای فداکاری و برای مجاهدت حاضرید. (۲۷۳)

بازماندگان شهدا
برای فداکاری
حاضرند

۵۹/۱۰/۸

* * *

اینجانب برای شهدای عزیز ارتش و سایر قوای مسلح، طلب رحمت از پیشگاه خداوند می‌نمایم و طلب عافیت برای معلولین و مدافعین اسلام، و تبریک و تسلیت به بازماندگان آنان می‌دهم. باید این عزیزان بدانند که مصیبت‌هایی که به آنان وارد شده است، ملت شریف با آنان شریک می‌باشند. من فرزندان عزیزی که افتخارآفرین بودند از دست دادم و شما عزیزان غیرتمندی که موجب سرافرازی‌تان بودند به جوار رحمت حق فرستادید. (۲۷۴)

ملت شریک
مصیبت خانواده
شهادت

۶۰/۱/۲۷

* * *

من نمی‌دانم که تسلیت بگویم به این خانواده‌های شهدا، تسلیت

بگویم به پیغمبر اسلام و ائمه هدی، تسلیت بگویم به امام عصر - ارواحنا له الفداء - یا تبریک. تبریک برای اینکه یک همچو ملتی و یک همچو انسانهای ارزنده‌ای اسلام تربیت کرده است یک همچو جوانانی که الآن عکس بسیاریشان در منظره هست و سیمای نورانی‌شان در پیش چشم است اسلام تربیت کرده است، یک همچو مادران و پدران و اقربای شهدایی که در اینجا عده‌ای‌شان حاضر هستند، اسلام تربیت کرده است. من گمان ندارم که در غیر محیط اسلامی، یک همچو مسائلی تحقق داشته باشد که پیرزن جوانمرده اظهار بکند که من جوانان دیگری دارم که آن را هم تقدیم اسلام می‌کنم و پیرمرد جوان از دست داده اظهار کند که من حاضرم خودم هم به جبهه بروم و شهید بشوم و جوانهای زیادی که می‌آیند تقاضا کنند که دعا کنیم که در راه اسلام شهید بشوند؛ جوان بخواهد که دعا کنیم به شهادت برسد.

شما در کجا می‌توانید در غیر سایه اسلام و تربیت اسلامی، چنین جوانهایی و چنین بازماندگان از جوانهای شهید، پیدا بکنید؟ اینها در عین حالی که جوانان خودشان را از دست داده‌اند و در جبهه‌ها خاندان خودشان را از دست داده‌اند و آواره شده‌اند، مع‌ذلک، ایستاده‌اند و شجاعانه در مقابل دشمنها ایستاده‌اند و برای فداکاری حاضرند. (۲۷۵)

۶۰/۷/۲۶

* * *

مقاومت و فداکاری این زنان بزرگ در جنگ تحمیلی آنقدر اعجاب‌آمیز است که قلم و بیان از ذکر آن عاجز بلکه شرمسار است. این جانب در طول این جنگ صحنه‌هایی از مادران و

خانواده شهدا در
مقابل دشمن
ایستاده‌اند

فداکاری خانواده
شهدا بی‌نظیر است

خواهران و همسران عزیز از دست داده دیده‌ام که گمان ندارم در
غیر این انقلاب نظیری داشته باشد. (۲۷۶)

۶۱/۱/۲۵

* * *

رحمت خداوند بر همه شهیدان، و رضوان و مغفرت حق بر ارواح
مطهرشان که جوار قرب او را برگزیدند و سرفراز و مشتاق به سوی
جایگاه مخصوصشان در پیشگاه رب خویش شتافتند. و سلام و
درود بر شما پدران و مادران، همسران، فرزندان و بازماندگان
شهادت که از بهترین عزیزان خود در راه بهترین هدف که اسلام عزیز
است، بزرگوارانه گذشته‌اید، و در امر دفاع از دین خدا، آنچنان
صبر و مقاومت نشان داده‌اید که رشادت و استقامت یاران سید
شهیدان حضرت امام حسین - علیه السلام - را در خاطره جهانیان
تجدید کردید. (۲۷۷)

۶۱/۸/۲۵

* * *

بازماندگان شهدا و آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با
چهره‌های حماسه‌آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان
بخش با ما و شما روبه‌رو می‌شوند. و اینها همه از عشق و علاقه و
ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات
جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم - صلی الله
علیه و آله و سلم - هستند، و نه در محضر امام معصوم - صلوات الله
علیه. و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. و این رمز
موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است. و اسلام باید افتخار کند

مقاومت خانواده
شهدا، زنده‌کننده
خاطره یاران
سیدالشهداء

انگیزه خانواده
شهدا ایمان و
اطمینان به غیب
است

که چنین فرزندانی تربیت نموده، و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می‌باشیم. (۲۷۸)

۶۸/۳/۱۵

* * *

ایران که برای خدا قیام کرده است می‌بینیم که چگونه پایدار است، و اگر بر فرض باطل کسی خیال می‌کرد که باید صلح کرد، با این جنایات، دیگر هیچ عاقلی چنین فکری نمی‌کند؛ برای اینکه خانواده‌های شهدا و اشخاص مصیبت دیده در مقابل آنان می‌ایستند. الآن هم که مشاهده می‌کنید همین مصیبت دیدگان هستند که فریاد «جنگ، جنگ» سر می‌دهند. جنایتکار در اثر زیادی جنایت نمی‌تواند از جرم فرار کند. ما به او و امثال او و هم‌قطاران او هشدار می‌دهیم که هر جنایتی که می‌کنند به نامه اعمالشان اضافه می‌شود و در مقام بازخواست باید جبران کنند. این نحو جنایات اسباب سستی خانواده‌های شهدا نمی‌شود. (۲۷۹)

۶۲/۵/۲۰

* * *

باید متذکر شد که این کوردلان که جز امور مادی و شهوات حیوانی از همه چیز غافلند، ملت شریف ما را نشناخته و گمان می‌کنند با شهادت فرزندان عزیز ما می‌توانند آنان را از راهی که انتخاب نموده‌اند که آن جز اسلام عزیز نیست، منصرف یا سست نمایند.

ملت بزرگ ایران در این چند سال که از جنایات شرق و غرب رنج می‌برد و عزیزان خود را از دست داده و می‌دهد در هر

خانواده شهدا در
مقابل مدعیان
صلح طلبی
می‌ایستند

فریاد خانواده
شهدا، جنگ جنگ
تا پیروزی است

انفجاری منفجرتر و در هر حمله ددمنشانه‌ای شجاعانه‌تر راه خود را در پیش داشته و جلو می‌رود. اینان ندیده‌اند که مادران و پدران شجاع ایران فرزندان و نورچشمان خود را از زیر خروارها خاک بیرون می‌کشند و فریاد «جنگ، جنگ تا پیروزی» سر می‌دهند و از دست اندرکاران مقابله به مثل و از سلحشوران جبهه‌ها ادامه جنگ را طلب می‌کنند. درود خدا بر این ملت شجاع و مؤمن که جان می‌دهد و تن به سازش و تسلیم نمی‌دهد. (۲۸۰)

۶۳/۱۲/۱۸

* * *

من از همه خانواده‌های شهدا، خانواده‌های معلولین، مفقودین، اسرا، آنهایی که رنج دیدند در این کشور، و در این جنگ رنج دیدند و بحمدالله برای خدا دیدند و خدا اجر می‌دهد، لکن ما هم وظیفه داریم که برای آنها دعا کنیم و به آنها هم تبریک بگوییم که یک همچو جوانهایی دارند، یک همچو دامنه‌های پاکی دارند که این جوانها را تربیت کردند، یک همچو قلوب قوی‌ای دارند که جوانهایشان را می‌فرستند به جنگ و به جایی که احتمال این معنا هست که خدای نخواستہ، یکوقتی شهید بشوند ما از آنها تشکر می‌کنیم. به آنها دعا می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم که اینها را صبر عنایت کند و اجر عنایت کند. (۲۸۱)

۶۵/۱/۱

* * *

و مبارک باد بر خانواده‌های عزیز شهدا، مفقودین، و اسرا، و جانبازان و بر ملت ایران، که با استقامت و پایداری و

من به خاطر قوت
قلبتان به شما
تبریک می‌گویم

پایمردی خویش به بنیانی مرصوص مبدل گشته‌اند که نه تهدید ابرقدرتها آنان را به هراس می‌افکنند، و نه از محاصره‌ها و کمبودها به فغان می‌آیند، و نه از خیانت و وحشیگریهای صدام دیوانه و افسار گسیخته رو به زوال در زدن شهرها و ویران کردن خانه‌ها و مساجد و بیمارستانها و مدارس خم به ابرو می‌آورند، و چون گذشته به راه خود، که همان راه اسلام عزیز و عزت و شرف و انسانیت است، ادامه می‌دهند؛ و زندگی با عزت را در خیمه مقاومت صبر بر حضور در کاخهای ذلت و نوکری ابرقدرتها و سازش و صلح تحمیلی ترجیح می‌دهند. و من افتخار می‌کنم که در میان شما و در کنار شما هستم و در غم و مصیبت‌های شما که مصیبت اسلام و مسلمین است، شریک می‌باشم. (۲۸۲)

۶۵/۱۱/۱۶

* * *

کدام تحولی بالاتر از اینکه پدران و مادران و همسران شهیدان ما از فراق عزیزان خود شکوه نمی‌کنند، ولی غبطه و حسرت دوری از قافله شهدا را بر زبان دارند؟ (۲۸۳)

۶۵/۱۱/۱۶

* * *

یک موی سر این کوخ‌نشینان و شهیددادگان به همه کاخ و کاخ‌نشینان جهان شرف و برتری دارد. (۲۸۴)

۶۶/۵/۶

* * *

خانواده‌های عزیز

شهدا بنیانی

مرصوص هستند

عدم شکوه از فراق

عزیزان، بالاترین

تحول است

خانواده شهدا بر

کاخ‌نشینان برتری

دارند

شما^۱ مردم ایران را از موشک نترسانید، مردم ایرانی که شهادت را برای خودشان افتخار می‌دانند و بسیاری از اوقاتی که اینجا می‌آیند انسان تعجب می‌کند از وضع اینها که جوانش فوت شده است، جوانش شهید شده است، می‌گوید باز هم می‌خواهم، می‌خواهم جوان دارم باز [در راه خدا بدهم]، بچه کوچک را می‌گوید این ان شاء الله، بزرگ می‌شود و شهید بشود، یا زنها می‌بینید که چه وضعی دارند. اینها مردم را، این مردمی که طالب شهادتند از شهادت می‌ترسانند. (۲۸۵)

۶۶/۱۲/۱۲

* * *

خانواده‌های شهدا، تا همیشه تاریخ این مشعلداران راه اولیا، افتخار روشنایی طرق الی الله را به عهده گرفته‌اند. مجروحین و معلولین خود چراغ هدایتی شده‌اند که در گوشه گوشه این مرز و بوم به دین باوران راه رسیدن به سعادت آخرت را نشان می‌دهند: راه رسیدن به خدای کعبه را. اسرا در چنگال دژخیمان خود سرود آزادی‌اند، و احرار جهان آنان را زمزمه می‌کنند. مفقودین عزیز محور دریای بیکران خداوندی‌اند؛ و فقرای ذاتی دنیای دون در حسرت مقام والایشان در حیرتند. (۲۸۶)

۶۷/۷/۱

* * *

جوان داده‌ها
می‌گویند باز هم
جوان داریم

خانواده شهدا،
مشعلداران طرق
الی الله

توصیه به خانواده شهدا

ان شاء الله خداوند این تحولی که برای شما^۱ حاصل شده است، که مایه امیدواری ماست، حفظ کند. و شما این بچه‌ها را تربیت کنید. و یک همچو خوی انسانی، یک همچو تحول [روحی برای] انسانیت، که در صدد این هستید که این بچه‌هایی که باقی ماندند از این شهدا، و موجب تأثر ما، تأسف ماست. و باید بگویم یک بار سنگینی است به دوش من وقتی که ببینم یک بچه، پدرش را از دست داده و می‌آید پیش من؛ یا یک پدر پیر بچه‌اش را از دست داده. لکن آن چیزی که ما را دلخوش می‌کند این است که برای خدا بوده است. چیزی که برای خداست آسان می‌شود. همان طوری که در این چیزی که خواندید، از کربلا شروع کردید. خوب، کربلا هم همین مسائل بود اما برای خدا بود. چون برای خدا بود آسان بود. (۲۸۷)

تحول روحی شما
خانواده شهدا مایه
امیدواری است

۵۸/۶/۲۶

* * *

یک نصیحت مخلصانه و پدران به بانوانی که جوانند و همسرانشان به لقاء الله پیوسته‌اند می‌نمایم که از ازدواج، این سنت ارزنده الهی سرباز نزنند و با ازدواج خود یادگارهایی چون خود، مقاوم و ارزنده به جای گذارند، و به وسوسه بعضی اشخاص بی‌توجه به صلاحها و فسادها گوش فراندهند. و نیز به پاسداران و سربازان و جوانان عزیز تذکر می‌دهم که ازدواج با این بانوان را غنیمت شمرده و با انتخاب همسرانی چنین ارزنده به

نصیحت پدران به
همسران شهدا

۱. اشاره به خانواده‌های شهدا.

زندگی شرافتمندانه خویش ادامه دهند. (۲۸۸)

۶۱/۱/۲۵

* * *

اینک کلمه‌ای نصیحت‌آموز با جوانان عزیزی که در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها برای اقامه عدل الهی فداکاری می‌کنند، و عزیزی که به نحوی برای هدف الهی آسیب دیده‌اند، و بازماندگان شهدای معظم که در راه قرآن کریم به شهادت، بزرگترین فیض الهی رسیده‌اند، و به پدران و مادران و همسران و نزدیکان شهدای زنده، و به کسانی که در پشت جبهه‌ها به نحوی کمک به برادران مدافع خود می‌کنند. توجه کنید که غرور پیروزیها و شهرتها و جوانمردیها در قلب شما رخنه نکند، که این مرض نفسانی از دامهای شیطان است که بندگان خدا را از توجه به او باز می‌دارد، و از مکاید نفس اماره بالسوء است که انسانها را به شرک و عبودیت بتها، و خصوص مادر بتها، که بت نفس است، می‌کشاند. (۲۸۹)

۶۲/۶/۳۱

* * *

من امیدوارم که این سال بهتر از همه سالها باشد و خداوند همه را توفیق بدهد که قدر نعمت‌های خدا را بدانند و بدانند که همه چیز از اوست. اگر همه چیز را از او دانستند دیگر در هیچ چیز ناراحت نمی‌شوند. ناراحتیها برای این است که انسان از خودش می‌بیند. ما در فقدان عزیزانمان که ناراحت می‌شویم برای اینکه، اینها را از خودمان می‌دانیم. اگر ما همه را از خدا بدانیم و ببینیم که اینها نعمتی هست که خدا داده، نعمتی هست که خدا می‌برد پیش

خانواده شهدا
مواظب مکر
شیطان باشند

خودش، شهدا مهمان خدا هستند، اگر اینها را ما واقعاً در قلبمان ادراک نکنیم. عید می‌شود برای کسانی که شهید دارند، عید می‌شود برای کسانی که مجروح شدند، عید می‌شود برای کسانی که در راه خدا عزیزان خودشان را از دست دادند، برای اینکه این عزیزان، عزیزان خدا هستند، اینها همه از او هستند. و من امیدوارم که این حس و این ایمان در ما پیدا بشود و تقویت بشود. (۲۹۰)

اگر باور کنیم شهدا
مهمان خدا هستند
ناراحت نمی‌شویم

۶۳/۱/۱

* * *

فرزند بسیار عزیزم

نامهٔ محبت‌آمیز شما، که از جانب خود و دیگر فرزندان عزیز شهدا، مفقودین، اسرا و جانبازان بود، موجب خرسندی شد. امید است شما عزیزان خردسال که یادگار فداکاران در راه خداوند تعالی و اسلام عزیز هستید، چون پدران بزرگوار خویش خود را برای دفاع از اسلام بزرگ و میهن عزیز مهیا سازید؛ و با فراگرفتن علم و ادب و کوشش در راه به دست آوردن کمال انسانی و اخلاق اسلامی برای اسلام عزیز و کشور خودتان فرزندان شایسته‌ای باشید.

شما فرزندان شهدا،
فرزندان
پیامبر (ص) هستید

شماها با از دست دادن عزیزان خود، فرزندان اسلام و پیامبر عظیم الشان هستید. ان شاء الله تعالی در پناه خداوند عالم موفق شوید با کسان خود، خصوصاً مادران داغ‌دیده، به خوبی رفتار نمایید از خداوند منان سلامت برای شما، و رحمت برای شهیدان، سلامت و رهایی برای اسرا و مفقودین شما خواستارم. (۲۹۱)

تیر ۱۳۶۴

نور چشمان عزیزم، فرزندان محترم شهدا، جانبازان، اسرا و
مفقودین - ایدهم الله تعالی

پیام شما را شنیدم. من به شما سلام و درود می‌فرستم، و به
وجود شما مباهات و افتخار می‌کنم. و چه افتخاری بالاتر از اینکه
ما در تداوم انقلابمان ذخیره‌های عظیمی همچون شما عزیزان را
داریم که حضورتان در جامعه در تمامی صحنه‌های اسلامی و
انقلابی و مردمی یادآور رشادتها و فداکاریها و اخلاص رادمردانی
است که به برکت خونهای پاک آنان انقلاب و جمهوری اسلامی
ایران بارور گردید؛ و با شهادت و ایثار و جانبازی و اسارت آنان، از
پانزدهم خرداد تاکنون، بر تارک نهضتمان نام مجد و آزادی و
شرف پایدار ماند. شما، گواهان صادق و یادگاران عزمها و
اراده‌های استوار و آهنین، نمونه‌ترین بندگان مخلص حقیقید، که
مراتب انقیاد و تعبد خویش را به درگاه اقدس حق تعالی بانثار خون
و جان به اثبات رسانیدند؛ و در میدان جهاد اکبر با نفس و جهاد
اصغر با خصم، واقعیت پیروزی خون بر شمشیر و غلبه اراده انسان
را بر شیطان مجسم کردند؛ و سرمایه جان خویشان را به بهای
اندک نفروختند و ملعبه زخارف زودگذر دنیا و متعلقات آن
نشدند؛ و با همتی بلند به سودا و معامله‌ای برخاستند که خدا
مشتری جان آنان شد و اجر و مزدشان را بیدریغ در نزد خود قرار
داد و حیاتشان را جاودانه ساخت، که این، منتها آرزوی عاشقان و
مشتاقان و غایت عمل و آمال عارفان است که «يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَهُمْ». و
گوارا باد بر این شهیدان، لذت انس و همجواری‌شان با انبیای عظام
و اولیای کرام و شهدای صدر اسلام! و گوارا تر بر آنان باد نعمت
رضایت حق که رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ. و اینک ما و شما مانده‌ایم که
وارث آن رسالتیم و حامل آن امانت.

فرزندان محترم
شهدا، ذخیره‌های
عظیم انقلاب

عزیزانم، من شما را دوست داشته و همچون فرزندان خود می‌دانم؛ و همیشه شما را دعا می‌کنم و با نصیحتی مشفقانه و پدرانه از شما فرزندان خوب و با وفای خودم می‌خواهم که بار امانت پدرانتان را، که میراث عزت و راه و رسم زندگی آنان بوده است، به خوبی بر دوش کشید؛ و تقوا و پاکی و پاکدامنی را پیشه کنید؛ و نظم در زندگی و تمامی مراحل آن حکمفرما سازید؛ و با جدیت به تحصیل علوم و کسب معارف و بهره‌وری از استعدادهای الهی خود بپردازید؛ و هیچ‌گاه سلاح مبارزه با ظلم و استکبار و استضعاف را بر زمین نگذارید؛ و دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا را شعار خود سازید؛ و خود را از مردم پابرهنه و مستضعف و بی‌پناهی که تمامی عزت ما رهین منت و خدمت آنان است، و شهیدان و جانبازان و اسرا و مفقودین نیز از همین قشرند، دور نسازید. و مؤکداً از شما فرزندان شهدا می‌خواهم که با مادران داغ‌دیده خود به عطف و مهربانی رفتار کنید که *الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ*^۱.

و آخرین سخنم در اینجا با شما اینکه به جمهوری اسلامی، که ثمره خون پدرانتان است، تا پای جان وفادار بمانید؛ و با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم الاوصیا و الاولیا، حضرت بقیة الله - روحی فداه - فراهم سازید. (۲۹۲)

۶۵/۲/۸

* * *

پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسرا، مفقودین، و

۱. «بهشت زیر قدمهای مادران است»؛ کنز العمال؛ ج ۳۵۴۳۹.

معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده‌اند کم نشده است. فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند. پیروزی و شکست برای آنها فرقی ندارد. امروز روز هدایت نسلهای آینده است. کمربندھاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا اینگونه خواسته است. و دیروز خدا آنگونه خواسته بود. و فردا ان شاء الله روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم. و ما تابع امر خداییم؛ و به همین دلیل طالب شهادتیم. و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیرخدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. (۲۹۳)

خانواده شهدا
توجه کنند که با
قبول صلح، چیزی
از دستاورد شهدا
کم نشده است

۶۷/۴/۲۹

* * *

فرزند عزیزم، خانم حاجیه شمسی نورانی
نامه پر احساس شما را خواندم. از شما و افرادی مانند شما
نمی‌دانم چگونه باید قدردانی کرد. من که در مقابل اینهمه محبت
و صفا غیر از تشکر و دعا کاری نمی‌توانم انجام دهم.
دستبندت را برایت می‌فرستم تا از جانب من هدیه‌ای باشد
برای تو؛ و معادل آن را با نذر حقوق شش ماهه‌ات را من خود به
جبهه می‌فرستم. از قول من به فرزندان عزیزت، این عزیزان ملت
شریف ایران، سلام گرمم را برسان. خدا یار و نگهدارت باد. (۲۹۴)
۶۷/۵/۲۳

از قول من به
فرزندان شهدا سلام
برسان

* * *

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی - دامت
افاضاته

گزارش مشروح مسائل فرهنگی و تحصیلی فرزندان عزیز
شاهد واصل گردید. از تلاش مسئولین و صاحب‌نظرانی که به این
امر مهم اهتمام نموده و در راه بارور شدن و شکوفایی
استعدادهای سرشار نونهالان و جوانان برنامه‌ریزی کرده‌اند تشکر
می‌نمایم.

علاقه‌مندم فرد فرد
شما متخصص
متعهد برای اسلام
ناب باشید

از اینکه نوشته‌اید فرزندان عزیز شهدا و مفقودین و جانبازان و
اسرا با جدیت و عشق و علاقه درس می‌خوانند موجب غرور و
شادمانی است. سلام گرم و محبت خالصانه‌ام را به این
سرمایه‌های گرانبهای انقلاب، این یادگاران معلمین جاوید
دانشگاه عشق و شهادت، ابلاغ نمایید. و از قول من به آنان بگویید
که من با تمام وجود به شما عشق می‌ورزم و شما را از دل و جان
دوست دارم؛ و علاقه‌مندم که فرد فرد شما عالم و متخصصی
متعهد برای اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - و
مبارزی سرسخت علیه اسلام امریکایی و مرفهین و پرچمدار
وفاداری برای ایثارگران و شهیدان خود باشید، و بتوانید با چراغ
علم و عمل و تقوا ظلمت نفاق و کج فکریها و تحجرها و
مقدس‌مآبیها را از دامن اسلام بزدايید. کارنامه نورانی شهادت و
جانبازی عزیزان شما گواه صادقی بر کسب بالاترین امتیازات و
مدارج تحصیل معنوی آنان است که با مهر رضایت خدا امضا شده
است؛ و اما کارنامه شما در گرو تلاش و مجاهدت شماست.
زندگی در دنیای امروز زندگی در مدرسه اراده است؛ و سعادت و
شقاوت هر انسانی به اراده همان انسان رقم می‌خورد. اگر بخواهید
عزیز و سربلند باشید، باید از سرمایه‌های عمر و استعدادهای

جوانی استفاده کنید. با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمایید، که زندگی زیر چتر علم و آگاهی آنقدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته‌ها آنقدر خاطره‌آفرین و پایدار است که همه تلخیها و ناکامیهای دیگر را از یاد می‌برد. بشریت با همه پیشرفتهایش در علوم و فنون هنوز در گهواره طفولیت دانش است، و تا رسیدن به بلوغ کامل راه طولانی در پیش است. امیدوارم ملت‌های اسلامی و ملت بزرگ ایران با یک تحرک فرهنگی گسترده بتوانند مسلمانان را از فقر و تنگنای علمی درآورند. (۲۹۵)

۶۷/۶/۲۸

* * *

وظایف ما نسبت به خانواده شهدا و ایثارگران

وظیفه مردم نسبت به خانواده شهدا و ایثارگران

اشخاصی که به حسب وظیفه شرعی الهیه و برای حفظ اسلام و احکام مقدسه آن و صیانت کشورهای اسلامی از سلطه اجانب - خذلهم الله تعالی - قیام به امر به معروف و نهی از منکر با شرایط مقرر آن نموده‌اند و برای آنها در این انجام وظیفه گرفتاری از قبیل حبس یا قتل پیش آمده است و خانواده آنها محتاج به کمک و سرپرستی هستند، مؤمنین از هر طبقه موظفند که با کمال حفظ احترام آنها به کمک و پشتیبانی آنها قیام کنند، و حاضر نشوند به خانواده برادران غیرتمند خود سخت بگذرد. و مجازند تا ثلث از سهم مبارک امام - علیه السلام - را در

با کمال احترام از
مبارزین پشتیبانی
کنید

این مورد صرف کنند. (۲۹۶)

۵۰/۸/۲۶

* * *

فاجعه لبنان و مصیبات وارده بر برادران ایمانی ما به حدی نیست که بتوان تحریر کرد. اکنون جنگی که دستهای مرموز دشمن انسانیت به نفع استعمار و اسرائیل بر پا نمود و لبنان را به صورت مخروبه‌ای وحشتناک درآورد. قدری آرامش صوری پیدا کرده لکن هزارها خانواده محترم که دیروز با عزت و نعمت و رفاه به سر می‌بردند، با از دست دادن عزیزان خود و خراب شدن خانمان و فقدان اموال، بی‌سرپرست و بی‌پناه در این فصل سرما با آلام و دردهای ناگفتنی دست به گریبان هستند. کمکهایی که از اهل خیر خصوصاً ایران شده است گرچه موجب تقدیر و تشکر است لکن جبران گرفتاریهای نامحدود برادران عزیز ما را نمی‌کند. عزیزانی که سلف آنها مردانه برای عظمت و عزت و شعائر خود با جناحهای مختلف وحشیهای قرون وسطایی و آدمکهای استعمارزده جنگیدند، و خون خود را در راه شرافت و عزت خود ریخته جانبازی شجاعانه کردند؛ «شَكَرَ اللهُ سَعِيَهُمْ وَجَزَاهُمُ اللهُ خَيْرًا». اکنون بازماندگان آنها - طفل‌های عزیز بی‌پدر و سرپرست، پسر و مادرهای فرزندان از دست داده، و هزاران مجروح و ناقص‌الاعضا - به جا ماندند با مصیبت‌های گوناگون و آه و ناله‌های روزافزون. بر انسانهای شرافتمند است، بر مسلمین پاکروان است، بر پیروان رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و امیر مؤمنان - علیه الصلوة والسلام - است که برای نجات فرزندان اسلام به پا خیزند. بر ثروتمندان غیرتمند است که به پاس نعمتهای الهی از

فرزندان شهدا را
چون اطفال خود
بدانیم

فرزندان قرآن محافظت نمایند و به خدمت آنها بشتابند، خدمتهای انسانی و محترمانه، بازماندگان فرزندان اسلام را چون اطفال خود بلکه بالاتر بدانند.

سرپرستان محترم آنها شرافتمندانه از دین و عظمت خود دفاع کرده و مردانه جان دادند و نام خود را برای همیشه پایدار گذاشتند و اسلام و مسلمین را سرافراز نمودند؛ «جزاهم الله عن الاسلام خيراً». ما باید به جبران خدمت آنها، به بازماندگان و عزیزان آنها خدمت کنیم؛ خدمتی محترمانه و شرافتمندانه. ملت اسلام خصوصاً ملت شریف ایران - ایدهم الله تعالی - به آسانی می‌تواند جبران خساراتی که قابل جبران است بکند و با همت عالی به زندگی بازماندگان برادران ایمانی خود سر و سامان بدهد و روی خود را در پیشگاه خدای تعالی و انسانیت سفید کند.

اینجانب با حال ضعف و نقاهت از دوستان اسلامی خود با کمال تواضع امید دارم که به اسرع وقت - بی‌درنگ - قبل از آنکه فرصت از دست برود، در این امر اسلامی الهی بکوشند و [از] هم سبقت گیرند، و به مصایب بزرگ برادران خود تخفیف بخشند. و امید آن دارم که خداوند کریم در مقابل این خدمت، آنها را سربلند و عزیز فرماید؛ و اگر بخواهند از جوهی که محتاج به اذن فقیه است بدهند، در ربیع اینجانب اجازه می‌دهم. (۲۹۷)

۵۵/۱۱/۲

* * *

تقاضای اینجانب از ملت شریف و متعهد آن است که با کمال اهمیت و دلسوزی اقدام به بررسی کشته‌شدگان و خانواده‌های آنان کنند، و به هر ترتیبی که می‌توانند سرشماری از کشته‌ها با نام

از خانواده شهدا

دلجویی نمایید

و نشان نمایند و ما را مطلع کنند، و به بازماندگان آنان سرکشی برادرانه نمایند و از آنان دلجویی کرده و سلام «خمینی» را که در سوگ آنان است به همه برسانند، و تأثرات اینجانب را در مرگ عزیزانشان به آنها ابلاغ نمایند. و اگر کسی به واسطه مجروح شدن و یا از دست دادن عزیزش احتیاج مادی دارد لازم است به بهترین وجه برآورده شود، یا هرچه زودتر به من مراجعه شود تا با تمام طاقت به آنان رسیدگی نمایم. (۲۹۸)

۵۷/۵/۵

* * *

در خاتمه از ملت شریف ایران که بارها در اینگونه مسائل امتحان خود را داده‌اند، خواهش می‌کنم که به خواهران و برادران خود که در اثر اعتصابات و تظاهرات صدمه مالی و جانی دیده‌اند، با احترام تمام آنان را یاری دهند؛ و این وظیفه الهی را به بهترین وجه عمل نمایند که «خمینی» همیشه به یاد آنان است و دست آنان را می‌فشارد. (۲۹۹)

خانواده شهدا و
ایثارگران را یاری
دهید

۵۷/۸/۱۶

* * *

ما فرض کنیم که این آقا^۱ توبه کرده است و بعد از این هم کوشش می‌کند در اینکه دموکراسی را اجرا کند و کوشش می‌کند در اینکه استقلال برای مملکت ما تهیه کند و همه خوبیها هم به فرض محال این در خودش می‌خواهد جمع بکند، خوب تا حالا چه؟! تا حالا این کارهایی که کرده، این جرمها را که کرده هیچ؟! یک نفر آدمی

باید پاسخگوی
والدین شهدا باشیم

۱. اشاره به عذرخواهی فریبکارانه شاه در آخرین ماههای سلطنت خود.

که چندین هزار خانواده را بی سرپرست کرده، چندین هزار مادر را بی فرزند کرده، چندین هزار پدر را بی اولاد و بی جوان کرده حالا می آید در پیشگاه ملت «آقا ببخشید، معذرت می خواهم»، می پذیرند؟ آن کسی که بپذیرد، جواب این مادر و پدرها را چه می دهد؟ آنکه قبول کند که ایشان «سلطنت» بکنند نه حکومت، اگر هم ما فرض کنیم که این نیرنگ نیست - که هست، بلاشکال هست - اگر این هم فرض کنیم، خوب جواب این مردم را ما چه بدهیم؟ خوب این پیرزنی که بچه هایش همه هم کشته شده اند و منزلش خالی شده است از اولاد، جواب این را ما چه بدهیم؟ (۳۰۰) ۵۷/۸/۱۷

* * *

پس از اهدای سلام و تحیات وافره، به عرض محترمان^۱ می رساند، در این موقع که دست جنایتکاران و دژخیمان شاه بیش از پیش به خون جوانان و اطفال ما آغشته شده است، و کشتگان و مجروحان بسیاری به جا گذاشته و عده کثیری را در سراسر کشور بی خانمان و بی سرپرست نموده است، و حضرات آقایان و اینجانب را به عزا نشانده است؛ در این موقع که اعتصابات و تعطیلات عمومی برای اعتراض به دستگاه جبار^۲ و احقاق حق مردم بی پناه صورت گرفته است؛ بدیهی است این حوادث ضایعاتی را به دنبال دارد و قشرهایی از کسبه و کارمندان و کارگران محترم و محروم دچار مضیقه شده و می شوند؛ و این امر موجب نگرانی شدید اینجانب است؛ لهذا از حضرات آقایان تقاضای

از کسانی که در راه
انقلاب صدمه
دیده اند حمایت
کنید

۱. پیام به علمای اعلام و حجج اسلام.

۲. اشاره به رژیم پهلوی.

محترمانه داریم که در تمام شهرستانها و توابع آنها، هیأت‌هایی را که مورد وثوق هستند انتخاب و مقرر فرمایید تا نیاز نیازمندان را، چه از حیث لزوم جراحی و چه از حیث فقدان سرپرست، و چه در اثر گرفتاریهای اقتصادی‌ای که در اثر اعتصابات و تعطیلات بحق خود با آن دست به گریبانند، بر طرف نموده و به قدر مقدور نیازهای آنان را رفع کنند تا با پشتگرمی با اعتصابات خود ضربه شدیدی بر پیکر دشمن وارد آورند. و بر ملت شجاع و آگاه است که خود نیز مستقیماً به خواهران و برادران خود کمک کنند و دین الهی خود را ادا نمایند.

حضرات آقایان مجازند از سهم مبارک امام - علیه‌السلام - در این امر مشروع و مقدس صرف نمایند؛ و وکلای اینجانب در هر جا که هستند مجازند تا نصف سهم مبارک امام - علیه‌السلام - را صرف این نیازها نمایند. و نیز حضرات آقایان از بازرگانان و مردم خیرخواه دعوت نموده و آنان را تشویق کنند تا نگذارند برادران و خواهران آنان که در راه اسلام و احقاق حق خود صدمه دیده‌اند، و به ملت بزرگ خدمت کرده‌اند و در راه آن خون داده‌اند، به سختی بیفتند. از خداوند تعالی عظمت اسلام و سربلندی ملت عظیم‌الشأن اسلام و ایران را خواستارم و قطع ایادی اجانب را امیدوار. (۳۰۱)

۵۷/۸/۱۸

* * *

بر ملت شریف ایران است که در مواقعی که کارگران و کارمندان شرکت نفت و سایر مؤسسات و ادارات دولتی دست به اعتصاب می‌زنند، از آنان با کمال احترام پشتیبانی کنند و ضررهای آنان را به

لازم است از
مبارزان حمایت
شود

بهترین وجه جبران نمایند و آنان را در اعتصابات مقدسشان، که برای اظهار تنفر از شاه خائن و خاندان کثیفش و پشتیبانی از مبارزات همگانی مردم است، تشویق و تقدیر کنند. (۳۰۲)

۵۷/۸/۲۴

* * *

ما الآن موظفیم که برادرهای ما الآن در خون دارند می‌غلتنند، ما باید به آنها کمک بکنیم. الآن کمکی که شما که در اروپا هستید، و هر کدامتان هم در ممالک دیگری هستید، کمکتان این است که تبلیغ کنید؛ یعنی این جنایتهایی را که این سلسله کرده‌اند، و خصوصاً این شخص کرده است، این شاه کرده، این جنایات را به مردم بگویید. به رفقایان که در دانشگاهها هستند، در کارخانهها هستند، هر جا که هستید، به این رفقای که دارید اروپایی، بگویید به اینها که مسأله این است. این خیانتها را کرده است. و مردم که قیام کرده‌اند، آزادی می‌خواهند. فریادشان این است که ما آزادی می‌خواهیم و استقلال می‌خواهیم. این مردمی که آزادی و استقلال می‌خواهند، اینها وحشی نیستند. اینها متمدند که آزادی و استقلال می‌خواهند. وحشیها آنها هستند که استقلال و آزادی را از اینها گرفته‌اند نه اینهایی که آزادی و استقلال را می‌خواهند. (۳۰۳)

۵۷/۸/۲۸

* * *

آنکه جوانش، آن پیرزنی که جوانش از دستش رفته، پیرزنهایی هستند که چهارتا بچه‌شان، یعنی یک پدر بوده، یک مادر بوده، چهارتا جوان، امشب اینها سر سفره نشسته بودند پنج نفری، شش

پیام خون شهدا را
ابلاغ کنیم

نفری، فردا شب سر سفره نشستند دو نفری، چهارتا جوانش از بین رفته، حالا از شما می‌پذیرد اینکه عذر بخواهی؟! فقط به عذرخواهی! آن هم بایستید و عذر بخواهید؛ آن وقت ما هم بیاییم، آخوند هم بیاید یا غیر آخوند - و مثلاً روشنفکر یا تاریک فکر هم بیاید - و بگویند که خوب ایشان سلطنت بکنند، حکومت نکنند! سلطنت! درست شد همین؟! همین تمام شد؟! جواب این پیرزن چی؟ جواب این پدری که دیروز چند روز پیش از این اینجا بود، پدری که چندتا جوانش کشته شده بود، ما جواب اینها را چی بدهیم؟ بگویند شماها ساختید با یک آدمی که جوانهای ما را کشت، از بین برد؟ حالا سلطنت بکنند، حالا بالا بنشینند و در ایام عید هم بروند سلام بدهند و تعریف بکنند و که تو آنی که چه کردی؟! تو آنی که حفظ کردی همه چیز را؟! اسلام‌پناهی تو؟! نمی‌دانم ظل‌اللهی تو؟! این حرفهای نامربوط چیست؟ (۳۰۴)

۵۷/۹/۲

* * *

بر ملت ایران هم لازم است که این کسانی که در شرکت نفت اعتصاب کردند و فقیر هستند، آنها را همان‌طوری که آنها به ایشان چیز می‌دهند، اینها به ایشان بدهند. واجب است این. من سهم امام را اجازه دادم که بدهند. سهم سادات هم من سیدم اجازه می‌دهم. هم سادات راضی‌اند هم غیر سادات. و فقرا راضی‌اند که اینها را سیر کنند که دارند خدمت به اسلام می‌کنند، خدمت به وطن خودشان می‌کنند. بدهند سهم امام را به اینها. خود مردم هم مکلفند که اینها را اداره کنند. نترسید از این حرفها، ما شما را چه می‌کنیم. (۳۰۵)

۵۷/۹/۲۵

باید پاسخگوی
انتظارات خانواده
شهدا باشیم

واجب است به
اعتصابیون کمک
شود

مردم در هر جا که هستند مکلفند به اینکه اینها^۱ را پناه بدهند؛ هم مخارجشان را بدهند و هم منزلی محقر برای اینها، به طوری که معلوم نشود که اینها کجا هستند، مردم مکلفند که این کار را بکنند. و ما هم بابت وجوه شرعی قبول داریم چیزی که همراهی به اینها می شود. این یک مسأله است که مهم است و لازم است که مردم اقدام کنند. این بیچاره‌ها از سربازخانه‌ها بیرون رفتند و الآن مکان ندارند، و باید این کار بشود. (۳۰۶)

مردم باید به
مبارزین خدمت
کنند

۵۷/۱۰/۱

* * *

مطلبی دیگر راجع به کارندهای شرکت نفت است. اینها هم از کار کنار رفتند، بسیاری شان هم استعفا کرده‌اند. و اینها محتاج به اعانت هستند؛ و من جمله مشکلشان قضیه خانه است که دولت - دولت غاصب - خانه را، خانه‌هایی که اینها دارند، یا از آنها گرفته یا تهدیدشان کرده است به اینکه خانه‌هایشان را از شما می‌گیریم، برای اینکه اینها نفت را بیرون نیاوردند که به اربابها بدهند. حالا اینطور تهدید کرده‌اند آنها را که اگر نیابند سرکار، خانه‌هایشان را از آنها بگیرند. بنابراین آنها، هم احتیاج به کمک مکانی دارند و هم برای اعاشه‌شان احتیاج دارند؛ این هم باز باید مردم و متمکنین، و مردم باید این کار را انجام بدهند. به آنها منزل بدهند و از آنها پذیرایی بکنند و مخارج آنها را هم بدهند. و ما باز بابت وجوه شرعی قبول داریم و مجاز هستند که این کار را بکنند. (۳۰۷)

اعتصابیون محتاج
به اعانت هستند

۵۷/۱۰/۱

بر ملت شریف ایران است که از اعتصاب کنندگان شرکت نفت پشتیبانی کنند و به آنان برای تهیه مسکن و مؤونه زندگی اعانت کنند؛ و در شهرستانها صندوقهای اعانه بگذارند و پس از جمع آوری به وسیله هیأت‌های معتمد به آنان برسانند. و باید نگذارند برادران خود که در راه خدمت به اسلام و کشور به پا خاسته‌اند رنج ببینند.

از اعتصابیون
پشتیبانی کنید

ملت شریف ایران موظفند از سربازانی که از سربازخانه‌ها بیرون آمده‌اند و خدمت به دولت غاصب را روا نداشته‌اند، کمک کنند از جهت منزل و سایر مؤونه‌ها؛ و نگذارند به برادران خود که برای اسلام ترک اعانت ظالم را نموده‌اند بد بگذرد. (۳۰۸)

۵۷/۱۰/۶

* * *

از کمک به کارگران و کسبه صنفی که بر اثر اعتصابات ضرر کرده‌اند، غفلت نشود و از وجوه شرعی مجازند به آنان کمک نمایند. (۳۰۹)

از کمک به مبارزین
غفلت نشود

۵۷/۱۰/۱۶

* * *

از ملت تقاضا دارم که نگذارند خون جوانانشان هدر برود. (۳۱۰)

۵۷/۱۲/۱۸

ملت از خون شهدا
حفاظت کنند

* * *

امروز اِهمال در شرکت در رفراندم و سردی و سستی در این امر حیاتی، موجب هدر رفتن خون شهیدان و به تباهی کشیدن کشور و

از هدر رفتن خون
شهدا مانع شویم

اسلام عزیز است. (۳۱۱)

۵۸/۱/۴

* * *

۱۷ شهریور، مکرر عاشورا و میدان شهدا، مکرر کربلا و شهدای ما، مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما، مکرر یزید و وابستگان او هستند. کربلا کاخ ستمگری را با خون درهم کوبید؛ و کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را فرو ریخت. اکنون وقت آن است که ما که وارثان این خونها هستیم و بازماندگان جوانان و شهدای به خون خفته هستیم از پای ننشینیم تا فداکاری آنان را به ثمر برسانیم و با اراده مصمم و مشت محکم، بقایای رژیم ستمکار و توطئه‌گران جیره‌خوار شرق و غرب را در زیر پای شهدای فضیلت دفن کنیم. (۳۱۲)

باید فداکاری شهدا
را به ثمر رسانیم

۵۸/۶/۱۶

* * *

آقا، من دارم عرض می‌کنم به کردها، عرض می‌کنم به تُرکها، عرض می‌کنم به بلوچها عرض می‌کنم، به همه قشرها عرض می‌کنم، گول این حرفهایی که اینها^۱ می‌زنند نخورید. بگذارید این خونی که از جوانهای ما رفته است به ثمر برسد. کاری نکنید که تمام خونها هدر برود، و ما باز برگردیم به رژیمی که یا مثل آن رژیم شاهنشاهی یا بدتر از او بیاید و حکومت کند اینجا. (۳۱۳)

کاری نکنید که تمام
خونها به هدر برود

۵۸/۷/۲۹

* * *

۱. اشاره به گروهکهای ضد انقلاب.

برادرهای عزیز من، برادرهای روشنفکر، برادران نویسنده و صاحب قلم، برادران دانشگاهی، دانشجویان محترم، روحانیان معظم، بازاریان محترم، کارگران عزیز، کارمندان محترم! بیایید به هم بیونندیم. بیایید تمام قلمها و تمام قدمها و تمام گفتار ما بر منافع این قشر مستضعف باشد. نگذارید خون این شهیدان هدر برود. (۳۱۴)

حمایت از منافع
مستضعفین،
جلوگیری از هدر
رفتن خون
شهداست

۵۸/۸/۱۳

* * *

قانون اساسی یکی از ثمرات عظیم، بلکه بزرگتر [ین] ثمره جمهوری اسلامی است، و رأی ندادن به آن به هدر دادن خون شهیدان ماست. (۳۱۵)

رأی ندادن به قانون
اساسی، هدر دادن
خون شهیدان است

۵۸/۹/۷

* * *

امیدوارم که آقایان محترمی که برای مشاهده نمونه‌ای از جنایات شاه مخلوع در بهشت زهرا بر بالین سرخ شهدای به خون خفته اسلام جمع شده‌اند و صحنه کوچکی از صحنه‌های بزرگ جنایات بیدریغ امریکا و شاه را از نزدیک مشاهده کرده‌اند، فریاد مظلومانه ملت ایران را به جهانیان برسانند و تبلیغاتی را که با خرج سخاوتمندانه امریکا و صهیونیسم بر ضد ملت ما انجام می‌گیرد خنثی کنند، باشد که در محضر انسانیت سرفراز شوند. (۳۱۶)

حضور یافتگان بر
بالین شهدا،
تبلیغات و سخنان
را خنثی کنند

۵۸/۱۱/۱۵

* * *

من نمی‌دانم که آیا از این قشرهایی که امروز هم مخالفت با نهضت می‌کنند چه باید بپرسیم. اینها شما را دیده‌اند؟ اینها بی‌اطلاعند از اینکه به شماها چه مصیبت‌هایی وارد شده است. اینهایی که طرفداری از رژیم سابق می‌کنند، این قلم‌های مسمومی که با نوشته‌های خودشان می‌خواهند این انقلاب راعقب بزنند و شکست بدهند، اینها هیچ وقت به فکر این افتاده‌اند که این شهدا، این خانواده‌های شهدا در سرتاسر کشور ما، که عزیزهای خودشان را از دست داده‌اند، به آنها چه می‌گذرد؟ اینها چه می‌گویند؟ اینها چه می‌کنند؟ اینها برای کی با شماها مقابله می‌کنند و معارضا؟ و آیا این ادارات دولتی، وزارتخانه‌ها و همه گروه‌هایی که در اداره این مملکت مشغول هستند، جواب شماها را چه می‌دهند که باز هم در عین حالی که سفارش شده است که این کاغذبازیهای مزخرف را و این کارهای ضدانقلابی را نکنید، باز می‌شنویم که حتی برای شما کارشکنی می‌کنند؟ اینها چه می‌گویند؟ اینها چه هستند؟ اینهایی که در رأس هستند، چطور توجه به این مسائل ندارند؟ چطور آقای رئیس‌جمهور^۱ دخالت در این امور نمی‌کند؟ چطور شورای انقلاب در این امور رسیدگی نمی‌کند؟ چه شده است اینها را؟ به کارهای دیگر مشغولند اینها؟ ما مرهون اینها هستیم. اینها بودند که شما را به این مسندها نشانند. اگر اینها نبودند، نه من اینجا بودم، نه شما آنجا بودید، نه آنها آنجا و نه دستجاتی که مخالفت با این نهضت می‌کنند در اینجا. آنها که مخالف نهضت هستند حسابشان علی حده است، اما شمایی که با نهضت هستید و در امور این کشور دارید دخالت

ما مرهون خانواده
شهدا هستیم

۱. ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رئیس‌جمهور ایران که به‌علت اندیشه و عملکرد انحرافی خود نهایتاً خرداد ۱۳۶۰ از طرف امت و امام و نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌عنوان عدم کفایت سیاسی معزول گردید.

می‌کنید، اداره این مملکت دست شماها هست. چطور است که شما رسیدگی به این ادارات نمی‌کنید؟ و این وزارتخانه‌ها، این وزرایی که اشخاصی تحت اداره آنها هست و باز هم از این اشخاصی که از رژیم سابق مانده‌اند هست، اینها چه می‌گویند؟ به اسلام عقیده ندارند؟ یا عرضه ندارند؟ نمی‌توانند این اشخاصی که کارشکنی برای این افراد می‌کنند، برای این معلولین حتی کارشکنی می‌کنند و برای این شهدا کارشکنی می‌کنند، نمی‌توانند اینها، نمی‌فهمند اینها که باید اینها نشود؟ نمی‌دانند که ایران مرهون اینهاست؟ نمی‌دانند که رژیم منحوس شاهنشاهی را اینها از بین بردند و شما را به اینجا رساندند؟...

من از شماها عذر می‌خواهم. من از ملت ایران عذر می‌خواهم. من از ملت ایران عذر می‌خواهم. من از این مادرهایی که بچه‌های خودشان را از دست دادند معذرت می‌خواهم. من از این برادرهایی که عزیزان خودشان را دادند، از دست داده‌اند، معذرت می‌خواهم. من از این ارتشیهایی که جوانان خودشان را از دست داده‌اند، از این پاسدارها که جوانهای خودشان را از دست داده‌اند و برادران خودشان را، معذرت می‌خواهم که عرضه این را ندارم که کار را درست کنم. من از حضرت مهدی - سلام الله علیه - من از پیشگاه پیغمبر اکرم معذرت می‌خواهم. من از پیشگاه ولی عصر امام مهدی - سلام الله علیه - معذرت می‌خواهم. من از پیشگاه ملت ایران معذرت می‌خواهم. من از شما برادران، برادران ارتشی، برادران پاسدار، برادران ژاندارمری و سایر قوای انتظامی که در راه اسلام جوانهای خودشان را دادند، معذرت می‌خواهم. ما نتوانستیم برای شما کاری انجام بدهیم. ما ضعیف هستیم. ما باز گرفتار کاغذبازی هستیم. ما باز گرفتار آرمهایی شاهنشاهی هستیم.

مملکت ما باز مملکت شاهنشاهی است. وزارتخانه‌های ما، وزارتخانه‌های ما باز وزارتخانه‌های طاغوتی است و ما نتوانستیم اینها را اصلاح کنیم. باید به اسرع وقت اصلاح شود و اگر اصلاح نشود به اسرع وقت اصلاح می‌کنیم. (۳۱۷)

۵۹/۴/۶

* * *

شما جوانان دانشجو و جوانان عزیزی که از هر جا آمده‌اید، امید این ملت هستید که باید این راهی را که فرا راه شما گذاشته شده است به آخر برسانید. و این نهضتی را که در راه او آنهمه جانفشانی شده است، ادامه بدهید. (۳۱۸)

جانفشانیها را ادامه
دهید

۵۹/۱۱/۲

* * *

تعلیم بگیریید از این جوانهایی که گریه می‌کنند که من دعا کنم شهید بشوند. تعلیم بگیریید از این سربازانی که در مرزها فداکاری می‌کنند و خون خودشان را فدای اسلام و کشور اسلامی می‌کنند. فردا همه شما^۱ در پیشگاه خدا و در پیشگاه ملتها مسئول هستید: مسئول کشته‌های ما؛ مسئول خونهای به ناحق ریخته ما... ما توقعمان این است که شما به فکر این خونهای بناحق ریخته باشید، به فکر این معلولین عزیز ما باشید، به فکر این آوارگان جنگ باشید، و به فکر پیشرفت اسلام، نه به فکر اینکه من باید و تو نباید، من هستم و تو نیستی! (۳۱۹)

به فکر خونهای به
ناحق ریخته باشید

۵۹/۱۱/۱۵

۱. اشاره به کشمکشهای مخرب که بنی‌صدر رئیس‌جمهور وقت با دیگر مسئولان کشور داشت.

شما می دانید که الآن ما جوانهایمان در مرزها آن قدر فداکاری دارند می کنند و ما چه قدر جوان دادیم از دست و چه قدر معلول داریم و چه قدر مبتلا داریم و چه خانواده هایی را از منزلهای خودشان بیرونشان کردند و الآن در اطراف کشور هستند و نمی شود گفت که در یک شهری چندین جوان از آن شهید نشده است یا معلول نشده است، در یک همچو مصیبتی که بر ما وارد شده است و البته مصیبتی است که دنبال آن ان شاء الله همه بزرگیها و همه بزرگواریها برای ملت ما خواهد بود، لکن من می خواهم تقاضا کنم از تمام کسانی که در ایام به اصطلاح خودشان عید نوروز می خواهند تشریفات داشته باشند امسال این تشریفات را کم کنند، یا نکنند. انصاف نیست که خانواده های زیادی مصیبت برایشان وارد شده است، جوانها دادند، و مع ذلک با آن قدرت ایستاده اند، انصاف نیست که آن خانواده ها در مصیبت باشند و دیگران در عشرت. انسانیت اقتضای این را می کند. اسلامیت اقتضای این را می کند. انصاف اقتضای این را می کند که ما کاری نکنیم که در قلب این مادرها، در قلب این خواهرها، در قلب این پدرهایی که جوانهای خودشان را از دست داده اند، یک آزردهی ایجاد کنیم. کسانی که می خواهند در ایام عید یک تشریفات زیادی و یک کارهای زیادی که مناسب بوده است پیشتر با عید، حالا انجام بدهند یک قدری توجه بکنند ببینند که اگر خود آنها مبتلا بودند به داغ یک جوانی و همسایه آنها در عشرت بود، به آنها چه می گذشت. شما بدانید که برادرهای شما، فرزندان این ملت، برادرهای افراد این ملت، داغ دیده هستند، جوان داده هستند و مصیبت کشیده. هر چه هم شجاع باشند، و هستند، مع ذلک مصیبت جوان است. شما توجه کنید که در نزدیکی شما، در شهر

انصاف نیست
عده ای در مصیبت
و عده ای در
عشرت باشند

شما پنجاه نفر جوان مرده و عائله‌های زیاد، مصیبت دیده هستند. و شما در بازار بروید و چیزهایی تهیه کنید و عیش و عشرت را به راه بیندازید، این مناسب با مقام انسانیت شما نیست؛ مناسب با مقام اسلامیت شما و برادری شما نیست. من تقاضا می‌کنم امسال یک قدری سبک بگیرید این چیزها را. امسال به جای اینکه برای فرزندان خودتان چیزهایی غیر ضروری تهیه کنید، به جای این، برای این معلولینی که در بیمارستانها الآن هستند و برای آوارگانی که در سرتاسر کشور جا و منزل ندارند و محتاج به این هستند که به آنها سرکشی بشود، به آنها سرکشی کنید. برادری خودتان را اثبات کنید، و هم مذهبی خود و هم دینی خودتان را اثبات کنید. شما فرض کنید چند روزی هم سفر کردید و به عیش و عشرت برگزار کردید، بالاخره این سفر چند روز است و تمام می‌شود؛ اما آن اثری که این سفرها و این عشرتها و این عیشها و این عید گرفتنها در قلب خسته این مادرها و خواهرها می‌گذارد؛ آن اثر باقی است؛ و خدای تبارک و تعالی این قلوب را که در حضور او اثر بر آن واقع شده است، توجه به آن دارد. من از خدای تبارک و تعالی خواهانم که ما را به تکالیف خودمان، به وظایف خودمان آشنا کند. (۳۲۰)

۵۹/۱۲/۷

* * *

این وصیتنامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند مطالعه کنید. پنجاه سال عبادت کردید، و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیتنامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید. (۳۲۱)

۶۰/۴/۱

* * *

وصیتنامه شهدا را
بخوانید

اینکه شخصیت‌های بسیار ارجمندی از دستمان رفت نباید ما را از آن مسائلی که همان شهدای ما مورد نظرشان بود و اساس خدمتشان بود، ما فراموش کنیم. ما بیشتر باید توجه بکنیم به آن چیزی که این شهدای ما در مجلس، این شهدای ما در دولت، شهدای ما در قوه قضایی، آنها را ما از دست دادیم، باید طریقه آنها را که همه این مسأله بود که جنگ را ما ببریم و تفاله‌های امریکا و شوروی را از کشور خودمان پاکسازی کنیم و کشور خودمان یک کشور اسلامی مستقل، آزاد باشد باید ما آن طریقه را فراموش نکنیم. (۳۲۲)

۶۰/۴/۱۱

* * *

من به همه بازماندگان شهدا - که باید بگویم همه ایران بازماندگان این شهدا هستند - تسلیت عرض می‌کنم. ما از خدا هستیم، ما هرچه داریم از اوست. از خود هیچ نداریم و آنچه که هدیه می‌کنیم به اسلام، هدیه‌ای است که از خدای تبارک و تعالی به ما مرحمت شده است و ما امانت‌ها را به او برمی‌گردانیم و این امانت‌ها با پاکی و سرفرازی به سوی خدای تبارک و تعالی شتافتند و موجب سرفرازی ملت و مظلومین جهان واقع شدند. آنها پیشقدم شدند و همه اشخاصی که در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها از پانزده خرداد به این طرف به سوی حق تعالی شتافتند، موجب سرفرازی ملت ما و مظلومین جهانند. آنچه مهم است برای ما این است که ما چه باید بکنیم. آنها خدمت خودشان را به اسلام کردند و آن وقت خدای تبارک و تعالی مقدر فرمود به خدمت او شتافتند. مهم برای ما این است که ما به تکلیفمان عمل بکنیم. به آنچه

ما نباید طریقه
شهدا را فراموش
کنیم

راه شهدا را دنبال
کنیم

خدای تبارک و تعالی فرموده است عمل بکنیم. پیش کسانی که به خدا ارتباط دارند، شهادت عزیزان مطرح نیست، خدمت عزیزان مطرح است. آنها خدمت خودشان را کردند و برای این ملت سرمایه هایی بودند که از دست رفت، لکن راهی که آنها رفتند باید ما هم با هوشیاری آن راه را تعقیب کنیم. (۳۲۳)

۶۰/۴/۱۱

* * *

شما ملاحظه کنید این کودکانی که از لبنان و جنوب لبنان آمده اند و این کودکانی که وارث شهدای اسلام هستند، ما در مقابل اینها چه جواب داریم؟ وجدان زنده انسان در مقابل این کودکانی که با دل های کوچک خودشان اینجا آمده اند و از اسلام می خواهند پشتیبانی کنند و در محله های خودشان مورد ظلم و تعدی اسرائیل هستند، مسلمانها در مقابل اینها چه جواب دارند؟...

مسلمین به داد
فرزندان شهدا
برسند

ای مسلمانهای جهان! ای دولتهای مدعی اسلام! ای ملتهای مسلمان جهان! به داد اسلام برسید، به داد مظلومینی که در فشار قدرتهای بزرگ هستند برسید، به داد این بچه های کوچکی که مادرها و پدرهای خودشان را از دست داده اند برسید. (۳۲۴)

۶۰/۱۱/۲۱

* * *

مردم انقلابی ما باید بدانند که برای حفظ اسلام و انقلاب و نگرهبانی از ثمرات آن و پاس خون شهیدان لازم است از خود صبر و بردباری انقلابی نشان دهند و به تبلیغات غرض آلود دشمنان انقلاب و اسلام، که با تمام وجود کوشش می کنند تا مردم را از

برای حفظ اسلام
خون شهیدان را
پاس دارید

انقلاب و جمهوری اسلامی نگران و دلسرد کنند، گوش
فراندهند. (۳۲۵)

۶۰/۱۱/۲۲

* * *

ما در حالی که جنگزده هستیم، در حالی که این همه آواره داریم، اینهمه بیمار داریم، این همه معلول در بیمارستانها داریم و شما هر یکی تان بعض همسایه هاتان شهید دادند، شما باید یک قدری راجع به مراسم عید کوتاه بیایید. شما همه این قشرهایی که برای اسلام الآن دارند زحمت می کشند و شهید دادند و بازماندگان شهید هستند یا در بیمارستان هستند، اینها را عائله خودتان حساب کنید. مقداری که می خواهید تشریفات زاید را عمل بکنید، نکنید و بروید از اینها دلجویی کنید. ایام نوروز، ایام عید نوروز بروید در این مریضخانه ها، بروید احوال اینها را، اینهایی که آواره شدند، اینهایی که در جنگ آواره شدند، اینهایی که از خارج بیرونشان کردند و گرفتار هستند، به اینها سرکشی کنید و آن تشریفات زمان سابق را تخفیف بدهید. اگر بخواهید یک ملت قوی آزاد باشید، از تشریفات یک قدری بکاهید. عید را در بین دوستان خودتان، ملت خودتان، مجروحان خودتان، معلولان خودتان و جنگزدگان خودتان و آوارگان خودتان - از هر جا هست، اینها همه از شما هست - این عید را در بین آنها با هم عیدی کنید. یک قدری از خودتان بکاهید و بیفزایید بر اینکه به آنها سرکشی کنید و آنها را احترام کنید. اینها بزرگند، اینها عالیرتبه اند، اینها شهید داده اند، اینها معلول داده اند، معلول هستند و اینها امتحان داده اند و مادرهای اینها امتحان داده اند که شهید می دهد و افتخار

مقداری از
تشریفات زاید را
کم کنیم

می‌کند و می‌گوید باز هم دارم، بیایید ببرید. ما در مقابل اینها سرافکنده هستیم، ما در مقابل اینها شرمسار هستیم و ما باید با اینها یک جووری رفتار کنیم که عید برای آنها هم باشد. (۳۲۶)

۶۰/۱۲/۲۴

* * *

ملت شریف در سراسر ایران، از روحانی و دانشگاهی و بازاریان و جوانان عزیز محصل تا رزمندگان فداکار و سایر قشرهای معظم، در این «هفته جنگ» به شکرانه پیروزی اسلام پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی و قوای مسلح، فداکاران در راه هدف که اسلام و ایران است به ثبوت برسانند. و نیز یاد شهدای فداکار را که جمهوری اسلامی و پیروزیها، رهین جان نثاری آنهاست، زنده نگه دارند. و از معلولین عزیز و آسیب دیدگان و آوارگان مقاوم در راه استقرار حکومت الله تفقد و قدرشناسی نمایند. و از بازماندگان شهدا دلجویی و به آنان دلداری دهند. (۳۲۷)

۶۱/۶/۳۱

* * *

همه باید، ما این امری را که ملت با آن زحمت و با آنهمه رنج در ظرف پنجاه سال یا بیشتر و خصوصاً این اواخر کشیده و این همه شهید داده است و این همه معلول داده است که انسان خجالت می‌کشد از روی آنها، باید ما خدمت کنیم تا بتوانیم یک عسری از اعشار آن کارهایی که آنها برای همه ما کردند از عهده برآیم. (۳۲۸)

۶۱/۱۰/۲۶

یاد شهدا را زنده
نگه دارید

به ملت شهید داده
خدمت کنیم

مجلس و ملت و متفکران متعهد باید این حقیقت را باور کنند و اصلاح فرهنگ و از آن جمله اصلاح مدارس از دبستان تا دانشگاه را جدی بگیرند، و با تمام قوا در سد راه انحراف بکوشند. اشخاصی معدود قدرت ندارند تا این امر عظیم الحکم مهم را اصلاح کنند و صددرصد آن را اسلامی و ملی و در خدمت کشور قرار دهند. همه مسئولیم و همه باید در پیشگاه خدا و خلق خدا جواب تهیه کنیم. و در این زمان که فرصتی ارزنده داریم از هیچ کس هیچ عذری پذیرفته نیست و همه باید به مقدار توان خویش در این امر حیاتی کوشش نماییم تا خون جوانان برومند مجاهد و کوشش ملت و مجاهدات بیدریغ آن هدر نرود. (۳۲۹)

۶۱/۱۱/۲۲

* * *

ملت باید از این قوای مسلح، این جوانها که دارند جان خودشان را برای حفظ نوامیس شما فدا می کنند، دارند صحت خودشان را از دست می دهند و دارند زحمت می کشند برای حفظ شما، باید قدردانی بکنند و می کنند. (۳۳۰)

۶۲/۱/۱

* * *

اگر ملت ما یک قدم سستی به خودش راه بدهد و عقب نشینی کند، نوامیسیش، اموالش، جانهای جوانهایش همه اش به باد خواهند رفت. (۳۳۱)

۶۲/۳/۲۱

* * *

اصلاح فرهنگ،
پاسداری از خون
شهداست

ملت باید قدردان
از جان گذشتگان
باشد

اگر سستی کنیم
خونها به باد می رود

در راهی که برایش
خون دادید
پایداری کنید

شما برای حفظ کشور خودتان، برای حفظ اسلام عزیز، که اینهمه
خون در راهش ریختید باید پایداری کنید و توجه بکنید که حفظ
کنید این را. (۳۳۲)

۶۲/۱۰/۱۳

* * *

تفرقه در صفوف،
هدر رفتن خون
شهادت

اگر به سمپاشیهای بدخواهان و وسوسه‌های وابسته و پیوسته به
امریکا و دیگران گوش فرا دهید و خدای نخواستہ در صفوف
فشرده شما تفرقه پیدا شود، تمام زحمات طاقت‌فرسایتان و
خونهای پاک شهیدایتان به هدر می‌رود. (۳۳۳)

۶۲/۱۱/۲۲

* * *

ما باید از
شهادت طلبی
رزمندگان قدردانی
کنیم

اکنون که با عنایات حضرت رب الارباب و ادعیه حضرت بقیه الله
- ارواحنا لمقدمه الفداء - و با فداکاری و جانبازی ملت بزرگ ایران
و قدرت ایمان و ایثار سلحشوران عزیز در راه اهداف مقدس
اسلام بزرگ و قرآن مجید، نظام جمهوری اسلامی ایران با
سرفرازی و قدرت راه خود را یافته و با استواری به پیش می‌رود،
برماست که، با اعتراف به عجز خویش، از رزمندگان عزیزی که با
شهادت طلبیها و رشادتهاشان از میهن اسلامی خود دفاع نموده و
با خون پاک خود چراغهایی فرا راه آزادی تمام ملت‌های دربند
برافروختند قدردانی نماییم. و نیز از مادران و پدران و خواهران و
همسران و برادران بزرگواری که در پشت جبهه‌ها با جدیت تمام در
دفاع مقدس از اسلام و کشور اسلامی به پشتیبانی از مجاهدان
عزیز برخاسته و از هیچ چیز کوتاهی نمی‌کنند، و از تمام ملت

بزرگ و متعهد که در تمامی صحنه‌ها حاضرند، تشکر نماییم. (۳۳۴)
۶۴/۶/۱۰

* * *

کالاهایی که در حجاز به حجاج محترم عرضه می‌شود، آنچه مربوط به امریکای مخالف با آرمانهای اسلامی و اساساً مخالف با اسلام است، خریداری آنها کمک به دشمنان اسلام است و ترویج باطل است و از آنها باید احتراز شود. انصاف نیست که جوانان عزیز ما در جبهه‌ها جان دهند و جانبازی کنند و شما با خرید این کالاها به جنایتکاران جنگی کمک کنید و به اسلام و جمهوری اسلامی و ملت مظلوم خود با این اعمال دهن کجی نمایید. (۳۳۵)

۶۵/۵/۱۶

* * *

من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند. (۳۳۶)

۶۷/۴/۲۹

* * *

در این روزها ممکن است... ملیگراهای بی‌فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که ان شاء الله ملت عزیز ما با بصیرت

خرید کالای
امریکایی کمک به
دشمن شهادت

نگذارید
پیشکسوتان
شهادت به
فراموشی سپرده
شوند

با تبلیغات از بین
برنده خون شهدا
مقابله کنید

و هوشیاری جواب همه فتنه‌ها را خواهد داد. (۳۳۷)

۶۷/۴/۲۹

* * *

وظیفه دولت در رسیدگی به خانواده شهدا (بنیاد شهید)

جناب آقای مهندس بازرگان، نخست وزیر
برای بازماندگان شهدای قوای انتظامی، پاداشی در نظر بگیرید
و بپردازید. و برای بازماندگان پاسداران، علاوه بر پاداش
- نظیر ارتشیان - حقوق ماهانه، هزینه‌ای با توافق هیأت دولت
و شورای انقلاب مقرر دارید که برای همیشه به آنان
بدهند. (۳۳۸)

دولت برای
بازماندگان شهدا
مقرری قرار دهد

۵۸/۶/۲

* * *

بسم الله الرحمن الرحيم
جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی - ایده الله تعالی
ملت شریف ایران می‌داند که نهضت اسلامی و پیروزی
انقلاب اسلامی مرهون فداکاری قشرهای مختلف ملت است که
در صف اول باید شهدای انقلاب - رحمة الله علیهم - و کسانی که
در این راه معلول و آسیب دیده شده‌اند، محسوب داشت. لهذا
باید رسیدگی کامل به خاندان شهدا و آسیب دیدگان و معلولین در
این راه، چه در حال انقلاب و چه قبل و بعد از آن به نحو احسن و با

مراعات احترام آنان بشود.

لهذا لازم است سازمانی به سرپرستی جنابعالی و هیأتی از معتمدین متدین و آگاه و آشنا بدین گونه امور، برای این مقصد مهم تأسیس شود که با اجرای طرحهای مفید آن، ملت و دولت انقلابی، دین خود را در مقابل این گروه فداکار در راه انقلاب اسلامی ادا نمایند، شورای انقلاب موظف است برای این شروع مهم، بودجه کافی تصویب نماید و در اجرای آن سرعت عمل به خرج دهد و دولت و متصدیان امور، موظف هستند مواد زیر را مورد تصویب و اجرای سریع قرار دهند:

با تأسیس بنیاد
شهید^۱ به نحو
احسن به وضع
خانواده شهدا
رسیدگی شود

۱. اولویت فرهنگی: یعنی در مدارس و دانشگاه با تسهیلات مقتضی وارد شوند.

۲. اولویت اقتصادی: یعنی مسکن، زمین، وسایل زندگی و سایر مایحتاج زندگی برای آنان تهیه گردد.

۳. اولویت در استخدام: یعنی خانواده شهدا و معلولین در استخدام دولت اولویت داشته و آنان که قدرت خدمت دارند به استخدام دولت درآیند.

۴. کارت مجانی برای سوار شدن آنان در اتوبوسهای دولتی داخل شهرها تهیه گردد.

۵. کارت نیمه بها برای استفاده از وسایل نقلیه بین شهری مثل قطار و هواپیما و غیره.

۶. تشکیل دفترچه مخصوص برای قدرت خرید از تعاونیهای دولتی.

۱. لازم است اشاره شود تأکیدات و توجه حضرت امام به رسیدگی به خانواده شهدا و مبارزین، منحصر به تأسیس بنیاد شهید نیست و از نخستین سالهای آغاز مبارزه در دهه ۱۳۴۰ تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷، توصیه‌ها و تأکیدهای مکرری داشته‌اند که برای اطلاع از آنها می‌توان به فصول گذشته همین مجموعه رجوع کرد.

۷. بیمه درمانی و استفاده از کارت ویژه خرید دارو.
۸. قرار دادن حقوق رسمی برای معلولین که قدرت کار ندارند و خانواده شهدا بالنسبه به افراد آن خانواده.
۹. ایجاد برنامه‌هایی در رادیو به عنوان معلولین و خانواده شهدا.

۱۰. سازمان موظف است بدون فوت وقت، معلولین و آسیب دیدگانی که احتیاج به معالجه دارند تحت علاج قرار دهد و در صورتی که با تصدیق طبیب لازم است برای معالجه به خارج کشور بروند، اسباب مسافرت و مخارج معالجه آنان را فراهم نماید.

ضمناً متذکر می‌شود که اگر سازمان در موارد مرقومه به اشکالی برخورد نمود و یا از طرف بعضی متصدیان اهمالی شد، اینجانب را مطلع نمایند تا در رفع آن به طور مقتضی عمل نمایم. (۳۳۹)

۵۸/۱۲/۲۵

* * *

لازم است تذکری که همگان بدان آگاهی دارند بدهم و آن لزوم تقدیر از شهدای انقلاب و خانواده آنان و معلولین و مصدومین می‌باشد. و لازم است عموم دستگاههای اجرایی اموری را که مربوط به شهدا و خانواده آنان و معلولین و مصدومین است با کمال سرعت عمل نموده و تسهیلات لازم را در مورد آنان معمول دارند؛ که اینان بر ما و ملت شریف حق بسیار بزرگی دارند. و اگر معلوم شود که کسانی در بعضی از ادارات و وزارتخانه‌ها برای اجرای امور شهدای انقلاب و خانواده آنها اشکال‌تراشی می‌کنند،

عموم دستگاههای
اجرایی، امور
خانواده شهدا را با
سرعت عمل نمایید

به عنوان ضد انقلاب باید مورد تعقیب واقع شوند. (۳۴۰)

۵۹/۳/۲۶

* * *

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی - دامت
افاضاته

پیرو مأموریتی که جنابعالی در مورد رسیدگی به وضع
بازماندگان شهدای انقلاب اسلامی از طرف اینجانب دارید، چون
اخیراً گاهی دیده شده است که برای سرپرستی فرزندان شهدا بین
اولیای آنان درگیریها صورت گرفته، لذا جنابعالی موظفید از طرف
اینجانب به این موضوع رسیدگی نموده و حتی المقدور آنان را به
صورتی راضی کنید و اگر میسر نشد، به هر نحو مصلحت دیدید
رفع مشکل کنید. و از اولیای فرزندان شهدا نیز می‌خواهم که با در
نظر گرفتن سعادت فرزندان شهدا و آینده آنان، موجبات این کار را
به نحو آبرومندی فراهم کرده و روح شهدای عزیز را شاد نمایند. و
امید است مسئولین محترم اداری و مردم نیز همکاریهای لازم را با
جنابعالی در انجام وظایف محوله داشته باشند. از خدای تعالی
موفقیت شما را مسألت دارم. (۳۴۱)

۵۹/۱۰/۲

* * *

ارزش هر خدمتی، موافق ارزش است آن کسی است که برایش
خدمت می‌کنیم، هر کس هر خدمتی در راه خدا برای خلق خدا
بکند این ارزش دارد. لکن ارزشها مختلف هستند به ارزش‌آنجایی
که برای آنها خدمت می‌کنیم. همه بنیادهایی که برای خدا در راه

بنیاد شهید در امر
سرپرستی فرزندان
شهدا رسیدگی
نماید

اسلام به کشور خودشان خدمت می‌کنند، و همه اشخاصی که برای اعتلای کلمه اسلام خدمت می‌کنند، همه آنها پیش خدای تبارک و تعالی ارزش دارد و مورد عنایت حق تعالی - ان شاء الله - خواهند شد. لکن ارزش بنیاد شهید، خدمت به شهید و خدمت به بازماندگان شهید و خدمت به آنهایی که در راه اسلام برای فداکاری حاضر شدند لکن معلول شدند و عضوی از اعضای خودشان را از دست دادند یا جراحاتی بر آنها وارد شده است، ارزش این خدمت که برای شهدای اسلام و برای فداکاران اسلام انجام می‌گیرد شاید از سایر ارزشها بیشتر باشد. (۳۴۲)

۵۹/۱۰/۲۰

* * *

بنیاد شهید از همه بنیادها افضل است برای اینکه شهید از همه افراد افضل است. خدمت در بنیاد شهید در رأس خدمتهاست. همه خدمت می‌کنند و همه برای خدا و برای همه فضل است و برای همه ارزش هست در بارگاه الهی. همه خدمتگزارهایی که خدمت می‌کنند. آنهایی که خدمت می‌کنند برای جنگزده‌ها آنها هم خدمتشان برای فداکاران است. این جنگزده‌ها که الآن در ایران هستند و در خارج از وطنشان هستند راجع به اینها هم هر کس خدمت بکند خدمت به فداکاران است، لکن خدمت به شهید ارزشش بیشتر از همه خدمتهاست. معلولی که جان خودش را در دست گرفته و تقدیم کرده است لکن موفق نشده است به شهادت، آن هم فداکاری خودش را کرده است. شما که خدمت به شهید می‌کنید و بنیاد شما که بنیاد شهید است، قدر این بنیاد را بدانید و قدر این خدمت را بدانید. برای کم کسی اینطور مطلبی که برای

ارزش خدمت برای
شهدای اسلام از
سایر ارزشها بیشتر
است

خدمت در بنیاد
شهید در رأس
خدمتهاست

شهید گفته شده است برای کم کسی هست. آنها را قرین انبیا قرار داده‌اند. خدمت شما به آنها خدمت به نبی اکرم است. خدمت به انبیاست. بدانید که شما در راه شهید دارید خدمت می‌کنید. و بنیاد شما بنیاد شهید است. و شهید، افضل است. شهادت از همه چیزها [افضل است] و باز در روایتی^۱ است که هر خوبی بالاتر از او هم خوبی هست تا برسد به قتل در راه خدا؛ شهادت در راه خدا. بالاتر از او دیگر خوبی در کار نیست. و معلوم [است] نکته‌اش برای اینکه، کسی که همه چیزش را برای خدا تقدیم کرده است و حیات که بالاترین سرمایه است برای او در این عالم تقدیم کرده است. دیگر از این برّ و از این خوبی بالاتر نمی‌شود باشد. شما خدمت می‌کنید به انسانهایی و به کسانی که وابسته هستند به این شهدا و شهدا به آنها علاقه دارند. و الآن هم شهید هستند نسبت به آنها، و خدمت شما ارزشمندترین خدمت‌هاست که تصور می‌شود، به حسب اینطور روایات.

من امیدوارم که همه ملت ما و همه افرادی که در سرتاسر کشور ما هستند، خدمتگزار باشند به این کشور و خدمتگزار باشند به جمهوری اسلام. و خدمتگزاری آنها همان مجاهده در راه خداست. و من امیدوارم که همه آنها با مجاهدین در راه خدا شریک و سهیم باشند، برای اینکه آنها هم مجاهده می‌کنند ولو آن پیرزنی که در اقصی بلاد دارد یک خدمتی می‌کند برای این مجاهدین. و یا یک پیرمردی که در اقصی بلاد دارد خدمت می‌کند برای این شهدا و مجاهدین و بازماندگان شهدا. من امیدوارم که خداوند به همه آنها ثواب مجاهدین را عنایت بفرماید.

۱. «قال رسول الله (ص): فوق كل ذي برٍّ حتى يقتل الرجل في سبيل الله فليس فوقه برٌّ»؛ بحار الانوار؛ ج ۷۱،

و عمده چیزی که هست این است که صادقانه خدمت کنید، خدمت بکنید، گمان نکنید که شما یک کاری که برای آنها انجام می‌دهید یک منّتی بر آنها دارید. منّت آنها را بکشید، خدمت بکنید، احترام بکنید از آنها. اینها خانواده شهدا هستند. و معلولین و خانواده‌های معلولین که ارزششان آن قدر است، و ما باید خدمتگزار به آنها باشیم. هر عملی که انجام می‌دهیم، هر خدمتی که به آنها انجام می‌دهیم عملی است که در پیشگاه خدا مقبول است. و ما باید با کمال خرسندی منّت آنها را بکشیم و خدمت به آنها بکنیم. مبادا یک وقتی یک کلمه درشتی گفته بشود به این بازماندگان شهدا، یا به این معلولین. و باز کسانی که عائله معلولین‌اند، توجه داشته باشید که عملی را که می‌کنید خالص و برای خدا باشد. و برای آن کسی که فداکار برای خدا بوده است، و جانش را در راه خدا اهدا کرده است. شما خدمت به او می‌کنید و این خدمت به خداست. همان طوری که ما منّت خدای تبارک و تعالی را می‌کشیم و عبادت او را می‌کنیم، منّت اوست بر ما، و خدای تبارک و تعالی منّت بر ما گذاشته است و ما را هدایت کرده است، و هر عملی که بکنیم منّت بر او نداریم و او منّت بر ما دارد. این خدمت هم خدمت به خدای تبارک و تعالی و مجاهدین در راه او و شهدای در راه اوست. و ما باید با سرو جان خدمت بکنیم. و ابداً در نظرمان نیاید که ما یک کاری انجام دادیم. آنها جان خودشان را دادند و شما قدرتی که دارید، دارید خرج می‌کنید برای آنها. و من امیدوارم که در راه خدا که شد؛ ثواب مجاهدین را به شما عنایت بفرماید خدای تبارک و تعالی. (۳۴۳)

۵۹/۱۰/۲۰

* * *

من باید از آقای کروی تشکر کنم که ایشان یک فردی هستند که خدمتگزار به این ملتند و بنیاد شهدا بهترین بنیادهایی است که ایشان بحمدالله، موفق شدند و با توفیق الهی اداره می‌کنند. خداوند امثال این خدمتگزاران را برای شما حفظ کند. (۳۴۴)

۶۰/۷/۲۶

* * *

البته بنیاد شهید، یک بنیادی است که من تاکنون یک کلمه انتقاد از آن نشنیده‌ام و آقای کروی خدمتگزار خوبی است برای شهدا و معلولین. امیدوارم که همه شماها موفق باشید که خدمت خودتان را افزون کنید و این شهدا را و این خانواده شهدا را و این معلولین را و این بازماندگان شهدا را مثل عائله خودتان محسوب کنید و در راه خدمت به آنها کوشش کنید که این خدمت بسیار ارجمندی است، بسیار بزرگی است. و مطمئن باشید که خداوند تبارک و تعالی به شما اجر در دو دنیا عنایت می‌فرماید. (۳۴۵)

۶۰/۸/۲۵

* * *

جناب آقای نخست وزیر موظف می‌باشند که هیأتی برای رسیدگی به خانواده‌های شهدا و خسارت وارده تعیین نمایند، و در صورت احتیاج مظلومان این واقعه،^۱ به آنان کمک و خسارات را تأمین نمایند. (۳۴۶)

۶۱/۷/۱۰

* * *

بنیاد شهید بهترین
بنیاد است

بنیاد شهید بنیادی
است که تاکنون
انتقاد از آن
نشنیده‌ام

دولت موظف است
به خانواده شهدا
رسیدگی کند

۱. فاجعه دلخراش بمبگذاری در خیابان ناصرخسرو تهران.

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسن صانعی - دامت
افاضاته

جنابعالی را به سرپرستی «بنیاد ۱۵ خرداد» منصوب می‌نمایم.
این بنیاد موظف است به وضع مستضعفین و محرومین رسیدگی
نماید. بدیهی است خانواده شهدای محترم و معلولین عزیز مورد
توجه بیشتر آن بنیاد قرار گیرد. امید است با اطمینان و اعتمادی که
به آن جناب دارم، امور آن بنیاد را به بهترین وجه اداره بنمایید. (۳۴۷)
۶۲/۴/۲۲

خانواده شهدا مورد

توجه بنیاد ۱۵

خرداد قرار گیرد

* * *

دولت خدمت کند به این کسانی که در راه اسلام آن قدر فداکاری
کردند. خدمت کند به این اهالی دزفول و اهالی اندیمشک و
خوزستان که همه چیز خودشان را از دست دادند، خدمت کنند.
این یک تکلیف شرعی است برای همه ما. (۳۴۸)

خدمت به خانواده

شهدا وظیفه شرعی

ماست

۶۲/۷/۱۳

* * *

با توجه به حوادث ناگوار فوق‌العاده ناشی از حملات وحشیانه
موشکی و بمبارانهای مکرر مناطق مسکونی شهرها و روستاها به
وسیله عوامل استکبار جهانی و حزب بعث عفرلقی عراق، ناچار
نیاز به کمکهای فوری و ضربتی احساس می‌شود. در این رابطه
لازم است ستادی تشکیل شود که با اختیارات کامل و فوق برنامه
نیازهای تدارکاتی و عاطفی مردم محترم مصیبت‌زده و داغدیده را
بدون وقفه برآورده سازد. لازم به تذکر است که به متصدیان و

رسیدگی به خانواده

شهدا یک وظیفه

شرعی است

مأموران این امر اسلامی امر و سفارش اکید شود که با احترامات فایقه با این عزیزان مظلوم برخورد گردد.

انتظار دارد که جناب آقای رئیس جمهور محترم و رئیس محترم دولت - آیدهم الله - در اقدام به این مهم تمام سعی و کوشش لازم را مبذول دارند. و تلاش در بهبود وضع این عزیزان محترم را به عنوان یک وظیفه شرعی تلقی فرمایند. لازم است این ستاد با تشکیل گروههای نجات و پشتیبانی و اسکان فوری موقت و تهیه لوازم مورد احتیاج، گوشه‌ای از وظایف انسانی - اسلامی خود را عملی سازد.

کلیه ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی، اعم از وزارتخانه‌ها و ادارات تابعه، خصوصاً وزارت صنایع و بازرگانی، موظفند همکاریهای لازم را مبذول دارند. (۳۴۹)

۶۲/۷/۱۴

* * *

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی - دامت افاضاته

ضمن تشکر از زحمات جنابعالی که مسئولیت ارزشمند سرپرستی خانواده‌های معظم شهدا، مفقودین، اسرا و معلولین را به عهده گرفتید، لازم می‌دانم در امور فرهنگی فرزندان عزیزم، این یادگاران شهیدان و معلولین و مفقودین و اسرا، دقت بیشتر نموده، و آنان را از کودکستان تا دانشگاه به بهترین وجه اداره نمایید. از آنجایی که جامعه اسلامی ما استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی خویش را مدیون ایثارهای غیرقابل ترسیم این عزیزان می‌داند، هر چه سریعتر با وزیران آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی

در امور فرهنگی
فرزندان شهدا
بیشتر دقت کنید

طرحی را تنظیم نموده، و به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم نمایید. اعضای محترم این شورا خود توجه دارند که بزرگترین و خدایسندانه‌ترین ارزش اسلامی خدمت به فرزندان این عزیزان است. «بنیاد مستضعفین» موظف است تمامی بودجه این کار عظیم را برعهده گیرد؛ و در صورت کمبود، دولت و «بنیاد شهید» و «بنیاد پانزدهم خرداد» اقدام کنند.

اینجانب از حوزه‌های علمیه تقاضا دارم تا در صورت درخواست ورود به آن حوزه‌ها، آنان را یاری، و به طور شایسته تعلیم و تربیت نمایند. صدا و سیمای جمهوری اسلامی برنامه‌هایی را در جهت رشد استعداد و خلاقیت این فرزندان معظم تدوین نماید. ان شاء الله مردم شهیدپرورمان تا آنجایی که مقدورشان است بدین کار الهی کمک نمایند.

نورچشمان عزیزم توجه خواهند داشت اکنون که رسالت بزرگ پدران بزرگوار خود را به دوش می‌کشند، در راه تهذیب و تحصیل خود، با الهام از روح پرفتوح سربازان امام زمان - ارواحنا فداه - تلاش وافر نمایند، تا با کسب دانش و معنویت اسلامی امور جامعه خویش را به دست گیرند. (۳۵۰)

۶۵/۱/۶

* * *

و به مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران، برای چندمین بار، سفارش می‌کنم - و این نصیحت و سفارش همیشگی است - که قدر این نعمتهای بزرگ الهی را بدانند؛ و در شرایط کنونی و آینده‌های دور، اولویت را به این عزیزان و کسانی بدهند که در راه

شهید داده‌ها در
اولویت هستند

اسلام خون داده‌اند و مبارزه کرده‌اند؛ و بشدت از بهانه‌جویی و سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی و کاغذبازی، که مانع رشد آنان و ملت دلاور ایران است، خودداری ورزند. (۳۵۱)

۶۵/۲/۸

* * *

در این فرصت به همه مسئولان کشورمان تذکر می‌دهم که در تقدم ملاکها، هیچ ارزش و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسولیتها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه سنتها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود، چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح، چه امروز و چه فردا، که خدا این امتیاز را به آنان عنایت فرموده است و صرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی‌کند، که باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجر کشیده‌ها و جبهه رفته‌ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده‌ها و در یک کلام، مصلحت پابرنه‌ها و گودنشینها و مستضعفین، بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پیشتانان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند. (۳۵۲)

مسئولان بدانند
مصلحت
شهید داده‌ها مقدم
است

۶۶/۵/۶

* * *

دست‌اندرکاران به
امور فرهنگی
فرزندان شهدا
توجه کنند

توصییه مجدد و اکید من به همه دست‌اندرکاران و مسئولین کشور
این است که بیشتر از گذشته به امور فرهنگی این عزیزان^۱ توجه
نمایند. (۳۵۳)

۶۷/۶/۲۸

* * *

با اینکه اطمینان داریم که خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین هیچ‌گاه راضی نشده و نمی‌شوند که در برابر ایثار عزیزانشان که فقط به خاطر خدا و رسیدن به کمال بوده است سخن از رفاه و مادیات به میان آید و همت آنان بلندتر از این مقوله‌هاست، ولی بر دست‌اندرکاران نظام است که ذوق و استعداد و توان خود را در هر چه بهتر رسیدن به امور معنوی و مادی و ارزشی و فرهنگی این یادگاران هدایت و نور به کار گیرند و از خدمت بی‌شائبه و بی‌منت به آنان دریغ نکنند؛ هر چه انقلاب اسلامی ایران دارد از برکت مجاهدت شهدا و ایثارگران است. من می‌دانم که بسیاری از خانواده‌های عزیز شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین به خاطر مناعت طبع و بزرگواری و اخلاق کریمه خود در مصایب و مشکلات زندگی به مسئولین مراجعه نکرده‌اند و یا مراجعه‌شان به حداقل بوده است. و همه نیز می‌دانیم که اکثریت این قشر و رزمندگان عزیز اسلام از طبقات محروم و کم‌درآمد بودند و مرفهین کمتر دل برای انقلاب سوختند، ولی وظیفه ماست که در حد توان و مقدورات قدرشناس زحمات آنان باشیم و من میل ندارم که این قدرشناسی فقط در حد تعریف و تمجید ظاهری خلاصه شود بلکه باید در همه نوع امتیازات اجتماعی و اقتصادی

دست‌اندرکاران
نظام به تعریف و
تمجید ظاهری
قناعت نکنند

و فرهنگی به آنان بها داده شود و ضرورتی نمی‌بینم که به این عزیزان سفارش و نصیحت کنم و رسالت بزرگ حفظ امانت خونهای مقدس شهیدان را بازگو نمایم که بحمدالله تا به حال خانواده‌های شهدا و اسرا و مفقودین و جانبازان خود حافظ و نگهبان ارزش شهادت و ایثار بوده‌اند و بعد از این نیز به یاری خدا پاسدار آن خواهند بود. (۳۵۴)

۶۷/۷/۱۱

* * *

فصل سوم

سایر ایثارگران

- جانبازان
- آزادگان
- مهاجرین جنگ تحمیلی

جانبازان

در این سال که به واسطه انقلاب اسلامی به برادران و خواهران ما صدمات و ضررهای بسیار از حکومت طاغوتی رسیده است و بسیاری از معلولین از حوادث انقلاب احتیاج مبرم به کمک دارند، مقتضی است کسانی که می‌خواهند حج استحبابی به جا آورند، هزینه آن را صرف در احتیاج برادران و خواهران خود کنند، که ثواب آن نزد خداوند تعالی بسیار بر حج استحبابی ترجیح دارد. و نیز کسانی که به عنوان سوغات مصارف ناروا می‌نمایند یا تشریفات و مهمانیهای خارج از رویه در وقت برگشت از حج می‌نمایند، مقتضی است این نحو هزینه‌ها را صرف احتیاج برادران و خواهران علیل و مستمند خود نمایند که خداوند تعالی به آنان اجر و برکت عنایت فرماید. (۳۵۵)

۵۸/۶/۲۹

* * *

سلام بر عزیزان ما که در راه عزت اسلام و عظمت کشور اسلامی
بپاخاستید و در راه دفاع از میهن، معلول و مجروح شدید؛ و برای

کمک به جانبازان
بر حج استحبابی
ترجیح دارد

خودتان مایه افتخار و برای ملت بزرگتان، هم مایه تأسف و تأثر و هم سربلندی شدید. درود بر شما معلولان و مصدومان که اعضا و سلامت خود را در راه اعتلای قرآن کریم از دست دادید. ملت شریف و اسلام بزرگ هیچ گاه شما عزیزان را از یاد نمی برد. ننگ بر رژیم خائن پهلوی و جنایتکاران بین المللی که با دست جنایتکار خود، ملت ما را به سوگ عزیزان خود نشانند؛ و برای خود نفرین ابدی به جا گذاشتند. ای کاش اعضای سازمان ملل و شورای امنیت حاضر بودند و شما معلولین عزیز را می دیدند و آثار جرم دولت امریکا و دست نشانندگان آن را می دیدند، سپس حکم صادر می کردند. کاش کاخ نشینان، حال دردمندان ما را مشاهده می کردند تا به جنایات دولت جبار امریکا دامن نزنند، و برای سازمانهای بین المللی و شورای امنیت ننگ و نفرین به بار نیاورند^۱. درود بر خواهران و برادران مصدوم و معلول که شجاعانه در راه حق و پیروزی، قیام و فداکاری کردند و ملت را در جهان سرفراز کردند. اینجانب تقدیر و تشکر و دعای خالصانه ام را به شما عزیزان اهدا می کنم؛ و از خداوند متعال سلامت و سعادت و بهبودی شما فرزندان اسلام را خواهانم. (۳۵۶)

ملت شریف
هیچ گاه شما
جانبازان را
فراموش نخواهد
کرد

۵۸/۱۰/۹

* * *

خداوندا! تو می دانی که من در چه حالی هستم که این منظره را می بینم. من چطور این منظره هایی که برادرهای ما، خواهرهای ما، بچه های ما، برای اسلام اعضای خودشان را از دست داده اند، سلامت خودشان را از دست داده اند، چطور این

۱. اشاره به جمع معلولین انقلاب.

منظره‌ها را من تحمل کنم؟ من چطور این بچه را که اینجا ایستاده و معلول است، در اول بچگی معلول شده است، ما چطور تحمل کنیم؟ خدایا! آنها که برای ما این مصیبت‌ها را بار آوردند به جزای خودشان برسان. خدایا! این ابرقدرتها که برای رسیدن به قدرت، ولو چند سالی دیگر، این جنایتها را در دنیا به بار می‌آورند تأدیبشان کن. با دست قدرت خود آنها را به جای خودشان بنشان. برادرهای من، خواهرهای من، بچه‌های عزیز من، می‌دانم که شما در رنج هستید. و من هم شریک شما در رنج هستم. من هم مثل یک برادری که برادرش و خواهرش در رنج است، مثل یک پدری که اولادش در رنج است، من هم شریکم با شما در رنج. لکن آنچه که رنجها را آسان می‌کند آنچه که دردها را تخفیف می‌دهد، آنچه که بر همه ما آسان می‌کند این مسائل را، این است که این امور برای خدا انجام گرفت. شما برای خدا قیام کردید و برای خدا مجروح شدید و بسیاری از برادرها و خواهرهای شما هم برای خدا مقتول شدند. آن چیزی که برای خدا از دست دادید جایی نمی‌رود، پیش خدا محفوظ است. دنیا وسیله است برای عالمهای دیگر، و خداوند برای شما مهیا می‌کند مقامهایی که اگر دیگران ببینند آنها هم آرزو می‌کنند که مثل شما بودند. (۳۵۷)

۵۸/۱۰/۱۶

* * *

شما برادرهای ما که بازماندگان افتخار ایران هستید، بازماندگان اشخاصی هستید که در تاریخ افتخار برای ایران اثبات کرد و ثبت کرد، و شما معلولانی که افتخار برای ایران آفریدید، مطمئن باشید

هرچه برای خدا از دست دادید پیش او محفوظ است

جانبازان موجب افتخار ایران هستند

که در دنیا و در آخرت، اسم شما ثبت است. شما تاریخ را عوض کردید. (۳۵۸)

۵۹/۱۰/۲۲

* * *

این عزیزانی که سلامت خودشان را از دست داده‌اند و در مقابل من نشسته‌اند بزرگتر سند افتخارآمیز خودشان در کشور اسلامی و در اسلام عزیز است و بهترین سند جنایات امثال صدام و اربابان آنهاست. (۳۵۹)

جانبازان بهترین
سند جنایات صدام
هستند

۵۹/۱۱/۹

* * *

این جوانهای ما که علیل شدند الآن هم وقتی می‌آیند از من می‌خواهند که دعا کنم که اینها شهید بشوند؛ پایش را از دست داده، عصا زیر بغلش هست، لکن گریه می‌کند و می‌خواهد که دعا کنیم که شهید بشود. از اینها یک قدری تعلم پیدا کنید. (۳۶۰)

از جانبازان درس
بگیرید

۶۰/۴/۱

* * *

من تشکر می‌کنم از شما برادران و عزیزان که با حال نقاهت اینجا آمدید که هم موجبات تأسف من را زیادتر کنید و هم موجبات سرافرازی من. شما عزیزان و بستگان شما و شهدا و بازماندگان شهدا، سند در دست دارید. وجود شما سند دو امر است: یکی سند جنایت امریکا و صدام وابسته امریکا و یکی سند بسیار گویای شجاعت شماست. شما تعهد خودتان را ثابت کردید. شما

جانبازان رهبران
این نهضت هستند

ثابت کرده‌اید و سند دارید به اینکه متعهد به اسلام و قرآن کریم و ملت اسلام هستید. شما رهبران این نهضت هستید و ما از قافله عقب ماندیم. من با کمال صداقت اعتراف می‌کنم به اینکه ما سندی بر ادعایی اگر بکنیم، نداریم و شما عزیزان بدون ادعا، بدون توقع مدح و ثنا و بدون توقع پاداش، تعهد خودتان را به اسلام و قرآن کریم ثابت کردید. شما و شهیدان این ملت و بستگان شما و بازماندگان شهدا در محضر خدا با یک سند ثبت شده وارد می‌شوید و ما همچو سندی را نداریم. سعادت مال شماسست و مال بستگان شما و مال شهدا و مال بازماندگان شهداست... نهضتها و انقلابهای دیگر در مقابلش اگر یک قدرتی ایستاده بود، یک قدرت دیگر هم پشتیبان داشت؛ ما خود ایستادیم و از هیچ کشوری پشتیبانی نشد و ما اتکال به غیر خدا، به کشوری پیدا نکردیم. و این قدرت معنوی و الهی است که در همه پیدا شده است و در شما جوانان عزیزی که الآن در اینجا حاضر هستید، با سند جنایت امریکا، قدرت روحی خودتان از حسین و صدام بیشتر است. آنها به قدرت مادی اتکال دارند و شما به قدرت الهی اتکال دارید. کشور ما و ملت عزیز با اینکه هیچ کس و هیچ کشوری از او حمایت نظامی نکرد و در دست خودش هم هیچ چیزی که بتواند مقابله کند با قدرت شیطانی محمدرضا نداشت الا ایمان راسخ به مکتب، قیام کرد و در ۲۲ بهمن نظام فاسد شاهنشاهی را شکست داد و نظام مترقی اسلامی را برپا کرد و همه برای خدا بود. فریادها از سرتاسر کشور فریاد الهی بود، ندای حق بود از حلقوم شما. و خداوند وعده نصرت به شما داده است، لکن باقی باشید به آن تعهداتتان؛ شماها وفا کنید به عهد خدا، خداوند وفا می‌کند به عهد شما؛ شماها نصرت بدهید به دین خدا و خداوند نصرت می‌دهد

به شما. نصرت خدا در این سه سال واضح و روشن بود؛ هر توطئه‌ای بر ضد شما و جمهوری شما بپا شد خدای تبارک و تعالی یا با دست شما یا با دست دیگران آن توطئه‌ها را خنثی کرد. و از حالا به بعد هم دلخوش باشید، دلگرم باشید که شمایی که با این سند، با این سندگویا، با این سند صریح در مقابل خدا هستید و شهدای شما با آن سند در محضر خدای تبارک و تعالی هستند، خداوند شما را نصرت می‌کند و توطئه‌ها را خنثی می‌فرماید. من تکرار باید بکنم وقتی که امثال شما قدرتمندان روحی را ببینم با این روحیه بزرگ و با این عظمت روح خجالت می‌کشم که خودم را یک انسان متعهد بدانم. من از خدای تبارک و تعالی برای شهدا رحمت و برای شما سعادت و سلامت، برای متعلقان و بازماندگان همه، عزت و سعادت و سلامت خواستارم. (۳۶۱)

۶۰/۱۱/۱۵

* * *

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ حسن صانعی سرپرست
بنیاد ۱۵ خرداد - دامت افاضاته
... کمک به محرومین و جانبازان و جنگزدگان و خانواده‌های
شهدا، اسرا و مفقودین یکی از بزرگترین عبادتهاست. دولت و
مسئولین قضایی توجه داشته باشند که کمک به بنیاد مذکور در رفع
نیازهای نیازمندان از کارهای اصیل انقلابی است. (۳۶۲)

۶۵/۷/۱۵

* * *

مجروحین و معلولین خود چراغ هدایتی شده‌اند که در گوشه

کمک به جانبازان
از بالاترین
عبادتهاست

گوشه این مرز و بوم به دین باوران راه رسیدن به سعادت آخرت را نشان می دهند: راه رسیدن به خدای کعبه را. (۳۶۳)

۶۷/۷/۱

* * *

جناب آقای مهندس میرحسین موسوی، نخست وزیر محترم
-ایده الله تعالی

از آنجا که چندی قبل جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبوی طی نامه ای درخواست نمودند که برای رسیدگی هرچه بیشتر و بهتر به امور جانبازان و خانواده های شهدا اداره امور جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به نهاد یا تشکیلات دیگری سپرده شود، اینجانب ضمن تقدیر و تشکر از ایشان و از کلیه مسئولین و دست اندرکاران «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» و مرکز پزشکی بنیاد، خصوصاً سرکار خانم کروبوی که در شرایط جنگ کمال ایثار و فداکاری را نسبت به این عزیزان نموده اند، جنابعالی را مسئول اداره کلیه امور جانبازان عزیز نمودم که با استفاده از همکاری و تجربیات «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» و جانبازان و نیز اختصاص بهترین امکانات «بنیاد مستضعفان» به ایجاد تشکیلات جدیدی در این امر مقدس و بزرگ همت گمارید. و امید است با درایت و تقوا و تعهدی که در شما سراغ دارم به تمامی امور این حماسه سازان و شهیدان زنده انقلاب رسیدگی کامل گردد. و «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» نیز همچون گذشته با فراغت و امکانات بیشتر امور خانواده های معظم شهدا و مفقودین و اسرا را دنبال نماید. (۳۶۴)

۶۷/۹/۳

جانبازان چراغ
هدایت ملتند

باید بهترین
امکانات بنیاد
مستضعفان در
اختیار جانبازان
قرار گیرد

آزادگان

اسرای عزیز،
افتخار میهن
اسلامی

سلام بر معلولین و مفقودین و اسرای عزیزی که افتخار اسلام و
میهن اسلامی خویش می‌باشند. (۳۶۵)

۶۲/۱۱/۱۹

* * *

اسرا، محبوب ملت
ما

خداوند ان شاءالله این اسرای ما را، این کسانی که محبوب ما
هستند، محبوب ملت ما هستند، این معلولین را، این اسرا را و این
تمام کسانی که در آنجا دریند هستند، همه اینها را خداوند
ان شاءالله آزاد کند و ما را هم به وظیفه خودمان آشنا کند. (۳۶۶)

۶۷/۱/۱

* * *

اسرا، سرود آزادی

اسرا در چنگال دژخیمان خود سرود آزادی‌اند، و احرار جهان آنان
را زمزمه می‌کنند. (۳۶۷)

۶۷/۷/۱

* * *

مفقودین، محور
دریای بیکران
خداوندی

مفقودین عزیز محور دریای بیکران خداوندی‌اند؛ و فقرای ذاتی
دنیا در حسرت مقام والایشان در حیرتند. (۳۶۸)

۶۷/۷/۱

* * *

فرزند بسیار عزیزم، از نامه دلسوزانه شما بسیار متأثر گردیدم. من

ناراحتی شما عزیزان دریند را احساس می‌کنم. شما هم ناراحتی پدرتان را که فرزندان عزیزش دور از وطن هستند احساس کنید. عزیزان من سید و مولای همه ما، حضرت موسی بن جعفر (ع)، بیش از همه شماها و ماها در رنج و گوشه زندان به سر بردند. برای اسلام عزیز شما صبر کنید. خداوند فرج را ان شاء الله تعالی نزدیک می‌نماید؛ و پدر پیر شما را با دیدن شما شاد می‌فرماید. به همه عزیزان دریند سلام مرا برسانید. من از دعای خیر فراموشتان نمی‌کنم. خداوند حافظ شما باشد. (۳۶۹)

شهریور ۱۳۶۵

* * *

مهاجرین جنگ تحمیلی

این جنگی که حالا به ما تحمیل شده است برای ما البته یک ضررهایی هم داشته است و برادرهای ما در آنجا و اشخاصی که در آنجا تلف شدند و در خرمشهر و در آبادان و در دزفول و اینها تلف شدند، خساراتی برایشان بار آمده و عده‌ای زن و بچه‌هایشان هم که سرپرستهای خودشان را از دست - مثلاً - داده‌اند. آنها هم کوچ کرده‌اند برای بلاد دیگر. باید آقایان به مردم سفارش کنند که اینها برادر ما هستند، اینها در راه اسلام و جنگ در اسلام اینطور آواره شده‌اند، اینها را باید مثل خودتان و مثل اولاد خودتان بدانید. اگر بچه‌های بی سرپرستی هستند و می‌تواند سرپرستی یکی از اینها را برای خودش نگه دارد و حفظ کند، حفظ کند. دولت باید اینها را با یک ترتیبی، مرتبی، منظمی، محترمانه برای اینها جا تهیه کند؛ برای اینها غذا تهیه کند. اینها آواره شده‌اند. نباید فکر این

ابراز همدردی با

اسرا

مهاجرین جنگ،

میهمانان عزیز ما

هستند

باشیم که ما خودمان هر چه می‌خواهیم داشته باشیم، دیگران هیچی. نخیر، باید کمک کنند به اینها، ثروتمندها کمک کنند به اینها، برادرهای مؤمن، خواهرها به اینها کمک کنند و اینهایی که در جنگ آسیب دیده‌اند اینقدر نگذارند مصیبت بیشتر برایشان بشود و آنها را مثل مهمان عزیز مهمانداری کنند و دولت هم باید جاهایی را برای اینها معین کند و آنها را حفاظت کند. (۳۷۰)

۵۹/۸/۱۴

* * *

گاهی امتحان به خوف، به جوع، به نقص در اموال و آنفُس، به نقص در ثمرات و امثال اینهاست، که الآن در مراکزی که جنگزده است بسیاری از اینها تحقق دارد. و این یک امتحانی است که از شما آقایان که در دزفول و در اهواز و سوسنگرد و سایر محالی که مورد تعدی کفار شده است واقع شده اید. این یک امتحانی است الهی برای آزمایش ما و شما. (۳۷۱)

مهاجرین جنگ،
در معرض امتحان

۵۹/۱۰/۷

* * *

اینهایی که در مرزها دارند کشته می‌شوند و اینهایی که گرفتار اوضاع جنگ هستند و اینهایی که آواره شدند و در این زمینها و در این چادرهای بدون همه چیز دارند زندگی می‌کنند، اینها بندهای خدا هستند. و از من افضل‌اند. و محتمل است که از شماها هم افضل باشند. چرا ما به فکر آنها نباشیم؟ (۳۷۲)

مهاجرین جنگ از
همه افضل هستند

۵۹/۱۲/۲۸

از آوارگان جنگی که با هجوم کفار بعثی عراق عزیزان و خانمان خود را از دست داده‌اند حمایت برادرانه و خواهرانه خود را ادامه دهید، و نگذارید اینان تلخی آوارگی را احساس نمایند. رحمت خدا بر شما خواهران و برادران ارزشمند که با همت بزرگ خود، هم پشتوانه جنگ تحمیلی بوده و هم یاران وفادار آوارگان جنگی. و البته دولت هم تمام کوشش را در این امر انسانی نموده و می‌نماید لکن حمایت ملت موجب تقویت روحی قوای مسلح و دولت خواهد بود. (۳۷۳)

۵۹/۱۲/۲۹

* * *

راجع به جنگ‌زده‌ها، همان طوری که تاکنون مشغول بودید به اینکه همراهی کنید، از این به بعد هم همراهی کنید و نگذارید به این جنگ‌زده‌هایی که از خانمانشان آواره شدند، بد بگذرد. (۳۷۴)

۶۰/۲/۷

* * *

کشور خودتان است، کشور اسلامی است، اسلام در خطر است، وقتی اینطور است همه ما باید و موظفیم که کمک کنیم به آنها؛ هرکس به اندازه‌ای که می‌تواند کمک بکند به آنها. آوارگانی که از جنگ آمده‌اند در جاهای دیگر زندگی می‌کنند، شما بنشینید بگویید دولت همه کار را بکند، یا هلال احمر همه کار را بکند، نمی‌توانند بکنند همه کارها را. کار آسانی نیست، شما هم باید کمک بکنید همه باید کمک بکنند و ان شاءالله، می‌کنند، الآن هم

نگذارید مهاجرین
جنگ، تلخی
آوارگی را احساس
نمایند

نگذارید به
مهاجرین جنگ
بد بگذرد

همه باید کمک کنند
به مهاجرین جنگ

همه دارند کمک می‌کنند. (۳۷۵)

۶۰/۵/۱۹

* * *

به آوارگان مظلوم جنگی تأکید می‌کنم که صبر و شکیبایی را از دست ندهند و مطمئن باشند که خسارات جنگی با خواست خداوند به دست ملت و دولت جبران خواهد شد. و از ملت و دولت تقاضا دارم که نسبت به حوائج آوارگان جنگی از هیچ کوششی دریغ ننمایند. اینان برادران و خواهران و فرزندان شماست که به دست عمال امریکا از خاندان خود آواره شده‌اند. و از خداوند تبارک و تعالی عاجزانه تقاضا دارم که ملت ایران را با مدد‌های غیبی حمایت فرماید و دست مخالفان اسلام را از کشور اسلامی ما قطع فرماید و پیروزی نهایی را بر تمام جبهه‌ها نصیب کشور اسلامی فرماید. (۳۷۶)

۶۰/۶/۲۷

* * *

این قدرت الهی است که به جنگزده‌های ما، به عزیزان ما که آواره شده‌اند از محل خودشان، قدرت عنایت کرده است که در مقابل نارساییها و در مقابل زحمتهای و کمبودها ایستادگی کنند، بلکه خودشان کمک کار باشند...

شما عزیزان که متکفل امور جنگزدگان هستید و متکفل تدبیر در این امر هستید که کار جنگزدگان را به خوبی اداره کنید، من می‌دانم که کار بسیار مشکل است. کاری است که نمی‌شود با فوریت انجام داد و کاری است که اگر به طور معمولی بخواهد

از هیچ کوششی
برای رفع حوائج
آوارگان جنگی
دریغ نشود

رسیدگی به
جنگزدگان از
عبادات بزرگ
است

دولت انجام بدهد، قدرت این مطلب را ندارد، لکن این دست خداست که عنایت کرده است و جوانهای ما را وادار کرده است به اینکه به این برادران و خواهران و کودکان جنگزده خدمت کنند و آنها را در این مصیبت‌هایی که وارد بر آنها شده است، تسلیت عنایت کنند. و این خدای تبارک و تعالی است که جنگزده‌ها را، در صورتی که اگر به‌طور معمول بود، باید بسیار نارضایتی داشته باشند، لکن مع ذلک، در هر جا هستند، کمک کار هستند و مقاوم هستند. و امروز آقای میرسلیم^۱ که به من اطلاع دادند، گفتند جنگزده‌ها یک قدرتی شده‌اند در مقابل صدام. این امری است که با دست غیبی الهی انجام گرفته است و دست عنایت حق تعالی بر سر شماست و آسیبی ان شاء الله، نخواهد دید. ما البته می‌دانیم که هم در فعالیتهای بنیاد مستضعفین و هم در فعالیت اداره‌کننده امور جنگزدگان یک نواقص [ی] هست و علاوه [بر این]، شیطان‌هایی هستند که این برادرهایی [را] که برای خدا دارند کار می‌کنند، آنها را می‌خواهند سست کنند و بعضی مسائل به آنها می‌گویند، لکن خداست که قلبهای شما را نگه داشته است و شما را هوشیار کرده است که کید کائین و مکیدها را خنثی کنید و خودتان در صحنه باشید. ما خدا را شکر می‌کنیم که این ملت؛ سرتاسر کشور؛ زن و مرد، بزرگ و کوچک در خدمت به اسلام کمر بسته‌اند و دست از این برنخواهند داشت ان شاء الله، تا آنکه به پیروزی نهایی برسند...

من رنجهایی که در جنوب و در غرب به برادران و خواهران ما وارد می‌شود می‌دانم و متأثر هستم. و همه مؤمنین و همه مسلمین متأثر هستند. لکن شما بدانید که اینطور دست و پا کردن و اینطور بر خلاف موازین همه کشورهای عالم و همه جنگهای دنیا عمل

۱. مهندس مصطفی میرسلیم، که در آن تاریخ مسئول بنیاد مهاجرین جنگ تحمیلی بودند.

کردن و از خارج و دور، موشک به شهرها انداختن و اینطور کارهای ناجوانمردانه کردن، اینها از ضعف آنهاست...

شما برادرهایی که در جبهه جنگ می‌کنید و شما برادرهایی که آسیب جنگی دیدید، و شما برادر و خواهرهایی که مصیبت دیده‌اید برای خدا بوده است و خداوند تبارک و تعالی جبران خواهد کرد. و من امیدوارم که بزودی ان شاءالله، این جنگ تمام بشود و این خرابیهایی که به دست کفار بر ما وارد شده است، بزودی جبران بشود و خانه‌ها بهتر از اول ساخته بشود. و ان شاءالله، زندگی عادی خودشان را این مسلمین عزیز و این ساکنین جنوب و غرب، زندگی اصیل خودشان را از سر بگیرند.

عمده این است که چون ما به حق هستیم، و ما اسلام را می‌خواهیم و ما پیاده شدن احکام اسلام را می‌خواهیم، تمام ضربه‌هایی که وارد می‌شود، تمام اینها قابل تحمل است. این ضربه‌ها به ما تنها وارد نشده است. شما در طول تاریخ از زمان آدم - علیه السلام - تاکنون ملاحظه می‌کنید که تمام انبیا و تمام اولیا و تمام بزرگان دین در مقابل ظلم ایستاده‌اند و صدمه دیده‌اند، ایستاده‌اند و با آتش، آنها را سوزانده‌اند و با اهر آنها را دو نیم کرده‌اند و در کربلا آنطور کردند با اولاد رسول الله، لکن چون برای خدا بود و چون حق بودند، تمام مشکلات آسان می‌شود. مشکلات، مشکلات مادی است، مشکلات مادی در مقابل معنویات نمی‌تواند عرض اندام کند. آنهایی که به معنویت مجهزند، آنهایی که به خدا متصل هستند و آنهایی که به مبدأ وحی متصل هستند، آنها را امور مادی از مقاصد خودشان باز نمی‌دارد. و شما توجه داشته باشید؛ شمایی که خدمت به مستضعفین می‌کنید و شمایی که خدمت به جنگزدگان می‌کنید! و امید است

ان شاء الله - و هست اینطور که - انگیزه‌های شما انگیزه‌های اسلامی - انسانی باشد. شما بدانید که در یک طاعت بزرگ هستید و همیشه به طاعت حق تعالی قیام کرده‌اید و ثواب شما، ثواب عبادت‌های پنجاه - شصت ساله دیگران است...

شما بدانید که رسیدگی به امور مستضعفان و رسیدگی به امور جنگ‌زدگان، که اینها بندگان خدا هستند و خداوند به آنها عنایت دارد، از عبادات بزرگ است. خداوند ان شاء الله، به همه شما توفیق عنایت کند. و به جنگ‌زده‌های ما و به آنهایی که جوان از دستشان رفته است، آنهایی که خانمانشان از دستشان رفته است، صبر و اجر عنایت فرماید. (۳۷۷)

۶۰/۹/۳

* * *

به این قشری که از خاندان خودشان، از شهرهای خودشان به واسطه این جنگ آواره شده‌اند عرض می‌کنم که ما در مسائل و مشکلاتی که شما دارید، توجه داریم و دولت هم توجه دارند و شوراها هم دارند، بسیج هم دارد؛ به اندازه آنکه توانایی دارند، خدمت خواهند کرد و ان شاء الله که بزودی جنگ پایان پیدا می‌کند، خدمتها به شماها زیادتر خواهد شد. (۳۷۸)

۶۱/۸/۱۳

* * *

عجبا که دیو صفتان عفلقی وقتی که در صحنه‌های نبرد آنهمه شکستها را متحمل شده‌اند و بُزدلانه از روبه روی شیرمردان ارتش اسلام پا به فرار گذاشته‌اند، برای جبران آنهمه ناتوانی و

دولت به مشکلات
مهاجرین توجه
دارد

عجز، ناجوانمردانه خانه‌ها و مدارس و بیمارستانها و مساجد را بر سر اقشار بی‌دفاع مردم از طفل شیرخواره گرفته تا محصل دبستانی و دبیرستانی و از بیمار در بیمارستانها تا پیرمردان و پیرزنان خراب می‌کنند. آری، ملت عزیز ایران و خصوصاً مردم شهرهای مورد تهاجم هوایی دشمن، به خوبی لمس کرده‌اند که دشمنان آنان راه پیشوایان و اعقاب شجره خبیثه بنی‌امیه و یزیدیان - علیهم لعنة الله - را برگزیده‌اند و هدفی جز محو آثار رسالت و اثبات و تحکیم شعار پوسیده «لَا خَبْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ»^۱ را دنبال نمی‌کنند؛ چرا که از یزیدیان انتظاری جز این نیست...

پدر پیرتان ویرانی
خانه‌های شما را
ویرانی خانه خود
می‌داند

و اینک من به همه عزیزانی که خانه و کاشانه و جگرگوشگان خود را در این حوادث و میدان کارزار از دست داده‌اند عرض می‌کنم که یقیناً شما احساس همدردی این خدمتگزار و پدر پیر خود را درک می‌کنید که من ویرانی خانه‌های شما را ویرانی خانه خود و شهادت و جراحت عزیزان و فرزندان شما را شهادت و جراحت فرزندان خود می‌دانم و با شما هستم؛ و شما را به صبر و مقاومت سفارش می‌کنم. و امیدوارم که ملت ایران با همان روح همبستگی و برادری که در همه مشکلات خود را یاور و غمخوار یکدیگر می‌دانند در این امتحان بزرگ الهی به یاری و کمک آسیب‌دیدگان بشتابند و با آغوش باز و محبت و اخوت در رفع مشکلات آنان کوشش نمایند؛ و همگام با دولت خدمتگزار که با کمال فداکاری و پشتکار شب و روز مشغول امداد و برنامه‌ریزی هستند، به جنگ مشکلات بروند. (۳۷۹)

۶۵/۱۱/۱۶

۱. «نه خبری آمده نه وحیی نازل شده است»؛ (یک مصراع از شعری که یزید - علیه اللعنه - پس از شهادت امام حسین(ع) خواند.

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت خواهران و برادران و فرزندان عزیز مهاجرین جنگ
تحمیلی - ایدهم الله تعالی

با سلام و درود به پیشگاه مقدس مولود نیمه شعبان و آخرین
ذخیره امامت حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - و یگانه دادگستر
ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار.
سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او، سلام بر غیبت و ظهور او و
سلام بر آنان که ظهورش را با حقیقت درک می کنند و از جام
هدایت و معرفت او لبریز می شوند.

سلام بر خواهران و
برادران مهاجر

سلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت راه
ظهورش را هموار می کنند و سلام بر شما خواهران و برادران
مهاجر که بدون شک در جنگ تحمیلی از کسانی هستید که صدمه
فراوان روحی و جسمی و مالی خورده اید. شما عزیزان در زمان
یورش وحشیانه صدام پس از روزها دفاع قهرمانانه اضطراراً محل
زندگی و راحتی خود را ترک نموده و حقیقتاً به زندگی پر مشقت
در نقطه ای دور از خانه و کاشانه خویش تن داده اید. شما مهاجرین
عزیز جنگ تحمیلی، لحظه لحظه جنگ و سختیهای آن را درک
کرده اید. ان شاء الله جمهوری اسلامی در آینده ای نه چندان دور
شهرها و روستاهای شما را بهتر از قبل در اختیار شما خواهد
گذاشت، ولی باید خود به کمک مسئولان آمده و در نوسازی و
مهیاسازی شهر و روستاهاتان آنان را یاری نمایید. بحمدالله
فرزندان خردسال آن روز شما، امروز جوانانی شده اند که مانند
سایر برادران و خواهران خود از میهن اسلامی شان دفاع خواهند
کرد...

از خداوند متعال می خواهم تا مهاجرین عزیزمان را هر چه

زودتر به خانه و کاشانه خود برساند و تلخی غربتها و سختیها را به شیرینی مراجعتشان مبدل سازد.

در خاتمه لازم است از همه کسانی که از مهاجرین عزیز جنگ تحمیلی پذیرایی کرده و می‌کنند و همچنین از مسئولین محترم بنیاد مهاجرین که زحمات زیادی متحمل شده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم. (۳۸۰)

۶۸/۱/۲

* * *

فصل چهارم

بستر تاریخی ایثار و شهادت

- قبل از اسلام
- زمان پیامبر (ص) و ائمه اطهار
- قیام عاشورا تبلور فرهنگ شهادت

قبل از اسلام

انبیا و اولیا و همه خونشان را دادند برای حفظ این. و همه برای حفظ مکتبشان خونهایشان را دادند - چه انبیای سابق و چه نبی اکرم - که همه تاریخش را می دانید، همه چیزشان را دادند برای اینکه حفظ بشود این مکتب و یک وقت اعوجاجی در آن پیدا نشود. (۳۸۱)

۵۸/۴/۱۷

* * *

تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده اند، تمام. و همه آنها این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هرچه بزرگ باشد - بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا - وقتی که با مصالح جامعه معارضه کرد این فرد، باید فدا بشود. (۳۸۲)

۶۰/۶/۱۸

* * *

عیدی که انسانهای آگاه را به یاد قربانگاه ابراهیمی می اندازد؛

انبیا و اولیا
خونشان را برای
حفظ مکتب دادند

تمام انبیا برای
اصلاح جامعه
آمده اند

قربانگاهی که درس فداکاری و جهاد را در راه خدای بزرگ به فرزندان آدم و اصفیا و اولیای خدا می‌دهد. عمق جنبه‌های توحیدی و سیاسی این عمل را جز انبیای عظام و اولیای کرام - علیهم الصلوٰة و السلام - و خاصهٔ عبادالله کس دیگری نمی‌تواند ادراک کند. این پدرِ توحید و بت شکنِ جهان به ما و همهٔ انسانها آموخت که قربانی در راه خدا، پیش از آنکه جنبهٔ توحیدی و عبادی داشته باشد، جنبه‌های سیاسی و ارزشهای اجتماعی دارد. به ما و همهٔ آموخت که عزیزترین ثمرهٔ حیات خود را در راه خدا بدهید و عید بگیرید. خود و عزیزان خود را فدا کنید، و دین خدا را و عدل الهی را برپا نمایید. به همهٔ ما، ذریهٔ آدم، فهماند که «مکه» و «منی» قربانگاه عاشقان است. و اینجا محل نشر توحید و نفی شرک؛ که دل بستگی به جان و عزیزان نیز شرک است. به فرزندان آدم درس آموزندهٔ جهاد در راه حق را داد که از این مکان عظیم نیز فداکاری و از خودگذشتن را به جهانیان ابلاغ کنید. به جهانیان بگویید در راه حق و اقامهٔ عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان زمان باید سر از پا نشناخت، و از هر چیزی حتی مثل اسماعیل ذبیح‌الله، گذشت. که حق جاودانه شود. (۳۸۳)

بت شکن جهان به
ما آموخت که
فرزندان خود را فدا
کنید و عید بگیرید

۶۲/۶/۱۲

* * *

من نمی‌گویم به ما خسارت وارد نشد، اما ارزش ندارد که انسان ارزش انسانی خودش را، ارزش اسلام را حفظ بکند ولو اینکه شهید هم می‌داد. البته پیغمبر هم شهید داد، انبیا هم همین طور. سیره انبیا بر این معنا بوده است، سیره بزرگان بر این معنا بوده است که معارضه می‌کردند با طاغوت ولو اینکه زمین بخورند، ولو

سیره انبیا بر مبارزه
تا پای جان بوده
است

اینکه کشته بشوند و لو کشته بدهند. (۳۸۴)

۶۲/۱۰/۱

* * *

پیغمبر هم شهید داد، انبیا هم همین طور. سیره انبیا بر این معنا بوده است، سیره بزرگان بر این معنا بوده است که معارضه می کردند با طاغوت و لو اینکه زمین بخورند، و لو اینکه کشته بشوند و لو کشته بدهند. ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند، و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد. (۳۸۵)

۶۲/۱۰/۱

* * *

مسأله قربانی فرزند یک باب است که به حسب البته دید نوع بشر، مسأله مهمی است، لکن آن چیزی که مبدأ این عمل می شود، آن چیزی که مقابله مابین پدر و پسر را در آن جا متحقق می کند، این یک مسائل قلبی و روحی و معنوی است، فوق این مسائلی که ماها می فهمیم. ما همین می گوییم که ایثار کرد، قربانی کرد و واقعاً اینطور بوده است، مهم هم هست. لکن آیا در نظر ابراهیم هم ایثار بوده است؟ ابراهیم هم در نظرش این بوده است که حالا یک چیزی، تحفه ای می برد پیش خدا؟ اسماعیل هم - سلام الله علیه - در نظرش بوده که یک جانفشانی دارد می کند برای خدا؟ یا مسأله این نیست. این مسأله ای است که تا نفسانیت انسان هست، خودیت انسان هست، ایثار اسمش هست. من ایثار می کنم در راه خدا فرزندم را، من ایثار می کنم در راه خدا جان خودم را. این،

سیره انبیا مبارزه تا
مرز شهادت بوده
است

ابراهیم (ع) قربانی
کردن اسماعیل (ع)
را ایثار نمی دانست

برای مامهم است و زیاد مهم است، برای ابراهیم نیست مسأله این، ایثار نیست. ابراهیم خودی‌بیند تا ایثاری کرده باشد، اسماعیل خودی نمی‌بیند تا ایثار کرده باشد. ایثار این است که من هستم و تو هستی و عمل من و برای تو و ایثار. این، در نظر بزرگان اهل معرفت و اولیای خدا شرک است، در عین حالی که در نظر ما کمال بزرگی است، ایثار بزرگی است. (۳۸۶)

۶۳/۶/۱۵

* * *

حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است، که انبیای عظام از آدم - علیه السلام - تا خاتم النبیین - صلی الله علیه و آله و سلم - در راه آن کوشش و فداکاری جانفرسا نموده‌اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشته؛ و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام - علیهم صلوات الله - با کوششهای توانفرسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن کوشیده‌اند. (۳۸۷)

انبیای عظام از آدم
تا خاتم
فداکاربهای
جانفرسا نموده‌اند

۶۸/۳/۱۵

* * *

زمان پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)

این پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - آن وقتی که اجتماعات را درست کرد و توانست قیام بکند بر ضد شرک و کفر و بی‌عدالتیها، با چه مصیبت‌هایی گرفتار بود، چه جنگ‌هایی کرد و چه کشته‌هایی داد و خودش چه زحماتی کشید و چه جراحاتی برداشت. (۳۸۸)

پیامبر اکرم بر ضد
شرک و کفر و
بی‌عدالتی جنگها
کرد

۵۷/۲/۲۳

مردم مسلمان ایران به دنبال برگزاری نماز عید،^۱ دست به عبادت ارزنده دیگری زدند که آن فریادهای کوبنده علیه دستگاه جبار و چپاولگر برای بپا داشتن حکومت عدل اسلام است که کوشش در این راه از اعظم عبادات است، و فدایی دادن در راه آن سیره انبیای عظام، خصوصاً نبی اکرم و وصی بزرگ او، امیر مؤمنان است. (۳۸۹)

سیره اولیا فداکاری
در راه برپایی
حکومت عدل
اسلامی است

۵۷/۶/۱۵

* * *

برای تحصیل هر حقی البته فداکاری لازم است. مذهب تشیع، مذهب فداکاری بوده است و در طول تاریخ، مردم برای عدالت و برای حقوق از دست رفته خود، همیشه قیام کرده‌اند، همیشه خون داده‌اند. ما نگرانی از این بابت نداریم، برای اینکه اطاعت خدا می‌کنیم. (۳۹۰)

مذهب تشیع،
مذهب فداکاری
بوده است

۵۷/۹/۱۳

* * *

اسلام عزیز با فداکاری و فدایی دادن عزیزان رشد نمود. برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توأم با شهامت بوده. قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأس برنامه‌های اسلام است. (۳۹۱)

برنامه اسلام از
عصر وحی تاکنون
با شهادت توأم
بوده است

۵۸/۲/۱۱

* * *

۱. نماز عید فطر سال ۱۳۵۷ ه. ش. که به امامت شهید دکتر مفتاح در تپه‌های قیطریه تهران اقامه شد و در پی آن راهپیمایی و تظاهرات عظیمی علیه رژیم شاه صورت گرفت.

فداکاری سیره
پیامبر و ائمه بوده
است

این یک سیره‌ای بوده است در اسلام؛ از اول بوده. از اول ... پیغمبر اسلام و ائمه ما فداکاری کردند، شهادت نصیبشان شد، اولاد دادند. (۳۹۲)

۵۸/۲/۲۳

* * *

نبی اکرم و ائمه ما
هرچه داشتند در
راه اسلام تقدیم
کردند

ائمه ما - علیهم السلام - در راه اسلام چه فداکاریها کردند و هرچه داشتند در راه اسلام تقدیم کردند. ما هم باید، اگر شیعه آنها هستیم، اگر تابع آنها هستیم، در راه اسلام هرچه داریم بدهیم. اسلام عزیزتر از هر چیزی است، و چون عزیزتر از هر چیزی است، نبی اکرم و ائمه ما هرچه داشتند در راه آن دادند. (۳۹۳)

۵۸/۴/۱۲

* * *

اسلام خیلی فدایی
داده است

اسلام خیلی فدایی داده است. پیغمبر اسلام برای اسلام خیلی زحمت کشیده، تمام عمرش در زحمت بوده، تمام عمرش. آن وقتی که در مکه بود زحمتش یک طور بود، با آن رنج و تعب که بود و مدت‌ها در حبس، یعنی بیرون بود و نمی‌توانست اصلاً خودش را نشان بدهد. آن وقت هم که مدینه آمدند جنگ‌های زیادی که با مشرکین واقع شد و با خائنها و با گردن کلفتها و با ثروتمندها تا اینها را بخواهند خاضع کنند برای اسلام. (۳۹۴)

۵۸/۴/۱۳

* * *

اگر به تاریخ صدر اسلام مراجعه کنید، می‌بینید که فداکاریهایی که

آنها کرده‌اند و آن قدری که آنها در مضیقه بودند، در زحمت بودند، حتی در بعضی از جنگها یک دانه خرما را این دهانش می‌گذاشت همان شیرینیش را که ادراک می‌کرد می‌داد رفیقش، و همین طور، برای که چیزی نبود در کار اینها، با کمال شهامت و قدرت به اسلام خدمت کردند و اسلام را به ارث پیش ما گذاشتند. ما هم موظفیم که این ارث بزرگ را حفاظت کنیم و برای او جانبازی کنیم. آنها که شهید شدند به خدمت خودشان و به سعادت خودشان و به اجر خدمت خودشان رسیدند. و ماها هم امید است که یا پیروز شویم، و یا شهید در راه اسلام. (۳۹۵)

اسلام میراث
گرانبهای شهادت است

۵۸/۶/۱۱

* * *

ما بر فرض اینکه شکست اقتصادی بخوریم، شکست نظامی بخوریم، لکن باید سرفراز بیرون بیاییم. یعنی باید مثل مجاهدین صدر اسلام که می‌رفتند و مجاهده می‌کردند و کشته می‌شدند، ما هم باید همین طور باشیم. (۳۹۶)

ما باید مثل
مجاهدین صدر
اسلام باشیم

۵۸/۹/۲۳

* * *

چه بود که شصت نفر آدم، شصت هزار نفر آدم را؛ شصت نفر آدمی که مجهز به آن جهازها نبودند، با شصت هزار نفر آدمی که با آن جهازها بودند شکست دادند. برای این بود که اینها یافته بودند این مطلب را که ما اگر کشته هم بشویم به سعادت می‌رسیم. با این روحیه قوی، که ما بکشیم سعادت مندیم، کشته بشویم هم سعادت مندیم. (۳۹۷)

شعار صدر اسلام:
بکشیم یا کشته
بشویم پیروزیم

۵۸/۹/۲۹

ما از رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - تبعیت می‌کنیم. آنها هم تحمل مشاق زیاد کردند. مشقتهایی که برای ما شاید ممکن نیست که تحمل کنیم. آن قدری که پیغمبر خدا تحمل مشقت برای خدا کرد، ماها نمی‌توانیم. لکن ما هم قطره‌ای هستیم از این دریای بی‌پایان، به اندازه‌ای که یک قطره، یک ذره می‌تواند فداکاری کند، باید فداکاری کنیم. (۳۹۸)

مشقات
پیامبر (ص) فوق
تحمل ماست

۵۸/۱۰/۱۰

* * *

اولیای اسلام، که در رأس آنها رسول خداست، آنقدر زحمت کشیدند، تمام مدت عمرش را پیغمبر در زحمت و تعب بوده است و بعد از او هم ائمه ما همین‌طور بوده‌اند که یک روز خوش - به اصطلاح مادیین - نداشتند، گرچه همه خوش بودند به یک راه - به اصطلاح عرفا و اسلام‌شناس‌ها - در هر صورت، این یک شیوه‌ای بوده است که از اول، اولیای اسلام داشتند و در راه هدف خودشان حبس رفته‌اند و کشته شده‌اند و زجر کشیده‌اند. (۳۹۹)

اولیای اسلام در راه
هدف شهید شدند

۵۹/۶/۶

* * *

تاریخ اسلام مشحون بوده است از این مجاهدات، از این شهادتها، از این خون‌دانه‌ها و از این خرابکاریها به دست فُجَّار. ائمه ما مجاهدات و شهادتها - علیهم‌السلام - مبتلا بودند به همین امور. (۴۰۰)

تاریخ ائمه ما
مشحون است از

۵۹/۷/۲۱

* * *

بستر تاریخی ایثار و شهادت □ ۲۲۵

اسلام آن است که آن شهدا را داده است. اسلام آن است که برای رسیدن به مقصد، آن همه زحمت را نبی اکرمش و اولیایش متحمل شدند. (۴۰۱)

اسلام این شهدا را داده است

۵۹/۸/۶

* * *

مگر ما از پیغمبر بالاتریم؟ مگر ما از حسین بن علی بالاتر هستیم؟ آنها هم همه چیزشان را دادند در راه هدفشان. (۴۰۲)

اولیا همه چیزشان را در راه هدفشان دادند

۵۹/۸/۱۲

* * *

ما باید در این امور^۱ از پیغمبر اکرم و از ائمه هدی که در طول مدتشان یا در جنگ بودند با کفار و یا در حبس بودند به دست اشخاصی که با اسم اسلام آنها را به حبس و زجر می کشیدند، سرمشق بگیریم و به آنها اقتدا بکنیم. اسلام عزیز چیزی است که پیغمبر اکرم در راه او جانفشانی کرد و ائمه هدی در راه او جانفشانی کردند و یاران پایدار پیغمبر در راه او جانفشانی کردند. و ما نیز باید به آنها اقتدا کنیم. (۴۰۳)

پیامبر (ص) در راه اسلام جانفشانی کرد

۶۰/۱/۲۶

* * *

اسلام از همه چیز عزیزتر است. پیغمبر اسلام و تمام ذریه او و تمام پیروان او، اینها همه دنبال این بودند که اسلام را نگهش دارند. اسلام امانت خداست؛ امانتی است از جانب خدا. پیغمبر اسلام

هدف پیامبر حفظ اسلام بود

۱. مصایب و مشکلات مقابله با دشمن.

مكلف است كه اين امانت را حفظ كند و از روزى كه اين امانت را به دست او دادند تا روزى كه رحلت فرمودند، در تمام اوقات، دنبال همين مقصد بودند و هيچ روزى و هيچ آنى يك سستى - نعوذ بالله - به خودش راه نمى داد. اوليائى ما هم همه اينطور بودند. (۴۰۴)

۶۰/۴/۱۰

* * *

انقلاب در راه هدف الهى و استقرار حكومت الله همان است كه انبيائى عظام در راه آن فداكارىها نمودند و پيامبر عظيم الشأن اسلام تا آخرين لحظات زندگى پربركت خود در راه آن با همه توان، فداكارى و ايثار فرمود، و امامان بزرگوار اسلام هر چه داشتند نثار آن كردند. (۴۰۵)

پيامبر و امامان
براي استقرار
حكومت الله
فداكارى كردند

۶۰/۵/۱۰

* * *

اميرالمؤمنين - سلام الله عليه - جان خودش را فدا كرد براي اسلام و شهيد شد و اسلام به جاي خودش بود. (۴۰۶)

على (ع) براي
اسلام شهيد شد

۶۰/۶/۹

* * *

ملت بزرگ اسلام از محراب مسجد كوفه تا صحراى افتخارآمیز كربلا و در طول تاريخ پير ارزش سرخ تشيع قربانيانى ارزشمند به اسلام عزيز و فى سبيل الله تقديم نموده و ايران شهادت طلب هم از اين پديده سعادتمند مستثنا نيست، و انقلاب اسلامى

گوش و چشمش پر از این شهیدان حسین گونه است. ملت عزیز ما در روز رستاخیز با سرافرازی در پیشگاه مقدس خدای بزرگ و پیامبران و اولیای عظیم الشان، صفهای طولانی از شهیدان در راه دفاع از حق عرضه می‌دارد؛ از علمای اعلام و ائمه جمعه و جماعت تا فداکاران و سربازان در جبهه‌های دفاع از حریم مقدس اسلام. پیامبر بزرگ اسلام که بر امم دیگر حتی به سقط، مباحات می‌کند، مطمئن هستیم به فداکاری این عزیزان جبهه و پشت جبهه و این شهیدان محراب و منبر و در صف جماعات و در داخل مسجدها و بیمارستانها مباحات می‌فرماید. و چه بهتر و گواراتر که با شهادت این فرزندان اسلام و ذریه طاهره بر افتخارات آن بزرگوار در روز عرض اعمال هرچه بیشتر بیفزاییم. (۴۰۷)

۶۰/۹/۲۰

* * *

پیغمبر اسلام از همه کس بیشتر در باب اسلام زحمت کشید و رنج دید. (۴۰۸)

۶۰/۱۱/۲۱

* * *

اسلام یک امری است که انبیا، که نبی اکرم، که اولاد نبی اکرم و اصحاب متعهد نبی اکرم برای او جانفشانی‌ها کردند و برای او زحمتها کشیدند. (۴۰۹)

۶۱/۷/۲۵

* * *

فداکاری در طول
تاریخ اسلام رواج
داشته است

اولیای خدا جان
خودشان را فدای
اسلام کردند

انبیا فدای اسلام
شدند

فداشدن برای
اسلام سیره اولیا
بوده است

سیره انبیای عظام، خصوصاً نبی اکرم و اصحابش در طول تاریخ،
فدا شدن در راه اسلام بوده است. (۴۱۰)

۶۱/۹/۳

* * *

در صدر اسلام همه
چیز فدای اسلام
بود

پیغمبر اسلام هرچه داشت در راه اسلام داد؛ در تمام عمر
آسودگی نداشت این سرور. و حسین بن علی - سلام الله علیه -
همه چیزش را فدای اسلام کرد و در صدر اسلام همه چیز فدای
اسلام بود. (۴۱۱)

۶۱/۱۱/۲۱

* * *

در صدر اسلام خود
پیامبر فداکاری
کردند

در صدر اسلام خود پیغمبر و ائمه آن طور فداکاری کردند و
مسلمین صدر اسلام با آن که عددشان کم بود آن گونه فعالیت کرده
و جنگ کردند. (۴۱۲)

۶۴/۱/۲۵

* * *

ائمه همگی در راه
پیاده کردن قرآن
کریم شهید شدند

ائمه معصومین ما - صلوات الله و سلامه علیهم - در راه تعالی دین
اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل
یکی از ابعاد آن است، در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه
براندازی حکومتهای جائرانه و طاغوتیان زمان خود شهید
شدند. (۴۱۳)

۶۸/۳/۱۵

* * *

قیام عاشورا تبلور فرهنگ شهادت

علل و عوامل قیام عاشورا

سیدالشهداء - سلام الله علیه - وقتی می بیند که یک حاکم ظالمی، جائری، در بین مردم دارد حکومت می کند، تصریح می کند حضرت که اگر کسی ببیند که یک حاکم جائری در بین مردم حکومت می کند، ظلم دارد به مردم می کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند هر قدر که می تواند؛ با چند نفر، با چندین نفر، که در مقابل آن لشکر و بساط، هیچ نبود. (۴۱۴)

مقابله با سلطان
جائر

۵۷/۸/۳

* * *

یزید هم یک قدرتمند بود و یک سلطان بود و - عرض می کنم که - همه بساط سلطنت را یزید داشت. بعد از معاویه او بود دیگر. حضرت سیدالشهداء به چه حجت با سلطان عصرش طرف شد؟ با «ظل الله» طرف شد؟! «سلطان را نباید دست زد»! به چه حجت با سلطان عصرش طرف شد؟ سلطان عصری که شهادتین را می داد و می گفت من خلیفه پیغمبر هستم! برای اینکه یک آدم قاچاق بود! برای اینکه یک آدمی بود که می خواست این ملت را استثمار کند، می خواست بخورد این ملت را، منافع ملت را می خواست خودش بخورد و اتباعش بخورند. (۴۱۵)

یزید ملت را
استثمار می کرد

۵۷/۸/۱۴

* * *

حضرت سیدالشهداء عدد کمی، با یک عدد کمی حرکت کردند و

مقابل یزید که خوب یک حکومت قلدری بود، یک حکومت مقتدری بود و اظهار اسلام هم می‌کرد، اظهار اسلام هم می‌کرد و از قوم و خویشهای خود اینها هم بود؛ در عین حالی که اظهار اسلام می‌کرد و حکومتش - به خیال خودش - حکومت اسلامی بود و خلیفه رسول الله - به خیال خودش - بود لکن اشکال این بود که یک آدم ظالمی است که بر مقدرات یک مملکت، بدون حق تسلط پیدا کرده است. اینکه حضرت ابی عبدالله - علیه السلام - نهضت کرد و قیام کرد با عدد کم در مقابل این، برای این [بود] که گفتند تکلیف من این است که استنکار کنم از این، نهی از منکر کنم. (۴۱۶)

یزید حاکم ظالم
بود

۵۷/۹/۱۱

* * *

ایشان در یقوتی این مطلب را فرموده‌اند که وقتی که قیام کرده‌اند و نهضت کرده‌اند در مقابل یزید و این سلطان جائر، با یک عدد کمی در مقابل یک عدد کثیری و در مقابل ابرقدرتی، که در آن وقت همه مواضع قدرت دستش بوده است، که عذر را از ما ساقط کند که ما بگوییم که مثلاً ما عددمان کم بود؛ ما زورمان کم بود. این را در وقتی ایشان فرموده‌اند که می‌خواستند قیام کنند بر ضد سلطان جائر و قتلشان. خطاب کردند به مردم و خطبه خواندند؛ و علت قیام است، اینکه چرا من در مقابل این آدم قیام کردم برای اینکه این، عهد خدا را شکسته است و سنت پیغمبر را مخالفت کرده است و حرمت الله تعالی را نکث کرده است و نقض کرده است، و پیغمبر فرموده است هرکس ساکت بنشیند و تغییر ندهد این را، جایش جای همان یزید است در جهنم. جایی که یزید دارد، کسی که

یزید عهد خدا را
شکسته است

سکوت کند جایش جای اوست.^۱

حالا ما ببینیم چه کرده است که حضرت سیدالشهداء - سلام الله علیه - در مقابلش قیام کردند و همچو مطلبی را فرموده‌اند و برنامه داده‌اند. حضرت سیدالشهداء مطلبی را که فرموده‌اند، این مال همه است. یک مطلبی است عمومی: مَنْ رَأَىٰ هِرَكَةً بِبَيْنِدِ، هرکسی ببیند یک سلطان جائری اینطور اتصاف به این امور را دارد، و در مقابلش ساکت بنشیند، نه حرف بزند و نه عملی انجام بدهد، این آدم جایش جای همان سلطان جائر است. یزید یک آدمی بود که به حَسَبِ ظَاهِرِ مَتَشَبِّهٍ بِهٖ اِسْلَامٌ بُوِدَ وَ خُوْدُش رَا خَلِيفَةُ بِيْغَمْبِرِ حِسَابِ مِيْ كَرْدَ وَ نِمَازِ هِم مِيْ خُوَانَدَ وَ هِمَةُ اِيْنِ كَارِهَائِي كِه مَآهَآ مِيْ كَنِيْمِ اَن هِم مِيْ كَرْدَ؛ اما چه می‌کرد؟ اما از آن طرف معصیت کار بود؛ مخالف سنت رسول الله می‌کرد. رسول الله سنتش این است که باید با مردم چه جور عمل بکنند، او خلافش عمل می‌کرد؛ باید حفظ دماء مسلمین بشود، او دماء مسلمین را می‌ریخت؛ باید مال مسلمین هدر نرود، او هدر می‌داد مال مسلمین را. همین شیوه‌ای که پدرش معاویه هم داشت و امیرالمؤمنین هم قیام کرد در مقابل او. منتها حضرت امیر لشکر هم داشت ولی سیدالشهداء عدد خیلی کمی [داشت] در

۱. «قال ابو مِخْنَفٍ عَنِ عَقَبَةَ بْنِ أَبِي الْعِزَّارِ: إِنَّ الْحُسَيْنَ خَطَبَ اصْحَابَهُ وَ اصْحَابَ الْحَرِّ بِالْبَيْضَةِ فَحَمَدَ اللّٰهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ - صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - قَالَ: مَنْ رَأَىٰ سُلْطَانًا جَائِرًا مُّسْتَجِرًا لِحُرْمِ اللّٰهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللّٰهِ، مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ - صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - يَعْْمَلُ فِي عِبَادِ اللّٰهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ؛ فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِنْفَعِلٍ وَ لَا قَوْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللّٰهِ أَوْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ؛ أَبُو مِخْنَفٍ أَيْضًا نَقَلَ أَنَّ ابْنَ الْعِزَّارِ نَقَلَ أَنَّ حُسَيْنَ (ع) فِي مَنْطِقِهِ «بَيْضَه» بَرَأَى هِمْرَاهَانَ خُوْدَ وَ حَرَّ خَطْبَهُ خُوَانَدَ. بَسْ خَدَاوَنَدَ رَا شُكْرَ كَزَارَدَ وَ اُو رَا سَتُوْدَ. سَبَسْ كَفْت: اِيْ مَرْدَمِ هِمَانَا بِيَامْبِرِ خَدَا(ص) كَفْتِ هِرَكْسِ سُلْطَانِ سَتْمَكْرِي رَا بِيْنِدِ كِه حَرَامِهَائِ خَدَا رَا حَلَالِ مِيْ شَمْرَدِ وَ بِيْمَانِ خَدَا رَا مِيْ شَكَنْدَ وَ بَا سَنَتِ بِيَامْبِرِ خَدَا(ص) مُخَالَفَتِ مِيْ وَرَزْدِ وَ بَا كَنَاهِ وَ دَشْمَنِي دَر مِيَانِ بَنْدِكَا نِ خَدَا حَكْمِ مِيْ رَا نَدَ، بَسْ اُو رَا بَا كَرْدَارِ وَ كَفْتَارِ اِنْكَارِ نَكَنْدَ، بَرِ خَدَا لَازِمِ اِسْتِ كِه اُو رَا بَه جَائِي كِه اَن سُلْطَانِ رَا بَرْدَه اِسْتِ بَبْرَدَ»؛ تَارِيخِ طَبْرِی؛ ج ۴، ص ۳۰۴.

مقابل یک ابرقدرت. (۴۱۷)

۵۷/۹/۱۸

* * *

در صدر اسلام پس از رحلت پیمبرِ ختمی - پایه‌گذار عدالت و آزادی - می‌رفت که با کجرویهای بنی‌امیه اسلام در حلقوم ستمکاران فرو رود و عدالت در زیر پای تبهکاران نابود شود که سیدالشهداء نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود. (۴۱۸)

عدالت زیر پای
تبهکاران بود

۵۷/۱۰/۶

* * *

آن روزی که وجههٔ اسلام بخواهد درش خدشه وارد بشود، آن روز است که بزرگان اسلام جانشان را دادند برای آن. در زمان معاویه و در زمان پسر خلف معاویه مسأله اینطور بود که چهرهٔ اسلام را اینها داشتند قبیح می‌کردند. به عنوان خلیفه‌المسلمین، به عنوان خلیفهٔ رسول‌الله آن جنایات را می‌کردند. مجالسشان، مجالس چه بود. اینجا بود که تکلیف اقتضا می‌کرد برای بزرگان اسلام که مبارزه کنند و معارضه کنند؛ و این چهرهٔ قبیحی که اینها دارند از اسلام نشان می‌دهند و اشخاص غافل ممکن است که خیال کنند که اسلام خلافتش همین است که معاویه دارد و یزید دارد، این است که خطر می‌اندازد اسلام را و این است که مجاهده برایش باید کرد، ولو انسان به کشتن برود. (۴۱۹)

خطر برای وجههٔ
اسلام بود

۵۸/۳/۸

* * *

خطری که معاویه و یزید برای اسلام داشتند این نبود که غصب خلافت کردند؛ این یک خطر، کمتر از آن بود؛ خطری که اینها داشتند این بود که اسلام را به صورت سلطنت در می‌خواستند بیاورند، می‌خواستند معنویت را به صورت طاغوت درآورند، به اسم اینکه «ما خلیفه رسول الله هستیم» اسلام را منقلب کنند به یک رژیم طاغوتی. این مهم بود. آنقدری که این دو نفر ضرر به اسلام می‌خواستند بزنند یا زدند جلوتری‌ها آنطور نزدند. اینها اصل اساس اسلام را وارونه می‌خواستند بکنند. سلطنت بود، شرب خمر بود، قمار بود در مجالسشان. «خلیفه رسول الله» و در مجلس شرب خمر؟! و در مجلس قمار؟! و باز «خلیفه رسول الله» نماز هم می‌رود در جماعت می‌خواند! این خطر از برای اسلام خطر بزرگ بود. این خطر را سیدالشهداء رفع کرد. قضیه قضیه غصب خلافت فقط نبود. قیام سیدالشهداء - سلام الله علیه - قیام بر ضد سلطنت طاغوتی بود. آن سلطنت طاغوتی که اسلام را می‌خواست به آن رنگ درآورد که اگر توفیق پیدا می‌کردند، اسلام یک چیز دیگری می‌شد. اسلام می‌شد مثل رژیم ۲۵۰۰ ساله سلطنت. اسلامی که آمده بود و می‌خواست رژیم سلطنتی را و امثال این رژیمها را به هم بزند و یک سلطنت الهی در دنیا ایجاد کند، می‌خواست «طاغوت» را بشکند و «الله» را جای او بنشانند، اینها می‌خواستند که «الله» را بردارند، «طاغوت» را جایش بنشانند. همان مسائل جاهلیت و همان مسائل سابق. کشته شدن سیدالشهداء - سلام الله علیه - شکست نبود چون قیام الله بود، قیام الله شکست ندارد. (۴۲۰)

حضرت سیدالشهداء - سلام الله علیه - دیدند که معاویه و پسرش، خداوند لعنتشان کند، اینها دارند مکتب را از بین می‌برند؛ دارند اسلام را وارونه جلوه می‌دهند. اسلامی که آمده است برای اینکه انسان درست کند، نیامده است قدرت برای خودش درست کند، آمده انسان درست کند، اینها، این پدر و پسر - مثل این پدر و پسر^۱ - اسلام را وارونه داشتند نشان می‌دادند. شرب خمر می‌کردند، امام جماعت هم بودند! مجالسشان مجالس لهو و لعب بود، همه چیز تویش بود، دنبالش هم جماعت بود، امام جماعت هم می‌شدند. امام جماعت قمارباز! امام جمعه هم بودند و منبر هم می‌رفتند و اهل منبر هم بودند. منبر هم می‌رفتند! به اسم خلافت رسول الله بر ضد رسول الله قیام کرده بودند. فریادشان «لا اله الا الله» بود، و بر ضد الوهیت قیام کرده بودند. اعمالشان، رفتارشان رفتار شیطانی، لکن فریادشان فریاد خلیفه رسول الله! (۴۲۱)

اسلام را وارونه
جلوه می‌دادند

۵۸/۴/۷

* * *

رژیم منحط بنی امیه می‌رفت تا اسلام را رژیم طاغوتی، و بنیانگذار اسلام را بر خلاف آنچه بوده معرفی کند. معاویه و فرزند ستمکارش به اسم خلیفه رسول الله با اسلام آن کرد که چنگیز با ایران؛ و اساس مکتب وحی را تبدیل به رژیم شیطانی نمود. (۴۲۲)

به اسم خلیفه
رسول الله مثل
چنگیز رفتار کردند

۵۸/۴/۶

* * *

سیدالشهداء هم چون دید اینها دارند مکتب اسلام را آلوده

۱. رضاخان پهلوی و پسرش محمدرضا.

می‌کنند، با اسم خلافت اسلام خلافت‌کاری می‌کنند و ظلم می‌کنند و این منعکس می‌شود در دنیا که خلیفه رسول‌الله دارد این کارها را می‌کند، حضرت سیدالشهداء تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند؛ و محو کنند آثار معاویه و پسرش را. (۴۲۳) ۵۸/۴/۱۳

اسلام را آلوده
می‌کردند

* * *

مکتبی که می‌رفت با کجرویهای تفاله جاهلیت و برنامه‌های حساب شده احیای ملی‌گرایی و عربیت با شعار «لَا خَيْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ»^۱ محو و نابود شود، و از حکومت عدل اسلامی یک رژیم شاهنشاهی بسازد و اسلام و وحی را به انزوا کشاند؛ که ناگهان شخصیت عظیمی که از عصاره وحی الهی تغذیه و در خاندان سید رُسل محمد مصطفی و سید اولیا علی مرتضی، تربیت و در دامن صدیقه طاهره، بزرگ شده بود قیام کرد و با فداکاری بی‌نظیر و نهضت الهی خود، واقعه بزرگی را به وجود آورد. (۴۲۴)

تبدیل حکومت
عدل اسلامی به
رژیم شاهنشاهی

۵۹/۳/۲۶

* * *

آنها می‌خواستند اصل اسلام را ببرند و یک مملکت عربی درست

۱. پاره‌ای است از این بیت شعر عبدالله بن زبیر:

لَعِبْتُمْ هَاشِمًا بِالْمُلْكِ فَلَا
خَيْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ
(قبیله بنی‌هاشم با سلطنت بازی کردند. پس نه خبری آمد و نه وحی ای نازل گشت). آمده است که یزید (لعنت خدا بر او باد) آنگاه که اهل بیت عصمت(ع) را در شام بر وی وارد کردند با چوب بر دندانهای سر مطهر ابا عبدالله(ع) می‌زد و این شعر را بر زبان می‌راند. مع السجوم فی ترجمه نفس المهموم؛ علامه شعرانی؛ ص ۲۵۲.

کنند و این کارشان اسباب این شد که عرب و عجم و همه، همه مسلمین توجه پیدا کردند که نه، قضیه، قضیه عربیت و عجمیت و فارسیّت و اینها نیست، قضیه خدا و اسلام است. (۴۲۵)

۵۹/۸/۱۴

زنده کردن تعصب
عربی جاهلیت

* * *

حکومت جائزانه یزیدیان که می رفت تا قلم سرخ بر چهره نورانی اسلام کشد و زحمات طاقتفرسای پیامبر بزرگ اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - و مسلمانان صدر اسلام و خون شهدای فداکار را به طاق نسیان سپارد و به هدر دهد. (۴۲۶)

۶۱/۳/۶

هدر دادن زحمات
پیامبر اسلام

* * *

بنی امیه قصد داشتند که اسلام را از بین ببرند. (۴۲۷)

۶۲/۲/۲۶

نابود کردن اسلام

* * *

سلطنت و ولایتعهدی همان طرز حکومت شوم و باطلی است که حضرت سیدالشهداء (ع) برای جلوگیری از برقراری آن قیام فرمود و شهید شد. برای اینکه زیر بار ولایتعهدی یزید نرود و سلطنت او را به رسمیت نشناسد قیام فرمود، و همه مسلمانان را به قیام دعوت کرد. اینها از اسلام نیست. اسلام سلطنت و ولایتعهدی ندارد. (۴۲۸)

ولایتعهدی و
سلطنت به نام
اسلام

* * *

اهداف قیام عاشورا

شما قوه‌تان بیشتر از قوای سیدالشهداء است. قوایی نداشت در مقابل آن قوه [ولی] باشد قیام کرد، مخالفت کرد، چه کرد، تا کشته شد. آن هم می‌توانست اگر تنبل بود - نعوذ بالله؛ می‌توانست بگوید که تکلیف شرعی من نیست. از خدا می‌خواستند آنها که سیدالشهداء ساکت باشد و آنها به خرسواری خودشان سوار باشند. از قیام او می‌ترسند. او «مُسلم» را فرستاده که مردم را دعوت کند به بیعت تا حکومت اسلامی تشکیل بدهد؛ این حکومت فاسد را از بین ببرد. اگر او هم سر جای خودش می‌نشست و در مدینه وقتی که مردک می‌آمد می‌گفت که بیعت کن، می‌گفت بسیار خوب سلّمه‌الله تعالی! نعوذ بالله اگر یک همچو چیزی می‌گفت، از خدا می‌خواستند؛ خیلی هم احترامش می‌کردند، دستش را هم می‌بوسیدند. (۴۲۹)

براندازی حکومت
فاسد اموی

۵۰/۴/۱

* * *

لکن تکلیف اینطور می‌دانست که باید قیام بکند و خودش را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند، تا اینکه این عَلم یزید را بخواباند و همین طور هم کرد و تمام شد. خودش را داد و خون پسرهایش را داد و اولادش را داد و همه چیزهای خودش را داد در راه، برای اسلام. (۴۳۰)

اصلاح امت پیامبر

۵۸/۸/۳

* * *

حضرت سیدالشهداء قیام کردند بر ضد یزید؛ و شاید و همان طور

هم بود که خوب، اطمینان به این بود که موفق به اینکه یزید را از سلطنت بیندازند نشوند؛ این اخبارش هم اینطور است که ایشان مطلع بودند بر این مطلب^۱؛ در عین حال برای همین معنی که بر ضد یک رژیم ظالم قیام کنند - ولو اینکه کشته بشوند - قیام کردند و کشته دادند و کشتند و خودشان هم کشته شدند. (۴۳۱)

قیام علیه رژیم
ظالم

۵۷/۸/۲۷

* * *

او تکلیف می دید برای خودش که باید او با این قدرت مقاومت کند و کشته بشود تا به هم بخورد این اوضاع؛ تا رسوا بکند این قدرت را با فداکاری خودش و این عده‌ای که همراه خودش بود. چون دید که یک حکومت جائری است که بر مقدرات مملکت او سلطه پیدا کرده است تکلیف خودش را - تکلیف الهی خودش را - تشخیص داد که باید نهضت کند و راه بیفتد برود و مخالفت بکند و اظهار مخالفت و استنکار بکند؛ هرچه خواهد شد. در عین حالی که به حَسَب قواعد معلوم بود که یک عدد اینقدری نمی‌تواند با آن عده‌ای که آنها دارند، مقابله کند لکن تکلیف بود. (۴۳۲)

رسوا کردن قدرت
ناحق

۵۷/۹/۱۱

* * *

۱. در روایات فراوانی ضمن اخبار خداوند به انبیا و نیز در فرمایشات پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) به شهادت رسیدن امام حسین (ع) مورد اشاره واقع شده است. از جمله در نامه شخص امام حسین (ع) به بنی هاشم آمده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِلَى بَنِي هَاشِمٍ، أَمَا بَعْدُ فَإِنَّهُ مَنْ لَجَعَ بِى مِنْكُمْ اسْتُشْهِدَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ لَمْ يَبْلُغْ مَبْلَغَ الْفَتْحِ وَالسَّلَامِ؛ به نام خداوند بخشنده مهربان. از حسین بن علی بن ابیطالب به بنی هاشم. اما بعد، پس هرکس به من ملحق شود به شهادت می‌رسد و هرکه روی گرداند به پیروزی نخواهد رسید. والسلام؛ اللهموف على قتل الطفوف؛ ص ۶۹.

پیغمبر در بعضی جنگها شکست می خورد؛ شکست خورد در بعضی جنگها. حضرت امیر در جنگ با معاویه شکست خورد؛ حضرت سیدالشهداء را کشتند؛ اما اطاعت خدا بود، برای خدا بود، تمام حیثیت برای او بود؛ از این جهت، از این جهت هیچ شکستی در کار نبود. اطاعت کرد. (۴۳۳)

اطاعت از خدا

۵۷/۹/۱۱

* * *

سیدالشهداء دیدند که مکتب دارد از بین می رود. قضیه قیام سیدالشهداء و قیام امیرالمؤمنین در مقابل معاویه، قیام انبیا در مقابل قدرتمندان و کفار مسأله این نیست که بخواهند یک مملکت [را] بگیرند. همه عالم پیش آنها هیچ است. مکتب آنها این نیست، مقصد آنها این نیست، که کشورگشایی بکنند. (۴۳۴)

جلوگیری از
نابودی مکتب

۵۸/۴/۷

* * *

سیدالشهداء برای اسلام خودش را به کشتن داد. (۴۳۵)

دفاع از اسلام

۵۸/۴/۱۵

* * *

سیدالشهداء هم که کشته شد، نه اینکه رفتند یک ثوابی ببرند، ثواب برای او خیلی مطرح نبود، رفت که این مکتب را نجاتش بدهد، اسلام را پیشرفت بدهد، اسلام را زنده کند. (۴۳۶)

زنده کردن اسلام

۵۸/۴/۱۷

* * *

اینکه سیدالشهداء را کشاند به آنجا مکتب بود که کشاند به آنجا؛ اتحاد و عقیده بود که کشاند به آنجا. و همه چیزش را داد در مقابل عقیده، در مقابل ایمان؛ و کشته شد و شکست داد؛ طرف را شکست داد. (۴۳۷)

عقیده به مکتب

۵۸/۷/۲

* * *

سیدالشهداء - سلام الله علیه - تمام چیز خودشان را، همه جوانان خودش را، همه مال و منال، هرچه بود، هرچه داشت - مال و منال که نداشت - هرچه داشت، جوان داشت، اصحاب داشت، در راه خدا داد و برای تقویت اسلام و مخالفت با ظلم قیام کرد. [در] مخالف با امپراتوری آن روز، که از امپراتوریهای اینجا زیادتر بود. (۴۳۸)

مخالفت با ظلم

۵۸/۷/۳۰

* * *

تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده‌اند، تمام. و همه آنها این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هرچه بزرگ باشد - بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا - وقتی که با مصالح جامعه معارضه کرد این فرد، باید فدا بشود. سیدالشهداء روی همین میزان آمد، رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد؛ که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح بشود؛ **لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**^۱، باید عدالت در بین مردم و در بین جامعه

اصلاح جامعه

۱. اشاره است به آیه: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعَةٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» ما به تحقیق ←

تحقق پیدا بکند. (۴۳۹)

۶۰/۶/۱۸

* * *

برای این بود شهادتش؛ برای این بود که اقامه بشود عدل الهی.
اقامه بشود خانه خدا، محفوظ باشد خانه خدا. (۴۴۰)

اقامه عدل الهی

۶۶/۶/۱

* * *

زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب - سلام الله علیه -
زندگی همه انبیای عالم، همه انبیا از اول، از آدم تا حالا همه شان
این معنا بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را
می خواستند درست کنند. (۴۴۱)

برپایی حکومت
عدل

۶۷/۱/۱

* * *

سیدالشهداء - سلام الله علیه - از همان روز اول که قیام کردند برای
این امر، انگیزه شان اقامه عدل بود. فرمودند که، می بینید که
معروف، عمل بهش نمی شود و منکر، بهش عمل می شود.^۱ انگیزه

→ فرستادگان خود را با نشانه های روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو فرود آوردیم تا مردم داد را بپا دارند و آهن را فرود آوردیم که در آن قوت کارزار و سورهایی برای مردم هست تا خداوند بداند که او را و فرستادگانش را با ایمان به غیب یاری می کند. به درستی که خداوند توانا و مقتدر است»؛ (حدید / ۲۵).
۱. «قال عَقِبَةُ بْنُ أَبِي الْعِيزَارِ: قَامَ حَسِينٌ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - بِذِي حُسَمٍ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: إِنَّهُ قَدْ نَزَلَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ تَرَوْنَ وَ أَنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَ تَنَكَّرَتْ وَ أَذْبَرَ مَعْرُوفُهَا... فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُبَابَةٌ كَصَبَابَةِ الْأَنْاءِ وَ حَسْبِيسُ عَيْشٍ كَالْمَرَعَى الْوَبِيلِ. أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتْنَاهُنَّ عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُجْتَبَأً فَأَيُّ لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا؛ عَقِبَةُ بْنُ أَبِي الْعِيزَارِ كَقَوْلِهِ: حَسِينٌ (ع) فِي مَنْطِقِهِ «ذِي

این است که معروف را اقامه کند و منکر را از بین ببرد، انحرافات همه از منکرات است، جز خط مستقیم توحید هر چه هست منکرات است، اینها باید از بین برود و ما که تابع حضرت سیدالشهداء هستیم باید ببینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشت، قیامش، انگیزه‌اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود. من جمله قضیه حکومت عدل، جور، حکومت جور باید از بین برود. (۴۴۲)

از بین بردن
حکومت جور

۶۷/۱/۱

* * *

سیدالشهداء - سلام الله علیه - که همه عمرش را و همه زندگی‌اش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومتها در دنیا ایجاد کردند، تمام عمرش را صرف این کرد و تمام زندگی‌اش را صرف این کرد که این حکومت، حکومت جور بسته بشود و از بین برود....

تشکیل حکومت
عدل

سیدالشهداء - سلام الله علیه - تمام حیثیت خودش، جان خودش را و بسچه‌هایش را، همه چیز را در صورتی که می‌دانست قضیه اینطور می‌شود، کسی که فرمایشات ایشان را از وقتی که از مدینه بیرون آمدند و به مکه آمدند و از مکه آمدند بیرون حرفهای ایشان را می‌شنود همه را، می‌بیند که ایشان متوجه بوده است که چه دارد می‌کند، این جور نبود که

→ «حسم» برپای خاست پس خدا را شکر گزارد و او را ستود. سپس گفت: چیزی پیش آمد که می‌بینید و به درستی که دنیا دگرگون و عوض شده است و نیکبهای آن پشت کرده‌اند... پس، از آن جز اندکی آب چون ته مانده‌ای در ظرفی، و زندگی پستی چون چراگاهی بسیار بد، به جای نمانده است. آیا نمی‌بینید که حق به کار بسته نمی‌شود و از باطل بازداری نمی‌شود. حقا که مؤمن باید ملاقات با خدا را (به عوض این زندگی) بخواهد. پس براستی که من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز رنجش و انزجار نمی‌بینم؛ «تحف العقول»؛ ص ۲۴۹.

آمده است بسببند که، بلکه آمده بود حکومت هم می‌خواست بگیرد، اصلاً برای این معنا آمده بود و این یک فخری است و آنهایی که خیال می‌کنند که حضرت سیدالشهداء برای حکومت نیامده، خیر؛ اینها برای حکومت آمدند، برای اینکه باید حکومت دست مثل سیدالشهداء باشد، مثل کسانی که شیعه سیدالشهداء هستند باشد. (۴۴۳)

۶۷/۱/۱

* * *

آن حضرت در فکر آینده اسلام و مسلمین بود. به خاطر اینکه اسلام در آینده و در نتیجه جهاد مقدس و فداکاری او در میان انسانها نشر پیدا کند و نظام سیاسی و نظام اجتماعی آن در جامعه‌ها برقرار شود، مخالفت نمود؛ مبارزه کرد؛ و فداکاری کرد. (۴۴۴)

تأمین آینده اسلام

* * *

انتخاب آگاهانه شهدای کربلا

حضرت علی بن الحسین - سلام الله علیه - در آن بحبوحه که بود و چه می‌شد، راجع به اینکه همه حاصل مُقَدَّر است که باید کشته بشوید، اینطور نقل می‌کنند اهل منبر که عرض کرد به امام - علیه السلام - که أَوْلَسْنَا عَلَي الْحَقِّ؟ ما بحق نیستیم؟ فرمود: چرا. گفت: پس چرا بترسیم از مُردن: فَيَا ذَا لَأُنْبِئَالِي بِالْمَوْتِ. وقتی

چرا بترسیم؟

ما بحقیقیم.^۱ (۴۴۵)

۵۸/۶/۱۳

* * *

سیدالشهداء در همان ظهر عاشورا که جنگ بود و آن جنگ بزرگ بود، و همه در معرض خطر بودند، وقتی یکی از اصحاب گفت: **جنگ برای اقامه نماز** ظهر شده است، فرمود که یاد من آوردید یاد آوردید نماز را و خدا تو را از نمازگزاران حساب کند، و ایستاد همان جا نماز خواند. **نماز** نگفت که ما می خواهیم جنگ بکنیم. خیر، جنگ را برای نماز کردند.^۲ (۴۴۶)

۵۹/۳/۱۴

* * *

هر چه روز عاشورا سیدالشهداء - سلام الله علیه - به شهادت نزدیکتر می شد، افروخته تر می شد. جوانان او مسابقه می کردند برای اینکه شهید بشوند. همه هم می دانستند که بعد از چند ساعت دیگر شهیدند. مسابقه می کردند آنها؛ برای اینکه آنها می فهمیدند کجا می روند، آنها می فهمیدند برای چه آمده اند. آگاه بودند که ما آمده ایم ادای وظیفه خدایی را بکنیم، آمدیم اسلام را

۱. تاریخ طبری؛ ج ۴، ص ۳۰۸.

۲. ابو ثمامه صائدی چون دید اصحاب امام حسین (ع) یکی پس از دیگری به شهادت می رسند به ایشان گفت: «ای اباعبدالله، جانم به فدایت، می بینم که اینان به شما نزدیک شده اند و به خداوند سوگند، نه، کشته نخواهی شد مگر آنکه پیش از تو کشته شوم - ان شاء الله - و دوست دارم در حالی پروردگارم را ببینم که این نمازی را که هنگامش رسیده است خوانده باشم. راوی می گوید: پس حسین (ع) سر بلند نمود و فرمود: ذَكَرْتُ الصَّلَاةَ جَعَلَكَ اللهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الذَّاكِرِينَ. نَعَمْ هَذَا أَوَّلُ وَقْتِهَا. ثُمَّ قَالَ: سَلُّوهُمْ أَنْ يَكْفُوا عَنَّا حَتَّى نُصَلِّيَ؛ نماز را به یاد آوردی؛ خداوند تو را از جمله نمازگزاران ذاکر قرار دهد. آری این اول وقت نماز است. سپس فرمود: از آن لشکریان بخواهید دست نگه دارند تا نماز بخوانیم؛ تاریخ طبری؛ ج ۴، ص ۳۳۴.

حفظ بکنیم. (۴۴۷)

۶۰/۴/۱۰

* * *

هر شهیدی امام را
مصمم تر می کرد
جوانان رزمنده و شجاع ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح پیروان
شهید جاویدی هستند که تاریخ می گوید هر یک از جوانان و یاران
او که به شهادت می رسیدند، رخسار مبارکش افروخته تر و آثار
شجاعت و تصمیم در او بارزتر می گردید. (۴۴۸)

۶۰/۷/۸

* * *

هر چه به شهادت
نزدیک می شد
برافروخته تر می شد
می بینید که در بعض روایات هست که حسین بن علی - سلام الله
علیه - هر چه به ظهر عاشورا نزدیکتر می شد افروخته تر می شد،
رویش افروخته تر می شد^۱ برای اینکه می دید که جهاد در راه
خداست و برای خداست و چون جهاد برای خداست، عزیزانی
که از دست می دهد از دست نداده است، اینها ذخایری هستند
برای عالم بقا. (۴۴۹)

۶۲/۲/۴

* * *

۱. «قال علی بن الحسین (ع) وَلَمَّا اشْتَدَّ الْأَمْرُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ نَظَرَ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ مَعَهُ فَإِذَا هُوَ بِخِلَافِهِمْ لَأَنَّهُمْ كُلَّمَا اشْتَدَّ الْأَمْرُ تَغَيَّرَتْ أَلْوَانُهُمْ وَارْتَعَدَتْ فَرَائِصُهُمْ وَوَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَكَانَ الْحُسَيْنُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَبَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خَصَائِصِهِ تُشْرِقُ أَلْوَانُهُمْ وَتَهْدِي جَوَارِحَهُمْ وَتَسْكُنُ نُفُوسَهُمْ؛ حضرت سجاد (ع) فرمود: چون کار بر حسین بن علی بن ابیطالب دشوار شد، همراهانش به او نگریستند و ناگاه دریافتند که او بر حالی دیگر است. زیرا هر چه کار دشوارتر می شد رنگ آنان دگرگون می گشت و اندامشان می لرزید و ترس دلهاشان را فرا می گرفت. در حالی که روی حسین - علیه السلام - و برخی نزدیکانش می درخشید و اندامشان آرام می گشت و دلهاشان قرار می گرفت؛ بحارالانوار؛ ج ۴۴، ص ۲۹۷.

رضای خدا را در نظر داشته باشید و خودتان را بنده خدا بدانید که هر طور پیش بیاورد آن طور را راضی هستید، همان طوری که بندگان خالص خدا، اولیای معظم خدا اینطور بودند. هر چه برای سیدالشهداء - به حسب روایت - نزدیک می شد ظهر عاشورا و جوانهایش یکی یکی از بین می رفتند، صورتش افروخته تر می شد. برای اینکه می دید روی مقصد دارد می رود. (۴۵۰)

۶۳/۳/۹

* * *

در خبر شهادت حضرت سیدالشهداء، علیه السلام، وارد است که حضرت رسول (ص) را در خواب دید. حضرت فرمود به آن مظلوم که از برای تو درجه ای است در بهشت؛ نمی رسی به آن مگر به شهادت. (۴۵۱)

* * *

نتایج و آثار قیام اباعبدالله (ع)

نتایج اسلام و عدالت سیدالشهداء نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود و با فداکاری و خون خود و عزیزان خود، اسلام و عدالت را نجات داد و دستگاه

۱. «فَجَاءَهُ النَّبِيُّ وَ هُوَ فِي مَنَامِهِ فَأَخَذَ الْحُسَيْنَ وَ ضَمَّهُ إِلَى صَدْرِهِ وَ جَعَلَ يُقَبِّلُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ يَقُولُ: يَا بَنِي أُمَّتِكَ كَأَنَّي أَرَاكَ مُرْمَلًا بِدَمِكَ بَيْنَ عَضَابَةِ مَنْ هَذِهِ الْأُمَّةُ يَرْجُونَ شَفَاعَتِي مَا لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ خَلَاقٍ. يَا بَنِيَّ إِنَّكَ قَادِمٌ عَلَيَّ أَيْبَكِ وَ أَمِيكَ وَ أَخِيكَ وَ هُمْ مُشْتَاقُونَ إِلَيْكَ وَ أَنْ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَاتٍ لَا تَنَالُهَا إِلَّا بِالشَّهَادَةِ؛ پس پیامبر نزد وی آمد - و او در خواب بود - حسین را گرفت و بر سینه خود نهاد و میان دو چشم او بوسه داد و فرمود: پدرم فدای تو باد. چنان است که می بینم گروهی از این امت که به شفاعت من امید بسته اند در خونت بغلطانند؛ گروهی که نزد خدا بهره ای از شفاعت ندارند. فرزندم تو بر پدر و مادر و برادرت وارد گردی در حالی که آنها مشتاقند به دیدار تو. به تحقیق تو را در بهشت درجاتی است که بدان نرسی مگر به شهادت. (امام ابن رُویا را هنگام خروج از مدینه در کنار قبر پیامبر مشاهده فرموده بود؛ بحار الانوار؛ ج ۴۴، ص ۳۱۳، باب ۳۷.

بنی امیه را محکوم و پایه‌های آن را فرو ریخت. (۴۵۲)

۵۷/۱۰/۶

* * *

سیدالشهداء - سلام الله علیه - کشته شد، شکست خورد لکن بنی امیه را همچو شکست که تا آخر نتوانستند دیگر کاری بکنند؛ همچو این خون، آن شمشیرها را عقب زد که تا الآن هم که ملاحظه می‌کنید باز پیروزی با سیدالشهداست و شکست با یزید و اتباع اوست. (۴۵۳)

بنی امیه را شکست

۵۷/۱۱/۱۹

* * *

سیدالشهداء - سلام الله علیه - با چند نفر از اصحاب، چند نفر از ارحامشان، از مخدّراتشان قیام کردند. چون قیام الله بود، اساس سلطنت آن خبیث را به هم شکستند. در صورت ایشان کشته شدند لکن اساس سلطنت را، اساس سلطنتی که می‌خواست اسلام را به صورت سلطنت طاغوتی درآورد. (۴۵۴)

سلطنت یزید را
شکست

۵۸/۳/۸

* * *

اسلام همچو عزیز است که فرزندان پیغمبر جان خودشان را فدای اسلام کردند. حضرت سیدالشهداء - سلام الله علیه - با آن جوانها، با آن اصحاب، برای اسلام جنگیدند و جان دادند و اسلام را احیا کردند. (۴۵۵)

اسلام را احیا
کردند

۵۸/۳/۲۴

* * *

مکتب را زنده کرد
ائمه اطهار اکثراً یا کشته شدند یا [مسموم] شدند؛ لکن مکتبشان محفوظ بود. کشته شد، مکتبش محفوظ بود. بلکه مکتب را زنده کرد. با این کشته شدن مکتب را زنده کرد. (۴۵۶)

۵۸/۴/۷

* * *

ممانعت از معرفی
وارونه اسلام
اگر فداکاری پاسدار عظیم الشان اسلام و شهادت جوانمردانه پاسداران بزرگ و اصحاب فداکار او نبود، اسلام در خفقان بنی امیه و رژیم ظالمانه آنان وارونه معرفی می شد، و زحمات نبی اکرم -صلی الله علیه و آله- و اصحاب فداکارش هدر می رفت. (۴۵۷)

۵۸/۴/۶

* * *

پیشبرد مکتب
چنانکه اولیای حق هم بسیاری شان مغلوب شدند، لکن مکتب محفوظ بود؛ سیدالشهداء -سلام الله علیه- با همه اصحاب و عشیره اش قتل عام شدند، لکن مکتبشان را جلو بردند؛ شکست در مکتب نبود پیشروی بود؛ یعنی بنی امیه را تا ابد شکست داد قتل سیدالشهداء؛ یعنی آن اسلامی که بنی امیه می خواست بد نمایش بدهد و با ادعای خلافت برخلاف همه موازین انسانی عمل بکند، آن را سیدالشهداء -سلام الله علیه- با نثار خون خودشان آن رژیم را، رژیم فاسد را، شکست داد، ولو مقتول شد. (۴۵۸)

۵۸/۴/۱۲

* * *

شهادت حضرت سیدالشهداء مکتب را زنده کرد. خودش شهید شد، مکتب اسلام زنده شد؛ و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد... شهادت سیدالشهداء چیزی نبود که برای اسلام ضرر داشته باشد؛ نفع داشت برای اسلام؛ اسلام را زنده کرد. (۴۵۹)

۵۸/۴/۱۳

* * *

مبارزه حضرت سیدالشهداء - سلام الله علیه - با دولت وقت که دولت طاغوتی بود. شهادت سیدالشهداء به اسلام هیچ لطمه‌ای وارد نیاورد، اسلام را جلو برد. اگر نبود شهادت ایشان، معاویه و پسرش اسلام را یک جور دیگری در دنیا جلوه داده بودند، به اسم خلیفه رسول الله؛ با رفتن در مسجد؛ اقامه جمعه و امام جمعه بودن؛ اقامه جماعت و امام جماعت بودن. اسم، اسم خلافت رسول الله و حکومت، حکومت اسلام؛ لکن محتوا برخلاف، نه حکومت، حکومت اسلامی بود به حسب محتوا؛ و نه حاکم حاکم اسلامی. سیدالشهداء - سلام الله علیه - این نقشی که اینها داشتند برای برگرداندن اسلام به جاهلیت و نمایش دادن اسلام به اینکه این هم نظیر همان چیزهای سابق است، آن را باطل کرد. (۴۶۰)

۵۸/۴/۱۵

* * *

اگر سیدالشهداء نبود، این رژیم طاغوتی را اینها تقویت می‌کردند؛ به جاهلیت برمی‌گرداندند. اگر حالا من و تو هم مسلم بودیم، مسلم طاغوتی بودیم! نه مسلم امام حسینی. امام حسین نجات

رژیم بنی‌امیه را
دفن کرد

باطل کردن نقشه
دشمن

نجات اسلام

داد اسلام را. (۴۶۱)

۵۸/۴/۱۷

* * *

اولیای خدا هم شکست می خوردند. حضرت امیر در جنگ معاویه شکست خورد، این حرف ندارد، شکست خورد. امام حسین - سلام الله علیه - هم در جنگ با یزید شکست خورد و کشته شد. اما به حسب واقع پیروز شدند آنها. شکست ظاهری، و پیروزی واقعی بود. (۴۶۲)

پیروزی واقعی

۵۸/۶/۱۳

* * *

اسلام را تا حالایی که شما می بینید، اینجا ما نشسته ایم، سیدالشهداء زنده نگه داشته است. (۴۶۳)

استمرار حیات
اسلام

۵۸/۷/۳۰

* * *

سیدالشهداء - سلام الله علیه - مذهب را بیمه کرد. با عمل خودش اسلام را بیمه کرد. (۴۶۴)

اسلام را بیمه کرد

۵۸/۸/۲۹

* * *

کسی که برای خدا کار می کند شکست تویش نیست ولو کشته بشویم شکست نداریم. حضرت سیدالشهداء هم کشته شد لکن شکست خورد؟ الآن بیرق او بلند است و یزیدی تو

بیرق یزید را افکند

کار نیست. (۴۶۵)

۵۸/۱۰/۹

* * *

حضرت سیدالشهداء هم شکست خورد و کشته شد. اما پیروزی نهایی را داشتند آنها. مکتبشان شکست نخورد با کشته دادن. دشمنشان را عقب زدند. معاویه و بساط معاویه را که می خواست اسلام را به صورت یک امپراتوری درآورد [و] برگرداند به زمان جاهلیت، و آن اوضاع جاهلیت، شکستش دادند. یزید و اتباع یزید دفن شدند تا ابد، و لعن مردم بر آنهاست تا ابد، لعن خدا هم بر آنهاست و آنها خودشان محفوظ بودند. (۴۶۶)

یزیدیان دفن شدند

۵۸/۱۰/۱۰

* * *

شخصیت عظیمی که از عصاره وحی الهی تغذیه و در خاندان سید زُسل محمد مصطفی و سید اولیا علی مرتضی، تربیت و در دامن صدیقه طاهره، بزرگ شده بود قیام کرد و با فداکاری بی نظیر و نهضت الهی خود، واقعه بزرگی را به وجود آورد که کاخ ستمکاران را فرو ریخت و مکتب اسلام را نجات بخشید. (۴۶۷)

کاخ ستمکاران را
فرو ریخت

۵۹/۳/۲۶

* * *

أنا من حُسَيْنِ که روایت شده است که پیغمبر فرموده است،^۱ این

۱. رَوَى سَعِيدُ بْنُ رَاشِدٍ عَنْ يَعْلَى بْنِ مَرَّةَ قَالَ وَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - يَقُولُ: حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ. أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا. حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ؛ سعيد بن راشد از يعلى بن مرّة روایت کرد که گفت: ←

معنایش، معنا این است که حسین مال من است و من هم از او زنده می شوم. از او [نقل] شده است. اینهمه برکات از شهادت ایشان است، با اینکه دشمن می خواست آثار را از بین ببرد؛ آنها درصدد بودند که اصل بنی هاشمی در کار نباشد. «لَعِبَتِ هَاشِمٌ بِالْكَذَا»^۱ این حرف بود. آنها می خواستند اصل اسلام را ببرند و یک مملکت عربی درست کنند. (۴۶۸)

برکات شهادت امام
حسین (ع)

۵۹/۸/۱۴

* * *

شهادت سید مظلومان و هواخواهان قرآن در عاشورا، سرآغاز زندگی جاوید اسلام و حیات ابدی قرآن کریم بود، آن شهادت مظلومانه و اسارت آل الله، تخت و تاج یزیدیان را که با اسم اسلام، اساس وحی را به خیال خام خود می خواستند محو کنند، برای همیشه به باد فنا سپرد و آن جریان، سُفیانیان را از صحنه تاریخ به کنار زد. (۴۶۹)

سفیانیان را از
صحنه تاریخ راند

۶۰/۳/۱۵

* * *

اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر نبود، بعثت و زحمات جانفرسای نبی اکرم را طاغوتیان آن زمان به نابودی کشانده بودند. و اگر عاشورا نبود، منطق جاهلیت ابوسفیانیان که می خواستند قلم سرخ بر وحی و کتاب بکشند و یزید یادگار عصر تاریک بت پرستی که به گمان خود با کشتن و به شهادت کشیدن فرزندان

قرآن و وحی را
جاوید ساخت

→ از پیامبر خدا(ص) شنیدم که می فرمود: حسین از من است و من از حسین. خداوند دوست دارد هر آنکه حسین را دوست داشته است. حسین یکی از اسباط است؛ ارشاد؛ شیخ مفید؛ ص ۲۳۳.
۱. ← صفحه ۲۳۵، پاورقی ۱.

وحی امید داشت اساس اسلام را برچیند و با صراحت و اعلام «لاخبر جاء ولا وحی نزل» بنیاد حکومت الهی را برکند. نمی دانستیم به سر قرآن کریم و اسلام عزیز چه می آمد. لکن اراده خداوند متعال بر آن بوده و هست که اسلام رهایی بخش و قرآن هدایت افروز را جاوید نگه دارد و با خون شهیدانی چون فرزندان وحی احیا و پشتیبانی فرماید و از آسیب دهر نگه دارد و حسین بن علی آن عصاره نبوت و یادگار ولایت را برانگیزد، تا جان خود و عزیزانش را فدای عقیدت خویش و امت معظم پیامبر اکرم نماید، تا در امتداد تاریخ، خون پاک او بجوشد و دین خدا را آبیاری فرماید و از وحی و از رهاوردهای آن پاسداری نماید. (۴۷۰)

۶۰/۳/۱۶

* * *

امام حسین - سلام الله علیه - خود و تمام فرزندان و اقربای خودش را فدا کرد و پس از شهادت او، اسلام قویتر شد. (۴۷۱)

۶۰/۶/۹

* * *

سیدالشهداء بحق بود و با عده قلیلی مقابله کرد و در عین حالی که به شهادت رسید و فرزندان او هم به شهادت رسیدند، لکن اسلام را زنده کرد و یزید و بنی امیه را رسوا کرد. (۴۷۲)

۶۰/۱۲/۱۸

* * *

با شهادت
حسین (ع) اسلام
نوین شد

بنی امیه را رسوا
کرد

آن روز یزیدیان با دست جنایتکاران گور خود را کردند و تا ابد هلاکت خویش و رژیم ستمگر جنایتکار خویش را به ثبت رساندند، و در ۱۵ خرداد ۴۲ پهلویان و هواداران و سردمداران جنایتکارشان با دست ستمشاهی خود گور خود را کردند و سقوط و ننگ ابدی را برای خویش به جا گذاشتند، که ملت عظیم الشان ایران بحمدالله تعالی با قدرت و پیروزی برگور آتشبار آنان لعنت می فرستد. (۴۷۳) ۶۱/۳/۱۵

گور یزیدیان کنده شد

* * *

اگر نبود این نهضت؛ نهضت حسین - علیه السلام - یزید و اتباع یزید اسلام را وارونه به مردم نشان می دادند. و از اول، اینها اعتقاد به اسلام نداشتند و نسبت به اولیای اسلام حقد و حسد داشتند. سیدالشهداء با این فداکاری که کرد، علاوه بر اینکه آنها را به شکست رساند و اندکی که گذشت، مردم متوجه شدند که چه غائله‌ای و چه مصیبتی وارد شد. و همین مصیبت موجب به هم خوردن اوضاع بنی امیه شد. (۴۷۴)

اسلام را وارونه نشان دادند

۶۱/۷/۲۵

* * *

اگر قیام حضرت سیدالشهداء - سلام الله علیه - نبود، امروز هم ما نمی توانستیم پیروز بشویم. (۴۷۵)

تدارک نهضت‌های حق طلبانه در اسلام

۶۱/۷/۲۵

* * *

وقتی که آمد مکه و از مکه در آن حال بیرون رفت، یک

حرکت سیاسی بزرگی بود که در یک وقتی که همه مردم دارند به مکه می‌روند، ایشان از مکه خارج بشود. این یک حرکت سیاسی بود، تمام حرکاتش، حرکات سیاسی بود؛ اسلامی - سیاسی، و این حرکت اسلامی - سیاسی بود که بنی امیه را از بین برد، و اگر این حرکت نبود، اسلام پایمال شده بود. (۴۷۶)

حرکت سیاسی
امام حسین (ع)

۶۲/۷/۱۳

* * *

قیام عاشورا اسوه آزادگان

ناراحت و نگران نشوید، مضطرب نگردید، ترس و هراس را از خود دور کنید. شما پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصایب و فجایع صبر و استقامت کردند، که آنچه ما امروز می‌بینیم نسبت به آن چیزی نیست. پیشوایان بزرگوار ما، حوادثی چون روز عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشته‌اند و در راه دین خدا یک چنان مصایبی را تحمل کرده‌اند. شما امروز چه می‌گویید؟ از چه می‌ترسید؟ برای چه مضطربید؟ عیب است برای کسانی که ادعای پیروی از حضرت امیر - علیه السلام - و امام حسین - علیه السلام - را دارند، در برابر این نوع اعمال رسوا و فضاحت‌آمیز دستگاه حاکمه، خود را بیازند. (۴۷۷)

مصایب ما در
مقایسه با حوادث
عاشورا چیزی
نیست

۴۲/۱/۲

* * *

نهضت ۱۲ محرم (۱۵ خرداد) در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که

مردانی مجاهد و بیدار و فداکار تحویل جامعه داد که با تحرک و فداکاری روزگار را بر ستمکاران و خائنان سیاه نمودند، و ملت بزرگ را چنان هوشیار و متحرک و پیوسته کرد که خواب را از چشم بیگانه و بیگانه‌پرستان ربود و حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و بازارها را به صورت دژ مدافع از عدالتخواهی و از اسلام و مذهب مقدس در آورد. (۴۷۸)

نهضت ما به پیروی
از نهضت حسینی
بود

۵۶/۱۱/۲

* * *

سیدالشهداء - سلام الله علیه - وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی، جائری، در بین مردم دارد حکومت می‌کند، تصریح می‌کند حضرت که اگر کسی ببیند که یک حاکم جائری در بین مردم حکومت می‌کند، ظلم دارد به مردم می‌کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند هر قدر که می‌تواند؛ با چند نفر، با چندین نفر... مگر خون ما رنگینتر از خون سیدالشهداست؟ ما چرا بترسیم از اینکه خون بدهیم یا از اینکه جان می‌دهیم؟ آنها هم در... سلطان جائری که می‌گفت: مسلمانم، مسلمانم یزید هم مثل مسلمانان شاه بود؛ اگر بهتر نبود بدتر نبود لکن چون با ملت آنطور می‌کرد و مردی بود متعدی و ظالم، و ملت را می‌خواست زیر بار اطاعت خودش بی‌جهت ببرد، سیدالشهداء لازم می‌بیند که سلطان جائر را سراغش برود ولو اینکه جان بدهد. (۴۷۹)

مگر خون ما
رنگین تر از خون
سیدالشهداست

۵۷/۸/۳

* * *

امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین

حکومت جائزانه می‌کند، در مقابل او اگر چه قوای شما ناهماهنگ باشد بپاخیزید و استنکار کنید و اگر کیان اسلام را در خطر دیدید، فداکاری کنید و خون نثار نمایید. (۴۸۰)

۵۷/۹/۱

امام حسین (ع)
قیام علیه حکومت
جائزانه را به ما
آموخت

* * *

امروز مطلب مهم است. از مهماتی است که جان باید پایش داد. همان مهمی است که سیدالشهداء جانش را داد برایش، همان مهمی است که پیغمبر اسلام بیست و سه سال زحمت برایش کشید، همان مهمی است که حضرت امیر - سلام الله علیه - هجده ماه با معاویه جنگ کرد در صورتی که معاویه دعوی اسلام می‌کرد... برای اینکه یک سلطان جائز بود، برای اینکه یک دستگاه جائز بود، باید به زمینش بزند. آنقدر از اصحاب بزرگوارش را به کشتن داد، آنقدر از آنها را هم کشت؛ برای چه؟ برای اینکه اقامه حق بکند، اقامه عدل بکند. (۴۸۱)

۵۷/۱۱/۱۳

مسأله ما همان
است که
سیدالشهداء بر سر
آن جان فدا کرد

* * *

ما که از سیدالشهداء بالاتر نیستیم؛ آن وظیفه‌اش را عمل کرد، کشته هم شد؛ ما هم وظیفه‌مان را عمل می‌کنیم. (۴۸۲)

۵۸/۱/۲۹

ما که از سیدالشهداء
بالاتر نیستیم

* * *

خاطره تلخ ۱۷ شهریور ۵۷ و خاطره تلخ روزهای بزرگی که بر امت گذشت میوه شیرین سرنگونی کاخهای استبداد و استکبار و

جایگزینی پرچم جمهوری عدل اسلامی را به بار آورد. مگر نه آن است که دستور آموزنده «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» باید سرمشق امت اسلامی باشد. قیام همگانی در هر روز و در هر سرزمین، عاشورا قیام عدالتخواهان، با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ، در مقابل ستمگران کاخ‌نشین و مستکبران غارتگر بود و دستور آن است که این برنامه سرلوحه زندگی است در هر روز و در هر سرزمین. روزهایی که بر ما گذشت عاشورای مکرر بود و میدانها و خیابانها و کوی و برزنهایی که خون فرزندان اسلام در آن ریخت، کربلای مکرر. و این دستور آموزنده، تکلیفی است و مژده‌ای. تکلیف از آن جهت که مستضعفان، اگر چه با عده‌ای قلیل، علیه مستکبران، گرچه با ساز و برگ مجهز و قدرت شیطانی عظیم، مأمورند چونان سرور شهیدان قیام کنند. و مژده که شهیدان ما را در شمار شهیدان کربلا قرار داده است؛ و مژده که شهادت رمز پیروزی است. ۱۷ شهریور، مکرر عاشورا و میدان شهدا، مکرر کربلا و شهدای ما، مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما، مکرر یزید و وابستگان او هستند. کربلا کاخ ستمگری را با خون درهم کوبید؛ و کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را فرو ریخت. اکنون وقت آن است که ما که وارثان این خونها هستیم و بازماندگان جوانان و شهدای به خون خفته هستیم از پای ننشینیم تا فداکاری آنان را به ثمر برسانیم و با اراده مصمم و مشت محکم، بقایای رژیم ستمکار و توطئه‌گران جیره‌خوار شرق و غرب را در زیر پای شهدای فضیلت دفن کنیم. (۴۸۳)

شعار کل یوم
عاشورا سرمشق
امت ماست

این کلمه «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ» یک کلمه بزرگی است که اشتباهی می‌فهمند. آنها خیال می‌کنند که یعنی هر روز باید گریه کرد! لکن این محتوایش غیر از این است. کربلا چه کرد، ارض کربلا در روز عاشورا چه نقشی را بازی کرد، همه زمینها باید آنطور باشند. نقش کربلا این بود که سیدالشهداء - سلام الله علیه - با چند نفر جمعیت و عدد معدود، آمدند کربلا و ایستادند در مقابل ظلم یزید و در مقابل دولت جبار. در مقابل امپراتور زمان ایستادند و فداکاری کردند و کشته شدند، لکن ظلم را قبول نکردند، و شکست دادند یزید را. همه جا باید اینطور باشد. همه روز هم باید اینطور باشد. همه روز باید ملت ما این معنا را داشته باشد که امروز روز عاشوراست و ما باید مقابل ظلم بایستیم؛ و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم، انحصار به یک زمین نداشته؛ انحصار به یک افراد نداشته. قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت هفتاد و چند نفری و یک زمین کربلا نبوده. همه زمینها باید این نقشه را اجرا کنند، و همه روزها غفلت نکنند. ملتها باید غفلت نکنند از اینکه همیشه باید مقابل ظلم باشند. (۴۸۴)

۵۸/۷/۴

* * *

دستور است برای همه: كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا؛ وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید، همان برنامه را. امام حسین با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد؛ مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت؛ هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند. (۴۸۵)

۵۸/۷/۳۰

همه سرزمینها
کربلاست

نه گفتن در مقابل
امپراتوری ظالمانه
باید محفوظ بماند

شهادت طلبان ما
خاطره شب
عاشورا را زنده
می‌کنند

اکنون ملت ما دریافته است که: «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا». مجالس حال و دعای اینان شب عاشوراهاى اصحاب سیدالشهداء را در دل زنده می‌کند. (۴۸۶)

۶۱/۱/۱۰

* * *

اگر عاشورا نبود
نهضت ۱۵ خرداد
هم نبود

ملت عظیم‌الشان در سالروز شوم این فاجعه انفجار آمیزی که مصادف با ۱۵ خرداد ۴۲ بود با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده را به بار آورد. اگر عاشورا و گرمی و شور انفجاری آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می‌شد. واقعه عظیم عاشورا از ۶۱ هجری تا خرداد ۶۱ و از آن تا قیام عالمی بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - در هر مقطع انقلاب ساز است. (۴۸۷)

۶۱/۳/۱۵

* * *

سیدالشهداء
آموخت به ما که از
قلت عدد نترسیم

حضرت سیدالشهداء - سلام الله علیه - به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائر چه باید کرد. با اینکه از اول می‌دانست که در این راه که می‌رود، راهی است که باید همه اصحاب خودش و خانواده خودش را فدا کند و این عزیزان اسلام را برای اسلام قربانی کند، لکن عاقبتش را هم می‌دانست... علاوه بر این، در طول تاریخ آموخت به همه که راه همین است. از قلت عدد نترسید، عدد، کار پیش نمی‌برد، کیفیت اعداد، کیفیت جهاد، اعدای مقابل اعدا، آن است که کار را پیش می‌برد. افراد ممکن است خیلی زیاد باشند، لکن در کیفیت ناقص باشند یا پوچ. و افراد ممکن است کم باشند، لکن در کیفیت

توانا باشند و سرافراز. (۴۸۸)

۶۱/۷/۲۵

* * *

سیدالشهداء و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را: فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان. همان مقداری که فداکاری حضرت ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین - سلام الله علیه - کمک کرده است، خطبه‌های حضرت سجاد و حضرت زینب هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است. آنها به ما فهماندند که در مقابل جائر، در مقابل حکومت جور، نباید زنها بترسند و نباید مردها بترسند. در مقابل یزید، حضرت زینب - سلام الله علیها - ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی‌امیه در عمرشان همچو تحقیری نشنیده بودند،^۱ و صحبت‌هایی که در بین راه و در کوفه و در شام و اینها کردند و منبری که حضرت سجاد - سلام الله علیه - رفت^۲ و واضح کرد به اینکه قضیه، قضیهٔ مقابلهٔ غیر حق با حق نیست؛ یعنی، ما را بد معرفی کرده‌اند؛ سیدالشهداء را می‌خواستند معرفی کنند که یک آدمی است که در مقابل حکومت وقت، خلیفهٔ رسول الله ایستاده است. حضرت سجاد این مطلب را در حضور جمع فاش کرد و حضرت زینب هم... تکلیف ماها را حضرت سیدالشهداء معلوم کرده است: در میدان جنگ از قلت عدد نترسید، از شهادت نترسید.

هر مقدار که عظمت داشته باشد مقصود و ایدهٔ انسان، به همان

فداکاری در میدان
و تبلیغ در خارج
میدان را به ما
آموختند

۱. ر.ک. اللهورف علی قتل الطفوف؛ سیدبن طاوس؛ ص ۱۸۱؛ همچنین با اندکی تفاوت در احتجاج؛ ابومنصور طبرسی؛ ج ۲، ص ۳۴-۳۶.

۲. ر.ک. کامل بهایی؛ عمادالدین طبری؛ ص ۳۰۰-۳۰۱.

مقدار باید تحمل زحمت بکند... ..

حضرت سیدالشهداء از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان وضع چه جور باشد و باید آنهایی که اهل مبارزه مسلحانه هستند چه جور مبارزه بکنند، و باید آنهایی که در پشت جبهه هستند چگونه تبلیغ بکنند. کیفیت مبارزه را، کیفیت اینکه مبارزه بین یک جمعیت کم با جمعیت زیاد باید چگونه باشد، کیفیت اینکه قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد، با یک عده معدود باید چگونه باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهداء به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزند عالیقدر او هم فهماند که بعد از اینکه آن مصیبت واقع شد، باید چه کرد. باید تسلیم شد؟ باید تخفیف در مجاهده قائل شد؟ یا باید همانطوری که زینب - سلام الله علیها - در دنباله آن مصیبت بزرگی که **ثُمَّ تَرَى عِنْدَهُ الْمُضَائِبَ**^۱، ایستاد و در مقابل کفر و در مقابل زندقه صحبت کرد و هر جا موقع شد، مطلب را بیان کرد و حضرت علی بن الحسین - سلام الله علیه - با آن حال نگاهت، آنطوری که شایسته است تبلیغ کرد. (۴۸۹)

۶۱/۷/۲۵

* * *

الآن هم می بینید که در جبهه ها وقتی که نشان می دهند آنها را، همه با عشق امام حسین است که دارند جبهه ها را گرم نگه می دارند. (۴۹۰)

جبهه های ما با
عشق امام حسین
گرم است

۶۱/۷/۲۵

۱. مصیبت های دیگر در کنار آن کوچکنند.

امام حسین - علیه السلام - با خون خود اسلام را زنده کرده، شما به تبعیت از او انقلاب و اسلام را ضمانت نمایید. (۴۹۱)

۶۲/۲/۲۶

به تبعیت از امام
حسین انقلاب را
ضمانت نمایم

* * *

ما در عین حالی که جوانهای بسیار لایق خودمان را، مردان کاردان خودمان را از دست دادیم، لکن آن چیزی که به دست آوردیم ارزشش بیشتر از این معانی است. آنی است که سیدالشهداء - سلام الله علیه - زن و فرزند خودش را فدای او کرده، آنی است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - زندگانی خودش را در راه او صرف کرد، و ائمه معصومین ما در راه او آن همه رنج دیدند. (۴۹۲)

۶۲/۸/۱

جوانان ما در همان
راه سیدالشهداء فدا
شدند

* * *

فصل پنجم

ایام الله خونبار در انقلاب اسلامی ایران

□ پانزدهم خرداد ۱۳۴۲

□ هفدهم شهریور ۱۳۵۷

□ هفتم تیر ۱۳۶۰

□ هشتم شهریور ۱۳۶۰

□ حج خونین ۱۳۶۶

پانزدهم خرداد ۱۳۴۲

دیروز^۱ خانواده‌های شهدای پانزده خرداد اینجا بودند. چیزی که مرا رنج می‌داد این بود که به من این صحبتها نشده بود تا از حبس آمدم بیرون. عصر همان روز - دفعه اول - جریان را مطلع شدم. کشتار پانزده خرداد از اعمال یک قشون با ملت بیگانه بدتر بود. آنها بچه‌ها را نمی‌کشتند، زنها را نمی‌کشتند. امروز جشن معنی ندارد. تا ملت عمر دارد، غمگین در مصیبت پانزده خرداد است. یکی از اولیای امور، ضمن سخنرانی، گفته بود: پانزده خرداد ننگ ملت ایران است؛ ولی من صحبت او را تکمیل می‌کنم: پانزده خرداد ننگ ملت بود؛ زیرا از پول همین ملت، اسلحه تهیه شده و با این اسلحه مردم را کشتند! (۴۹۳)

تا ملت عمر دارد
غمگین در مصیبت
۱۵ خرداد است

۴۳/۱/۲۱

* * *

قضیه ۱۵ خرداد من مطلع نبودم تا اینکه حبس به حصر تبدیل شد و اخبار خارج به من رسید. خدا می‌داند که مرا اوضاع ۱۵ خرداد

کوبید [گریه شدید حضار]. من حالا که آمدم به اینجا؛ آمده‌ام از قیطره؛ مواجه هستم با یک منظره‌هایی؛ با بچه‌های کوچک بی‌پدر [گریه شدید حضار]، با مادرهای جوان از دست داده، و مادرهای جوان مرده، با زنهای برادر مرده، با پاهای قطع شده [گریه شدید حضار]، با افسردگیها. اینها علامت تمدن آقایان است و ارتجاع ما. افسوس که دست ما از عالم کوتاه است؛ افسوس که صدای ما به عالم نمی‌رسد؛ افسوس که گریه‌های این مادرهای بچه مرده نمی‌رسد به دنیا [گریه شدید حضار]. (۴۹۴)

۴۳/۱/۲۶

* * *

۱۵ خرداد روی دولتها را سیاه کرد. ما نمی‌خواستیم اینقدر روسیاهی بار بیاید. ۱۵ خرداد ننگی بر دامن این مملکت گذاشت که تا آخر محو نخواهد شد. تاریخ ضبط می‌کند این را. خودهاشان هم گفتند که ۱۵ خرداد ننگ بود، من هم می‌گویم ننگ بود، لکن نکته را نگفتند؛ من نکته را می‌گویم. ننگ بود که مسلسلها را، تانکها را، توپها را، تفنگها را از مال این ملت فقیر به دست آوردند و به روی این ملت فقیر بستند؛ پایمال کردند این بیچاره‌ها را. از این ننگ بالاتر آیا می‌شود که انسان، یک ملتی را اینطور پایمال کند؟ این بیچاره‌ها چه کرده بودند آقا آخر؟ چه کرده بودند؟ (۴۹۵)

۴۳/۱/۲۶

* * *

یک سال از فاجعه خونین ۱۲ محرم ۸۳ (۱۵ خرداد ۱۳۴۲) گذشت. یک سال از مرگ فجیع عزیزان ملت سپری شد. یک

۱۵ خرداد مرا

کوبید

۱۵ خرداد روی

رژیم شاه را سیاه

کرد

سال از بی خانمان شدن و بی سرپرست شدن یتیمان بی پدر و زنه‌های بی شوهر و مادران داغ‌دیده گذشت. واقعه ۱۵ خرداد ننگ بزرگی برای هیأت حاکمه به بار آورد. این واقعه فراموش شدن نیست. تاریخ آن را ضبط کرد. آیا ملت مسلمان چه جرمی مرتکب شده بود؟ زنها و اطفال صغیر چه گناهی کرده بودند؟ چرا آنها را به مسلسل بستند؟ علمای اسلام و خطبای مذهبی چه جرمی داشتند؟ گناه آنها دفاع از حق بود؛ دفاع از قرآن کریم بود. به جرم نصایح مشفقانه و صلاح‌اندیشی اهانت شدند، به حبس کشیده شدند، محصور گردیدند، مبتلا به مصایب شدند. (۴۹۶)

واقعه ۱۵ خرداد
ننگ بزرگی بر رژیم
شاه

۴۳/۳/۱۵

* * *

ما از واقعه ۱۲ محرم (۱۵ خرداد) خجالت می‌کشیم. واقعه شوم ۱۵ خرداد و مدارس علمی، فیضیه و غیر آن، پشت ما و هر مسلم غیرتمند را می‌شکند؛ تا هیأت حاکمه چه عقیده داشته باشد! ملت اسلام این مصیبت را فراموش نمی‌کند. ما روز ۱۲ محرم را عزای ملی اعلام می‌کنیم. بگذار ما را مرتجع بخوانند، کهنه‌پرست بدانند. (۴۹۷)

۱۵ خرداد را عزای
عمومی اعلام
می‌کنیم

۴۳/۳/۱۵

* * *

و در زمان شاه فعلی شاهد فجایعی بوده و هستیم که روی چنگیز را سفید کرده؛ شاهد قتل عام فجیع غیر انسانی ۱۵ خرداد (دوازدهم محرم) بودیم که عدد کشتگان آن به قراری که می‌گویند

فاجعه ۱۵ خرداد
روی چنگیز را
سفید کرد

بر پانزده هزار نفر بالغ بود و تعداد زخمیها را خدا می داند. (۴۹۸)

۵۶/۸/۱۳

* * *

سلام و درود بر ملت بزرگ هوشمند ایران که با همهٔ اختناق و فشار، از اسلام عدلپروور و مظلومان و مقتولان در راه دیانت دفاع نمودند. رحمت خداوند بر مقتولین ۱۵ خرداد (دوازده محرم) و ۱۹ دی و (۲۹ محرم) امسال. محرم چه ماه مصیبت‌زا و چه ماه سازنده و کوبنده‌ای است، محرم ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت، تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد و راه فنای ظالم و شکست ستمکار را به فدایی دادن و فداشدن دانست؛ و این خود سرلوحهٔ تعلیمات اسلام است برای ملتها تا آخر دهر.

انقلاب اسلامی

پرتوی از نهضت

۱۵ خرداد است

نهضت ۱۲ محرم (۱۵ خرداد) در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که مردانی مجاهد و بیدار و فداکار تحویل جامعه داد که با تحرک و فداکاری روزگار را بر ستمکاران و خائنان سیاه نمودند، و ملت بزرگ را چنان هوشیار و متحرک و پیوسته کرد که خواب را از چشم بیگانه و بیگانه‌پرستان ربود و حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و بازارها را به صورت دژ مدافع از عدالتخواهی و از اسلام و مذهب مقدس در آورد. نهضت اخیر که پرتوی از نهضت ۱۵ خرداد است و شعاعش در سراسر کشور نور افکنده، خود کوبندگی خاصی دارد که شاه را از خود بیخود کرده و او و دار و دستهٔ چاقوکشش را به تلاش مذبحانه واداشته، جنایات ۲۹ محرم امسال نقطهٔ عطفی است به جنایات شاهانهٔ ۱۲ محرم آن

سال (۴۹۹)

۵۶/۱۱/۲

* * *

۱۵ خرداد نیامده، از قبل از اینکه - چندین روز مانده به ۱۵ خرداد - برای اینکه مبادا در ۱۵ خرداد یک چند نفری ناله کنند و شکایت کنند از کشتاری که در ۱۵ خرداد شد، از جنایاتی که با امر خود شاه - با امر خود شاه - در ۱۵ خرداد شد و خودش فرمانده نیروها بود برای کشتار مردم، برای اینکه مبادا یک ناله ای بکنند مردم، مبادا یک صحبتی بکنند مردم، قبل از اینکه حالا ۱۵ خرداد بیاید، مشغول گرفتن مردم هستند. (۵۰۰)

جنایات ۱۵ خرداد
به فرمان شاه بود

۵۷/۳/۱۰

* * *

ملت ایران نباید ۱۵ خرداد را از یاد ببرند. و نباید هیچ یک از این جنایاتی که از ۱۵ خرداد به این طرف شده است (و جلوترش به دست پدر این شده است) نباید ملت ایران اینها را از یاد ببرد؛ اینها باید سرلوحه قضایای آنها باشد، برای اینکه مبدأ تفکر باشد، باید سران قوم تفکر کنند در این امور؛ ۱۵ خرداد را باید حفظش کنند. می توانند، با جار و جنجال و هیاهو و تظاهرات؛ [اگر] نمی توانند، با مقاومت منفی و بیرون نیامدن از منازل. اگر می بینند که اینها مثل گرگ به جان مردم افتادند و جوانهای آنها را می خواهند بکشند، در منازل بمانند؛ یک روز - تنفر از این رژیم و از این آدم، اعتراضاً بر این آدم - در منزل بمانند؛ اگر [هم] می توانند، تظاهر کنند. اما از یاد نباید برد؛ باید این زنده باشد، و

جنایت ۱۵ خرداد
را از یاد نبرید

ان شاء الله از یاد هم نمی‌برند. (۵۰۱)

۵۷/۳/۱۰

* * *

خدا می‌داند - در مدرسه^۱ که بعد از یکی - دو روز متوجه شدم به این عکسهایی که از جوانهای ما در مدرسه هست، که البته این بعض از آن شهیدان ما هستند، خدا می‌داند که بر قلب من چه می‌گذرد و من چقدر متأسفم، متأثرم. اینها جوانهای خود ما هستند؛ اینها فرزندان من هستند. این جوانهای برومند برای اسلام شهید شدند. خداوند آنها را با صاحب اسلام محشور فرماید. (۵۰۲)

شهادت ۱۵ خرداد
فرزندان من هستند

۵۷/۱۲/۱۴

* * *

این قیامی که از ۱۵ خرداد شروع شد و تاکنون باقی است - و امید است باقی باشد تا همه اهداف اسلام جامه عمل بپوشد - قیامی اسلامی است؛ قیامی ایمانی است؛ پیرو هیچ قیامی نیست. همه می‌دانیم که ۱۵ خرداد مبدأ عطفی بود در تاریخ؛ نه پیرو نهضت‌های دیگر، قیامهای دیگر. این شعار باید محفوظ باشد که این قیام «قیام ملی» نیست، این قیام «قیام قرآنی» است، این قیام «قیام اسلامی» است. (۵۰۳)

قیامی که از ۱۵
خرداد شروع شد
قیام ملی نیست
اسلامی است

۵۷/۱۲/۱۸

* * *

۱۵ خرداد به طوری که گفته‌اند - من در حبس بودم، لکن آنطوری که برای من بعد از بیرون آمدن گفتند - قریب پانزده هزار نفر را آنها کشتند و از قراری که باز گفتند، خود محمدرضا با هلیکوپتر عامل قتل هم بوده است خودش. اینها، این طرفدارهای «حقوق بشر»، این پانزده هزار جمعیتی که در یک روز کشته شد اینها را مثل اینکه بشر نمی‌دانند! یا بشر می‌دانند و برای آنها حقوق قائل نیستند. (۵۰۴)

۵۸/۲/۲۵

* * *

با فرا رسیدن ۱۵ خرداد خاطره غم‌انگیز و حماسه آفرین این روز تاریخی تجدید می‌شود. روزی که بنا بر آنچه که مشهور است قریب به پانزده هزار نفر از ملت مظلوم و ستم‌کشیده ما به خاک و خون کشیده شد. روزی که طلیعه نهضت اسلامی این ملت شجاع و غیور گردیده؛ نهضت عظیمی که بیش از شانزده سال پیش به دنبال قیام روحانیت مسئول و متعهد در مقابل محمدرضا پهلوی - که مخالفش با اسلام عزیز آشکار و آشکارتر شد - شکل گرفت. روحانیت به اعتراض برخاست و عصر عاشورا، پس از حادثه‌ای ناگوار، اعتراض با موج عظیم انسانی - اسلامی بالا گرفت و به اوج رسید. و پس از آن، دست ناپاک استعمار از آستین شاه مخلوع در آمد و غائله ۱۵ خرداد - ۱۲ محرم - را هر چه دردناکتر به وجود آورد. (۵۰۵)

۵۸/۳/۱۲

* * *

پانزده خرداد چرا به وجود آمد؟ و مبدأ وجود آن چه بود؟ و

طرفداران حقوق
بشر شهدای ۱۵
خرداد را نمی‌بینند

۱۵ خرداد طلیعه
نهضت اسلامی
است

دنباله آن در سابق چه بود؟ و الآن چیست؟ و بعدها چه خواهد بود؟ ۱۵ خرداد را کی به وجود آورد؟ و دنباله آن را کی تعقیب کرد؟ و الآن کی همان دنباله را تعقیب می‌کند؟ و پس از این امید به چیست؟ ۱۵ خرداد برای چه مقصدی بود؟ و تا کنون برای چه مقصدی است؟ و بعدها برای چه مقصدی خواهد بود؟ ۱۵ خرداد را بشناسید؛ و مقصد ۱۵ خرداد را بشناسید؛ و کسانی که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند بشناسید؛ و کسانی که ۱۵ خرداد را دنبال کردند بشناسید؛ و کسانی که از این به بعد امید تعقیب آنها هست بشناسید؛ و مخالفین ۱۵ خرداد، و مقصد ۱۵ خرداد را بشناسید.

۱۵ خرداد را بشناسیم

۱۵ خرداد از همین مدرسه شروع شد. عصر عاشورا در همین مدرسه اجتماع عظیم بود؛ و بعد از اینکه صحبت‌هایی و افشاگری‌هایی شد، دنباله آن منتهی به ۱۵ خرداد شد. ۱۵ خرداد برای اسلام بود و به اسم اسلام بود و به مبدأیت اسلام و راهنمایی روحانیت و همین جمعیتها که الآن اینجا هستند. اینها بودند که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند. همین سنخ جمعیت بودند که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند. و همین سنخ جمعیت بودند که کشته شدند. همین طبقه از افراد اسلامی بودند که برای اسلام قیام کردند و هیچ نظری جز اسلام نداشتند ۱۵ خرداد را به وجود آوردند. همین جمعیتی که مقصدی غیر از اسلام ندارند در تعقیب ۱۵ خرداد تا حالا دنبال کردند. از همین جمعیت که مقصدی غیر از اسلام ندارند امید آن است که تعقیب کنند و نهضت ما را به ثمر برسانند. (۵۰۶)

۵۸/۳/۱۵

* * *

پانزده خرداد - که ما مردان با اراده‌ای را از دست دادیم و جوانانی از دست ملت ما رفت - نقطه عطفی است در تاریخ، و مبدأ این نهضت است. آنها که در پانزده خرداد قیام کردند، قیام مردانه کردند، و در مقابل دژخیمان «نه» گفتند و به شهادت رسیدند، آنها مبدأ این نهضت عظیم شدند. من از خدای تبارک و تعالی برای آنها رحمت استدعا می‌کنم؛ و برای بازماندگان آنها سلامت و صبر و سعادت.

۱۵ خرداد نقطه
عطفی در تاریخ
این نهضت است

همین قیامها بود که امروز می‌بینید در یک مجلس، گروههای مختلف مجتمع می‌شوند با مقصد واحد. همین قیامها بود که ما بین دانشگاه و مدارس قدیمی ما را جوش داد، و ما بین قشرهای مختلف را جوش داد، به طوری که همه با حال وحدت و با وحدت اراده، و با وحدت مقصد این راه را طی کردند و تا اینجا رساندند. و به این نحو که ملت ما الآن زنده است و راه خودش را یافته است این راه را هم طی خواهد کرد و نهضت را به ثمرهای انسانی - اسلامی خواهد رساند. (۵۰۷)

۵۸/۸/۹

* * *

۱۵ خرداد نزدیک است و این روزی است که ملت ما نباید از یاد ببرد و نمی‌برد. ۱۵ خرداد یک نقطه عطفی است در تاریخ کشور ما که از همان وقت شروع به فعالیت سیاسی شد و روحانیون از همان وقت خودشان را مجهز کردند. روز ۱۵ خرداد آنطوری که من بعد از اینکه از حبس بیرون آمدم برای من نقل کردند، عمال شاه در بسیاری از شهرستانها که قیام کرده بودند دست به کشتار زدند، و آنطوری که به من گفتند حدود پانزده هزار شهید داشتیم در ۱۵

خرداد، و ما این قلم را آن وقت خیلی بزرگ می‌شمردیم و بزرگ هم بود، لکن بعدها جنایاتی که از طرف شاه؛ شاه مخلوع به کشور ما وارد شد بیشتر از این معانی بود. ما نمی‌توانیم تصور کنیم این جنایاتی که از ۱۵ خرداد تا رفتن بختیار از این مملکت به دست عمال شاه، و به دست عمال امریکا در این کشور واقع شد، قدرت اینکه احصا کنیم آنها را نداریم. ما اجمالی از این جنایات را می‌توانیم بگوییم یا تصور کنیم. تفصیل این جنایات اصلاً قابل احصا نیست. ما چطور می‌توانیم ۱۵ خرداد، معلولینش را بفهمیم چقدر بود، معدومینش و شهدا می‌گویند پانزده هزار بوده است. لکن مصدومین و معلولین، کسانی که اعضای خودشان را در آن گیرودار از دست دادند ما چطور می‌توانیم بیان کنیم یا تصور کنیم. لکن در عین حالی که ۱۵ خرداد یک مصیبتی بود برای ملت ما، لکن مبدأ جنبش بود. از همان وقت و جلوتر از آن وقت روحانیون قیام کردند و به دست روحانیون نهضت شروع شد، از قم شروع شد و ۱۵ خرداد یک انعکاسی بود از همان قیام. روحانیت را گرفتند قریب تمام علمای تهران را گرفتند و حبس کردند، و شاید مدتی هم علمای تهران و وعاظ تهران در حبس بودند و بعد بتدریج رها شدند، و از آنجا شروع شد به نهضت و مخالفت. در عین حالی که ۱۵ خرداد مصیبت برای ما بود لکن این موهبت هم خدای تبارک و تعالی، به ما عطا کرد که مردم بیدار شدند و لیبیک گفتند به صدای روحانیون. و در همه جا، در همه مملکت این نهضت شروع کرد و مبدأش از همان ۱۵ خرداد بود. (۵۰۸)

مبدأ نهضت از ۱۵

خرداد بود

در ۱۵ خرداد ۴۲ که مصادف بود با ۱۲ محرم، سوم شهادت بزرگ شهید فداکار تاریخ، گرچه ملت غیور ایران با فداکاری عظیم خویش و تسلیم قریب پانزده هزار شهید به درگاه خداوند متعال، به ظاهر سرکوب شد و دژخیمان رژیم جنایتکار پهلوی، ننگی ابدی بر ننگهای پنجاه ساله خود افزودند، لکن سرلوحه پیروزی اسلام و ملت بود. همان سان که شهادت سید مظلومان و هواخواهان قرآن در عاشورا، سرآغاز زندگی جاوید اسلام و حیات ابدی قرآن کریم بود، آن شهادت مظلومانه و اسارت آل الله، تخت و تاج یزیدیان را که با اسم اسلام، اساس وحی را به خیال خام خود می خواستند محو کنند، برای همیشه به باد فنا سپرد و آن جریان، سفیانیان را از صحنه تاریخ به کنار زد، این شهادت دلاورانه ملت مظلوم ایران، تخت و تاج پهلویان و جریان پهلوی صفتان را که با اسم اسلام می خواستند اسلام را از صحنه خارج نمایند و افکار غرب و نشخوار امریکا را جانشین وحی کنند، از تاریخ ایران بیرون راند. در حقیقت دستاورد نهضت ۱۵ خرداد ۴۲، پیروزی ۲۲ بهمن ۵۷ بود. (۵۰۹)

۶۰/۳/۱۵

* * *

پانزده هزار جمعیت در ۱۵ خرداد از دست مسلمانان - آنطوری که می گفتند - رفت و این نیروی بزرگی بود [برای] اسلام، لکن در ازای آن، یک ظلم ۲۵۰۰ ساله و ستم ۲۵۰۰ ساله مبدأ این خرابی و برطرف شدن او داشت. یا ۱۷ شهریور، که امروز است، خوب آن صدمه ای وارد شد به ایران و اشخاص شاید خیال می کردند دیگر مسأله تمام شد، لکن بهره ای که اسلام از این برداشت، همان

شهادی ۱۵ خرداد
تخت و تاج را
بر باد دادند

۱۵ خرداد ظلم
۲۵۰۰ ساله را
برچید

بهره‌هایی بود که در صدر اسلام از کشتن سیدالشهداء
- سلام‌الله‌علیه - برداشته می‌شد. (۵۱۰)

۶۰/۶/۱۷

* * *

خرداد ۴۲ خمیرمایه نهضت مبارک ملت بزرگ ایران و روز بذر
انقلاب بزرگ اسلامی ماست. ملت عزیز باید این خمیرمایه و بذر
پربرکت را در عصر عاشورای ۱۸۳ [قمری] جستجو کند؛ عصر
عاشورای مصادف با ساعات شهادت نصرت‌آفرین سید مظلومان و
سرور شهیدان؛ عصر عاشورایی که خون طاهر و مطهر ثارالله و
ابن‌تاره به زمین گرم کربلا ریخت و ریشه انقلابات اسلامی را آبیاری
نمود. ملت عظیم‌الشأن در سالروز شوم این فاجعه انفجارآمیزی که
مصادف با ۱۵ خرداد ۴۲ بود با الهام از عاشورا آن قیام‌کوینده را به
بار آورد. اگر عاشورا و گرمی و شور انفجاری آن نبود، معلوم نبود
چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می‌شد. واقعه عظیم
عاشورا از ۶۱ هجری تا خرداد ۶۱ و از آن تا قیام عالمی بقیه‌الله
- ارواح‌المقدمه‌الفداء - در هر مقطع انقلاب‌ساز است. آن روز
یزیدیان با دست جنایتکاران گور خود را کردند و تا ابد هلاکت
خویش و رژیم ستمگر جنایتکار خویش را به ثبت رساندند، و در
۱۵ خرداد ۴۲ پهلویان و هواداران و سردمداران جنایتکارشان با
دست ستمشاهی خود گور خود را کردند و سقوط و ننگ ابدی را
برای خویش به‌جا گذاشتند، که ملت عظیم‌الشأن ایران بحمدالله
تعالی با قدرت و پیروزی برگور آتشبار آنان لعنت می‌فرستد. (۵۱۱)

۶۱/۳/۱۵

۱۵ خرداد
الهام گرفته از
عاشورا

ملت بزرگ ایران سالروز ۱۵ خرداد را که یوم الله است زنده نگه می دارد، و افتخار قیام ملت را که با مشتش گره کرده و خون طاهر خویش در مقابل ستمشاهی پهلوی ایستاد و پایه استوار انقلاب اسلامی را - که سرنگونی قدرتمندترین جنایتکار منطقه را در پی داشت - ریخت از یاد نمی برد. و الآن فداکاریها و مجاهدات جوانان برومند کشور اسلامی را که پایه گذاری خروج از ظلمات به سوی نور و از حقارت به سوی سرافرازی و از اسارت به سوی استقلال را نمود بزرگ می شمارد، و عاشورای فریاد زن «هیئات منالذلة» و ۱۵ خرداد و دیگر ایام الله را که در پی داشت و از نور الهی عاشورا فروغ و از شمس جمال حسینی گرمی و از پرتو هدایت او معرفت به وظیفه و از استقامت او در مقابل باطل استواری فراگرفت، ارجمند می دارد. (۵۱۲)

۱۵ خرداد یوم الله
است

۶۱/۳/۱۵

* * *

شما گمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگر این دستجات سینه زنی و نوحه سرایی نبود، ۱۵ خرداد پیش می آمد. هیچ قدرتی نمی توانست ۱۵ خرداد را آنطور کند، مگر قدرت خون سیدالشهداء. (۵۱۳)

خون سیدالشهداء،
۱۵ خرداد را به
وجود آورد

۶۱/۳/۳۱

* * *

مسأله پانزده خرداد یکی از مسائلی است که شاید ما قبل و ما بعدش را کم کسی بدانند. اینها در پرده ابهام تا آخر می ماند، و من بسیاری از مسائل را که ما قبل پانزده خرداد رخ داد و بعض مسائل

۱۵ خرداد مبدأ
تحولات بعدی شد

را که ما بعد او رخ داد مطلعم، لکن بیان نمی‌کنم. ولی پانزده خرداد به همت جوانهای کشور و جان‌نثاران اسلام مبدأ شد از برای تحولات بعدی، و من شهدای پانزده خرداد را از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که غریق رحمت کند که به ما حق دارند. و بازماندگان شهدا که باز هم هستند و بعدها هم هستند ان شاء الله خداوند صبر و اجر به آنها عنایت بفرماید. (۵۱۴)

۶۲/۳/۱۴

* * *

از پانزدهم خرداد ۴۲ که حکومت مستکبران جبار در این سرزمین به اوج خود رسیده بود، و می‌رفت تا عربده شوم *أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى*^۱ از حلقوم فرعون زمان طنین افکند، تا ۲۲ بهمن ۵۷ که پایه حکمرانی جباران عصر در این مرز و بوم فرو ریخت و تخت و تاج ۲۵۰۰ ساله فرعون گونه ستمشاهی به دست توانای زاغه‌نشینان و ستمدیدگان تاریخ بر باد رفت و طومار تاراجگریها و حکمفرماییهای شیطان بزرگ و شیطانکهای وابسته و پیوسته به آن درهم پیچیده شد، ایامی معدود بیش نبود. و از ۲۲ بهمن ۵۷ تا امروز که ۱۵ خرداد ۶۲ را در آغوش می‌گیریم ساعتی محدود بیش نیست، ولی تحولی که کمتر از صدها سال بعید به نظر می‌رسید با تقدیر خدای بزرگ در این ایام معدوده و ساعات محدوده تحقق یافت و جلوه‌ای از وعده قرآن کریم نورافشانی کرد....

۱۵ خرداد، پرتوی
از عاشورا

و ملت عظیم ایران لازم است شکر نعمتهای غیرمتناهی الهی را در سالروز ۱۵ خرداد به جان و دل به جا آورد و تمام آنچه گذشته و

می‌گذرد را از عنایات خاصه خداوند متعال بدانند که هر چه هست از اوست و به سوی اوست. و رمز پیروزی اسلام بر کفر جهانی را در این قرن که پانزدهم خرداد ۴۲ سرآغاز آن بود، در دوازدهم محرم حسینی جستجو کند، که انقلاب اسلامی ایران، پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است. (۵۱۵)

۶۲/۳/۱۵

* * *

قیام ۱۵ خرداد اسطوره قدرت ستمشاهی را در هم شکست و افسانه‌ها و افسونها را باطل کرد. شهادت جوانان رشید و زنان مردان در آن روز سد عظیم قدرت شیطانی را از بنیان سست نمود. خون سلحشوران کوخ نشین، کاخهای ستم را در هم کوبید. ملت عظیم‌الشان ایران با قیام و نثار خون فرزندان عزیز خویش، راه قیام را برای نسلهای آینده گشود و ناشدنیها را شدنی کرد.

شهادی ۱۵ خرداد،
بنیانگذار انقلاب
اسلامی ایران

خداوند تعالی این ملت را پایدار، و شهیدانشان را، خصوصاً شهیدان ۱۵ خرداد، این بنیانگذاران انقلاب اسلامی ایران را، در جوار رحمت خود قرار دهد؛ و به بازماندگان آنان صبر و اجر عنایت فرماید؛ و به معلولان عزیز قدرت مقاومت بیشتر عطا فرماید. (۵۱۶)

۶۴/۳/۱

* * *

از روز نخست شروع مبارزه و از ۱۵ خرداد تا بیست و دوم بهمن رسیده‌ایم و به خوبی دریافته‌ایم که برای هدف بزرگ و آرمانی اسلامی، الهی باید بهای سنگینی پرداخت نماییم و شهدای

گرانقدری را تقدیم کنیم و جهانخواران ما را راحت و آرام نخواهند گذاشت و با استفاده از ایادی داخلی و خارجی شان به ما شبیخون زده و خون عزیزان ما را بر بستر کوچه‌ها و خیابانها و مرزهایمان جاری می‌کنند و همین‌گونه شد وقتی که فریاد اسلامخواهی مردم کشور ما در ۱۵ خرداد به گوش امریکا رسید و وقتی که برای اولین بار غرور امریکا و اقتدار و ابرقدرتی او در اعتراض به مصونیت کارگزارانش در ایران شکسته شد و امریکا متوجه اقتدار و رهبری علما و روحانیت اسلام و عزم جزم و اراده پلادین ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال و رسیدن به نظام عدل اسلامی گردید، به نوکر بی‌اراده و وطن‌فروش و فرومایه خود، محمدرضاخان دستور داد که صدای اسلامخواهی ملت ما را خاموش کند و از او پیمان گرفت تا همه افرادی که در برابر امریکا قد علم کرده‌اند را نابود کند و همه دیدیم که این خائنان و سرسپردگان در این مأموریت شوم لحظه‌ای درنگ ننمودند و به نام مأموریت و آزادی و رسیدن به دروازه تمدن بزرگ، از کشته‌های این ملت پشته‌ها ساختند و در دیوار کشور ما را از فیضیه گرفته تا دانشگاه و از دانشگاه تا کوچه و بازار و خیابان و از خیابان تا مسجد و محراب به خون عزیزان و جوانان تکبیرگوی پیرو خدا و رسول خدا - صلی الله علیه و آله - را رنگین کردند. (۵۱۷)

۶۶/۵/۶

* * *

در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبین شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی - اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و

در ۱۵ خرداد
می‌خواستند صدای
اسلامخواهی را
خاموش کنند

علما اولین شهدای
نهضت ۱۵ خرداد
بودند

روحانیت پیش کسوت شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگفرشهای حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟ در ۱۵ خرداد و در حوادث قبل و بعد از پیروزی، شهدای اولین، از کدام قشر بوده‌اند؟ (۵۱۸)

۶۷/۱۲/۳

* * *

اولین و مهمترین فصل خونین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد رقم خورد. در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می‌نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حيله و مقدس مآبی و تحجر بود؛ گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می‌سوخت و می‌درید. (۵۱۹)

۶۷/۱۲/۳

* * *

۱۵ خرداد
مهمترین فصل
خونین مبارزه بود

هفدهم شهریور ۱۳۵۷

چهره ایران امروز گلگون است و دلاوری و نشاط در تمام اماکن به چشم می‌خورد^۱. آری این چنین است راه امیر مؤمنان علی و سرور شهیدان امام حسین. ای کاش «خمینی» در میان شما بود و در کنار شما در جبهه دفاع برای خدای تعالی کشته می‌شد. (۵۲۰)

۵۷/۶/۱۸

* * *

ای کاش خمینی در
میان شما بود و در
کنار شما کشته
می‌شد

۱. اشاره به وقایع ۱۷ شهریور.

و بَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ.^۱

وقتی شما را ای فرزندان عزیز اسلام، خداوند متعال تسلیت می‌دهد، آیا باز هم محتاج به تسلیتید؟ خداوند - عزوجل - می‌فرماید: «بشارت بده صبرکنندگان را؛ کسانی که هر مصیبتی می‌بینند به حساب خدا تحمل می‌کنند و می‌گویند ما همه برای خدا خلق شده‌ایم، برای خدا زندگی می‌کنیم، و وقتی بمیریم از بین نمی‌رویم بلکه به سوی خدای مهربان برمی‌گردیم. صلوات و رحمت خدا بر ایشان؛ اینها هستند که به آرزوی انسانی رسیده‌اند».

شهادی
۱۷ شهریور
همگی
«مصطفی»های من
بودند

مع ذلک من به نیابت حضرت ولی عصر امام زمان به همه مسلمانان جهان مصیبت چهارم شوال سال ۹۸ ه. ق (۱۷ شهریور) را خاصه به خانواده‌های داغدار تسلیت می‌گویم، و در عین حال تبریک. و خدا شاهد است مصطفای^۲ من تنها آن نبود که سالش نزدیک است، بلکه همه به خاک و خون کشیده‌های حادثه شوال، مصطفاهای من بوده‌اند. من این استقامت را و این فیض شهادت را که خداوند متعال نصیب فرزندانم فرمود به پدران و مادران و همه بستگان‌شان تبریک می‌گویم. و چنین کشته‌شدنی که افتخار دارد، بزرگترین آرزوی من است و شاید نزدیک باشد. (۵۲۱)

۵۷/۶/۲۱

* * *

۱. بقره / ۱۵۵-۱۵۷.

۲. اشاره به مرحوم آیت‌الله مصطفی خمینی فرزند ارشد امام که در تاریخ ۱۳۵۶/۸/۱ با مرگ مشکوک از دنیا رفت و فوت ایشان مبدأ جدیدی در نهضت اسلامی ایران گشود.

۱۷ شهریور - آن یک قضیه‌ای بود برای ایران و کسانی که مطلع از اسلام نیستند و روحیه مردم مسلم را نمی‌دانند؛ خیال می‌کردند شاید آن وقت دیگر خوب، تمام شد، سرکوب شدند و رفتند سراغ کارشان؛ چندین هزار نفر را در میدان شهدا به مسلسل بستند و مسأله دیگر تمام شد، و ما دیدیم که دنبال او زیادتر شد همه چیزها؛ یعنی، قدرت ملت، که همان قدرت اسلام است و قدرت الهی است، هیچ ابدأ تزلزل در آنها پیدا نشد و دنبال کردند مطلب را. در هر مطلبی که پیش می‌آید، ما می‌بینیم که این ملت ما مستعدتر می‌شوند و بهتر پیش می‌روند. (۵۲۲)

۶۰/۶/۱۶

* * *

هفده شهریور باید درسی باشد برای کوردلانی که گمان کرده‌اند با به شهادت رساندن چند نفر از سران متعهد کشور، می‌توانند سد عظیم مسلمانان نیرومند و شجاع را بشکنند. (۵۲۳)

۶۰/۶/۱۷

* * *

هفدهم شهریور که گزارشگر جنایات شاهنشاهی ضد انسانی و اسلامی است و از ایام الله و نشانگر مقاومت و شجاعت و ایستادگی ملت در مقابل ستمگران و جنایتکاران است، در خاطره ملت مبارز ایران زنده است و زنده خواهد بود. (۵۲۴)

۶۰/۶/۱۷

* * *

در ۱۷ شهریور
قدرت اسلام زیاد
شد

۱۷ شهریور درسی
برای کوردلان بود

۱۷ شهریور از
ایام الله است

۱۷ شهریور ۵۷ و نظایر آن که قبل از پیروزی انقلاب و پس از آن بسیار بوده است و ملت مجاهد ایران بحمدالله تعالی در همه آنها پیروزمندانه و شرافتمندانه و سرافرازانه در سرکوبی ستمکاران، قیام و اقدام نمودند، جلوه الهی و قدرت پایان‌ناپذیر ایمان به غیب را در جهان پرتوافکن ساخت، و آفتاب فروزنده اسلام را که از گریبان مجاهدان در راه حق سر برآورد، به عالمیان بویژه مظلومان و مستضعفان معرفی نمود، و به آنان درس پر برکت جانبازی در راه هدف الهی را آموخت. (۵۲۵)

۱۷ شهریور جلوه
قدرت ایمان به
غیب بود

۶۱/۶/۱۷

* * *

سلام و درود بر شهیدان و آسیب‌دیدگان هفدهم شهریور و نظایر آن. سلام و درود بر بازماندگان شهدا از پانزدهم خرداد تا هفدهم شهریور ۵۷ و تا پانزدهم و هفدهم شهریور ۶۱. و سلام بر ملت شریف و مجاهد ایران که با همت والای خود هر مشکلی را تحمل و با روی گشاده در جبهه و پشت جبهه برای اهداف مقدس اسلام فداکاری می‌کنند. (۵۲۶)

درود بر شهدای
۱۷ شهریور

۶۱/۶/۱۷

* * *

هفتم تیر ۱۳۶۰

حالایی که همچو قیام مردانه بزرگی رخ داده است. و اینطور ملت ما برای همه چیز ایستاده است، حالا شما می‌توانید با یک بمب و

با کشتن یک شخصیت^۱ - ولو هر چه شخصیت بزرگی باشد - می‌توانید ملت را هم از صحنه خارج کنید؟ یا اینکه ملت فریادش بیشتر می‌شود و مشتش گره بیشتر پیدا می‌کند و عزمش جزمتر می‌شود؟ شما باید این «الله اکبر»ها را از مردم بگیرید!

چند نفر عزیز که بسیار خاطرشان عزیز است، گرفتن از ملت، ملت را عقب نمی‌نشانند، صفها فشرده‌تر می‌شود، فریادها بیشتر می‌شود و مشتها گرهش محکمتر می‌شود. شما نمی‌توانید با ترور بعضی شخصیتها، با بمب گذاشتن در بعضی جاها - هر جا باشد - نمی‌توانید این ملت را از صحنه خارج کنید. این ملت سرتاسر کشور الآن در [صحنه‌اند]. الآن در تمام کشور در صحنه، مردم موجودند و با مشتهای گره کرده ایستاده‌اند در مقابل شما. ملتی که جوانش هر دو پایش را از دست داده و او را خواباندند و آوردند پیش من، مع ذلک، می‌گوید که دعا کنید که من شهید بشوم، ملتی که مادر شهید می‌آید و می‌گوید من اولاد دیگری هم دارم و برای شهادت حاضرم بدهم، ملتی که جوانهای او در جبهه‌ها نماز شب می‌خواند و جهاد فی سبیل الله می‌کند و این جهاد را برای خودش فخر می‌داند و زندگی ننگین فرصت طلبی و راحت طلبی را به کنار زده است و شب و روز خودش را در سنگر با آن هوای گرم و با آن بی‌آبی و با آن شدت می‌گذراند و پیشروی می‌کند، با کشتن من و امثال من کنار می‌رود این ملت؟! (۵۲۷)

شهادت این چند
نفر عزیز، ملت را
از صحنه خارج
نمی‌کند

۶۰/۴/۸

* * *

البته این پیشامد برای همه ملت ما ناگوار بود و یک اشخاصی که

۱. اشاره به شهید مظلوم مرحوم آیت الله دکتر بهشتی.

برای خدمت خودشان را حاضر کرده بودند و خدمتگزار این کشور بودند، اشخاصی بودند که آن قدری که من از آنها می‌شناسم از ابرار بوده‌اند، از اشخاص متعهد بوده‌اند که در رأس آنها مرحوم شهید بهشتی است. ایشان را من بیست سال بیشتر می‌شناختم. مراتب فضل ایشان و مراتب تفکر ایشان و مراتب تعهد ایشان بر من معلوم بود. و آنچه که من راجع به ایشان متأثر هستم، شهادت ایشان در مقابل او ناچیز است و آن مظلومیت ایشان در این کشور بود. مخالفین انقلاب، افرادی [را] که بیشتر متعهدند، مؤثرتر در انقلابند، آنها را بیشتر مورد هدف قرار داده‌اند. ایشان مورد هدف اجانب و وابستگان به آنها در طول زندگی بود. تهمت‌ها؛ تهمت‌های ناگوار به ایشان می‌زدند! از آقای بهشتی اینها می‌خواستند موجود ستمکار دیکتاتور معرفی کنند، در صورتی که من بیش از بیست سال ایشان را می‌شناختم و بر خلاف آنچه این بی‌انصافها در سرتاسر کشور تبلیغ کردند و «مرگ بر بهشتی» گفتند، من او را یک فرد متعهد، مجتهد، متعهد، متدین، علاقه‌مند به ملت، علاقه‌مند به اسلام و به درد بخور برای جامعه خودمان می‌دانستم. و شما گمان نکنید که این آقایان که وارد شدند در این شغل‌های دولتی، اینها یک اشخاصی بودند یا هستند که راهی برای استفاده جز این مقام ندارند؛ اینها هر کدام اشخاص متعهدی بودند که در پیش مردم مقام داشتند، در پیش روحانیت مقام بزرگ داشتند، و اینطور نبود که وا خورده باشند که بخواهند بیایند اینجا انحصار طلب باشند. خدا انصاف بدهد به آنهایی که انحصار طلب بودند و می‌خواستند بهشتی و خامنه‌ای و رفسنجانی و امثال اینها را از صحنه خارج کنند. اینها رفتند به آقای بهشتی و این جمعی که در این واقعه [...]؛ در این واقعه فجیع [که] به دست عمال امریکا و به

بهشتی مظلوم
زیست

دست اشخاصی که کسی [که] «شناخت» آنها را خوانده باشد، می‌داند که به هیچ یک از اصول اسلامی اعتقاد نداشتند، [درست شده بود،] به دست اینها شهید شدند و به درگاه خدا شتافتند وَتَخُنْ
إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِهِمْ لِأِحْقُونِ.^۱ (۵۲۸)

۶۰/۴/۸

* * *

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای منتظری - دامت برکاته
گرچه تمام شهیدان انقلاب و شهیدان عزیز و معظم یکشنبه
شب،^۲ از برادران ما و شما بودند و ملت قدرشناس برای آنان به
سوغ نشستند و دشمنان اسلام در شهادت آنان شاد و اسلام عزیز
سرافراز است لکن از فرزند عزیز شما شناختی دارم که باید به
شما با تربیت چنین فرزندی تبریک بگویم. او از وقتی که خود را
شناخت و در جامعه وارد شد، ارزشهای اسلامی را نیز شناخت و
با تعهد و انگیزه حساب شده وارد میدان مبارزه علیه ستمگران
گردید. او با دید وسیعی که داشت، سعی در گسترش مکتب و
پرورش اشخاص فداکار می‌نمود. محمد شما و ما، خود را
وقف هدف و برای پیشبرد آن سر از پا نمی‌شناخت. شما فرزندی
فداکار و متعهد و متفکر و هدفدار تسلیم جامعه کردید و تقدیم
خداوند متعال. او فرزند اسلام و فرزند قرآن بود. او عمری در
زجرها و شکنجه‌ها و از آن بدتر، شکنجه‌های روحی از طرف
بدخواهان به سر برد. او به جوار خداوند متعال شتافت و با دوستان

محمد منتظری

فرزند اسلام و قرآن

بود

۱. مفاتیح الجنان؛ زیارت اهل قبور.

۲. اشاره به روز وقوع حادثه هفتم تیر.

و برادران خود راه حق را طی کرد. خدایش رحمت کند و با موالیانش محشور فرماید. از خداوند متعال برای جنابعالی و بازماندگان این فرزند برومند اسلام صبر و اجر خواهانم. (۵۲۹)

۶۰/۴/۸

* * *

ملتی که برای اقامه عدل اسلامی و اجرای احکام قرآن مجید و کوتاه کردن دست جنایتکاران ابرقدرت و زیستن با استقلال و آزادی قیام نموده است، خود را برای شهادت و شهید دادن آماده نموده است و به خود باکی راه نمی دهد که دست جنایت ابرقدرتها از آستین مشتت جنایتکار حرفه ای بیرون آید و بهترین فرزندان راستین او را به شهادت رساند. مگر شهادت ارثی نیست که از موالیان ما که حیات را عقیده و جهاد می دانستند و در راه مکتب پرافتخار اسلام با خون خود و جوانان عزیز خود از آن پاسداری می کردند به ملت شهیدپرور ما رسیده است؟ مگر عزت و شرف و ارزشهای انسانی، گوهرهای گرانبهایی نیستند که اسلاف صالح این مکتب، عمر خود و یاران خود را در راه حراست و نگرهبانی از آن وقف نمودند؟

مگر ما پیروان پاکان سرباخته در راه هدف نیستیم که از شهادت عزیزان خود به دل تردیدی راه دهیم؟ مگر دشمن قدرت آن دارد که با جنایت خود مکارم و ارزشهای انسانی شهیدان عزیز ما را از آنان سلب کند؟ مگر دشمنهای فضیلت می توانند جز این خرقه خاکی را از دوستان خدا و عاشقان حقیقت بگیرند؟ بگذار این ددمنشان که جز به «من» و «ما» های خود نمی اندیشند و یَا کُلُّونَ کَمَا

ملت ایران در این

فاجعه ۷۲ تن

بیگناه به عدد

شهادی کربلا از

دست داد

تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ^۱ عاشقان راه حق را از بند طبیعت رهانده و به فضای آزاد جوار معشوق برسانند.

ننگتان باد ای تَفاله‌های شیطان، و عارتان باد ای خودفروختگان به جنایتکاران بین‌المللی که در سوراخها خزیده و در مقابل ملتی که در برابر ابرقدرتها برخاسته است، به خرابکاریهای جاهلانه پرداخته‌اید. عیب بزرگ شما و هوادارانتان آن است که نه از اسلام و قدرت معنوی آن و نه از ملت مسلمان و انگیزه فداکاری او اطلاعی دارید. شما ملتی را که برای سقوط رژیم پلید پهلوی و رها شدن از اسارت شیطان بزرگ دهها جوان عزیز خود را فدا کرد و با شجاعت بیمانند ایستاد و خم به ابرو نیاورد، نشناخته‌اید. شما ملتی را که معلولان‌شان در تختهای بیمارستانها آرزوی شهادت می‌کنند و یاران را به شهادت دعوت می‌کنند، نشناخته‌اید. شما کوردلان با آنکه دیده‌اید با شهادت رساندن شخصیت‌های بزرگ صفوف فداکاران در راه اسلام فشرده‌تر و عزم آنان مصمم‌تر می‌شود، می‌خواهید با به شهادت رساندن عزیزان ما این ملت فداکار را از صحنه بیرون کنید. شما تا توانسته‌اید به فرزندان اسلام چون شهید بهشتی و شهدای عزیز مجلس و کابینه با حربه ناسزا و تهمت‌های ناجوانمردانه حمله کردید که آنها را از ملت جدا کنید، و اکنون که آن حربه از کار افتاد و کوس رسوایی همه‌تان بر سر بازارها زده شد، در سوراخها خزیده و دست به جنایاتی ابلهانه زده‌اید که به خیال خام خود ملت شهیدپرور و فداکار را با این اعمال وحشیانه بترسانید، و نمی‌دانید که در قاموس شهادت واژه وحشت نیست. اکنون اسلام به این شهیدان و شهیدپروران افتخار می‌کند و با

۱. «غذا می‌خورند مانند غذا خوردن چهارپایان»؛ (محمد / ۱۲).

سرافرازی همهٔ مردم را دعوت به پایداری می‌نماید، و ما مصمم هستیم که روزی رخس ببینیم و این جان که از اوست تسلیم وی کنیم.

ملت ایران در این فاجعهٔ بزرگ ۷۲ تن بیگناه به عدد شهدای کربلا از دست داد. ملت ایران سرافراز است که مردانی را به جامعه تقدیم می‌کند که خود را وقف خدمت به اسلام و مسلمین کرده بودند و دشمنان خلق گروهی را شهید نمودند که برای مشورت در مصالح کشور گرد هم آمده بودند. ملت عزیز، این کوردلان مدعی مجاهدت برای خلق، گروهی را از خلق گرفتند که از خدمتگزاران فعال و صدیق خلق بودند. گیرم که شما با شهید بهشتی که مظلوم زیست و مظلوم مُرد و خار در چشم دشمنان اسلام و خصوص شما بود دشمنی سرسختانه داشتید، با بیش از هفتاد نفر بیگناه که بسیاری‌شان از بهترین خدمتگزاران خلق و مخالف سرسخت با دشمنان کشور و ملت بودند چه دشمنی داشتید؟ جز آنکه شما با اسم خلق از دشمنان خلق و راه صاف‌کنان چپاولگران شرق و غرب می‌باشید. ما گر چه دوستان و عزیزان وفاداری را از دست دادیم که هر یک برای ملت ستمدیده استوانهٔ بسیار قوی و پشتوانهٔ ارزشمند بودند، ما گر چه برادران بسیار متعهدی را از دست دادیم که *أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ*^۱ بودند و برای ملت مظلوم و نهادهای انقلابی سدی استوار و شجره‌ای ثمربخش به شمار می‌رفتند، لکن سیل خروشان خلق و امواج شکنندهٔ ملت با اتحاد و اتکال به خدای بزرگ هر کمبودی را جبران خواهد کرد. ملت ایران با اعتماد به قدرت لایزال قادر متعال همچون دریایی مواج به پیش می‌رود و در مقابل ابرقدرتها و

تفاله‌های آنان با صفی مرصوص ایستاده است، و شما درماندگان عاجز را که در سوراخها خزیده‌اید و نفسهای آخر را می‌کشید به جهنم می‌فرستد و خداوند بزرگ پشت و پناه این کشور و ملت است.

اینجانب بار دیگر این ضایعه عظیم را به حضور بقیه الله - ارواحنا له الفداء - و ملت‌های مظلوم جهان و ملت رزمنده ایران تبریک و تسلیت عرض می‌کنم. من با بازماندگان شریف و عزیز این شهدا در غم و سوگ شریک و رحمت و واسعة خداوند رحمان را برای این مظلومان و صبر و شکیبایی را برای بازماندگان محترم آنان از درگاه خداوند متعال خواستارم. رحمت خدا و درود بی‌پایان ملت بر شهدای انقلاب از ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۷ تیرماه ۶۰، و سلام و تحیت بر مظلومان جهان و مظلومان ایران در طول تاریخ. (۵۳۰)

۶۰/۴/۹

* * *

شما می‌بینید که در زمانی که مرحوم آقای بهشتی زنده بودند، چه وضعی پیش آوردند این ارادل و ایشان را یک چهره دیگری نشان داده بودند که آن روز در خیابانها هم بر ضد ایشان تظاهرات می‌کردند، صحبت می‌کردند و نمی‌دانستند قصه را. شهادت ایشان اسباب این شد که یک بهره بزرگی ما برداشتیم و آن اینکه ثابت شد که آن انحراف بوده است، آن کار آنها انحرافی بوده است. و همین طور هر قصه‌ای که اینها خواستند از آن بهره‌برداری کنند، ما بهره‌برداری کردیم.

و البته خیلی خسارت به ما وارد شد، لکن خسارت در مقابل

شهادت آقای

بهشتی منحرفین را

رسوا کرد

اسلام؛ یعنی، ما مقصد داشتیم، هدف داشتیم و هدف ما یک هدف الهی بود و روحی بود. افرادی را که از دست می‌دادیم البته مهم بودند، لکن در راه هدف. اگر بهره‌برداری برای هدف بود، ارزش داشت و ما بهره‌برداری کردیم برای هدف. (۵۳۱)

۶۰/۶/۱۷

* * *

شما دیدید که صبح آن روزی که مرحوم آقای بهشتی و آن هفتاد نفر مظلوم در آنجا، آنطور به وضع فجیع شهید شدند، مردم فرق کردند؛ یکدفعه تمام صحبتها برگشت. آنهایی که فریاد [می‌زدند]، همانهایی که بهشان تزریق کرده بودند که این آدم چطور و کذا و کذاست و آنطور برای ایشان شعار به ضد ایشان می‌دادند، یکدفعه شعارها برگشت و به نفع ایشان شد؛ یعنی، به نفع اسلام شد. حزب شما^۱ هم معرفی‌اش آنطوری که در آن وقت می‌کردند، همین طورها بود که این حزبی است که حزب حاکم و انحصار طلب و کذا و کذا و چنان [است]. خوب، من البته تمام حزب را که من نمی‌شناختم و نمی‌شناسم، لکن افرادی که این حزب را ایجاد کردند، خوب، من می‌شناختم. من آقای خامنه‌ای را بزرگش کردم. من آقای هاشمی را بزرگ کردم، من آقای بهشتی را بزرگش کردم. دیدم اینها را از اول تا آخر. بسیاری از اینها [را]، خوب، من می‌شناختم که اینها اشخاصی نیستند که نه، انحصار طلب به آن معنایی که آنها می‌گویند، [نیستند].

البته انحصار به این معنا که باید اسلام باشد، غیر اسلام نباشد؛ همه ما انحصار طلبیم و اسلام اصلاً اینطوری است. پیغمبر اسلام

شهادت این
هفتاد نفر مظلوم،
مردم را متحول کرد

هم [می گفت:] «لا اله الا الله»؛ این انحصار است دیگر؛ یعنی فقط همین، دیگر غیر از این نه. ما هم حرفمان این است که فقط اسلام؛ غیر از این نه. این انحصاری که می گویند، اگر این است، مسلمین همه انحصار طلبند، پیغمبرها هم همه انحصار طلب بودند، و خدای تبارک و تعالی هم انحصار طلب [است]. «انحصار»، این صحیح است. انحصار طلبی - فی نفسه - یک امر فاسدی نیست که هر انحصار طلبی فاسد است. انحصار که بخواهد همه چیز را به نفع مادیت تمام بکند، برای خود آدم باشد، این انحصار طلبی فاسد است. البته اگر شما و ما و هر کدام اینها بخواهیم بهره برداری برای خودمان بکنیم، از این شهادی که خون خودشان را دادند، ما هم انحصار طلب به آن معنای فاسدش هستیم. اما من که شماها را می شناختم و می دیدم اینطوری نیست مسأله و مقصد شما اسلام است، خوب، من گاهی هم به اشخاص می گفتم که صحیح نیست. در هر صورت، شهادت آقای بهشتی و این هفتاد نفر مظلوم یکدفعه متحول کرد مردم را به اینکه کم کم بیدار شدند. الآن بعضی از آن اشخاص که در آن وقت چیزهایی - مثلاً - می گفتند، برگشته اند و پشیمان شده اند و اظهار ندامت می کنند، و توبه می کنند و مثل قضیه تائبین شده است الآن، و هر قصه ای که واقع می شود اینطور است. (۵۳۲)

۶۰/۶/۱۷

* * *

اینجانب از پیشگاه مقدس حق - جل و علا - عظمت برای اسلام و مسلمین و بیداری برای دولتهای اسلامی و عزت و شرف برای کشورهای اسلامی و رحمت برای شهدای اسلام در طول تاریخ

برای شهدای هفتم
تیر عظمت و
بزرگواری قائم

خصوصاً شهدای هفتم تیر، و صبر و شکیبایی برای ملت ایران و بازماندگان شهدا خواستارم. و هر چند برای همه شهدا و بویژه شهدای ۷ تیر عظمت و بزرگواری قائلم، و لکن شناخت من از شهید مظلوم بهشتی و ابعاد گوناگون او و شهید محمد منتظری و مجاهدات ارزشمند او بیشتر است و نمی‌توان تأسف شدید خویش را در فقدان آنان پنهان کرد. (۵۳۳)

۶۱/۴/۶

* * *

مگر شهدای بزرگوار هفتم تیر در مجاهدات سرسختانه خود و فداکاری بیدریغ در راه هدف چه می‌خواستند جز پیروزی انقلاب و سرنگونی پرچم شیطانی کفر و نفاق، و جز افتادن ماسک ریا و تزویر چهره‌های کریه و ددمنشانه به صورت خلقی و اسلامی؟ چه بسا اگر این شهادت‌های دلخراش واقع نمی‌شد، آنان با همان خوی شیطانی و با ظاهری فریبنده در صحنه بازیهای سیاسی باقی می‌ماندند و بی‌امان ضربه‌های خویش را به انقلاب و فرزندان راستین آن وارد می‌کردند و برای اسلام و مسلمانان مظلوم سنگ راه می‌شدند و با ضربه نهایی امریکا و دیگر ابرقدرتها جمهوری را شکست می‌دادند، یا لااقل پیروزی را به عقب رانده و راه را طولانی می‌کردند، ولی این فاجعه غمناک و شهادت‌های بی‌درپی به پیروزی اسلام انقلابی سرعت بخشید. (۵۳۴)

۶۱/۴/۶

* * *

فاجعه هفتم تیر
انقلاب را سرعت
بخشید

هشتم شهریور ۱۳۶۰

گرچه دست جنایتکاران و منافقان، رئیس جمهور^۱ متعهد و مؤمنی را از ملت مجاهد ایران گرفت و یکی از خدمتگزاران صدیق را به شهادت رساند و ملت عزیز را از خدمت او، و او را از خدمت به ملت محروم کرد و گمان کرد که با ترور اشخاص، ملت بپاخاسته از تصمیم خود عقب می‌نشیند و در خدمت به اسلام بزرگ سستی می‌ورزد و در نتیجه راه برای قدرتهای چپاولگر باز می‌شود، ولی شرکت بی‌سابقه مردم کشور، امید بدخواهان را مبدل به یأس و طمع آزمندان را برای همیشه برید. (۵۳۵)

۶۰/۷/۱۷

* * *

در جمهوری اسلامی، این معنا که هم مقامات آن مقاماتی که سابق تخیل می‌شد، نیست و هم اشخاصی که متصدی امور هستند، آن اشخاصی که در یک خانواده اشرافی بزرگ شده باشند و یک زندگی چه کرده باشند و نتوانند بسازند با مردم، نتوانند بسازند با یک زندگی عادی، آن طور هم نیستند.

من فیلمی که دیشب از مرحوم رجایی گذاشته بودند و منزلش را نشان می‌دادند - یک دفعه دیگر هم مثل اینکه دیدم این را - بعضی از اشخاصی که پیش من بودند، می‌گفتند: ما رفتیم منزل آقای رجایی، این خوب نشان می‌داد، آنجا به این اندازه نیست؛ واقع مطلب اینطور نیست. این یک چیز بزرگی کانه نشان دارد می‌دهد و حال آنکه ما که رفتیم منزلشان دیدیم که، مسأله اینطور

دست جنایتکاران
منافق،
رئیس جمهور
متعهدی را از ملت
گرفت

رجایی که وضع
منزلش اینطور
است برای چه
بترسد؟

۱. محمدعلی رجایی.

هم نیست. وقتی بنا شد که یک نفر رئیس جمهور شده یا یک نفر نخست وزیر است، آقا منزلش آنطوری است و وضع عادی اش اینطوری است، این دیگر نمی شود که از یک قدرت بزرگی بترسد. برای چه بترسد؟ این را که از او نمی گیرند. آن باید بترسد که می خواهد چپاول کند و می خواهد یک حکومت کذایی بکند، آن باید بترسد. اما رجایی - خدا رحمتش کند - و امثال اینها و باهنر و اینهایی که ما از دست دادیم، که اینطور نبودند که زندگی شان جوری باشد که مبادا یک وقتی از دست ما برود؛ خاضع بشوند پیش دیگران و برای اینکه زندگی را بیشترش بکنند زورگویی کنند به مردم. (۵۳۶)

۶۱/۶/۷

* * *

مرحوم آقای «رجایی» که همه می دانید چقدر مرد متعهدی و خدمتگزاری بود، و واقعاً معلم اخلاق بود به اعمال خودش. و همین طور آقای «باهنر» که مرد دانشمند متعهد و معلمی بود. (۵۳۷)

۶۲/۶/۷

* * *

بسم الله الرحمن الرحيم

منطق ملت ما، منطق مؤمنین، منطق قرآن است: **إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**. با این منطق، هیچ قدرتی نمی تواند مقابله کند. جمعیتی که - ملتی که - خود را از خدا می دانند و همه چیز خود را از خدا می دانند و رفتن از اینجا را به سوی محبوب خود، مطلوب خود می دانند، با این ملت نمی توانند مقابله کنند. آن که شهادت را در آغوش،

رجایی معلم اخلاق
بود

همچون عزیزی می‌پذیرد، آن کوردلان نمی‌توانند مقابله کنند. اینها یک اشتباه دارند و آن اینکه شناخت از اسلام و شناخت از ایمان و شناخت از ملت اسلامی ما ندارند. آنها گمان می‌کنند که با ترور شخصیتها، ترور اشخاص، می‌توانند با این ملت مقابله کنند؛ و ندیدند و کور بودند که ببینند که در هر موقعی که ما شهید دادیم ملت ما منسجمتر شد.

ملتی که قیام کرده است. در مقابل همه قدرتهای عالم، ملتی که برای اسلام قیام کرده است، برای خدا قیام کرده است، برای پیشرفت احکام قرآن قیام کرده است، این ملت را با ترور نمی‌شود عقب راند. آنها گمان می‌کنند که افکار مؤمنین و ملت پیاخته ما همچون افکار غربزده‌ها و غرب است که جز به دنیا فکری نمی‌کنند و جز متاع دنیا را نمی‌بینند، آنها هم آن‌طورند.

ملتی که از اول، از صدر اسلام و پیشوایان آن جان خودشان را فدا کردند برای هدف خودشان، که آن خدا و اسلام است، به این مسائل و به این امور از بین نخواهند رفت و سستی نخواهند داشت. ملت ما، ملت عزیز ما در تاریخ خوانده است که علی بن ابی طالب - سلام الله علیه - با دست یکی از همین منافقین، با دست یکی از همین اشخاصی که به صورت اسلام، [اما] از اسلام جدا بودند، فرق مبارکش شکافت. ملت ما چون علی بن ابی طالب را فدا کرده است از برای اسلام، فدا کردن امثال این شهدا برای ملت ما یک مسأله مهم نیست، گرچه خود واقعه و خود این افرادی که شهید شده‌اند در نظر همه ما عزیز و ارجمندند؛ و آقای رجایی و آقای باهنر هر دو شهیدی که باهم در جبهه‌های نبرد با قدرتهای فاسد هم‌جنگ و هم‌رزم بودند. و مرحوم شهید رجایی به من گفتند که من بیست سال است که با آقای باهنر همراه بوده‌ام و خداوند

خداوند خواست
که شهید رجایی و
شهید باهنر با هم به
سوی او هجرت
کنند

خواست که باهم از دنیا هجرت کنند و به سوی او هجرت کنند. کسی که هجرت را به سوی خدا می‌داند و شهادت را فوز عظیم می‌داند، و شهادایی که در صدر اسلام و از صدر، اسلام تا کنون داده است عالیتر و بالاتر از تمام افرادی هستند که در این قرن موجودند. مثل علی بن ابی طالب - سلام الله علیه - و حسن بن علی - سلام الله علیه - و حسین بن علی و اصحاب او - سلام الله علیهم - و سایر ائمه ما - علیهم السلام - آنها همه عمر خودشان را صرف کردند تا اسلام را حفظ کنند و ما هم تمام عمرمان را باید صرف کنیم تا اسلام را که به دست ما سپرده [شده] است، حفظ کنیم. من در عین حال که شهادت این دو بزرگوار برای من بسیار مشکل است، در عین حال، می‌دانم که آنها به رفیق اعلیٰ متصل شده‌اند و برای آنها آرامش هست و اینطور گرفتاریهایی که الآن برای ما هست، دیگر برای آنها نیست و آنها رسیدند به مطلوب خودشان و از این جهت، به آنها و به خانواده‌های آنها و ملت اسلامی تبریک عرض می‌کنم که چنین شهادایی تقدیم می‌کنند. در عین حالی که مصایب اینها مشکل است برای ما، لکن کشور ما و ملت ما با تمام قدرت ایستاده‌اند تا همچو شهادایی تقدیم کنند و هیچ راه عقب‌نشینی ندارند و فکر نمی‌کنند به سستی. آن کوردلانی که گمان کرده‌اند که جمهوری اسلامی با نبود چند نفر از بین خواهد رفت و سقوط خواهد کرد، آنها افکارشان، افکار اسلامی نیست و از اسلام خبری ندارند و از ایمان اطلاعی ندارند و افکارشان، افکار مادی [است] و برای دنیا کار می‌کنند و به هوای دنیا هستند.

باید دید که اینهایی که اینطور کارها را انجام می‌دهند، انگیزه آنها چیست. انگیزه آنها این است که برای این ملت، بعد یک دسته

دیگری از صنف خودشان بیایند و حکومت کنند؟ اینها مگر نشناخته‌اند این ملت را که کسی که انحراف دارد از اسلام و کسی که سر کرده تروریست‌هاست، کسانی که سر کرده اینها هستند و اینها را وادار به خرابکاری می‌کنند، در بین ملت جای ندارند؟ ما حکومتمان و افرادی که در رأس حکومت بودند چون از همین مردم هستند و از اشخاصی نیستند که از آن بالاها؛ یعنی، آن پایینها آمده باشند و حکومت کرده باشند بر ملت، از این جهت، ملت ما آرام است، دلش مطمئن است به اینکه وقتی که این شهدا نباشند، به جای آنها، داوطلبانی برای شهادت حاضر به صحنه هستند. ما در عین حال که برای این شهدا متأثر هستیم و اینها اشخاص ارزنده‌ای برای ملت ما و برای جمهوری ما بودند، لکن ما باز در صفهای دنبال آنها، افراد داریم و اشخاص متعهد داریم و اشخاص مؤمن متعهد به اسلام داریم، و دنبال او ملت داریم و ملتی که هیچ‌گونه عقب نشینی در این مسائل نخواهد کرد و با این ترتیب، جمهوری اسلامی آسیبی نخواهد دید.

در زمانهای سابق، زمان رژیمهایی که در سابق بودند؛ رژیمهای سلطنتی، وضع اینطور بود که اگر یک سلطانی کشته می‌شد یا می‌مرد، کشور به هم می‌خورد. نکته‌ی او این بود که آن سلطان و عمال آن سلطان به قدری ظلم کرده بودند بر مردم و بر توده‌های میلیونی مردم که به مجرد اینکه او از بین می‌رفت، خود مردم قیام می‌کردند بر ضد حکومت. لکن جمهوری اسلامی ما وضعی دارد که خود ملت یک فردی را می‌آورند و خود ملت یک فردی را کنار می‌گذارند و خود ملت [اگر] فردی شهید شد، به جای او باز یکی را انتخاب می‌کنند و خود را از دولت می‌دانند و دولت را از خود می‌دانند و خود را از رئیس جمهوری مکتبی می‌دانند و رئیس

جمهوری مکتبی را از خود می‌دانند. از این جهت، ولو اینکه رئیس جمهور شهید بشود، نخست‌وزیر شهید بشود و هر مقامی شهید بشود ملت ما هیچ خم به ابرو نمی‌آورند و کسان دیگر را به جای آنها انتخاب می‌کنند.

الآن سرتاسر کشور ما را اگر چنانچه ملاحظه کنید، تهران با آن جمعیت کثیری که الآن در نزدیک دانشگاه متمرکز هستند و سایر شهرها هم مثل تهران، ما بین این جمهوری و جمهوریهای عالم و ما بین این دولت و دولتهای سابق این کشور، می‌توانید [مقایسه] کنید که چه فرقی هست؟ اگر صدر اعظمی در زمان سابق کشته می‌شد، امکان نداشت که مردم، توده مردم، بازار مردم هیچ عکس‌العملی از خود نشان بدهند، آلا سرور، آلا مسرت. و امروز که دو نفر شهید معظم از ما رفته است، سرتاسر کشور ما به عزا نشسته است و سرتاسر کشور ما انسجام خودش را حفظ می‌کند و حفظ کرده است و فردا که اعلام می‌کنند برای انتخاب رئیس جمهور، همه این مردم برای انتخاب حاضرند.

من می‌دانم که در خارج، الآن عنصرهایی که با این جمهوری اسلامی، بلکه با اسلام مخالف هستند و بوقهای خارج و تبلیغاتی خواهند گفت که این دو نفر که شهید شدند، ایران به هم می‌خورد و خواهند گفت که در عزای اینها، مردم بی‌تفاوت بودند و یا خوشحال بودند. و آنها با اینکه می‌دانند، کوردلانه اینطور انتشارات و تبلیغات را انجام می‌دهند. الآن ببینید که سرتاسر کشور ما امروز در سوگ هستند و در همه خیابانها و کوچه‌ها و بازارها در سوگ نشسته‌اند. و الآن که به من اطلاع دادند، گفتند: امروز در اطراف دانشگاه جمعیت بیشتر از آن‌وقت است که ۷۲ تن شهید شدند. ملت ما اینطور است. اگر بعد از این هم - خدای

نخواستہ - اشخاصی شهید بشوند، ملت ما همین ملت است و نهضت ما همین نهضت. و آن عمده این است که کاری که برای خداست، نه برای افراد، نه برای اشخاص، نه برای شخصیتها، این کار رکود نمی‌کند با رفتن افراد و با رفتن شخصیتها. کشوری از رفتن شخصیتهای خود تزلزل پیدا می‌کند که ملت او و افراد آن ملت دل به شخص بسته باشند، دل به اشخاص بسته باشند. اما کشوری که دل او به خدا پیوسته است و برای خدا قیام کرده است و از اول، «نه شرقی و نه غربی و جمهوری اسلامی» را ندا داده است و با بانگ «الله اکبر»، صغیر و کبیر و زن و مردش در صحنه حاضر شده‌اند و این نهضت را و این انقلاب را بپا کرده‌اند، همین ملت هستند؛ برای اینکه خدا هست. رجایی و دیگران اگر نیستند، خدا هست. ...

با رفتن شهدایی با اینکه بسیار ارزشمند، بسیار ارزشمند بودند و هستند، با رفتن شهدا، در عین حال که ما متأثر هستیم، لکن چون ما توجهمان به خداست و برای خداست و ملت ما برای خدا قیام کرده است، با رفتن اشخاص، هیچ سستی به خودشان راه نمی‌دهند و گرفتار این خطا نیستند که افراد یک مسأله‌ای را ایجاد می‌کنند.

خدای تبارک و تعالی از اول با شما بوده است و مادامی که شما در صحنه باشید و ان شاء الله، هستید و خواهید بود، خدای تبارک و تعالی شما را پشتیبانی می‌کند و شما قوی خواهید بود. قوای مسلحة ما در جبهه‌های جنگ، باید توجه کنند که آنها برای خدا می‌جنگند، نه برای رئیس جمهور و برای نخست‌وزیر و برای دیگران؛ آنها دل را قویتر کنند و هر چه اشخاص فاسد به این کشور صدمه وارد می‌کنند، آنها قویتر در مرکز خودشان مشغول به

مجاهده و مبارزه باشند.

و گمان نکنید که اینها از روی قدرت یک همچو کارهایی را انجام می دهند، یک بمب در یک جا منفجر کردن، یک بچه دوازده ساله هم می تواند او را بگیرد یک جایی بگذارد و خود او منفجر بشود. این قدرتی نیست، این کمال ضعف است. من ابن ملجم را از اینها مردتر می دانم؛ برای اینکه او آمد در حضور مردم، کار خودش را کرد و خداوند او را لعنت کند. و اینها آن مردانگی آن نامرد را هم ندارند و به طور دزدی یک کاری انجام می دهند و خودشان را اصلاً ظاهر نمی کنند. من آن عباس آقا^۱ که صدر اعظم ایران را در نزدیک مجلس با هفت تیر زد در حضور همه و خودش را بعد هم دید گرفتار می شود، کشت او را مرد می دانم و اینها را نامرد. اینهایی که از اینجا فرار کردند و از خارج دستور می دهند که مردم را اغتیال کنند و به طور دزدکی بکشند، اینها تر نامرد هاست. من امیدوارم که کشور ما به همان طوری که در مقابل همه قدرتها ایستاد و ایستادگی کرد و زن و مردش و جوان و پیر مردش و بچه و بزرگش در مقابل، مشتها را گره کرد و ایستاد و قدرتهای بزرگ را از مملکت راند و به جهنم فرستاد، ان شاء الله، الآن هم در صحنه هستند. و همه اینها ایستاده اند در مقابل اینطور گرفتاریها صبر می کنند. و منطق اینها این است که از خدا هستیم و به سوی خدا می رویم. ما که از خدا هستیم و همه چیز ما از خداست، در راه خدا داریم [عمرمان را] صرف می کنیم و باکی نداریم و اینطور نیست که گمان کنیم که از اینجا که رفتیم، دیگر خبری نیست. آنها باید بترسند که قیامت را هم در همین جا خیال می کنند که هست،

۱. «عباس آقا صراف» تفنگ ساز تبریزی از ملبیون ایرانی که در تاریخ ۲۱ رجب سال ۱۳۲۵ ه. ق. میرزاعلی اصغر خان امین السلطان، صدراعظم محمدعلی شاه قاجار را در حالی که از مجلس شورای ملی خارج می شد به قتل رسانید و سپس خود را کشت.

بعثت را هم در همین جا خیال می‌کنند و آن را بعثت امت می‌دانند، نه بعثت انبیا و قیامت را هم منکر هستند. آنها باید بترسند که مرگ حیوانی را بر مرگ انسانی ترجیح می‌دهند. و اما جوانهای ما و سردمداران ما، که برای شهادت حاضر و آغوش باز کرده‌اند برای شهادت، اینها باکی از شهادت ندارند. و ملت ما از این شهادتها بسیار دیده است و در این چند سال اخیر، صدها شهید داده و هزاران شهید و هزاران معلول و پایدار ایستاده است و امثال این آقایان که شهید شده‌اند، در عین حال که در نظر ما بسیار ارجمند هستند، لکن آنها پیش خدا رفتند و ما به جای آنها، اشخاصی داریم مکتبی؛ انسانهایی که به شهادت فکر می‌کنند و داوطلب شهادت هستند.

و من امیدوارم که ملت ما انسجام خودش را بیشتر کند و در صحنه بیشتر از سابق حاضر باشد و امثال این تفاله‌هایی که مانده‌اند از رژیم سابق و از اشخاصی که فرار کرده‌اند، اینها را ان شاء الله، با نظارت خودشان و با نظر خودشان، هرجا دیدند معرفی کنند و قوای انتظامی و نظامی و خصوصاً شهربانی، بیشتر قیام کند به امر انتظامات و نظام و سایر چیزها. و امیدوارم که شما پیروز باشد و شما پیروز هستید. (۵۳۸)

۶۰/۶/۹

* * *

لازم است که در این روزی که فاجعه نخست وزیری رخ داد یک یا چند کلمه‌ای یادی از این دو نفر شهید بزرگوار و همین طور آقای عراقی که من سابقه طولانی با ایشان داشتم، بشود. من از خصوصیتی که در این آقایان بود، آقای رجایی، آقای باهنر، آقای

عراقی،^۱ آنی که به نظرم خیلی بزرگ است، این است که آقای رجایی یک نفر آدمی بود که دستفروشی [می‌کرد] در بازار از قراری که گفتند. من در مطالعاتی که در ایشان کردم به نظرم آمد که از حال دستفروشی‌اش تا حال ریاست جمهوری، در روح او تأثیری حاصل نشد. چه بسا اشخاصی هستند که اگر کدخدای ده بشوند، تغییر می‌کنند به واسطهٔ ضعفی که در نفسشان هست، تحت تأثیر آن مقامی که پیدا می‌کنند واقع می‌شوند، و اشخاصی هستند که مقام تحت تأثیر آنهاست از باب قوت نفسی که دارند. و آقای رجایی، آقای باهنر در عین حالی که خوب، یکیشان رئیس جمهور بود، یکیشان نخست وزیر بود، اینطور نبود که ریاست در آنها تأثیر کرده باشد، آنها در ریاست تأثیر کرده بودند؛ یعنی، آنها ریاست را آورده بودند زیر چنگ خودشان، ریاست آنها را نبرده بود تحت لوای خودش. و این یک درسی است که انسان باید از اینها یاد بگیرد و الحمدلله در این جمهوری بسیارند همچو اشخاص که تفاوتی به حالشان نکرده است. آن وقتی که در طلبگی بودند یا در بازار بودند با وقتی که مقام پیدا کردند فرقی نکرده است که انسان ببیند که خیر حالا یک بادی به غبغب بیندازد و یک هیاهویی به جا بیاورد و اینها نشده است و این مسأله‌ای است که اهمیت دارد. آنکه تحت تأثیر مقام می‌رود، نه این است که یک مقامی دارد. این از باب اینکه بسیار آدم ضعیفی است، مقام به او تسلط پیدا می‌کند و دنبال او هم می‌رود آن وقت و این دنبال رفتن مقام بسیار ضرر دارد، برای خود انسان و برای کسانی که در کار

مقام باعث تغییر

در روحیه شهید

رجایی و باهنر

نگردید

۱. شهید مهدی عراقی عضو هیأت‌های مؤتلفه اسلامی که پس از ترور حسنعلی منصور نخست‌وزیر شاه در سال ۱۳۴۳ دستگیر شد. وی پس از سالها مبارزه و تلاش در راه برقراری حکومت اسلامی در حالی که چند ماهی بیشتر از پیروزی انقلاب و تحقق جمهوری اسلامی ایران نگذشته بود در شهریور ماه ۱۳۵۸ توسط گروهک فرقان ترور شد.

هستند برای کشورشان، از آن طرف اگر چنانچه عکس شد، تأثیر خوب دارد، هم برای خودشان و هم برای کشور. و لهذا، من با این که **مَا أَبْرَى نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ**^۱ به شما آقایان عرض می‌کنم که توجه به این معنا داشته باشید، این مقامات بعد از چند روزی دیگر تمام می‌شود. آنهایی که در اریکه قدرهای بزرگ بودند بعد از چند روز تمام شد. آنهایی هم که به درویشی و به قناعت زندگی کردند آنها هم تمام شد. این امور تمام می‌شود، آن چیزی که هست، ما در حضور حق تعالی هستیم و ثبت است در نامه اعمال ما همه امور، همه خلجانان نفسانی و ما باید فکر آنجا باشیم. این راجع به این آقایان که واقعاً اسباب تأسف شد که یک همچو اشخاصی را اشخاص فاسد از بین بردند. ولی بحمدالله اینها در مماتشان هم تقویت کردند این جمهوری اسلامی را. (۵۳۹)

۶۵/۶/۸

* * *

حج خونین ۱۳۶۶

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ.^۲

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبى - دامت
افاضاته

پیام استقامت و مظلومیت شما و زائران عزیزتر از جانمان را از

۱. یوسف / ۵۳.

۲. حج / ۵۸.

کنار کعبهٔ مظلوم و حرم خون‌آلود خدا شنیدم. سلام خالصانهٔ اینجانب و همهٔ ملت ایران را به همهٔ عزیزانی که در کنار خانهٔ خود و حرم امن خدا مورد تهاجم و گستاخی اجیر شدگان شیطان بزرگ، یعنی امریکای جنایتکار قرار گرفته‌اند، ابلاغ کنید. این حادثهٔ بزرگ نه تنها احساسات و عواطف ملت ایران را که یقیناً دل همهٔ آزادگان جهان و ملت‌های اسلامی را جریحه‌دار و متألم ساخته است ولی برای ملت بزرگ و قهرمانی همچون مردم عزیز کشورمان که تجربهٔ چندین سالهٔ انقلاب را دیده‌اند و نقاب از چهره‌ها و نیرنگ‌های ایادی امریکا چون شاه و صدام را در حمله به عزاداران حسینی و آتش زدن قرآن‌ها و مساجد برداشته‌اند، این حوادث غیرمترقبه و شگفت‌آور نیست که دوباره دست کثیف امریکا و اسرائیل از آستین ریاکاران و سردمداران کشور عربستان و خائنین به حرمین شریفین به درآید و قلب بهترین مسلمانان و عزیزان و میهمانان خدا را نشانه رود و مدعیان سقاییت حاج و عمارت مسجدالحرام، خیابانها و کوچه‌های مکه را از خون مسلمانان سیراب کنند.

ما در عین حال که شدیداً متأثر و عزادار از این قتل عام بی سابقهٔ امت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - و پیروان ابراهیم حنیف و عاملین به قرآن کریم گردیده‌ایم ولی خداوند بزرگ را سپاس می‌گزاریم که دشمنان ما و مخالفین سیاست اسلامی ما را از کم عقلان و بیخردان قرار داده است، چرا که خودشان هم درک نمی‌کنند که حرکت‌های کورشان سبب قوت و تبلیغ انقلاب ما و معرف مظلومیت ملت ما گردیده است و در هر مرحله‌ای سبب ارتقای مکتب و کشورمان را فراهم کرده‌اند که اگر از صدها وسیلهٔ تبلیغاتی استفاده می‌کردیم و اگر هزاران مبلغ و روحانی را به اقطار عالم می‌فرستادیم تا مرز واقعی بین اسلام راستین و اسلام

زائران شریف
ایرانی پیام برائت
را با خونشان ابلاغ
نمودند

امریکایی و فرق بین حکومت عدل و حکومت سرسپردگان مدعی حمایت از اسلام را مشخص کنیم، به صورتی چنین زیبا نمی‌توانستیم، و اگر می‌خواستیم پرده از چهره‌گریه دست‌نشانندگان امریکا برداریم و ثابت کنیم که فرقی بین محمدرضاخان و صدام امریکایی و سران حکومت مرتجع عربستان در اسلام‌زدایی و مخالفتشان با قرآن نیست و همه نوکر امریکا هستند و مأمور خراب کردن مسجد و محراب و مسئول خاموش نمودن شعله‌فریاد حق‌طلبانه ملت‌ها، باز به این زیبایی میسر نمی‌گردید، و همچنین اگر می‌خواستیم به جهان اسلام ثابت کنیم که کلیدداران کنونی کعبه لیاقت میزبانی سربازان و میهمانان خدا را ندارند و جز تأمین امریکا و اسرائیل و تقدیم منافع کشورشان به آنان کاری از دستشان برنمی‌آید، بدین خوبی نمی‌توانستیم بیان کنیم و اگر می‌خواستیم به دنیا ثابت کنیم که حکومت آل سعود، این وهابیه‌های پست بیخبر از خدا بسان خنجرند که همیشه از پشت در قلب مسلمانان فرو رفته‌اند، به این اندازه که کارگزاران ناشی و بی‌اراده حاکمیت سعودی در این قساوت و بی‌رحمی عمل کرده‌اند، موفق نمی‌شدیم و حقا که این وارثان ابی‌سفیان و ابی‌لهب و این رهروان راه یزید روی آنان و اسلاف خویش را سفید کرده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران الحمدلله در میان زائران خانه‌حق از ملیتها و نژادها و کشورها و حتی در خود عربستان طرفداران بسیار زیاد و دوستان صادق و وفاداری پیدا نموده است که برای گواه و شهادت حقانیت ما و معرفی ابعاد قتل عام خونبار مسلمانان به دست خادم‌الحرمین و انتقال حقایق تلخ روز حادثه به مردم جهان ما را یاری دهند. و چه بهتر که بلافاصله و در حالی که اجساد

عزیزان ما بر زمین افتاده‌اند، صدام و حسین اردنی و حسن مراکشی به حمایت از جنایت آل سعود اعلام همبستگی نمایند، گویی عربستان سنگر بزرگی را فتح کرده است و در کشتن صدها زن و مرد بی دفاع مسلمان و به رگبار مسلسل بستن آنان و عبور از روی اجساد مطهر آنان به پیروزی نظامی بزرگی نایل آمده است که به یکدیگر تبریک می‌گویند و حال آنکه جهان در این ماتم نشسته و دل پیامبر خاتم شکسته است. و چه کسی است که نداند توسل به زور و سرنیزه و لشکر کشی در برابر زائران خانه حق و تهیه آنهمه مقدمات و توسل به بهانه‌های پوچ برای درگیری با زنان و مردان و جانبازان و مادران و همسران شهیدان چیزی جز استیصال و خشم و ضعف امریکا و عجز و ناامیدی سرسپردگان آنان نخواهد بود. یقیناً امریکا و عربستان از شرایط خلع سلاح مسلمانان در حرم خدا و احترام مؤمنین به احکام قرآن و پرهیز از جدال در کنار خانه خدا سوءاستفاده کرده‌اند و با وسایل از پیش فراهم شده و نقشه‌های دقیق روبه صفتانه به صفوف شیرمردان و شیرزنان ما حمله نموده‌اند و آنان را غافلگیر کرده‌اند. حکومت سعودی مطمئن باشد که امریکا لکه ننگی بر دامنش نهاده است که تا قیام قیامت هم با آب زمزم و کوثر پاک نمی‌شود و خونی که از دل اقیانوس بزرگ ملت ما بر سرزمین حجاز جاری شده است، زمزم هدایتی برای تشنگان سیاست ناب اسلام گردیده است که ملتها و نسلهای آینده از آن سیراب و ستمکاران در آن غرق و هلاک می‌شوند و ما همه این جنایتها را به حساب امریکا گذاشته‌ایم و به یاری خدا و در موقع مناسب به حساب آنان خواهیم رسید و انتقام فرزندان ابراهیم را از «نمرود»ها و «شیاطین» و «قارون»ها خواهیم گرفت. و مجدداً تأکید می‌کنم که اینها بهای گران حاکمیت نه شرقی

و نه غربی و استقلال و آزادی و اسلام خواهی ماست.

و اینک از فرصت استفاده کرده به یکی از آیات کتاب کریم اشاره می‌کنم آن جا که فرموده است: **أَجْعَلْنَمُ سَفَايَةَ الْحَجَّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَيَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ**.^۱ گویی آیه کریمه در همین عصر نازل شده و گویی برای آل سعود و امثال آل سعود در طول تاریخ و برای ملت مجاهد و بزرگ ایران و حجاج بیت الله الحرام در عصر حاضر و امثال آنان در همه اعصار آمده است. و خداوند تعالی می‌فرماید: شما کوردلان آب‌رسانی به حجاج و تعمیر مسجدالحرام را با ارزش آنانی که ایمان به خدا و به روز جزا آورده و در راه خدا مجاهده می‌کنند، مساوی قرار داده‌اید، حاشا که اینان با شما مساوی نیستند و خداوند ستمگران را هدایت نمی‌کند. آیا سعودیها و امثال آنان در طول تاریخ ارزش خود را برای تهیه آب در مواقع حج و زرق و برق تعمیرات مسجدالحرام را با ارزشهای مسلمانانی که به خداوند و روز جزا ایمان دارند و با نثار خون خود و جوانان مجاهد خود در راه خدا و برای دفع دشمنان خدا از حریم اسلام و حرم خداوند تعالی بپا خاسته‌اند مقایسه نکرده‌اند؟ و سعودیهای عصر حاضر، پا را فراتر از آن نگذاشته و بر مسلمانان افتخار نمی‌کنند؟ و با مجاهدان راه خدا آن نمی‌کنند که روی امریکای جهانخوار و ارباب خود را سفید کرده است؟ و جالب توجه اینکه خداوند در این آیه ایمان به خدا و روز جزا را ذکر فرموده و از میان تمام ارزشهای اسلامی و انسانی مجاهده در راه خدا را با دشمنان خدا و بشریت انتخاب کرده است و در این انتخاب به همه مسلمانان تعلیم فرموده است که ارزش جهاد فوق

همه ارزشهاست. و آیا خداوند با ذکر **وَاللّٰهُ لَيَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ** نمی خواهد بفرماید خداوند سعودیهای عصر را و تمام اعصار تاریخ را ستمگرانی بیش نمی داند که قابل هدایت نیستند و خداوند آنان را هدایت نمی فرماید؟ آیا ستمکاری بر حق و خلق و بر رسول خدا و امت بزرگوار حضرت رسول خاتم، بالاتر از آنچه آل سعود با کعبه و حرم امن الهی و با زائران مجاهد آن که همه چیز و همه کس خود را در راه دوست و آرمان اسلام تقدیم کردند، می توان تصور کرد؟ آیا جرم این مجاهدان که به فرمان خداوند تعالی ندای برائت از مشرکین را انجام داده اند، جز برائت از خدایان آل سعود و سعودیهای عصر حاضر و شاه حسین و شاه حسن و مبارک نامبارک و صدام عفلقی است؟ آیا سکوت در مقابل این ستمگریها که در طول تاریخ سابقه نداشته است، چیزی جز رضای به این جرم و شرکت در ظلم و ستم ظالمین و ستمگران است؟ و در هر صورت آل سعود برای تصدی امور کعبه و حج لیاقت نداشته و علما و مسلمانان و روشنفکران باید چاره ای بیندیشند. زائران شریف ایرانی امسال پیام انقلاب و برائت خود را با خونشان به جهان و به امت اسلام ابلاغ نمودند و با تقدیم شهادی بزرگ به پیشگاه مقدس حق از سازندگان و بانیان سیاست نه شرقی و نه غربی کعبه خداوند گشتند و ملت بزرگ ایران نیز با تجلیل گسترده خود از شهدا و شرکت میلیونی خود در راهپیمایی و اعلان برائت از کفر خصوصاً آل سعود به وظیفه انقلابی و الهی خود عمل نموده اند که در اینجا لازم است از حضور گسترده آنان و همه اقشار و خواهران و برادران تشکر کنم. اکنون نوبت زائران دیگر کشورها و خصوصاً علما و روشنفکران و گویندگان است که پیام مظلومیت ما را به جهان ابلاغ کنند. ان شاء الله زائران محترم

ایرانی با مقاومت و صبر بقیه اعمال خود را به اتمام برسانند و با گامهای محکم و دلی آرام و قلبی سرشار از رضایت و لبی خندان، شادی پیروزی خون بر شمشیر و شهادت در کنار خانه خدا را جشن بگیرند و افرادی که به مدینه منوره مشرف می شوند، سلام شهیدان به خون خفته کعبه و مجروحین خانه امن را به رسول خدا و ائمه هدی - علیهم السلام - ابلاغ کنند و این موفقیت بزرگ را به محضرشان تبریک بگویند و به راه خود با صلابت و اطمینان ادامه دهند و مشکلاتی که امریکا و عربستان بر آنان تحمیل نموده اند به حساب خدا و دفاع از پیامبر بگذارند و از اینکه خداوند هدیه ها و قربانیان هاجروار و اسماعیل گونه این ملت بزرگ را در کنار خانه خود پذیرفته است سپاسگزار و شاکر باشند که ان شاء الله خداوند شهدای بزرگ ما را با شهدای صدر اسلام محشور و به بازماندگان آنان صبر و اجر و به مصدومین و مجروحین شفا عنایت فرماید و شرّ متجاوزان را به خودشان بازگرداند و آنان را به عقوبت خود کیفر دهد.

از خداوند مسألت می کنم که از این زمان که همه کفر و همه شرک دست به دست هم داده اند و تصمیم و عزم خود را برای شکست امت اسلام جزم کرده اند و همه ضربه ها را بر علیه ما به کار گرفته اند، خود ما را در حصار محکم خود و در لوای مرحمت و لطف خود حفاظت فرماید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. (۵۴۰)

۶۶/۵/۱۲

* * *

بسم الله الرحمن الرحيم

لَقَدْ صَدَقَ اللهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللهُ آمِينَ.^۱

عید قربان با
شهادت فرزندان
ابراهیم

علی رغم گذشت یک سال از کشتار فجیع و بی رحمانه حجاج بی دفاع و زائران مؤمن و موحد به وسیله نوکران امریکا و سفاکان آل سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرتند. آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به خاک و خون کشیدن بهترین بندگان حق نه تنها حرم را، که جهان اسلام را آلوده به خون شهیدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزادار ساخت.

مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم - علیه السلام - که دهها بار از مصاف با جهانخواران و اذنب آنان برگشته بودند، در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند. و بار دیگر امریکا و آل سعود، بر خلاف راه و رسم آزادگی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی پناه ما کشته ها گرفتند؛ و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر نیمه جان سالخوردگان و بر دهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به سوی خانه خدا و خانه مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سالها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند. انتقام از کسانی که همچون ابراهیم - علیه السلام - از بت شکنی برمی گشتند؛ شاه را شکسته بودند؛ شوروی و امریکا را شکسته بودند؛ کفر و نفاق را خرد کرده بودند. همانها که پس از طی آن همه راهها با فریاد: **وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكُّ رِجَالاً** پا برهنه و سر برهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا آمده بودند تا با آب زمزم گرد و غبار سفر را از چهره بزدايند، و عطش خویش را در زلال مناسک حج برطرف نمایند و با توانی

بیشتر مسئولیت‌پذیر گردند و در سیر و سیورورت ابدی خود نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دل‌بستگی به دنیا را از تن به در آورند. همانها که برای نجات محرومان و بندگان خدا راحتی راحت‌طلبان را بر خود حرام، و مُحَرَّم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها بنده زرخرید امریکا و شوروی نباشند، که زیر بار هیچ‌کس جز خدا نروند. آمده بودند که دوباره به محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - بگویند که از مبارزه خسته نشده‌اند و به خوبی می‌دانند که ابی‌سفیان و ابی‌لهب و ابی‌جهل برای انتقام در کمین نشستند؛ و با خود می‌گویند مگر هنوز لات و هبل در کعبه‌اند. آری، خطرناکتر از آن بتها، اما در چهره و فریبی نو. آنها می‌دانند که امروز حَرَم، حَرَم است اما نه برای ناس، که برای امریکا! و کسی که به امریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زائرانی که همه ذرات وجود و همه حرکات و سکانات انقلابشان مناسک ابراهیم را زنده کرده است؛ و حقیقتاً می‌رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دلنشین «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» معطر سازد. (۵۴۱)

۶۷/۴/۲۹

* * *

کشتار زائران خانه خدا توطئه‌ای برای حفظ سیاستهای استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - است. و کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه جان اسلام و مسلمین دارد. (۵۴۲)

۶۷/۴/۲۹

کشتار زائران خانه
خدا توطئه‌ای برای
جلوگیری از نفوذ
اسلام

بعضی افراد تا قبل از حادثه تلخ و شیرین حج در سال گذشته، فلسفه اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راهپیمایی برائت از مشرکین به خوبی درک نکرده بودند و از خود و دیگران سؤال می‌کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد مبارزه است؛ و اگر هم فریاد برائت از مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه استکبار می‌شود. و چه بسا افراد ساده‌دلی تصور می‌کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهانخواران نه تنها تاب تحمل اینگونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه حیات و تظاهرات و راهپیمایی خواهند داد. و دلیل این مدعا اجازه راهپیماییهایی است که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می‌شود. ولی این مسأله باید روشن باشد که چگونه راهپیماییها هیچ‌گونه ضرری برای ابرقدرتها و قدرتها ندارد. راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راهپیماییهای برائت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و امریکا ختم می‌شود. و درست به همین جهت است که با کشتار دسته‌جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می‌شود، و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده‌دلان می‌فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و امریکا نهاد.

ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشأ تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه‌کن شدن نظامهای فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی‌نماها خواهد بود. و با اینکه بیشتر از یک سال از حماسه برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خونهای پاک شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصا نقاط عالم مشاهده

حادثه مکه منشأ
تحولات بزرگ در
جهان اسلام

می‌کنیم. حماسهٔ مردم فلسطین یک پدیدهٔ تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می‌کند که این حماسه را چه کسانی سروده‌اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده‌اند که بی‌محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانهٔ صهیونیستها مقاومت می‌کنند؟ آیا تنها آوای وطن‌گرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازان خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوهٔ استقامت و زیتون نور و امید می‌ریزد؟ اگر اینچنین بود، اینها که سالهاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده‌اند! شکی نیست که این آوای «الله‌اکبر» است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت‌المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند. و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و «مرگ بر امریکا، شوروی و اسرائیل» گفت؛ و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید. آری، فلسطینی راه گم کردهٔ خود را از راه برائت ما یافت. و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فروریخت، و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد برگلوله پیروز شد؛ و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوکب دریهٔ فلسطین از شجرهٔ مبارکهٔ «لاشرفیهٔ ولاغریبهٔ» ما برافروخت. و امروز به همان‌گونه که فعالیت‌های وسیعی در سراسر جهان برای به‌سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله‌های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد. و این تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است. و حال آنکه معتقدین به اصول انقلاب

اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما اینها را سرمایه‌های بالقوه انقلاب خود تلقی می‌کنیم و هم آنهایی که با مرگب خون طومار حمایت از ما را امضا می‌کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیک می‌گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت. (۵۴۳)

۶۷/۴/۲۹

* * *

فصل ششم

اسوه‌های شهادت در عصر حاضر

- | | |
|----------------------|----------------------|
| □ شهید سیدحسن مدرس | □ شهید باهنر |
| □ شهید سعیدی | □ شهید قدوسی |
| □ شهید مطهری | □ شهید مدنی |
| □ شهید عراقی | □ شهید هاشمی نژاد |
| □ شهید قاضی طباطبایی | □ شهدای سانحه هوایی |
| □ شهید مفتاح | □ شهید دستغیب |
| □ شهید صدر | □ شهید صدوقی |
| □ شهید فهمیده | □ شهید اشرفی اصفهانی |
| □ شهید چمران | □ شهید حکیم |
| □ شهید بهشتی | □ شهید شاه‌آبادی |
| □ شهید محمد منتظری | □ شهید محلاتی |
| □ شهید رجایی | □ شهید عارف حسینی |

شهید سید حسن مدرس

یک مجلس از مجالس سابق که مرحوم «مدرس»، - مرحوم آسید حسن مدرس - در آن مجلس بود، التیماتومی از دولت روس آمد به ایران که اگر فلان قضیه را انجام ندهید (که من حالا هیچی از آن را یادم نیست) ما از فلان جا - که قزوین ظاهراً بوده است - می آییم به تهران و تهران را می گیریم. دولت ایران هم فشار آورد به مجلس که باید این را تصویب کنید. یکی از مورخین، مورخین امریکایی، می نویسد که یک روحانی با دست لرزان آمد پشت تریبون ایستاد و گفت: آقایان، حالا که بناست ما از بین برویم چرا به دست خودمان برویم. رد کرد. مجلس به خاطر مخالفت او جرأت پیدا کرد و رد کرد و هیچ غلطی هم نکردند. روحانی این است. یک روحانی توی مجلس بود نگذاشت آن قلدر شوروی را، روسیه سابق را، یک دولت را - پیشنهاد اولتیماتومش را - یک روحانی ضعیف، یک مشت استخوان رد کرد! (۵۴۴)

مدرس جلوی
اولتیماتوم دولت
روس ایستاد

۴۳/۸/۴

* * *

مرحوم مدرس - رحمه الله - خوب، من ایشان را هم دیده بودم. این هم یکی از اشخاصی بود که در مقابل ظلم ایستاد؛ در مقابل ظلم آن مرد سیاهکوهی، آن رضا خان قلدر ایستاد و در مجلس بود ... ایشان را به عنوان طراز اول، علما فرستادند به تهران و ایشان با گاری آمد تهران. از قراری که آدم موثقی نقل می‌کرد، ایشان یک گاری آنجا خریده بود و اسبش را گاهی خودش می‌راند، تا آمد به تهران. آنجا هم یک خانه مختصری اجاره کرد. و من منزل ایشان مکرر رفتم؛ خدمت ایشان - رضوان الله علیه - مکرر رسیدم. ایشان به عنوان طراز اول آمد لکن طراز اول که اصلاً از اول موضوعش منتفی شد. بعد ایشان وکیل می‌شد. هر وقت هم که ایشان وکیل می‌خواست بشود، وکیل اول؛ در تهران وکیل اول مدرس بود. ایشان در مقابل ظلم تنها می‌ایستاد و صحبت می‌کرد، و اشخاص دیگری از قبیل ملک الشعرا^۱ و دیگران همه دنبال او بودند اما او بود که می‌ایستاد و برخلاف ظلم، برخلاف تعدیات آن شخص، صحبت می‌کرد. (۵۴۵)

مدرس به تنهایی
در مقابل ظلم
می‌ایستاد

۵۶/۸/۱۰

* * *

یکی از اشتباهات این بود که مردم، یا آنهایی که باید مردم را آگاه کنند، پشتیبانی از «مدرس» نکردند. مدرس تنها مرد بزرگی بود که با او مقابله کرد و ایستاد و مخالفت کرد. و در مجلس هم بعضیها موافق با مدرس بودند، و بعضیها هم سرسخت مخالفت می‌کردند با مدرس. و در آن وقت، باز یک جناحهایی می‌توانستند که پشت

یکی از اشتباهات
این بود که از
مدرس حمایت
نشد

۱. محمدتقی بهار، ملقب به ملک الشعرا (۱۲۶۶ - ۱۳۳۰ ه. ق.). شاعر بزرگ ایرانی که از یاران سیدحسن مدرس بود. وی چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد.

سر مدرس را بگیرند و پشتیبانی کنند و اگر پشتیبانی کرده بودند، مدرس مردی بود که با منطق قوی و اطلاعات خوب و شجاعت و همه اینها موصوف بود و ممکن بود که در همان وقت شرّ این خانواده کنده بشود و نشد. (۵۴۶)

۵۷/۸/۱۶

* * *

یک آخوند توی مجلس بود پدرش را درمی‌آورد، یک «مدرس» بود. یک مدرس توی مجلس بود مکرر شکست داد او را؛ ایشان را گرفتند کشتند. (۵۴۷)

مدرس و شکست
رضاشاه

۵۷/۱۱/۱

* * *

این عکسی^۱ که ملاحظه می‌کنید، شخصی است ... که ملک‌الشعرا گفته است که از زمان مغول تا حالا مثل این شخص در عالم نیامده؛ این مرحوم مدرس ... آنطور که ما خودمان دیدیم تنها آدمی که در مقابل رضاخان قلدر ایستاد این است، این شخص، یک روحانی که لباسش از سایر اشخاص کمتر بود. - آن وقت وقتی که شعر گفته بودند، برای تنبان کرباس مدرس، آن فاسد شعر گفته بود - این در مقابل قدرت بزرگ رضاخان ایستاد. آنکه هجوم کرده بود به مجلس که مجلس را چه بکند، و «زنده باد، زنده باد رضاخان» می‌گفتند، ایستاد گفت که «مرده باد او و زنده باد من!» یک همچو مرد قدرتمندی بود؛ برای اینکه الهی بود؛ برای خدا می‌خواست کار بکند، نمی‌ترسید.

مدرس، الهی بود

۱. اشاره به تمثال مرحوم مدرس.

خداوند ان شاء الله او را رحمت کند. (۵۴۸)

۵۸/۲/۲۴

* * *

قرآن کتاب انسان سازی است؛ می‌خواهد آدم درست کند. یک آدم اگر موافق تعلیم قرآن درست شود، یکوقت می‌بینید که یک «مدرس» از کار درمی‌آید که یک مدرس مثل یک گروه است؛ جلوی قدرت رضاشاه، آن قدرت شیطانی می‌ایستد تنها؛ با پیرمردی خودش می‌ایستد، جلویش را می‌گیرد و جلوی شوروی که می‌خواستند به ایران حمله کنند، ... می‌گیرد. اینها هم، خارجیها هم از انسان می‌ترسند. (۵۴۹)

مدرس، نمونه
انسان مورد نظر
اسلام

۵۸/۲/۳۱

* * *

آنها از مدرس می‌ترسیدند. مدرس یک انسان بود. یک نفری نگذاشت پیش برود کارهای او را تا وقتی کشتندش. یک نفری غلبه می‌کرد بر همه مجلس! بر اهالی که در مجلس بودند غلبه می‌کرد یک نفری، یک نفری تا توی مجلس نبود - من آن وقت مجلس رفتم دیدم برای تماشا. بچه بودم، جوان بودم رفتم - مجلس آن وقت تا مدرس نبود، مثل اینکه چیزی در آن نیست؛ مثل اینکه محتوا ندارد. مدرس با آن عبای نازک و با آن - عرض بکنم - قبای کرباسی وقتی وارد می‌شد، مجلس می‌شد یک مجلس - طرحهایی که در مجلس داده می‌شد، آنکه مخالف بود، مدرس مخالفت می‌کرد و می‌ماساند مطلب را!! (۵۵۰)

مدرس یک نفری
بر همه مجلس غلبه
می‌کرد

۵۸/۳/۱۶

مرحوم مدرس، خدا رحمتش کند - مردی بود که ملک‌الشعرا گفته بود از زمان مغول تا حالا مثل مدرس کسی نیامده - می‌گفت که بزیند که بروند از شما شکایت کنند؛ نه بخورید و بروید شکایت کنید! من رفتم پیشش - خدا رحمتش کند - اخوی ما نوشته بود به من که یک نفری است اینجا رئیس غله است. آن وقت یک رئیس غلهٔ زمان رضاشاه بود. به من نوشت که بروید به آقای مدرس بگویید که این مرد آدم فاسدی است. دو تا سگ دارد یکی‌اش را اسمش را «سید» گذاشته، یکی‌اش را «شیخ»! شما بروید [بگویید] که این را از اینجا بیرونش کنند. من رفتم به ایشان گفتم. گفت بکشیدش! گفتم آخر چطور بکشیم؟ گفت من می‌نویسم بکشیدش. گفتم آخر شما اینجا مأمور هستید، شما اینجا هستید، آنها آنجا نمی‌توانند. گفت چطور شد که وقتی قافله‌ها از گلپایگان می‌آیند عبور کنند و بروند به کمره می‌خواهند عبور کنند می‌فرستید لختشان می‌کنند، حالا نمی‌توانید بکشید یک کسی را؟! (۵۵۱)

۵۸/۳/۲۳

* * *

اینهایی که می‌خواهند انسان درست نشود، از انسان می‌ترسند، این رژیمها از انسان می‌ترسند. در هر رژیمی یک انسان اگر پیدا بشود، متحول می‌کند کارها را. رضاشاه از مدرس می‌ترسید، آنقدری که از مدرس می‌ترسید، از دزدهای سرگردنه نمی‌ترسید! از تفنگدارها نمی‌ترسید. از مدرس می‌ترسید، که مدرس مانع بود از اینکه یک کارهای زشتی را انجام بدهد، و آخر مدرس را گرفت و کشت. (۵۵۲)

۵۸/۵/۲۶

مدرس می‌گفت:
ظالمان را بزیند تا
بروند از شما
شکایت کنند

رضاخان از مدرس
می‌ترسید

مثل مرحوم مدرّس. مرحوم مدرّس یک کسی بود که در مقابل همه می‌ایستاد و مع الأسف اینها می‌گویند: روحانین نقشی نداشتند. یک روحانی تو یک مجلس، رضاخان می‌خواست که جمهوری درست کند و مدرّس مخالفت می‌کرد، می‌دانست که این می‌خواهد حقّه بزند و مردم را بچاپد. فقط مدرّس ایستاد و جلوی او را گرفت. مع ذلک، روحانین هیچ نقشی نداشتند؟! در طول مدتی که، از اولی که رضاخان آمد و اول سالوسی خودش را کرد و پایش را محکم کرد و شروع کرد با اسلام مخالفت کردن، این کسی که در مقابل آنها ایستاد و مشتش را گره کرد همین روحانین بودند، همین علما بودند که از مشهد و از تبریز و از اصفهان و از سایر بلاد مخالفت کردند و این احزاب و این نهضتها و اینها هیچ کدام با آنها مخالفت نکردند. (۵۵۳)

تنها مدرس بود که
جلوی رضاخان
ایستاد

۵۹/۳/۱۴

* * *

مدرّس از قراری که از او نقل کرده‌اند گفته بود که: «در مجلس ما یک مسلمان هست، آن هم ارباب کیخسرو»^۱ رضاخان رقیب خودش را مدرّس می‌دانست، به دیگران اعتنایی نداشت. رقیب خودش را مدرّس می‌دانست که وقتی که می‌ایستاد و صحبت می‌کرد، متزلزل می‌کرد همه را. یک انسان بود، وضع زندگی اش آن بود که شما شنیدید و من دیدم. وقتی که وکیل شد یعنی؛ از اول به عنوان فقیهی که باید در مجلس باشد تعیین شد. آنطور که نقل کرده‌اند، یک گاری با یک اسبی [در] اصفهان خریده بود و سوار

لباس کرباسی
مدرس زبانزد همه
بود

۱. کیخسرو شاهرخ از زرتشتی‌های کرمان که یازده دوره متوالی نماینده اقلیت زرتشتی در مجلس شورای ملی بود او مردی مدیر، مجرب، متین و فاضل بود که تألیفاتی هم دارد. وی در سال ۱۳۱۹ ه. ش. توسط ایادی رضاشاه به قتل رسید.

شده بود و خودش آورده بود تا تهران. آنجا آن را هم فروخته بود. و منزلش یک منزل مُحَقَّر از حیث ساختمان. یک قدری بزرگ بود ولی مُحَقَّر از حیث ساختمان. و زندگی یک زندگی مادون عادی که در آن وقت لباس کرباس ایشان زبانزد بود. کرباسی که باید از خود ایران باشد می‌پوشید. این وطنخواها کدام لباسشان مال ایران است؟ (۵۵۴)

۵۹/۹/۲۷

* * *

شما ملاحظه کرده‌اید، تاریخ مرحوم مدرس را دیده‌اید: یک سید خشکیده لاغر - عرض می‌کنم - لباس کرباسی - که یکی از فحشهایی که آن شاعر به او داده بود، همین بود که تنبان کرباسی پوشیده - یک همچو آدمی در مقابل آن قلدری که هر کس آن وقت را ادراک کرده می‌داند که زمان رضاشاه غیر زمان محمد رضا شاه بود. آن وقت یک قلدری بود که شاید تاریخ ما کم مطلع بود، در مقابل او همچو ایستاد، در مجلس، در خارج که یک وقت گفته بود: سید چه از جان من می‌خواهی؟ گفته بود که می‌خواهم که تو نباشی، می‌خواهم تو نباشی! این آدم که - من درس ایشان یک روز رفتم - می‌آمد در مدرسه سپهسالار - که مدرسه شهید مطهری است حالا - درس می‌گفت - من یک روز رفتم درس ایشان - مثل اینکه هیچ کاری ندارد، فقط طلبه‌ای است دارد درس می‌دهد؛ اینطور قدرت روحی داشت. در صورتی که آن وقت در کوران آن مسائل سیاسی بود که باید حالا بروند مجلس و آن بساط را درست کند. از آنجا - پیش ما - رفت مجلس. آن وقت هم که می‌رفت مجلس، یک نفری بود که همه از او حساب می‌بردند. من مجلس

بدون مدرس،
مجلس احساس
نقص می‌کرد

آن وقت را هم دیده‌ام. کأنه مجلس منتظر بود که مدرس بیاید؛ با اینکه با او بد بودند، ولی مجلس کأنه احساس نقص می‌کرد وقتی مدرس نبود. وقتی مدرس می‌آمد، مثل اینکه یک چیز تازه‌ای واقع شده. این برای چه بود؟ برای اینکه یک آدمی بود که نه به مقام اعتنا می‌کرد و نه به دارایی و امثال ذلک؛ هیچ اعتنا نمی‌کرد؛ نه مقامی او را جذبش می‌کرد، [نه دارایی] ایشان وضعش اینطور بود که - برای من نقل کردند این را که - داشت قلیان خودش را چاق می‌کرد. خودش اینطور بود. فرمانفرمای آن روز - حالا که من می‌گویم «فرمانفرما»، شما به ذهنتان نمی‌آید که یعنی چه - فرمانفرمای آن روز وارد شده بود منزلش. گفته بود که به او، حضرت والا، من قلیان را آبش را می‌ریزم، تو این را، آتش سرخ کن را درست کن یا بعکس. از اینجا، همچو او را کوچک می‌کرد که دیگر نه، طمع دیگر نمی‌توانست بکند. وقتی اینطور با او رفتار کرد که بیا این آتش سرخ کن را گردش بده، آن آدمی که همه برایش تعظیم می‌کردند، همه برایش چه می‌کردند، این وقتی اینطوری می‌رسیده، این شخصیتها را اینطوری از بین می‌برد که مبادا طمع کند که از ایشان چیزی بخواهد.

من بودم آنجا که یک کسی یک چیزی نوشته بود. زمان قدرت رضاشاه، زمانی که آن وقت باز شاه نبود - آن وقت یک قلدر نفهمی بود که هیچ چیز را ابقا نمی‌کرد - یک کسی آمد گفت: من یک چیزی نوشتم برای عدلیه، شما بدهید ببرند پیش حضرت اشرف که - یک همچو تعبیرهایی - که ببینند. گفت: رضاخان، که باز نمی‌داند اصلش عدلیه را با «الف» می‌نویسند یا با «ع» می‌نویسند؛ من بدهم این را او ببیند؟ نه اینکه این را در غیاب می‌گفت، در حضورشان هم می‌گفت. این جور بود وضعش.

این چه بود؟ برای اینکه وارسته بود، وابسته به هواهای نفس نبود، اِتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوِيَّةً نبود. این، هوای نفسانی خودش را اله خودش قرار نداده بود، این اله خودش را خدا قرار داده بود. این برای مقام و برای جاه و برای وضعیت کذا نمی‌رفت عمل بکند، او برای خدا عمل می‌کرد. کسی که برای خدا عمل می‌کند، وضع زندگی‌اش هم آن است، دیگر از آن وضع بدتر که دیگر نمی‌شود برایش. برای چه دیگر چه بکنند؟ از هیچ کس هم نمی‌ترسید. وقتی که رضاشاه ریخت به مجلس که فریاد می‌زدند آن قلدرهای اطرافش که زنده باد کذا و زنده باد کذا، مدرس رفت ایستاد و گفت که مرده باد کذا، زنده باد خودم. خوب، در مقابل او، شما نمی‌دانید حالا، در مقابل او ایستادن یعنی چه و او ایستاد. این برای این بود که از هواهای نفسانی آزاد بود، وارسته بود، وابسته نبود. (۵۵۵)

۶۱/۶/۷

* * *

اگر در هر شهری و استانی چند نفر مؤثر افکار، مثل مرحوم مدرس شهید، را داشتند، مشروطه به طور مشروع و صحیح پیش می‌رفت، و قانون اساسی با متمم آن، که مرحوم حاج شیخ فضل‌الله در راه آن شهید شد، دستخوش افکار غربی و دستخوش تصرفاتی که در آن شد نمی‌گردید، و اسلام عزیز و مسلمانان مظلوم ایران آن رنجهای طاقت‌فرسا را نمی‌کشیدند. به دنبال خروج روحانیون، یا به عبارت دیگر، اخراج آنان از صحنه، عموم متدینین، از هر قشری از اقشار، چه فرهنگی، چه کارگری، چه اداری و بازاری و چه غیر اینها، نیز از دخالت کناره گرفتند یا برکنارشان کردند؛ و آن

اگر چند نفر افکار
مدرس را داشتند
مشروطه منحرف
نمی‌شد

شد که شد. (۵۵۶)

۶۲/۱۱/۲۲

* * *

در عصر شکوفایی انقلاب اسلامی، بزرگداشت مجاهدی
عظیم الشان و متعهدی برومند و عالم بزرگواری که در دوران سیاه
اختناق رضاخانی می‌زیست لازم می‌باشد. زیرا در زمانی که قلمها
شکسته و زبانها بسته و گلوها فشرده بود، او از اظهار حق و ابطال
باطل دریغ نمی‌کرد. در آن روزگار، در حقیقت حق حیات از ملت
مظلوم ایران سلب شده بود، و میدان تاخت و تاز قلدری هتاک در
سطح کشور باز، و دست مزدوران پلیدش در سراسر ایران تا مرفق
به خون عزیزان آزاده وطن و علمای اعلام و طبقات مختلف
آغشته بود. این عالم ضعیف الجثه، با جسمی نحیف و روحی
بزرگ و شاداب از ایمان و صفا و حقیقت و زبانی چون شمشیر
حیدر کرار، رویارویشان ایستاد و فریاد کشید و حق را گفت و
جنایت را آشکار کرد، و مجال را بر رضاخان کذایی تنگ و
روزگارشان را سیاه کرد. و عاقبت جان طاهر خود را در راه اسلام
عزیز و ملت شریف نثار کرد. و به دست دژخیمان ستمشاهی در
غربت به شهادت رسید، و به اجداد طاهرینش پیوست. در واقع
شهید بزرگ ما، مرحوم مدرس، که القاب برای او کوتاه و کوچک
است، ستاره درخشانی بود بر تارک کشوری که از ظلم و جور
رضاشاهی تاریک می‌نمود. و تا کسی آن زمان را درک نکرده باشد.
ارزش این شخصیت عالی‌مقام را نمی‌تواند درک کند. ملت ما
مرهون خدمات و فداکاریهای اوست.

و اینک که با سر بلندی از بین ما رفته است، بر ماست که ابعاد

مدرس ستاره
درخشانی بر تارک
کشور

روحی و بینش سیاسی و اعتقادی او را هرچه بهتر بشناسیم و بشناسانیم؛ و با خدمت ناچیز خود مزار شریف دورافتاده او را تعمیر و احیا نماییم. (۵۵۷)

۶۳/۶/۲۸

* * *

بسمه تعالی

سزاوار است که [بر] اولین اسکناس که در ایران به طبع می‌رسد، عکس اولین مرد مجاهد در رژیم منحوس پهلوی چاپ شود. خداوند رحمت فرماید ایشان را. (۵۵۸)

مدرس اولین مرد
مجاهد

۶۴/۹/۷

روح الله الموسوی الخمينی

* * *

شهید سید محمد رضا سعیدی

حوادث اخیر ایران که قتل مرحوم سعیدی مترتب بر آنهاست، موجب کمال تأثر است. این تنها مرحوم سعیدی نیست که با این وضع اسفانگیز در گوشه زندان از پای درمی‌آید بلکه چه بسا افراد مظلوم و بیگناه به جرم حَق‌گویی در سیاهچالهای زندان، مورد ضرب و شتم و شکنجه‌های وحشیانه و رفتار غیرانسانی قرار می‌گیرند....

شهید سعیدی برای
حفظ اسلام فدا شد

من قتل فجیع این سید بزرگوار و عالم فداکار را - که برای حفظ مصالح مسلمین و خدمت به اسلام جان خود را از دست داد - به ملت اسلام عموماً و خصوصاً به ملت ایران تعزیت

می دهم، (۵۵۹)

۴۹/۹/۲۰

* * *

شهید مرتضی مطهری

اینجانب به اسلام و اولیای عظیم الشان آن و به ملت اسلام و خصوص ملت مبارز ایران ضایعهٔ آسفانگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالیمقام مرحوم آقای حاج شیخ مرتضی مطهری - قدس سره - را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. تسلیت در شهادت شخصیتی که عمر شریف و ارزندهٔ خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجرویه‌ها و انحرافات مبارزهٔ سرسختانه کرد، تسلیت در شهادت مردی که در اسلام‌شناسی و فنون مختلفهٔ اسلام و قرآن کریم کم‌نظیر بود. من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوگ او نشستم که از شخصیت‌هایی بود که حاصل عمرم محسوب می‌شد. در اسلام عزیز با شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان تلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست. و تبریک در داشتن این شخصیت‌های فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوهٔ خود نورافشانی کرده و می‌کنند. من در تربیت چنین فرزندان‌انی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمتها نور می‌افشانند، به اسلام بزرگ، مربی انسانها و به امت اسلامی تبریک می‌گویم. من گرچه فرزند عزیزی را که پارهٔ تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد. مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم‌نظیر بود، رفت و به ملأ اعلیٰ

مطهری حاصل
عمرم محسوب
می شد

پیوست، لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی‌اش نمی‌رود.

تروریست‌ها نمی‌توانند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند. آنان بدانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصممت می‌شوند. ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه‌های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی‌نشیند. اسلام عزیز با فداکاری و فدایی دادن عزیزان رشد نمود. برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توأم با شهامت بوده. قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأس برنامه‌های اسلام است. **مَا لَكُمْ لَأْتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ**^۱.

اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیرانسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند، بدگمان کرده‌اند. از هر موی شهیدی از ما و از هر قطره خونی که به زمین می‌ریزد، انسانهای مصمم و مبارزی به وجود می‌آید. شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید و الا ترور فرد هر چه بزرگ باشد، برای اعاده چپاولگری سودی ندارد. ملتی که با اعتماد به خدای بزرگ و برای احیای اسلام پیا خاسته با این تلاشهای مذبحخانه عقبگرد نمی‌کند. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه خدا مهیا هستیم.

ایسینجانب روز پنجشنبه سیزده اردیبهشت ۵۸ را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت، عزای عمومی اعلام می‌کنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه و جمعه به سوگ می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز

اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسألت
می‌نمایم. سلام بر شهدای راه حق و آزادی. (۵۶۰)

۵۸/۲/۱۱

* * *

رجل فاجری^۱ که خون عزیز ما^۲ را به زمین ریخت، تأیید کرد دین
خدا را. یعنی خدا دین خودش را به او تأیید کرد. با ریختن خون عزیز
ما، تأیید شد انقلاب ما. این انقلاب باید زنده بماند، این نهضت باید
زنده بماند، و زنده ماندنش به این خونریزیهاست. بریزید خونها را؛
زندگی ما دوام پیدا می‌کند. بکشید ما را؛ ملت ما بیدارتر می‌شود. ما
از مرگ نمی‌ترسیم؛ و شما هم از مرگ ما صرفه ندارید. دلیل عجز
شماست که در سیاهی شب، متفکران ما را می‌کشید. برای اینکه
منطق ندارید. اگر منطق داشتید که صحبت می‌کردید؛ مباحثه
می‌کردید. لکن منطق ندارید، منطق شما ترور است! منطق اسلام
ترور را باطل می‌داند. اسلام منطق دارد؛ لکن با ترور شخصیت‌های
بزرگ ما، شخصهای بزرگ ما، اسلام ما تأیید می‌شود.

با ترور شهید
مطهری نهضت ما
زنده شد

نهضت ما زنده شد. تمام اقشار ایران، باز زندگی از سر گرفت.
اگر یک سستی، ضعفی پیدا کرده بود، زنده شد. اگر نبود شهادت
این مرد بزرگ، و اگر مرده بود این مرد بزرگ در بستر خودش، این
تأیید نمی‌شد؛ این موج برنمی‌خاست. الآن موجی در همه دنیا،
همه دنیا، همه دنیایی که به اسلام علاقه دارند، این موج بلند شد.
سایر کشورها هم؛ برادران من نترسید از موج. (۵۶۱)

۵۸/۲/۱۴

۱. اشاره به گروهک فرقان.

۲. اشاره به استاد شهید مطهری.

این قدرت خداست که به همه حس فداکاری داد و شهادت را برای خودشان فوز دانستند و پیشقدم شدند. برای ملتی که شهادت فوز عظیم است، برای ملتی که بچه خردسال و پیرمرد بزرگ آرزوی شهادت می‌کنند، باز حساب حسابگران باطل در می‌آید. با کشتن یک نفر ولو هر چه بزرگ باشد، این ملت عقب نمی‌نشیند باز دست خدای تبارک و تعالی از آستین درآمد و در شهادت یک شهید، همچو موجی، همچو موجی در ایران و در سایر کشورها ایجاد کرد که ما را زنده کرد، اسلام را باز زنده کرد. (۵۶۲)

۵۸/۲/۱۶

* * *

اینهایی که مثل آقای مطهری، که اذیتش به یک مور نرسیده است - من قریب بیست سال این مرد را می‌شناسم - یک آدم به آن سالمی، یک آدم به آن ادب، به آن انسانیت، این را محکوم به قتلش می‌کنند. چرا؟ چه کرد آقای مطهری؟ کی را کشته است؟ چه کرده؟ این بشر نیست؟! این انسان فیلسوف، عالم، فقیه، این بشر نیست؟! این بشر را اینطور می‌کشند بدون اینکه یک جرمی داشته باشد. جرم آقای مطهری چه بود؟ چه کرده بود؟ جرم «قرنی»^۱ چه بود؟ آخر چه جرمی کرده بودند که مستحق قتل بودند؟...

آخر، یکوقت یک آدمی بود که کاری کرده بود؛ جز تعلیم و تعلم این مرد کاری نداشت. یک آدمی که من قریب به بیست سال او را می‌شناسم و مطلع از وضع و حال او هستم و می‌دانم که اذیت به کسی نکرده، یک آدمی که زحمت برای این ملت کشیده است، یک آدمی که کتابنویس بوده، یک آدمی که فیلسوف و متفکر بوده،

شهادت مطهری
اسلام را زنده کرد

جرم مطهری چه
بوده است؟

مستحق قتل است، [که] او را کشتند؟ این جمعیت حقوق بشر کجا هستند که یک کلمه نمی‌گویند؟ (۵۶۳)

۵۸/۲/۲۵

* * *

گرچه انقلاب اسلامی ایران - به رغم بدخواهان و ماجراجویان - به خواست و توفیق خداوند متعال به پیروزی رسید و نهادهای اسلامی - انقلابی یکی پس از دیگری در ظرف تقریباً یک سال با آرامش و موفقیت انجام گرفت، لکن بر ملت ما و به حوزه‌های اسلامی و علمی خسارتهای جبران‌ناپذیر نیز به دست منافقین ضد انقلاب واقع شد؛ همچون ترور خائنانه مرحوم دانشمند و اسلام‌شناس عظیم‌الشأن حجت الاسلام آقای حاج شیخ مرتضی شهید مطهری - رحمة الله علیه.

نگذارید کتابهای

این استاد عزیز

فراموش شود

اینجانب نمی‌توانم در این حال احساسات و عواطف خود را نسبت به این شخصیت عزیز ابراز کنم. آنچه باید عرض کنم درباره او آن است که او خدمتهای ارزشمندی به اسلام و علم نمود و موجب تأسف بسیار است که دست خیانتکار، این درخت ثمربخش را از حوزه‌های علمی و اسلامی گرفت و همگان را از ثمرات ارجمند آن، محروم نمود. مطهری فرزندی عزیز برای من و پشتوانه‌ای محکم برای حوزه‌های دینی و علمی و خدمتگزاری سودمند برای ملت و کشور بود. خدایش رحمت کند و در جوار خدمتگزاران بزرگ اسلام جایگزین فرماید.

اکنون شنیده می‌شود که مخالفین اسلام و گروههای ضد انقلاب درصدد هستند که با تبلیغات اسلام‌شکن خود دست جوانان عزیز دانشگاهی ما را از استفاده از کتب این استاد فقید

کوتاه کنند. من به دانشجویان و طبقه روشنفکران متعهد توصیه می‌کنم که کتابهای این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه‌های غیر اسلامی فراموش شود. از خداوند متعال توفیق همگان را خواهانم. (۵۶۴)

۵۸/۱۲/۲۷

* * *

سالروز شهادت شهیدی مطهر است که در عمر کوتاه خود اثرات جاویدی به یادگار گذاشت که پرتوی از وجدان بیدار و روح سرشار از عشق به مکتب بود. او با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسائل اسلامی و توضیح حقایق فلسفی، با زبان مردم و بی‌قلق و اضطراب، به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت. آثار قلم و زبان او بی‌استثنا آموزنده و روانبخش است و مواعظ و نصایح او که از قلبی سرشار از ایمان و عقیدت نشأت می‌گرفت، برای عارف و عامی سودمند و فرحزا است امید آن بود که از این درخت پرثمر، میوه‌های علم و ایمان بیش از آنچه به جا مانده، چیده شود و دانشمندانی پربها تسلیم جامعه گردد. مع‌الأسف دست جنایتکاران مهلت نداد و جوانان عزیز ما را از ثمره طيبة این درخت برومند محروم نمود، و خدای را شکر که آنچه از این استاد شهید باقی است، با محتوای غنی خود مربی و معلم است. مرحوم شهید استاد مرتضی مطهری به ابدیت پیوست، خدایش با رحمت خود با موالیانش محشور فرماید. (۵۶۵)

۶۰/۲/۹

* * *

آثار قلم و زبان
مطهری بی‌استثنا
آموزنده است

شهید مهدی عراقی

من ایشان را حدود بیست سال است که می‌شناسم. مهدی عراقی^۱ یک نفر نبود، او به تنهایی بیست نفر بود. حاج مهدی عراقی برای من برادر و فرزند خوب و عزیز من بود. شهادت ایشان برای من بسیار سنگین بود اما آنچه مطلب را آسان می‌کند آن است که در راه خدا بود. شهادت او بر همهٔ مسلمین مبارک باشد. او می‌بایست شهید می‌شد؛ برای او مردن در رختخواب کوچک بود. (۵۶۶)

برای عراقی مردن
در رختخواب
کوچک بود

۵۸/۶/۴

* * *

من مرحوم عراقی را از آن اولی که نهضت شروع شد و تماس با ما داشتند، می‌شناختم و انصافاً مردی بود که عمرش را صرف خدمت به اسلام کرد. (۵۶۷)

عراقی عمرش را
صرف خدمت به
اسلام کرد

۶۲/۶/۷

* * *

آقای عراقی را هم من سالهای طولانی می‌شناختم، در همان اوایل امر که این مسائل پیش آمد، ایشان وارد بود در امر و با من دوستی داشت، او هم بسیار مرد صالح و بزرگواری بود، خداوند همهٔ اینها را رحمت کند. (۵۶۸)

شهید عراقی مرد
بسیار صالحی بود

۶۵/۶/۸

* * *

شهید سید محمد علی قاضی طباطبایی

بسم الله الرحمن الرحيم

انالله و انالیه راجعون

با کمال تأسف ضایعه ناگوار شهادت عالم مجاهد، حجت الاسلام والمسلمین، آقای حاج سید محمد علی قاضی طباطبایی -رحمة الله علیه- را به عموم مسلمانان متعهد و علمای اعلام مجاهد و مردم غیور مجاهد آذربایجان و خصوص بازماندگان این شهید سعید تسلیت عرض، و از خداوند متعال صبر انقلابی برای مجاهدین راه حق و اسلام خواستارم.

ملت عزیز برومند ایران و آذربایجانیان غیرتمند عزیز باید در این مصیبت‌های بزرگ، که نشانه شکست حتمی دشمنان اسلام و کشور و عجز و ناتوانی و خودباختگی آنان است، هرچه بیشتر مصمم، و در راه هدف اعلاهی اسلام و قرآن مجید بر مجاهدات خود افزوده و از پای ننشینید، تا احقاق حق مستضعفین را از جباران زمان بنمایند.

عزیزان من، در انقلابی که ابرقدرتها را به عقب رانده و راه چپاولگری آنان را از کشور بزرگ بسته است این ضایعات و ضایعات بالاتر، اجتناب‌ناپذیر است.

ما باید از کنار این وقایع با تصمیم و عزم و خونسردی بگذریم؛ و به راه خود - که راه جهاد فی سبیل الله است - ادامه دهیم.

شهادت در راه خداوند زندگی افتخارآمیز ابدی و چراغ هدایت برای ملت‌هاست. ملت‌های مسلمان باید از فداکاری مجاهدین ما در راه استقلال و آزادی و اهداف مقدسه اسلام بزرگ‌الگو

شهادت مرحوم
طباطبایی نشانه
خودباختگی و
ناتوانی دشمنان
اسلام است

بگیرند؛ و با پیوستن به هم سد استعمار و استثمار را بشکنند، و به پیش به سوی آزادی و زندگی انسانی بروند. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و رحمت و مغفرت برای شهدای راه حق و شهید سعید طباطبایی خواستارم. (۵۶۹)

۵۸/۸/۱۱

* * *

ما باید مهیا باشیم که باز شهید بدهیم، چنانچه دیشب یکی را دادیم؛ مرحوم آقای قاضی - رحمه الله - به شهادت رسید، و قبل از او هم بوده است، و بعد از این هم خواهد بود، لکن این شهادتها اراده‌های شما را باید مصمم‌تر کند. شما در یک راهی قدم برمی‌دارید که در این راه، شهادتهای بسیار از مردان بزرگ واقع شده. راه اسلام است. برای اسلام قیام کردید و برای حق قیام کردید، و کسی که برای حق قیام کند، برای اسلام قیام کند، همه چیز باید پیش او سهل و آسان باشد. شهادت یک هدیه‌ای است از جانب خدای تبارک و تعالی برای آن کسانی که لایق هستند. و دنبال هر شهادتی باید تصمیمها قوی‌تر بشود.

شهادت مرحوم
طباطبایی اراده‌ها
را مصمم‌تر می‌کند

بفهمانید به اینهایی که اینطور کارهای ناجوانمردانه می‌کنند که دیگر نمی‌توانند با یک همچو کارهایی اعاده بدهند آن مسائل سابق را، بلکه این نحو کشتن که به طور ناگهانی و دزدکی می‌کشند، این دلیل بر شکست آنهاست. (۵۷۰)

۵۸/۸/۱۱

* * *

... مرحوم آقای قاضی طباطبایی - رحمه الله - که از دوستان سابق من

هستند و سوابق دارم با ایشان، ایشان حبسها رفته است، مجاهدات کرده، تبعیدها شده است. آنها^۱ اینطور اشخاص را یکی یکی ترور می‌کنند و منظور این است که مایوس کنند شما را. آنجا هم که عملاً دست به کار نمی‌توانند بشوند، شروع می‌کنند با تبلیغات. (۵۷۱)

۵۸/۸/۱۲

مرحوم طباطبایی
مجاهدات زیادی
کرده بود

* * *

شهید محمد مفتاح

آنگاه که منطق قرآن، آن است که ما از خداییم و به سوی او می‌رویم و مسیر اسلام، بر شهادت در راه هدف است، و اولیای خدا - علیهم‌السلام - شهادت را یکی از دیگری به ارث می‌بردند، و جوانان متعهد ما برای نیل شهادت در راه خدا درخواست دعا می‌کرده و می‌کنند، بدخواهان ما که از همه جا وامانده دست به ترور وحشیانه می‌زنند، ما را از چه می‌ترسانند؟ امریکا خود را دلخوش می‌کند که با ایجاد رعب در دل ملت - که سربازان قرآنند - می‌تواند وقفه‌ای در مسیر حق و عقبگردی از جهاد مقدس در راه خدا ایجاد کند؛ غافل از اینکه ترس از مرگ برای کسانی است که دنیا را مقرّ خود قرار داده و از قرارگاه ابدی و جوار رحمت ایزدی بیخبرند. اینان از کوردلی، صحنه‌های شورانگیز ملت عزیز و شجاع ما را در هر شهادتی، پس از شهادتی که در پیش چشمان خیره آنان منعکس است نمی‌بینند. **صَمَّ بَنَمَّ عُمَى فَهَمَّ لَا يَتَّقُلُونَ**^۲ اینان می‌بینند که هزار و سیصد سال بیشتر از صحنه حماسه آفرین کربلا

شهادت آقای مفتاح
در دل ملت حماسه
آفرید

۱. اشاره به اقدامات گروهکها و خرابکاران.

۲. بقره / ۱۷۱.

می‌گذرد و هنوز خون شهیدان ما در جوش و ملت عزیز ما در حماسه و خروش است. جناب حجت‌الاسلام دانشمند محترم آقای مفتاح و دو نفر پاسداران عزیز اسلام - رحمة الله علیهم - به فیض شهادت رسیدند و به بارگاه ابدیت بار یافتند، و در دل ملت و جوانان آگاه ما حماسه آفریدند و آتش نهضت اسلامی را افروخته‌تر و جنبش قیام ملت را متحرک‌تر کردند. خدایشان در جوار رحمت و اسعۀ خود بپذیرد و از نور عظمت خود بهره دهد. امید بود از دانش استاد محترم و از زبان و علم او بهره‌ها برای اسلام و پیشرفت نهضت برداشته شود؛ و امید است از شهادت امثال ایشان بهره‌ها برداریم. من شهادت را بر این مردان برومند اسلام، تبریک و به بازماندگان آنان و ملت اسلام تسلیت می‌دهم. سلام بر شهیدان راه حق. (۵۷۲)

۵۸/۹/۲۷

* * *

این روزهای بزرگ را بزرگ بشمارید و اربعینها را، عاشوراها را و امثال اینها را بزرگ بشمارید و در موارد شهادت عزیزان ما آنها را هم بزرگ بشمارید، مثل روز مفتاح، رَحْمَةُ اللهِ تَعَالَى؛ اینهایی که در خدمت اسلام بودند و دشمنان اسلام آنها را شهید کردند. شما اینهمه شهید دادید تا آزادی و استقلال را به دست آوردید و باید با چنگ و دندان این آزادی و استقلال را حفظ کنید و کمک کنید همه به جبهه‌ها تا اینکه ان شاء الله، بزودی این غائله رفع بشود. (۵۷۳)

۶۰/۹/۲۵

* * *

روز شهادت
بزرگانی مثل شهید
مفتاح را بزرگ
بشمارید

شهید سید محمد باقر صدر

مرحوم آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر و همشیره مکرمه مظلومه او - که از معلمین دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادب بود - به دست رژیم منحط بعث عراق با وضع دلخراشی به درجه رفیعه شهادت رسیده‌اند. شهادت ارثی است که امثال این شخصیت‌های عزیز از موالیان خود برده‌اند؛ و جنایت و ستمکاری نیز ارثی است که امثال این جنایتکاران تاریخ از اسلاف ستم پیشه خود می‌برند. شهادت این بزرگواران که عمری را به مجاهدت در راه اهداف اسلام گذرانده‌اند به دست اشخاص جنایتکاری که عمری به خونخواری و ستم‌پیشگی گذرانده‌اند عجیب نیست؛ عجب آن است که مجاهدان راه حق در بستر بمیرند و ستمگران جنایت‌پیشه، دست خبیث خود را به خون آنان آغشته نکنند...

اینجانب برای بزرگداشت این شخصیت علمی و مجاهد، که از مفاخر حوزه‌های علمیه و از مراجع دینی و متفکران اسلامی بود، از روز چهارشنبه سوم اردیبهشت به مدت سه روز عزای عمومی اعلام می‌کنم، و روز پنجشنبه چهارم اردیبهشت را تعطیل عمومی اعلام می‌نمایم، و از خداوند متعال خواستار جبران این ضایعه بزرگ و عظمت اسلام و مسلمین می‌باشم. (۵۷۴)

شهید صدر از
مفاخر علم و ادب
و حوزه‌های علمیه
بود

۵۹/۲/۲

* * *

مرحوم آیت‌الله صدر را به جرم اینکه از ظلم آنها شکایت داشت و می‌خواست حکومت اسلام برقرار باشد، شهید کردند و خواهر مکرمه مظلومه ایشان را هم شهید کردند...

و من از خدای تبارک و تعالی خواستارم که ملت‌های مسلم را بیدار کند و ملت عراق را هوشیار کند و خودشان را [رها کنند] از قید و بند این قدرتهای بزرگ و این جرثومه‌های فسادى که به اسم اسلام مسلمین را قتل عام می‌کنند و به اسم اسلام احکام اسلام را زیر پا می‌گذارند و با اسم اسلام علمای اسلام را شهید می‌کنند، آن هم مثل سید محمدباقر صدر که مغز متفکر اسلامی بود و امید این بود که اسلام از او بهره‌برداریهایی زیادتیری بکند و من امیدوارم که کتابهای این مرد بزرگ مورد مطالعه مسلمین قرار بگیرد و ان شاء الله خداوند تعالی او را با اجداد بزرگش محشور فرماید و خواهر بزرگوار مظلومه او را هم با جده‌اش محشور کند. (۵۷۵)

آیت‌الله صدر به
جرم طلب
حکومت اسلامی
شهید شد

۶۰/۱/۲۰

* * *

شهید محمد حسین فهمیده

رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای^۱ است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت

رهبر ما آن طفل
دوازده ساله است

۱. اشاره است به شهید محمد حسین فهمیده جوان سیزده ساله‌ای که از همان روزهای آغاز حمله صدام به ایران اسلامی ندای امام خمینی را لیبیک گفت و علی‌رغم سن کم با اصرار و شگردهای متعهدانه‌اش در دفاع از خرمشهر شرکت نمود و در شرایطی که دشمن سرمست پیشرویهایی اولیه، برای تصرف خرمشهر با تانکها هجوم آورده بود، وی با شهامت اعجاب‌انگیز خود نارنجک به کمر بست و خود را زیر چرخهای تانک دشمن انداخت. این حادثه که در مهرماه ۱۳۵۹ اتفاق افتاد به عنوان سمبل ایمان، رشادت و روحیه شهادت‌طلبی سپاهیان اسلام در برابر کافران یعنی در تاریخ جنگ تحمیلی ثبت گردید. اضافه می‌شود که خانواده این شهید که اهل قریه سراجیه قم می‌باشند در زمان شروع جنگ تحمیلی در شهرستان کرج ساکن بودند و این شهید عزیز بسرعت خود را از کرج به خطوط مقدم جبهه در حوالی خرمشهر رساند. این خانواده متدین توفیق آن را داشت که پس از شهادت حسین، فرزند دیگرشان داوود را نیز روانه جبهه نمایند و افتخار تقدیم دو شهید را نصیب خود فرمایند.

* * *

شهید مصطفی چمران

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

شهادت انسان‌ساز سردار پرافتخار اسلام و مجاهد بیدار و متعهد راه تعالی و پیوستن به ملاً اعلی، دکتر مصطفی چمران^۱ را به پیشگاه ولی عصر - ارواحنا فداه - تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. تسلیت از آنرو که ملت شهیدپرور ما سربازی را از دست داد که در جبهه‌های نبرد با باطل، چه در لبنان و چه در ایران حماسه می‌آفرید و سرلوحهٔ مرام او اسلام عزیز و پیروزی حق بر باطل بود. او جنگجویی پرهیزکار و معلمی متعهد بود که کشور اسلامی ما به او و امثال او احتیاج مبرم داشت. و تبریک از آنرو که اسلام بزرگ چنین فرزندانانی تقدیم ملت‌ها و توده‌های مستضعف می‌کند و سردارانی همچون او در دامن تربیت خود پرورش می‌دهد. مگر چنین نیست که زندگی عقیده و جهاد در راه آن است.

چمران عزیز با عقیدهٔ پاک خالص غیر وابسته به دستجات و گروه‌های سیاسی و عقیده به هدف بزرگ الهی، جهاد را در راه آن از آغاز زندگی شروع و با آن ختم کرد. او در حیات با نور معرفت و پیوستگی به خدا قدم نهاد و در راه آن به جهاد برخاست و جان

چمران جنگجویی
پرهیزکار و معلمی
متعهد بود

۱. دکتر مصطفی چمران، معاون نخست‌وزیر و وزیر دفاع دولت موقت و نمایندهٔ امام در شورای عالی دفاع بود که در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در منطقه جنوب (دهکده دهلاویه) توسط نیروهای بعثی به شهادت رسید.

خود را نثار کرد. او با سرافرازی زیست و با سرافرازی شهید شد و به حق رسید.

هنر آن است که بی‌هیاهوهای سیاسی و خودنماییهای شیطانی برای خدا به جهاد برخیزد و خود را فدای هدف کند نه هوی، و این هنر مردان خداست.

او در پیشگاه خدای بزرگ با آبرو رفت. روانش شاد و یادش بخیر. و اما، ما می‌توانیم چنین هنری داشته باشیم؟ با خداست که دستمان را بگیرد و از ظلمات جهالت و نفسانیت برهاند. من این ضایعه را به ملت شریف ایران و لبنان، بلکه به ملت‌های مسلمان و قوای مسلح و رزمندگان در راه حق و به خاندان این مجاهد عزیز تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند تعالی رحمت برای او و صبر و اجر برای بازماندگان محترم‌ش خواهانم. (۵۷۷)

۶۰/۴/۱

* * *

شماها^۱ چند سال دیگر نیستید در این عالم، چمران هم نیست؛ چمران با عزت و عظمت و با تعهد به اسلام جان خودش را فدا کرد و در این دنیا شرف را بیمه کرد و در آن دنیا هم رحمت خدا را بیمه کرد؛ ما و شما هم خواهیم رفت. مثل چمران بمیرید. مثل این سربازهایی که در مرزها کشته می‌شوند بمیرید. (۵۷۸)

مثل چمران بمیرید

۶۰/۴/۱

* * *

۱. خطاب به بعضی مسلمانان کج‌اندیش.

شهید سید محمد حسینی بهشتی

برای اطلاع از نظرات و بیانات حضرت امام(س) پیرامون شهید سید محمد حسینی و بهشتی رجوع شود به فصل ایام الله خونبار در انقلاب امام

مبحث هفتم تیر - صفحه ۲۸۶

* * *

شهید محمد منتظری

برای اطلاع از نظرات و بیانات حضرت امام(س) پیرامون شهید محمد منتظری رجوع شود به فصل ایام الله خونبار در انقلاب امام

مبحث هفتم تیر - صفحه ۲۸۶

* * *

شهید محمد علی رجائی

برای اطلاع از نظرات و بیانات حضرت امام(س) پیرامون شهید رجایی رجوع شود به فصل ایام الله خونبار در انقلاب اسلامی

مبحث هشتم شهریور - صفحه ۲۹۷

* * *

شهید محمد جواد باهنر

برای اطلاع از نظرات و بیانات حضرت امام (س) پیرامون شهید باهنر رجوع شود به فصل ایام الله خونبار در انقلاب اسلامی

مبحث هشتم شهریور - صفحه ۲۹۷

* * *

شهید علی قدوسی

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّ اللَّهَ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

با کمال تأسف و تأثر حجت الاسلام شهید قدوسی به دوستان شهید خود پیوست. شهیدی عزیز که سالیان دراز در خدمت اسلام بود؛ و اخیراً مجاهدات او در راه انقلاب بر همگان روشن است. اینجانب سالیان طولانی از نزدیک با او سابقه داشتم، و آن بزرگوار را به تقوا و حسن عمل و استقامت و مقاومت و تعهد در راه هدف می شناختم. شهادت بر او مبارک و وفودالی الله و خروج از ظلمات به سوی نور بر او ارزانی باد. راهی است که باید پیمود و سفری است که باید رفت. چه بهتر که در حال خدمت به اسلام و ملت شریف اسلامی شربت شهادت نوشیدن و با سرافرازی به لقاء الله رسیدن. و این همان است که اولیای معظم حق تعالی آرزوی آن را می کردند و از خدای بزرگ در مناجات خود طلب می کردند.

گوارا باد شربت شهادت بر شهدای انقلاب اسلامی، و

آقای قدوسی
سالیان طولانی در
خدمت اسلام بود

خصوص شهادای اخیر ما، که با دست جنایتکار منفورترین عناصر پلید به جوار رحمت حق شتافتند، و افتخار برای اسلام و ننگ و نفرت برای دشمنان دژخیم ملت شریف آفریدند.

اینجانب شهادت دادستان کل انقلاب و سرهنگ وحید دستجردی، که در رأس شهربانی و قوای انتظامی در حال انجام وظیفه بودند و بدین تحفه الهی نایل شدند، را به ملت ایران و به حوزه علمیه قم و به قوای مسلح تبریک و تسلیت عرض می‌کنم؛ و از خدای تعالی رحمت برای آنان و صبر و شکیبایی برای خانواده محترمشان خواستارم. (۵۷۹)

۶۰/۶/۱۵

* * *

آقای قدوسی - خدا رحمتش کند - خوب من می‌شناختم چه آدمی است و چقدر به این آدم [اتهام وارد] کردند که مردم را دارد چه می‌کند، می‌کشد، چه می‌کند، فلان ...، و من می‌دانستم چه آدمی است؛ محتاط. در احتیاط، حتی در این مالیات، آنقدر از او شکایت می‌کردند که این آقا احتیاط می‌کند، نمی‌گذارد یک چیزی را که باید خرج کرد، خرج کند، لکن وقتی که به شهادت رسید، یکدفعه یک دسته بیدار شدند که اینها^۱ یک همچو افرادی را دارند شهید می‌کنند. اینها هر نفری از ماها و شما را شهید بکنند، به نفع اسلام است و ما از این خوفی نداریم و به ضرر آنهاست. (۵۸۰)

۶۰/۶/۱۷

* * *

شهادت آقای
قدوسی به نفع
اسلام بود

ضایعه بزرگ شهادت مرحوم آقای «قدوسی» باعث تأسف و تأثر
آقای قدوسی اهل
علم و عمل بود
است. من سالهای طولانی با او آشنا بودم. ایشان اهل علم و عمل بود و
در راه اسلام هم فدا شد. امیدوارم خداوند رحمتهای واسعه اش را بر
او عنایت فرماید. ان شاء الله آقازاده ایشان هم راه ایشان را طی کند. (۵۸۱)
۶۲/۶/۱۳

* * *

شهید سید اسدالله مدنی

با شهید نمودن یک تن دیگر از ذریه رسول الله و اولاد روحانی و
جسمانی شهید بزرگ امیرالمؤمنین سند جنایت منحرفان و منافقان
به ثبت رسید. سید بزرگوار و عالم عادل عالیقدر و معلم اخلاق و
معنویات، حجت الاسلام والمسلمین، شهید عظیم الشان، مرحوم
حاج سید اسدالله مدنی - رضوان الله علیه - همچون جد بزرگوارش
در محراب عبادت به دست منافقی شقی به شهادت رسید. اگر با
به شهادت رسیدن مولای متقیان اسلام محو و مسلمانان نابود
شدند، شهادت امثال فرزند عزیزش شهید مدنی هم آرزوی
منافقان را برآورده خواهد کرد. اگر خوارج سیاه بخت از شهادت
ولی الله الاعظم طرفی بستند و به حکومت رسیدند، این
گروهکهای خائن نیز به آمال خبیث خود، که سقوط حکومت
اسلام و برقراری حکومت امریکایی است، می رسند. آنان لعنت
خدا و رسول و ننگ ابدی را برای خود، و اینان عذاب ابدی خدا و
نفرت و لعنت قادر متعال و امت اسلام را برای خود و هم پیمانان و
اربابان خونخوار خویش، به بار آوردند. ملت بزرگ و روحانیون
معظم چون صفی مرصوص ایستاده اند که هر پرچمی از دست

شهید مدنی به حد
وافراز علم و عمل
برخوردار بود

توانای سرداری بیفتد سردار دیگری آن را برداشته و به میدان آید و با قدرت بیشتر در حفظ پرچم اسلامی به کوشش برخیزد. شهید مدنی با شهادت مظلومانه خود ضدانقلاب و منافقین ضداسلام را بکلی منزوی کرد. این چهره نورانی اسلامی عمری را در تهذیب نفس و خدمت به اسلام و تربیت مسلمانان و مجاهده در راه حق علیه باطل گذراند. و از چهره‌های کم نظیری بود که به حد وافر از علم و عمل و تقوا و تعهد و زهد و خودسازی برخوردار بود. به شهادت رساندن چنین شخصیتی به تمام معنا اسلامی همراه با تنی چند از فرزندان اسلام و یاران باوفای انقلاب اسلامی در میعادگاه نماز جمعه و در حضور جماعت مسلمین جز عناد با اسلام و کمر بستن به محو آثار شریعت و تعطیل جمعه و جماعت مسلمین توجیهی ندارد. اگر تا امروز برای جنایتها و شرارتهای خود بهانه‌های بی پایه‌ای می‌تراشیدند، در شهادت این عالم متقی که جز درباره خدمت به اسلام و مسلمانان نمی‌اندیشید بهانه‌ای جز انتقام از اسلام و ملت شریف نمی‌توانند بتراشند. انتقام از اسلام، که آن را اساس سقوط دستگاههای جبار و شکست ابرقدرتها در ایران و پس از آن در منطقه می‌بینند و از ملت قدرتمند که پشت بر آنان نموده و کاخهای آمال و آرزوی آنان را در هم کوبیده و تمامی آنان را از صحنه تا ابد بیرون رانده است، می‌گیرند. مردم رزمنده ایران و خصوص مردم غیرتمند آذربایجان که چنین روحانی متعهد و عالم عالیقدری را از دست داده‌اند و حریف شکست خورده خود را می‌شناسند با عزمی جزم و اراده‌های خلل ناپذیر انتقام خود را از آنان می‌گیرند.

اینجانب شهادت این مجاهد عزیز عظیم و یاران با وفایش را به پیشگاه اجداد طاهرینش، خصوصاً بقیةالله - ارواحنا له الفداء - و به

ملت مجاهد ایران و اهالی غیور و شجاع آذربایجان و به حوزه‌های علمیه و خاندان محترم این شهیدان تبریک و تسلیت می‌گوییم.

خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است. و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است. درود خداوند و سلام امت اسلامی بر این خط سرخ شهادت. و رحمت بی‌پایان حق تعالی بر شهیدان این خط در طول تاریخ. و افتخار و سرفرازی بر فرزندان پرتوان پیروزی آفرین اسلام و شهدای راه آن. و ننگ و نفرت و لعنت ابدی بر وابستگان و پیروان شیاطین شرق و غرب، خصوصاً شیطان بزرگ، امریکای جنایتکار که با نقشه‌های شیطانی شکست خورده خود گمان کرده ملتی را که برای خداوند متعال و اسلام بزرگ قیام نموده و هزاران شهید و معلول تقدیم نموده با این دغلبازیها می‌تواند سست کند و یا از میدان به در برد. اینان پیروان سید شهیدانند که در راه اسلام و قرآن کریم از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را قربان کرد و اسلام عزیز را با خون پاک خود آبیاری و زنده نمود. و ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی و مردمی ما پیرو اولیایی هستند که همه چیز خود را در راه هدف و عقیده فدا نموده و برای اسلام و پیروان معظم آن شرف و افتخار آفریدند.

از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و رحمت برای شهیدان، خصوصاً شهدای اخیرمان، و بالأخص شهید عزیز مدنی معظم، و سلامت کامل برای مجروحین این حادثه، و صبر و استقامت برای ملت بزرگ، خصوصاً آذربایجانیهای عزیز و بازماندگان شهیدان، خواهانم. (۵۸۲)

شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد

امروز در روز شهادت سلف صالح، این خلف صالح و متعهد از دست ما گرفته شد. و من نمی‌دانم که انگیزه این شرارتها، که مشغولند این گروهکهای ضعیف نادان و عمال قدرتهای بزرگ خصوصاً آمریکا؛ چه می‌خواهند و چه انگیزه دارند؟ اینها انگیزه این را دارند که ۳۶ میلیون جمعیت ایران و میلیونها جمعیتهای مسلم و مستضعف جهان، که همه پشتیبان این جمهوری هستند، می‌خواهند با ترور بعضی شخصیتها، اینها را از این راهی که راه اسلام است، منحرف کنند. اینها نمی‌فهمند که این توده‌های عظیم، که چون سیل خروشان در تمام کشور در مقابل قدرتهای بزرگ ایستاده‌اند، با ترور اشخاص ولو هر چه بزرگ و ارجمند باشند، اینها به خودشان سستی و فتور راه نمی‌دهند، بلکه منسجم‌تر می‌شوند. اینها می‌خواهند با کشتن اولاد پیغمبر و با به‌عزانشستن امام عصر - سلام‌الله‌علیه - و مؤمنین، ضربه به اسلام بزنند. اسلام از این شهدا و بالاترین شهدا را در راه هدف تقدیم کرده است. اسلام مثل خود رسول اکرم را و مثل امیرالمؤمنین - سلام‌الله‌علیه - و ائمه معصومین و علمای بزرگ در طول تاریخ را فدای این راه و هدف نموده. چه باک از اینکه این فرزندان اسلام، که شهادت برای آنها افتخار و برای ملت ما افتخار آفرین است، از دست بروند؟ اگر میزان هدف است و اگر میزان اسلام است و پیاده کردن احکام قرآن است، این هدف به جای خودش هست و هر یک از اینها که شهید بشوند، با آنکه بر ما ناگوار است، لکن برای هدف مفید است.

این هدف که از عهد آدم تاکنون مورد نظر خدای تبارک و تعالی

مراتب فضل و

مجاهدت شهید

هاشمی نژاد پوشیده

نیست

و مورد نظر انبیای عظام و مورد نظر اولیای خدا بوده است و همه در راه این هدف فداکاری کرده‌اند و خود یا فرزندان خود را در راه این هدف نثار کرده‌اند خون آنها را، این هدف به پیش می‌رود و با این شرارتها، که این گروههای فاسد به راه انداخته‌اند، هدف از دست نخواهد رفت. و ملت رزمنده و شریف ایران خود را حاضر کرده است برای خدا، همه چیز خودش را فدا کند. پس اینها اگر هدفشان هدم اسلام است، اسلام با این خونها زنده می‌شود. و اگر هدفشان این است که جمهوری اسلامی از بین برود، جمهوری اسلامی با این خونها آبیاری می‌شود. و اگر هدفشان خدمت به امریکا و شوروی و امثال اینهاست، جزا را از آنها مطالبه کنند و خدای تبارک و تعالی برای آنها لعنت و ملت ما نفرین ابدی را خواستار است. ما در عین حال که از شهادت یک همچو مرد جوانمرد فاضل عالم مجاهد متأثر هستیم، لکن از آنجا که هر یک از این شخصیتها از دست ما برود به اسلام کمک است، به مخالفین اسلام لعن است و نفرت و دلیل ضعف آنهاست...

اینها می‌خواهند مردم ما را تضعیف کنند؛ روحیه‌شان را برای شهادت یک نفر، ده نفر، صد نفر، هزار نفر. این خیال، خیال خام باطلی است. اینها می‌خواهند انتقام بکشند از رسول‌الله که اولاد او را به شهادت می‌رسانند؛ انتقام بکشند که رسول‌الله یک همچو دینی را آورده است که برخلاف خواسته آنهاست و آنها نمی‌خواهند که این دین به آنطوری که خدا می‌خواهد و رسول خدا می‌خواهد، در این مملکت پیاده شود و حالا انتقام می‌کشند از کسی که مصدع این دین است و اولاد او را به شهادت می‌رسانند. این انتقام هم برای آنها روسیاهی [است] و برای ملت ما، به هیچ وجه سستی ایجاد نخواهد کرد. من در ضمن اینکه به

همه ملت ایران و علما و مراجع اسلام و خصوصاً اهالی محترم خراسان و علمای بزرگ خراسان تسلیت می‌گوییم، تبریک هم به آنها می‌گوییم که یک همچو افراد متعهد، عالم، گوینده و مجاهد تسلیم می‌کنند و تقدیم می‌کنند برای اسلام و برای پیشرفت احکام اسلام. (۵۸۳)

۶۰/۷/۷

* * *

سرداران شهید

سرلشکر ولی‌الله فلاحی، سرتیپ موسی نامجو،
سرتیپ جواد فکوری و یوسف کلاهدوز

بسم الله الرحمن الرحيم
انالله و انالیه راجعون

با کمال تأثر و تأسف خبر دلخراش سانحه هوایی^۱ یک فروند هواپیمای نیروی هوایی که حامل شهدا و مجروحین جنگ اخیر بود و منجر به شهادت جمعی از خدمتگزاران به اسلام و ملت شهید پرور ایران گردید، که در بین آنان تیمسار سرلشکر ولی‌الله فلاحی، تیمسار سرتیپ نامجو، تیمسار سرتیپ فکوری و آقای کلاهدوز بودند واصل گردید. اینان خدمتگزاران رشید و متعهدی بودند که در انقلاب و پس از پیروزی با سرافرازی و شجاعت در راه هدف و در حال خدمت به میهن اسلامی به جوار رحمت حق

اینان خدمتگزاران
رشید و متعهد
بودند

۱. در تاریخ ۶۰/۷/۷ یک فروند هواپیمای ۱۳۰- C ارتش جمهوری اسلامی ایران که حامل عده‌ای از فرماندهان، مجروحان و شهدای جنگ تحمیلی بود دچار سانحه شد و در منطقه کهریزک سقوط نمود.

تعالی شتافتند.

امید است که پس از پیروزی شرافت آفرین برای ملت و پس از زحمات طاقتفرسا در راه هدف و عقیده، روسفید و سرافراز به پیشگاه مقدس ربوبی وارد و مورد رحمت خاصه واقع شوند. شک نیست که همه باید این راه را برویم و به سوی حق و سرنوشت خویش بشتابیم؛ پس چه سعادت‌تری بالاتر از آنکه در حال جهاد با دشمنان اسلام و خدمت به حق و خلق و مجاهدت در راه هدف و شرف این راه طی شود. و چه سعادت‌مند بودند این شهیدان که دین خود را به اسلام و ملت شریف ایران ادا نموده و به جایگاه مجاهدین و شهدای اسلام شتافتند. اکنون بر ملت ایران و خصوص قوای مسلح است که با شجاعت و قدرت و مجاهدت و افزودن پشتکار، یاد آنان را زنده و به جهاد چون آنان ادامه دهند. و در جبهه و پشت جبهه پیروزی آفرینند و به پیش روند، و دل دشمنان کوردل را که با شهادت هر یک از رزمندگان ما وعده شیطانی به خود می‌دهند لرزنده‌تر کنند و به آنان بفهمانند کسانی که برای هدف و عقیده جهاد می‌کنند و از میهن عزیز خود دفاع می‌نمایند، از شهادت این عزیزان سستی و هراسی به خود راه نمی‌دهند. جوانان رزمنده و شجاع ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح پیروان شهید جاویدی هستند که تاریخ می‌گوید هر یک از جوانان و یاران او که به شهادت می‌رسیدند، رخسار مبارکش افروخته‌تر و آثار شجاعت و تصمیم در او بارزتر می‌گردید، و یادگار شجاعان صدر اسلام هستند که پرچم از دست هر یک از فرماندهان می‌افتاد دیگری پرچم را می‌گرفت و به رزم در راه هدف ادامه می‌داد. ما گرچه عزیزان ارزشمندی را از دست دادیم، لکن هدف به قوت خود باقی و فرزندان اسلام با اراده آهنین و

تصمیم قاطع از اسلام و میهن عزیز خود دفاع می‌کنند، و هر چه بیشتر برای خود و میهن خود افتخار می‌آفرینند تا کوردلان و منافقان و پناهندگان در دامن غرب بدانند تا ملت ایران و قوای مسلح شجاع زنده است برای غرب و شرق و غربزده و شرقزده در کشور بقیة الله اعظم جایی نیست. اینجانب این ضایعه اسفناک را به ملت ایران و ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح و فرماندهان شریف آنها و به خانواده محترم شهدا تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. این شهدا و شهدای عزیز ما که در راه هدف و آرمان اسلامی به شهادت رسیدند موجب سرافرازی و افتخار هم‌میهنان و قوای مسلح و خانواده‌های عزیز خود شدند. از خداوند متعال برای آنان رحمت و برای ملت و بازماندگان شهدای عزیز سعادت و صبر می‌طلبم. (۵۸۴)

۶۰/۷/۸

* * *

شهید سید عبدالحسین دستغیب

شهادت برای فرزندان اسلام و ذریه پیامبر عظیم الشان - صلی الله علیه و آله - و اولاد فاطمه - علیهم السلام - و یادگاران حسین - سلام الله علیه - در راه هدف و اسلام عزیز و قرآن کریم چیزی غیر عادی و پدیده‌ای غیر معهود نیست.

ملت بزرگ اسلام از محراب مسجد کوفه تا صحرای افتخار آمیز کربلا و در طول تاریخ پر ارزش سرخ تشیع قربانیانی ارزشمند به اسلام عزیز و فی سبیل الله تقدیم نموده و ایران شهادت طلب هم از این پدیده سعادت‌مند مستثنا نیست، و انقلاب

شهید دستغیب
گناهِش فقط تعهد
به اسلام بود

اسلامی گوش و چشمش پر از این شهیدان حسین گونه است. ملت عزیز ما در روز رستاخیز با سرافرازی در پیشگاه مقدس خدای بزرگ و پیامبران و اولیای عظیم الشان، صفهای طولانی از شهیدان در راه دفاع از حق عرضه می‌دارد؛ از علمای اعلام و ائمه جمعه و جماعت تا فداکاران و سربازان در جبهه‌های دفاع از حریم مقدس اسلام. پیامبر بزرگ اسلام که بر امم دیگر حتی به سقط، مباحات می‌کند، مطمئن هستیم به فداکاری این عزیزان جبهه و پشت جبهه و این شهیدان محراب و منبر و در صف جماعات و در داخل مسجدها و بیمارستانها مباحات می‌فرماید. و چه بهتر و گوارتر که با شهادت این فرزندان اسلام و ذریه طاهره بر افتخارات آن بزرگوار در روز عرض اعمال هرچه بیشتر بیفزاییم.

عزیزان و نور چشمان ما در جبهه‌های جنوب و غرب هر روز با سرکوبی اشرار امریکایی و عقب راندن و به جهنم فرستادن جنود شیطان، برای اسلام سربلندی و عظمت خلق می‌نمایند، به طوری که تاب تحمل این پیروزی‌ها را از امریکاییان خارج و داخل، منافق و منحرف، سلب نموده و بر جنون و وحشیگریهای آنان افزوده است. شما فرضاً شهید بهشتی را گناهکار بدانید، شهدای دیگر مثل شهید مدنی و شهید دستغیب، که جزو تربیت محرومان و هدایت مردم گناهی نداشته‌اند، با چه انگیزه شهید می‌کنید. شما به گمان خود اگر اینان را به جرم وفاداری به اسلام و طرفداری از محرومان و مظلومان مستحق قتل می‌دانید اطفال معصومی که در گهواره جای دارند و زبان باز نکرده‌اند چه گناهی دارند؛ جز آنکه اطفال مسلمانانی هستند که مخالف سلطه امریکا به جان و مالشان می‌باشند!؟

امروز روز جمعه و نماز و عبادت، دست جنایتکار امریکائیان

یک شخص ارزشمند که مربی بزرگ و عالمی عامل، که گنااهش فقط تعهد به اسلام بود، از دست ملت ایران و اهالی محترم فارس گرفت و حوزه‌های علمیه و اهالی ایران را به سوگ نشاند. حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین شهید حاج سید عبدالحسین دستغیب را که معلم اخلاق و مهذب نفوس و متعهد به اسلام و جمهوری اسلامی بود با جمعی از همراهانش به شهادت رساندند و خدمت خود را به ابرقدرت و ابرجنایتکار زمان ایفا کردند، به گمان آنکه به ملت رزمنده ایران آسیب رسانند و آنان را در راه هدف به سستی بکشند. این کوردلان نمی‌بینند که در هر شهادتی و در هر جنایتی ملت متعهد به اسلام و کشور مصمم‌تر و در صحنه حاضرترند؟ اینان پس از بمباران شهرها در جنوب و غرب و قتل عامهای فجیع مردم بی‌پناه، فریاد «جنگ جنگ تا پیروزی» را نشنیده‌اند که ملت وفادار، شهادت را در راه خداوند با آغوش باز پذیرا هستند؟ یا می‌خواهند شکستهای لشکر کفر را و آتشی که به جان دوستان و اربابانشان از پیروزی رزمندگان ایران افتاده است با خون این مردان خدا فرو نشانند؟ اینک سزاوار است اصحاب نظر و ارباب تحلیل در این شرارته‌ها و جنایتها فکر کنند که انگیزه آنکه در هر پیروزی و دنبال هر شکست حزب بعث امریکایی یک جنایت بزرگ از این منافقان و منحرفان واقع می‌شود چیست. از باب اتفاق نمی‌شود باشد که دنبال پیروزی آبادان جنایتی واقع، و دنبال فتح بستان، باز جنایتی و امروز به دنبال فتح عظیم در غرب و شکست مفتضحانه دشمنان اسلام، این جنایت بزرگ واقع شد آیا اینها هم من باب اتفاق است یا حساب شده یا دیکته شده عمل می‌شود؟ آیا ما این بزرگان، علما و معلمان ارزشمند را برای جبران شکست امریکا در منطقه و صدام امریکایی در جبهه‌ها از دست می‌دهیم؟ رحمت

خداوند بر این مجاهدان عظیم الشان که شهادتشان پیروزی اسلام را بیمه می‌کند و ننگ و نفرت بر امریکای جنایتکار و دست‌نشانندگان و هواداران آن.

اینجانب این ضایعه بزرگ و فاجعه اسفناک را بر حضرت مهدی - ارواحنا فداه - و ملت شجاع ایران و اهالی معظم استان فارس و خانواده آن شهید تسلیم می‌دهم و به پیشگاه مقدس پیامبر اسلام این فداکاریهای ملت اسلام و مجاهدات قشرهای مختلف ایران را تبریک عرض می‌کنم، و برای خاندان این شهید پرافتخار از خداوند تعالی توفیق صبر و بردباری و سلامت طلب می‌نمایم.

سلام بر مجاهدان بزرگوار اسلام، و درود بر رزمندگان غرب و جنوب، و تهنیت بر نیروهای نظامی و مردمی پیروزی آفرین در جبهه غرب. از خداوند تعالی پیروزی نهایی لشکر اسلام را بر قدرتهای شیطانی مسألت می‌نمایم. (۵۸۵)

۶۰/۹/۲۰

* * *

و دنبال هر پیروزی‌ای که برای کشور اسلامی ما، جمهوری اسلامی ما تحقق پیدا می‌کند این طرفدارهای امریکا که خودشان را طرفدار خلق می‌دانند، اینها یا افراد کوچک و حتی طفل‌های شیرخوار را هدف قرار می‌دهند یا اشخاصی که بخواهند برایشان جرمی ثابت کنند، جز اینکه مردم را ارشاد می‌کنند، جرمی ندارند. آقای دستغیب را شاید شما آقایان کمتر بشناسید، لکن من می‌شناسم ایشان را. ایشان یک مرد وارسته به تمام معنا و معلم اخلاق، مرشد مردم و هر چه در صحبت‌هایش هست معنویات و

شهید دستغیب یک
وارسته به تمام معنا
بود

دعوت به خدا و دعوت به اسلام است. مع ذلک، اینها بنایشان بر این است که آنهایی که بیشتر دعوت به اسلام می‌کنند آنها را بیشتر هدف قرار بدهند. از قراری که گفتند در اعلامیه‌ای که این مجاهدین فاسد، منافقین داده‌اند به افراد خودشان، این است که معمم را بکشید، هر معممی دیدید دیگر سؤال نکنید که این چه کرده، این عمامه خودش جرم است. و این عمامه جرمی است که در سابق هم بود این جرم و لهذا، هدف نوکرهای انگلیس هم در سابق همین بود که این عمامه را از بین بردارند و هر چه صالحتر، بیشتر باید از بین برود. و نکته‌اش هم این است که آن چیزی که آنها از آن می‌ترسند از اسلام است و آن چیزی که باز تشخیص دادند این است که اینها داعی اسلام هستند و اینها به مردم اسلام را یاد می‌دهند و دعوت می‌کنند مردم را به اسلام؛ از این جهت، بیشتر از سایر طوایف مورد نظرشان هست و هدفشان.

آقایان باید توجه کنند که مسائل اینطوری مخصوص به زمان ما نیست. از صدر اسلام تا حالا هدف، هدف مستکبرین همین بوده است که برای چاپیدن مستضعفین، آنهایی که طرفدار آنها هستند که علمای بلاد هستند، آنها را از بین ببرند. این یک سیره‌ای بوده است از آنها و سنت سیئه‌ای بوده است از آنها و ما باید به آنچه تکلیفمان هست عمل بکنیم. و بحمدالله الآن هر چه از این فسادها واقع می‌شود و هر چه از این جنایات واقع می‌شود، مردم بیشتر توجه به عمق مسأله پیدا می‌کنند.

اگر آن وقت این گروههای فاسد می‌توانستند یک دسته‌ای را بازی بدهند به اینکه ما برای خلق داریم کار می‌کنیم و می‌خواهیم اشخاص فاسد را از بین ببریم و این حکومت، حکومت فاسد است، کم‌کم دارند خودشان مسائل خودشان را رو کنند و

خودشان روابطشان را با عراق، روابطشان را با دمکرات طرف غرب و روابطشان را با حتی انگلستان دارند کم‌کم ظاهر می‌کنند و بحمدالله اینها دیگر آبرویی ندارند. این خرابکاریها هم یک قدرتی نیست؛ خوب، یک دزدی می‌تواند بیاید یک خانه‌ای را آتش بزند، اینها الآن مَثَلشان مَثَل همان دزدها هست که گاهی خرابکاری می‌کنند. دیگر کار دیگر از اینها بر نمی‌آید و اینها پیش ملت ما دیگر آبرویی ندارند و خرابکاریهایی که می‌کنند شاید برای تشفی باشد و الا می‌دانند خودشان هم که کاری از این ساخته نیست. حکومتی از بین نخواهد رفت به واسطه انفجار. (۵۸۶)

۶۰/۹/۲۱

* * *

شهید محمد صدوقی

طبع یک انقلاب، فداکاری است. لازمه یک انقلاب، شهادت و مهیا بودن برای شهادت است. قربانی شدن و قربانی دادن در راه انقلاب و پیروزی آن اجتناب‌ناپذیر است، بویژه انقلابی که برای خداست و برای دین او، برای نجات مستضعفان است و برای قطع امید جهانخواران و مستکبران. ما در هر جمعه و در هر جماعت و در هر محفل اسلامی و در هر گردهمایی برای یاری الله در انتظار قربانی هستیم و در انتظار شهادت.

قربانی برای یک انقلاب بزرگ نشانه یک پیروزی و نزدیک شدن به هدف است. ... این شهادتهاست که به ملت ما وعده پیروزی نهایی می‌دهد. مگر اسلام از شهادت ۷۲ تن برگزیدگان خدا در حکومت جبار بنی‌امیه خسارت دید؟ و انقلاب عظیم

شهید صدوقی
برای خدمت به
انقلاب سراز پا
نمی‌شناخت

ایران از شهادت هفتاد و چند تن در یک لحظه و هزاران جوانان بزرگوار عاشق خدا و شهادت خسارت دید، که ما خوف خسارت در شهادت عالمی بزرگوار و بزرگی متعهد و فداکار داشته باشیم. مگر فقهای ارجمند و ائمه جمعه و جماعت والا مقام که در صف مقدم انقلاب بودند و هستند نباید در صف مقدم شهدا و جانبازان در راه دوست باشند. چه کسی اولیٰ به شهادت است در زمانی که کفر بنی امیه اسلام را تهدید می‌کرد، از فرزند معصوم پیامبر اسلام و فرزندان و اصحاب او؟ و چه کسی اولیٰ به شهادت است در عصری که استکبار جهانی و فرزندان خلف آن در داخل و خارج، اسلام عزیز را تهدید می‌کنند، از امثال شهید بزرگوار ما و فقیه متعهد و فداکار اسلام شهید صدوقی عزیز - رضوان الله علیه - شهید بزرگی که در تمام صحنه‌های انقلاب حضور داشت و یار و مددکار گرفتاران و مستمندان بود، و وقت عزیزش صرف در راه پیروزی اسلام و رفع مشکلات انقلاب می‌شد، و برای خدمت به خلق و انقلاب سر از پا نمی‌شناخت. هر جا زلزله می‌شد شهید صدوقی برای ترمیم خرابیها آنقدر که توان داشت حاضر؛ هر جا که سیل می‌آمد او بود که در صف مقدم برای دستگیری خلق خدا حاضر بود. در جبهه‌ها او و دوستان او و امثال او بودند که هر چند یک دفعه سرکشی کرده و آرامش قلب خلق الله بودند. این مدعیان خدمت به خلق و قیام برای خلق که در بیغوله‌ها خزیده و در حال انقلاب به چپاول اسلحه و مهمات بیت‌المال خلق فعالیت شبانه‌روزی نمودند، اینک که خداوند تعالی چهره کربهشان را آشکار کرد و دستشان را از مال و جان خلق الله کوتاه نمود، چنین خدمتگزارانی را از این خلق می‌گیرند، و چون دزدان از سوراخ درآمده و غافلگیرانه اینگونه مردان فداکار برای ملت و توده‌های

محروم را از محرومین می‌ستانند و آن را به حساب قدرت خویش می‌آورند و فتوحی بزرگ برای خود و اربابان خود می‌دانند، و با تمام رسوایی باز خود را برای حکومت این ملت اسلامی مهیا می‌کنند. غافل از آنکه هر شهادتی ملت را به هدف بزرگ نزدیکتر می‌کند، و آنان را در پیشگاه حق و خلق رسواتر و بی‌آبروتر. ما در عین حال که از شهادت و فقدان این بزرگان خدمتگزار به اسلام و محرومین در سوگیم، از نزدیک شدن به هدف اعلا که قطرات خون این شهیدان آن را نوید می‌دهند، دلگرم و خرسندیم. آنچه پیش ما مطرح است هدف بزرگ و شخصیت‌های این بزرگمردان شهید است که بحمدالله هدف نزدیک و شخصیت‌های اینان بارزتر و بزرگتر می‌شود. اینجانب دوستی عزیز که بیش از سی سال با او آشنا و روحیات عظیمش را از نزدیک درک کردم از دست دادم، و اسلام خدمتگزاری متعهد را، و ایران فقیهی فداکار، و استان یزد سرپرستی دانشمند را از دست داد؛ و در ازای آن به هدف نهایی که آمال این شهیدان است نزدیک شد. من به پیشگاه مقدس بقیةالله الاعظم - روحی فداه - و ملت عزیز و اسلام عزیزتر تبریک و تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند تعالی برای آن شهید عظیم رحمت و مغفرت، و برای ملت بزرگ بویژه یزد متعهد صبر و اجر، و برای خاندان محترم این بزرگوار خصوصاً فرزند برومند عزیزش صبر جمیل و اجر جزیل، خواهانم. (۵۸۷)

۶۱/۴/۱۱

* * *

امثال آقای صدوقی رفتن آقای صدوقی، که شخصی متعهد و عاقل و فعال و از همه جهات انگشت شمار بوده، برای ما باعث کمبود است و ما امثال را کم داریم

ایشان را کم داریم. خداوند ایشان را رحمت کند. (۵۸۸)

۶۱/۷/۳

* * *

شهید عطاءالله اشرفی اصفهانی

چه سعادت‌مندند آنان که عمری را در خدمت به اسلام و مسلمین بگذرانند، و در آخر عمر فانی به فیض عظیمی که دل‌باختگان به لقاءالله آرزو می‌کنند نایل آیند. چه سعادت‌مند و بلند اخترند آنان که در طول زندگانی خود کمر همت به تهذیب نفس و جهاد اکبر بسته، و پایان زندگانی خویش را در راه هدف الهی با سرافرازی به خیل شهدای در راه حق پیوستند. چه سعادت‌مند و پیروزند آنان که در نشیب و فرازها و پست و بلندیه‌های حیات خویش به دام‌های شیطانی و وسوسه‌های نفسانی نیفتاده، و آخرین حجاب بین محبوب و خود را با محاسن غرق به خون خرق نموده و به قرارگاه مجاهدین فی سبیل‌الله راه یافتند. چه سعادت‌مند و خوشبختند آنان که به دنیا و زخارف آن پشت پا زده و عمری را به زهد و تقوا گذرانده و آخرین درجات سعادت را در محراب عبادت و در اقامه جمعه با دست یکی از منافقین و منحرفین شقی، فائز و به والاترین شهید محراب که به دست خیانتکار اشقی‌الاشقی‌ا به ملاً اعلا شتافت، ملحق شدند.

و شهید عزیز محراب این جمعه ما از آن شخصیت‌هایی بود که اینجانب یکی از ارادتمندان این شخص والا مقام بوده و هستم. این وجود پربرکت متعهد را قریب شصت سال است می‌شناختم. مرحوم شهید بزرگوار حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا

شهید اشرفی از

مصادیق بارز

«رجال صدقوا ما

عاهدوا الله علیه» بود

عطاء الله اشرفی را در این مدت طولانی به صفای نفس و آرامش روح و اطمینان قلب و خالی از هواهای نفسانی و تارک هوئی و مطیع امر مولا و جامع علم مفید و عمل صالح می‌شناسم، و در عین حال مجاهد و متعهد و قوی النفس بود. او در جبهه دفاع از حق از جمله اشخاصی بود که مایه دلگرمی جوانان مجاهد بود و از مصادیق بارز رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه^۱ بود. و رفتن او ثلمه بر اسلام وارد کرد و جامعه روحانیت را سوگوار نمود. خداوند او را در زمره شهدای کربلا قرار دهد و لعنت و نفرین خود را بر قاتلان چنین مردانی نثار فرماید. ننگ ابدی بر آنان که یک چنین شخص صالحی را که آزارش به موری نرسیده بود از ملت ما گرفتند و خود را در پیشگاه خداوند متعال و در نزد ملت فداکار، منفورتر و جنایتکارتر از قبل معرفی کردند. این بزرگوار مثل سایر شهدای عزیز ما به جوار رحمت حق پیوست، و ملت مجاهد و قوای مسلح سلحشور ما با عزمی راسختر به پیشبرد انقلاب ادامه می‌دهند. و آنان که به ادعای واهی خود کوس طرفداری از خلق را می‌زنند و با خلق خدا آن می‌کنند که همه می‌دانند، در این جنایت عظیم چه توجیهی دارند؟ و با به شهادت رساندن عالمی خدمتگزار و پیرمرد بزرگوار هشتاد ساله چه قدرتی کسب می‌کنند و چه طرفی می‌بندند؟ و آنان که در سوگ این جنایتکاران اشک تمساح می‌ریزند و از جریان حکم خدا درباره آنان شکایت دارند، چه انگیزه‌ای دارند؟ آیا انتقام از جمهوری اسلامی به شهادت رساندن یک عالم پارساست، و به آتش کشیدن یک عده کودک و زن و مرد و توده‌های رنجکش است؟! آیا راه به حکومت رسیدن و قدرت را به دست آوردن، این

نحوه جنایات است؟! (۵۸۹)

۶۱/۷/۲۳

* * *

تلگراف محترم^۱ در تسلیت شهادت ناگوار شهید محراب، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای اشرفی - رحمة الله علیه - موجب تشکر گردید. بحمد الله تعالی هر یک از این شهادت‌های بزرگ که خسارت عظیمی برای ملت عظیم الشان اسلام است، بر خلاف توهم تبهکاران منافق، موجب رسوایی منافقین جنایتکار و انسجام صفوف ملت بزرگوار می‌شود. **وَلَا يَزَالُ يُؤَيِّدُ هَذَا الدِّينَ بِالرَّجُلِ الْفَاجِرِ**^۲. خداوند تبارک و تعالی منت گذاشته بر ملت ایران و آنکه به حسب برداشت دشمنان اسلام موجب ضعف و سستی است موجب قدرت و وحدت و انسجام می‌گردد.

شهادت شهید
اشرفی‌ها، موجب
رسوایی منافقین
جنایتکار

از خداوند متعال پیروزی برای اسلام، و رحمت و مغفرت برای شهیدان، بویژه شهید اخیر، و سلامت و صبر برای بازماندگان شهدا، و صحت و عافیت برای آسیب دیدگان خواستار است. (۵۹۰)

۶۱/۷/۲۸

* * *

شهادت خانواده آیت الله محسن حکیم

خبر بسیار آسفانگیز و حیرت‌بار شهادت شش شخصیت از بیت

۱. حضرت آیت الله العظمی آقای مرعشی نجفی.

۲. «و بدون وقفه تأیید می‌شود این دین به وسیله مردی فاسق و نابکار».

مرحوم آیت الله حکیم - رحمة الله علیه - به دست جنایتکار ددمنش دهر، صدام عفلقی با کیفیتی که توسط فرزند برومند ایشان جناب حجت الاسلام سید محمد باقر حکیم - حفظه الله تعالی - گزارش دادند، هر انسان با وجدانی را که از فطرت انسانی منحرف نشده است متأسف و ناراحت می‌کند...

خانواده حکیم در
راه اسلام شهید
شدند

اینجانب این مصیبت بزرگ را که بر بیت معظم حکیم وارد شده است و شش تن از فرزندان پیامبر عظیم الشان مظلومان را به دست دژخیمان صدام با آن وضع فجیع و رقتبار به شهادت رساندند، به اجداد بزرگ آنان و به اسلام بزرگ و مسلمانان متعهد جهان و به ملت ایران و عراق تسلیت می‌دهم.

باید ملت عراق بدانند که قضیه مربوط به بیت معظم حکیم نیست. اینان که با آن شکنجه‌ها شهید شدند، در راه اسلام عزیز و مصالح ملت عراق به شهادت رسیدند و به لقاء الله در جوار اجداد معظمشان محشورند. (۵۹۱)

۶۲/۳/۲۸

* * *

فاجعه بزرگ شهادت ده نفر از علما و سادات محترم بیت معظم مرحوم آیت الله حکیم - رضوان الله علیه - به دست جنایتکار رژیم عفلقی عراق موجب کمال تأسف و تأثر گردید و برگی بر جنایات صدام پلید که به هیچ اصلی از اصول انسانیت پایبند نیست، افزود...

شهادت اعضای
خانواده حکیم
فاجعه‌ای بزرگ
است

اینجانب به ملت عراق و بیت معظم مرحوم آیت الله حکیم - رحمة الله علیه - و فرزند شجاع او، حجت الاسلام سید محمد باقر حکیم، این مصیبت جانسوز و سایر مصیبت‌های وارده به ملت

شریف عراق را تسلیت عرض می‌کنم. (۵۹۲)

۶۳/۱۲/۱۸

* * *

شهید مهدی شاه‌آبادی

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّ اللَّهَ وَإِنَّا لِيهِ رَاجِعُونَ

با کمال تأسف و تأثر شهادت استادزاده محترم، جناب حجت الاسلام، آقای آقا شیخ مهدی شاه‌آبادی، را به پیشگاه معظم حضرت بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - تبریک و تسلیت عرض می‌کنم. مبارک باد بر آن حضرت چنین فداکاران و جانبازان در راه هدف بزرگ و اسلام عزیز، که با شهادت افتخارآمیز خود ملت عظیم‌الشان ایران، بویژه روحانیت عالیقدر، را سرفراز می‌نمایند. این شهید عزیز علاوه بر آنکه خود مجاهدی شریف و خدمتگزاری مخلص برای اسلام بود و در همین راه به لقاء الله پیوست، فرزند برومند شیخ بزرگوار ما بود، که حقاً حق حیات روحانی به اینجانب داشت، که با دست و زبان از عهده شکرش بر نمی‌آیم. از خداوند متعال برای این شهید سعید و سایر شهدای در راه اسلام رحمت در جوار خود، و برای فامیل معظم و حضرات آقا زادگان محترم شاه‌آبادی، دامت افاضاتهم، صبر و اجر عظیم خواستارم. (۵۹۳)

آقای شاه‌آبادی
مجاهدی شریف
بود

۶۳/۲/۷

* * *

شهید فضل الله محلاتی

حجت الاسلام حاج شیخ فضل الله محلاتی شهید عزیز را که من و شما او را می شناسیم که عمر خود را در راه انقلاب صرف کرد و باید گفت یکی از چهره های درخشان انقلاب بود و در این راه که راه خداوند است تحمل سختیها نمود و رنجه کشید و با قامت استوار ایستادگی کرد، اجازه ورود در محضر شهدای صدر اسلام مرحمت نماید. و به بازماندگان محترم تمامی شهدا صبر و اجر مرحمت فرماید و به روحانیون عزیز و قضات محترم و وکلای ارجمند و محافظین عزیز و خدمه محترم هواپیما و سایرین که در این جنایت عظیم عفلقیان و با جاسوسی منافقین ملحد به شهادت رسیده اند، جزا و اجر فوق تصور ما عنایت فرماید. و به رزمندگان در جبهه ها و بسیجیان، این راهیان کربلا پیروزی نهایی عنایت فرماید و قلب حضرت - بقیة الله ارواحنا فداه - را از همه ما راضی فرماید و به دعای آن بزرگوار، به همه ما استقامت مرحمت کند. (۵۹۴)

۶۴/۱۲/۳

* * *

با یاد و گرامیداشت خاطره فداکاریهای یکی از سرداران بزرگ نهضت اسلامی ایران، مرحوم شهید حجت الاسلام آقای حاج شیخ فضل الله محلاتی، که از یاران باوفای اینجانب و از سختی کشیدگان دوران مبارزات خونبار انقلاب اسلامی ایران و همچنین مردی صالح و فداکار و برادری دلسوز برای پاسداران عزیز انقلاب اسلامی بود، که خدایش او را رحمت کند و در جوار

شهید محلاتی یکی
از چهره های
درخشان انقلاب
بود

آقای محلاتی از
یاران باوفای
اینجانب و مردی
صالح و فداکار بود

خود پذیرایش گردد. (۵۹۵)

۶۷/۱۲/۱۸

* * *

شهید سید عارف حسین حسینی

پیامها و تلگرافات تبریک و تسلیت شما در رابطه با شهادت جناب حجت الاسلام آقای سید عارف حسین الحسینی این یار وفادار اسلام و مدافع محرومان و مستضعفان و این فرزند راستین سید و سالار شهیدان، حضرت ابی عبدالله الحسین - علیه السلام - واصل گردید. گرچه این حادثه بزرگ قلوب مسلمانان و خصوصاً روحانیت متعهد اسلام را جریحه دار نمود، ولی مسأله‌ای دور از انتظار ما و ملت‌های مظلوم جهان و خصوصاً ملت بزرگوار پاکستان که خود طعم تلخ استعمار را چشیده است و با مبارزه و جهاد و شهادت استقلال خویش را به دست آورده است، نبود.

در آشنایان جوامع اسلامی، همانان که با محرومان و پابرهنگان میثاق خون بسته‌اند، باید توجه کنند که در آغاز راه مبارزه‌اند و برای شکستن سدهای استعمار و استثمار و رسیدن به اسلام ناب محمدی راه طولانی در پیش دارند. و برای امثال علامه عارف حسین حسینی بشارتی بالاتر از این نبوده است که از محراب عبادت حق عروج خونین *ارجعنی الی ربک*^۱ را نظاره کند، و جرعه وصل یار را از شهد شهادت بیاشامد، و شاهد وصول هزاران تشنه عدالت به سرچشمه نور گردد. بزرگترین فرق روحانیت و علمای متعهد اسلام با روحانی‌نماها در همین است که

شهید عارف
حسینی برای یاری
پابرهنگان لحظه‌ای
آرام نداشت

علمای مبارز اسلام همیشه هدف تیرهای زهرآگین جهانخواران بوده‌اند و اولین تیرهای حادثه قلب آنان را نشانه رفته است؛ ولی روحانی نماها در کنف حمایت زیرپرستان دنیاطلب، مروج باطل یا ثناگوی ظلمه و مؤید آنان بوده‌اند.

تا به حال یک آخوند درباری یا یک روحانی وهابی را ندیده‌ایم که در برابر ظلم و شرک و کفر، خصوصاً در مقابل شوروی متجاوز و امریکای جهانخوار ایستاده باشد. همان‌گونه که یک روحانی وارسته عاشق خدمت به خدا و خلق خدا را ندیده‌ایم که برای یاری پابرهنگان زمین لحظه‌ای آرام و قرار داشته باشد و تا سر منزل جانان علیه کفر و شرک مبارزه نکرده باشد. و عارف حسینی اینگونه بود. و ملت‌های اسلامی حتماً دلیل این واقعه را دریافته‌اند که چرا در ایران «مطهری»ها و «بهشتی»ها و شهدای محراب و سایر روحانیون عزیز، و در عراق «صدر»ها و «حکیم»ها و در لبنان «راغب حرب»ها و «کُرَیم»ها، و در پاکستان «عارف حسینی»ها، و در تمامی کشورها روحانیون درد آشنای اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - هدف توطئه و ترور می‌شوند.

ملت شریف و مسلمان پاکستان، که بحق ملتی انقلابی و وفادار به ارزشهای اسلامی بوده‌اند و با ما رابطه دیرینه گرم انقلابی، عقیدتی و فرهنگی دارند، باید تفکر این شخصیت شهید را زنده نگه دارند، و نگذارند شیطان‌زادگان جلوی رشد اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - را بگیرند...

شهادت جناب حجت الاسلام آقای سیدعارف حسین حسینی، را به روحانیون متعهد اسلام و خانواده محترم این شهید و ملت مسلمان پاکستان تبریک و تسلیت عرض نموده؛ و به همه برادران و خواهران مسلمان خود در آن کشور اطمینان می‌دهم که

ایران اسلامی در کنار شما و به عنوان یاری امین و سنگری محکم از شرافت، استقلال، عزت و اعتبار اسلامی‌تان دفاع خواهد نمود. اینجانب فرزند عزیز را از دست داده‌ام. خداوند تعالی به همه ما توفیق تحمل مصائب و توان ادامه راه پر فروغ شهیدان را بیشتر از پیش کرامت فرماید؛ و توطئه و مکر ستمگران را به خودشان برگرداند؛ و ملت پرکرامت اسلام را در مسیر جهاد و شهادت ثابت قدم نگه دارد. (۵۹۶)

۶۷/۶/۱۴

* * *

فصل هفتم

احکام و استفتائات مربوط به شهدا

- شهدای معرکه جنگ
- شهدای خارج از معرکه
- مزار شهدا
- مسائل متفرقه

شهدای معرکه جنگ

شهید مانند میّت بعد از غسل است و لذا مسّ شهید غسل ندارد. (۵۹۷)

* * *

غسل از شهید ساقط است و او کسی است که در رکاب امام (علیه السلام) یا نایب خاص او، در جهاد کشته شده است، به شرط آنکه در گرماگرم جنگ و در میدان نبرد یا بیرون میدان قبل از آنکه مسلمانان او را زنده درک کنند، جان تسلیم نماید. اما اگر بعد از جنگ در میدان نبرد در حالی که هنوز رمقی دارد به او برسند بنابراین احتیاط واجب در صورتی که در بیرون میدان جان تسلیم کند باید او را غسل و کفن او واجب است. و کسی که در راه حفظ اساس اسلام کشته شده مانند شهید غسل و حنوط و کفن ندارد بلکه با همان لباسش باید دفن شود مگر آنکه برهنه باشد که باید کفن شود. (۵۹۸)

* * *

سؤال: اگر رزمنده مسلمان برای احقاق حقوق مسلمین و دفاع از

اسلام به داخل سرزمین کشور مهاجم هجوم کرده و کشته شود، آیا شهید محسوب می شود؟
جواب: شهدای معرکه خواه در خاک دشمن باشد یا در جای دیگر غسل و کفن ندارند. (۵۹۹)

* * *

سؤال: اگر شک داشته باشیم که آیا رزمنده شهید در درگیری جبهه به شهادت رسیده یا بعد از آن، غسل دادن او واجب است یا نه؟
جواب: اگر اماراتی دال بر کشته شدنش در معرکه وجود دارد غسل و کفن ساقط است وگرنه ساقط نیست. (۶۰۰)

* * *

سؤال: کسی که برای کمک رسانی تدارکات یا تبلیغات به جبهه می رود اگر به فیض شهادت برسد غسل و کفن می خواهد یا نه؟
جواب: اگر در معرکه کشته شد حکم سایر شهدا را دارد. (۶۰۱)

* * *

سؤال: اگر رزمنده ای که در فاصله زیادی از خط مقدم جبهه، با توپ دوربرد و یا ضد هوایی مشغول شلیک به دشمن است، مورد هجوم هوایی دشمن قرار بگیرد و کشته شود چه حکمی دارد؟
جواب: در موارد مذکوره حکم شهید دارند. (۶۰۲)

* * *

سؤال: در جواب یکی از سؤالات فرموده اید: شهیدی که در جبهه شهید شود غسل لازم ندارد، بفرمایید لازم نبودن غسل جهت دفن

در همان جبهه است؟ یا اگر شهید را به شهر خودش حمل نمایند باز هم غسل لازم نیست؟ چون بعضیها معتقدند که دفن نمودن شهید با لباسهای خونین و بدن خون آلود مزید بر فضیلت شهید است، خواهشمند است بفرمایید شهیدی که به شهر خود برده شده و جراحات بدنش آنچنان نیست که نشود غسل بدهند آیا فضیلت با لباس خونین و بدن خون آلود است که دفن شود؟ یا بعد از غسل دادن با کفن دفن شود بهتر است؟

جواب: اگر در جبهه به شهادت رسیده غسل ندارد هر چند در محل خودش دفن شود و لازم است که با لباس خودش دفن شود. (۶۰۳)

* * *

سؤال: رزمنده‌ای در خانه و یا سنگری استراحت می‌کند، چه در مناطق جنگی باشد یا نه، آمادگی برای مقابله با دشمن را ندارد، توپ یا نارنجک و راکت منفجر شود، عده‌ای جان خود را از دست دادند، آیا احکام شهید بر آنان جاری است؟

جواب: اگر از رزمندگان است و در جبهه به شهادت رسیده غسل و کفن ندارد، هر چند در حال استراحت باشد. (۶۰۴)

* * *

شهدای خارج از معرکه

سؤال: اگر رزمنده‌ای در معرکه تیر بخورد اما همانجا کشته نشود، بلکه در آمبولانس یا بیمارستان به لقاء الله بیوندد، آیا این هم غسل و کفن ندارد؟

جواب: اگر در محدوده تیررس دشمن (جبهه) در داخل آمبولانس یا در بیرون ماشین جان سپرده، غسل و کفن ساقط است ولی اگر در خارج محدوده مزبور جان بسپارد، غسل و کفن دارد. (۶۰۵)

* * *

سؤال: ۱- چنانچه فردی در جبهه شهید گردد آیا غسل بر او واجب است یا خیر؟ اگر زخمی شود و در بیمارستان فوت شود مسأله چه صورتی پیدا می‌کند آیا با شهید شدن در صحنه عملیات تفاوت دارد؟ ۲- چنانچه فردی به بدن شهیدی که در صحنه عملیاتی شهید گردیده دست بزند آیا غسل مس میت بر او واجب است یا خیر؟ اگر زخمی شود و بعداً خارج از صحنه شهید گردد چطور؟ در موقع دفن شهید آیا کفن و نماز بر او واجب است یا مستحب؟
جواب: ۱- شهید در جبهه غسل ندارد ولی کسانی که زنده بیرون آورده می‌شوند و در خارج جبهه به شهادت می‌رسند باید غسل داده شوند هر چند شهید محسوب‌اند ۲- هر جا شهید غسل ندارد مس او هم سبب غسل نمی‌شود و با لباس خودش بعد از نماز میت دفن می‌شود. (۶۰۶)

* * *

سؤال: اشخاصی که در جبهه و صحنه نبرد یا به وسیله ترورها به افتخار شهادت نایل می‌شوند، آیا احتیاج به غسل و دفن دارند یا خیر؟ و آیا مس بدن شهدا احتیاج به غسل مس میت دارد یا خیر؟
جواب: شهید اگر در جبهه به شهادت رسیده غسل و کفن ندارد و مس او موجب غسل نمی‌شود و اگر در غیر جبهه به شهادت رسیده غسل و کفن دارد و به مس او غسل واجب است. (۶۰۷)

سؤال: در تحریرالوسیله دنبال ساقط بودن غسل از شهید فرموده‌اید: «و يلحق به المقتول فی حفظ بیضة الاسلام»، چه افرادی مشمول این الحاق هستند آیا مروجین دین یا پاسداران و یا افرادی که برای جهاد سازندگی در دهات و شهرها شهید می‌شوند محلق به شهیدند یا خیر؟

جواب: مقصود شهدای معرکه در دفاع از اسلام و مسلمین هستند مانند شهدای در معرکه جنگ تحمیلی، و اشخاص نامبرده در احکام اموات ملحق به شهید نیستند. (۶۰۸)

* * *

سؤال: کسی که بر اثر بمباران شهرها توسط دشمن به شهادت می‌رسد غسل دادنش لازم است یا خیر؟

جواب: گرچه اجر شهید دارد ولی غسل و کفن او ساقط نیست. (۶۰۹)

* * *

سؤال: مقدار زمینی را رزمندگان اسلام از دست مزدوران عراقی آزاد کرده‌اند، در آن زمین، عراقیها مین کار گذاشته بودند و یک جوان رزمنده وقتی می‌خواست مینها را خنثی کند، بر اثر انفجار کشته می‌شود. با توجه به این که این میدان دور از تیررس دشمن بود و همچنین آن رزمنده، مینها را به خاطر این خنثی می‌کرد که به عنوان محیط آموزشی از آن استفاده شود و یا کشاورزان در آن کشاورزی کنند. آیا ایشان شهید محسوب است؟

جواب: در فرض مزبور باید غسل و کفن شود، هر چند شهید محسوب است، ان شاء الله. (۶۱۰)

سؤال: افرادی که در حین رزم و یا موقع پیشروی بواسطه افتادن در آب یا حادثه‌ای دیگر، مثل تصادف ماشین و پرت شدن از کوه و یا موتورکشته می‌شوند، حکم غسل و کفن آنها چیست؟
جواب: ثواب شهید دارند، ولی غسل و کفن ساقط نیست. (۶۱۱)

* * *

سؤال: طی پیشامدی یکی از برادران تخریب جهت پاکسازی به منطقه‌ای دور از معرکه به عنوان خنثی‌کننده مین عازم می‌شود و در این میان سهواً پایش به مین اصابت کرده و به شهادت رسیده است و گویا برادر شهیدمان بدون غسل و کفن دفن گردیده است نظر شما در این باره چیست؟
جواب: صحیح است و در فرض مزبور غسل و کفن ساقط است. (۶۱۲)

* * *

سؤال: اگر کسی در پشت جبهه مقدم مانند برادران جهادگر، توسط رژیم صدام کافر کشته شود، شهید است یا خیر؟ پاداش او چگونه است؟
جواب: ثواب شهید دارد و مقدار اجر تابع معرفت است. (۶۱۳)

* * *

سؤال: در زمان اوج‌گیری انقلاب اسلامی در ماه محرم مصادف با سال ۱۳۵۷ عده‌ای از جوانان این محل به دنبال فرمان شما، در یکی از محلات تظاهرات کردند و عده‌ای از فرقه ضاله بهائیت که ایادی رژیم شاه بودند، با تدارکات قبلی و حساب شده، آنها را به

رگبار بسته و شهید نمودند؛ اکنون افراد ناآگاه، شهدای این صحنه را شهید نمی‌دانند، آیا شهید هستند یا خیر؟
جواب: در اجر و ثواب، فرقی بین شهدای پیش از انقلاب و شهدای بعد از انقلاب و شهدای در جبهه جنگ تحمیلی نیست. (۶۱۴)

* * *

مزار شهدا

نبش قبر مسلمانان و کسی که در حکم او است، حرام می‌باشد، مگر آنکه بدانند از بین رفته و میت پوشیده و خاک شده است. ولی نبش قبور انبیاء و ائمه معصومین - علیه السلام - اگر چه از دفن آنها مدت طولانی گذشته باشد جایز نیست بلکه همچنین است نبش قبور امام زادگان و صلحا و شهدا که زیارتگاه و پناهگاه شده است. و منظور از نبش قبر آنست که جسد میتی که با دفن پوشیده شده آشکار شود بنابراین اگر قبری را بکنند و خاک آن را بیرون آورند بدون آنکه جسد میت آشکار شود نبش حرام نیست.
و همچنین است اگر میت را روی زمین قرار داده و بر او بنایی کرده باشند و یا در تابوتی از سنگ و مانند آن باشد، سپس او را بیرون آورند (نبش حرام نیست). (۶۱۵)

* * *

محو آثار قبرهایی که یقین به از بین رفتن میت آنها باشد، جایز است در صورتی که محذوری نداشته باشد، مانند آنکه، آن آثار ملک سازنده اش بوده و یا زمین قبر از مباحات بوده که ولی میت

آن را جهت قبر حیازت کرده است و مانند اینها. و اگر اینگونه آثار در قبرستانی که وقف مسلمین است باشد، و مورد نیاز آنان (هم) می باشد جواز محو آنها اولی است، مگر قبور شهدا و صلحا و علما و اولاد ائمه (علیهم السلام) که زیارتگاه شده اند. (۶۱۶)

* * *

سؤال: جوان رزمنده ای در خط مقدم جبهه، مجروح و در بیمارستان شهید می شود، مسئولین چون از مسأله اطلاع نداشته اند، بدون غسل و کفن آن شهید را دفن کردند و بعد از دفن متوجه مسأله شدند. حالا حکم آن چیست؟
جواب: اگر ممکن است و هتک میت نیست، باید میت را بیرون آورند و تغسیل و تکفین نمایند. (۶۱۷)

* * *

سؤال: در کدام حالت می توان شهید را در جبهه نبرد دفن کرد؟ احکام دفن در حالت اضطرار چگونه است؟
جواب: اگر وصیت به دفن در مکان معینی نکرده و دفن در جبهه هتک نباشد مانع ندارد در همان محل دفن شود. (۶۱۸)

* * *

مسائل متفرقه

سؤال: مبلغی بنیاد شهید و ارتش به خانواده شهدا می پردازد آیا خمس دارد؟
جواب: خمس ندارد. (۶۱۹)

سؤال: آیا قبول وجهی که از طرف بنیاد شهید به بازماندگان شهدا پرداخت می‌گردد شرعاً چه تأثیری از لحاظ اخروی می‌تواند در سرنوشت شهید داشته باشد؟ آیا از ایثار و فداکاری وی نزد خداوند متعال کاسته می‌گردد؟

جواب: از اجر فداکاری و ایثار شهید کاسته نمی‌شود و قبول آن برای خانواده شهید مطابق مقررات بنیاد شهید مانع ندارد. (۶۲۰)

* * *

سؤال: اگر کسی به نیت درآوردن خرجی برای خانواده‌اش از خانه خارج شود ولی در بین راه با ماشین تصادف کند یا کسی او را بکشد، آیا او شهید است یا خیر؟

جواب: احکام شهید ندارد و امید است ثواب آن را داشته باشد. (۶۲۱)

* * *

سؤال: اگر سرباز وظیفه‌ای مشغول خدمت در پادگان فوت نماید آن هم در زمان جنگ، درباره این سرباز چه حکمی داده می‌شود شهید است یا غیر شهید؟

جواب: ان شاء الله اجر شهید به او تفضل می‌شود، ولی احکام شهید مخصوص شهدای معرکه است. (۶۲۲)

* * *

فهارس

- فهرست تفصیلی
- فهرست مآخذ
- فهرست منابع

فهرست تفصیلی

صفحه

عنوان

فصل اول: فرهنگ شهادت

۳	مفهوم ایثار و شهادت
۳	کشته شدن در راه خدا سرافرازی است
۳	شهادت افتخار است
۴	اعتقاد به معنویت پشتوانه شهادت است
۴	شهادت عزت شماست
۴	شهادت، سعادت همیشگی
۵	شهادت سعادت است
۶	شهادت رهایی از زندان است
۶	ما شهادت را حیات می دانیم
۶	شهادت عامل پیروزی است
۷	شهادت زندگی است
۷	شهادت، میراث اولیا
۷	شهادت عزت ابدی است
۸	فداکاری در راه اسلام آسایش فکری است

۸	شهادت چراغ هدایت ملت‌هاست
۹	شهادت هدیه الهی است
۹	شهادت فخر ملت ماست
۹	شهادت فوز عظیم است
۹	شهادت «در راه خدا رفتن» است
۱۰	شهادت بازگشتی انتخاب شده است
۱۰	شهادت میراث اولیاست
۱۰	شهادت آزادی روح است
۱۱	هدف معنوی، رمز معمای شهادت است
۱۱	خون شهید محفوظ است
۱۲	شهادت از غسل شیرین تر است
۱۲	شهادت اوج بندگی است
۱۲	مقام شهدا
۱۲	شهدا در صف شهدای کربلا هستند
۱۳	شهادت همیشه از خسارت محفوظ است
۱۳	من به شهیدان حسرت می‌برم
۱۳	شهدا از خدا هستند
۱۴	شهدا نور انقلابند
۱۴	شهدا برای اسلام هستند
۱۵	شهیدان با شهدای صدر اسلام محشورند
۱۶	شهادت بالاترین فضل است
۱۶	شهید نظر می‌کند به وجه‌الله
۱۹	شهدا باقی هستند
۲۰	شهدا به جوار معشوق می‌رسند
۲۰	وصیتنامه شهدا سند ایمان است

۲۱	شهدا عاشق خدا هستند
۲۲	ارزش شهادت به مرتبه اخلاص وابسته است
۲۲	شهدا در محضر خدا هستند
۲۲	شهدا، مشمول عنایات بی‌پایان خداوند
۲۳	قلم قاصر ما در وصف شهیدان چه توانند گفت
۲۴	ارزیابی همه‌جانبه مقام شهدا میسر نیست
۲۵	افلاکیان نیز از درک مقام شهدا عاجزند
۲۶	شرف بزرگ شهدا ضیافت‌الله است
۲۷	قلمها از قدردانی مقام شهدا عاجزند
۲۸	شهدا مهمان خدا هستند
۲۹	زیان و بیان از ترسیم مقام شهید عاجز است
۳۰	شهدا پیروزند
۳۱	شهدا مهاجران الی‌الله هستند
۳۱	شهادت آرزوی اولیای خداست
۳۱	ما از درک ارزش شهدا عاجزیم
۳۲	معمای شهادت جز به مدد عشق حل نگردد
۳۲	خون شهدا، سرمایه‌زوال‌ناپذیر هنر متعهد
۳۳	شهدا شمع محفل دوستانند
۳۳	شهدا، حاملان امانت وحی
۳۳	اخلاص و ایثار شما جمهوری اسلامی را بیمه کرد
۳۶	شهیدان زندگانی ابدی دارند
۳۷	اهداف شهدا و ایثارگران
۳۷	هدف حفظ اسلام و احکام قرآن کریم است
۳۷	آمال ما، فدای اسلام
۳۸	مقصد ما مقصد انبیاست

- ۳۸..... هدف شهدا اهداف شریفه اسلام است
- ۳۹..... هدف، برپاداشتن پرچم پرافتخار اسلام است
- ۳۹..... هدف شهدا، تداوم راه و رسم پیامبر اسلام است
- ۴۰..... مخالفت با سلطان جائز شیوه اولیاءالله است
- ۴۰..... راه شهدا راه اولیاءالله است
- ۴۰..... در راه خدا فداکاری می‌کنیم
- ۴۱..... آبیاری درخت آزادی با خون شهدا
- ۴۱..... نهضت ما برای رسیدن به حکومت اسلامی است
- ۴۲..... دانشجویان در راه اسلام فدایی داده‌اند
- ۴۲..... قیام ملت برای آزادی و استقلال و حکومت عدل است
- ۴۲..... برای احقاق حق، شهادت ضروری است
- ۴۳..... هدف، اقامه عدل و حق است
- ۴۴..... با شهادتها اسلام بیمه شد
- ۴۴..... منطق شهید، منطق اسلام است
- ۴۴..... هدف بزرگ شهدا حکومت عدل اسلامی است
- ۴۵..... شهادتی که دادیم برای اسلام بود
- ۴۶..... چون اسلام در کار بود مردم شهادت را طالب بودند
- ۴۶..... قدرت ایمان شهادت را فوز می‌داند
- ۴۷..... مقصد احقاق حق مستضعفین است
- ۴۷..... نترسیدن از شهادت ناشی از نور ایمان است
- ۴۷..... خون ما فدای اسلام
- ۴۸..... ما مفتخریم که در راه اسلام شهید بدهیم
- ۴۸..... وقتی هدف خدا باشد از شهادت خوف نیست
- ۴۹..... خون دادن برای تحقق اسلام است
- ۴۹..... عزیزان خودتان را برای اسلام دادید

۴۹	خونها برای زنده کردن اسلام بود
۴۹	فداکاری برای اسلام و قرآن
۵۰	شهادت را برای اسلام می‌خواهند
۵۰	ملت، اسلام را می‌خواهد
۵۱	کسی برای رفاه مادی خون نمی‌دهد
۵۱	جوانان ما برای تجدید حیات اسلام فدا شدند
۵۲	همه چیز برای خداست
۵۲	ما شهادت را می‌خواهیم
۵۳	ملت برای اسلام جوان می‌دهد
۵۳	مقصد اسلام بود
۵۳	این خونها برای ایجاد حکومت عدل اسلامی ریخته شد
۵۴	برای اسلام هر چه بدهیم کم دادیم
۵۵	شهادت را فنا نمی‌دانستند
۵۵	این فداییها برای اسلام است
۵۶	برای حیات جاوید، تقاضای شهادت می‌کنند
۵۷	نہضت و شهادت برای اسلام است
۵۷	مردم برای خدا خون می‌دهند
۵۷	عزیزان ما در راه خدا فدا شدند
۵۸	مقصد شهدا استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی است
۵۸	جوانهایتان را برای زنده کردن اسلام دادید
۵۸	اولیا شهادت را برای عالم دیگر می‌خواهند
۵۹	ملت ما روبه‌روی کفر ایستاده است
۶۰	شما جوانها با سلامت روح برای اسلام فعالیت می‌کنید
۶۰	جوانهای ما برای اسلام کشته شدند
۶۱	آرمان شهدا وصول به حق است

- ۶۱ مردم ما جوانهایشان را برای اسلام می دهند.
- ۶۲ شما برای اسلام جانفشانی می کنید.
- ۶۳ این جوانان در خدمت اسلام و مسلمین جان نثار می کنند.
- ۶۳ کوردلان گمان کرده اند برای شکم جوان داده اید!
- ۶۴ ملت عزیز برای رضای خدا همه چیزشان را در طبق اخلاص گذاشتند.
- ۶۴ ملت برای خدا قیام کرده است.
- ۶۴ منطق ما، منطق قرآن است.
- ۶۶ بذل جان و مال و فرزند برای تحقق عدل الهی.
- ۶۶ هم و غم ملت ما تحقق اسلام است.
- ۶۷ جوانان ما برای جانفشانی در راه اسلام مهیا هستند.
- ۶۷ شما برای قوت دادن به اسلام قیام کردید.
- ۶۸ تفاوت اهداف شهدا با منحرفین.
- ۶۸ عشق به شهادت، ابزار نبرد رزمندگان.
- ۶۹ وصول به لقاءالله غایت آمال است.
- ۶۹ همه چیزشان را برای اسلام می دهند.
- ۷۰ جوانشان را برای اسلام می دهند.
- ۷۰ جوانان ما به عشق خدا از جانشان می گذرند.
- ۷۰ شهادت در راه خدا غایت آمال جوانان ماست.
- ۷۱ طلب حق، انگیزه شهدای گمنام.
- ۷۱ فداکاریها برای اسلام است.
- ۷۱ سرافرازی در دنیا شهادت لازم دارد.
- ۷۲ در راه خدا از شهادت باکی نیست.
- ۷۲ مبارزه برای حفظ اساس اسلام است.
- ۷۳ شهید دنبال غنیمتی است که زوال ندارد.
- ۷۳ ملت دنبال عظمت اسلام است.

- ۷۴ کسی که علم به معاد دارد از میدان به در نمی‌رود
- ۷۵ ترجیح دادن شهادت و شرف اسلام
- ۷۶ ملتی که برای ارزشهای معنوی به پا خاسته از شهادت باک ندارد
- ۷۶ اخلاص برای اسلام
- ۷۷ هدف شهدا عزت دین است
- ۷۷ ملت برای ایده توحید قیام کرد
- ۷۸ آثار و برکات خون شهدا و مجاهدین
- ۷۸ خون شهدا آتشی علیه ظالمین برافروخت
- ۷۸ نام ملت ما در صف اول مجاهدان اسلام ثبت گردید
- ۷۸ آزادی، حاصل جانبازی مجاهدان است
- ۷۹ خون شهدا عامل پیروزی است
- ۷۹ آرزوی شهادت، عامل پیروزی ملت
- ۸۰ چون شهادت را سعادت می‌دانستند، مشتها بر تانکها غلبه کرد
- ۸۰ این نهضت با عشق به شهادت پیش رفت
- ۸۰ تحول روحی ملت رمز پیروزی است
- ۸۱ رمز پیروزی این بود که آرزوی شهادت می‌کردند
- ۸۱ موج خون شهید در دنیا
- ۸۲ ملت با سبقت در راه شهادت به هدف رسید
- ۸۲ شهادت‌طلبی رمز پیروزی است
- ۸۲ ترورها حقانیت مکتب را واضحتر می‌کند
- ۸۳ ملت ما با خون، حیات خود را بازیافت
- ۸۳ امریکا از شهادت‌طلبی ملت ما وحشت دارد
- ۸۳ شهدا درخت اسلام را آبیاری نمودند
- ۸۴ پاک شدن میهن اسلامی از لوٹ وجود جنایتکاران
- ۸۴ فداکاریها، معرف تحقق حکومت پابرهنگان

- ۸۵ آنچه به دست آورده‌ایم حاصل خونهاست
- ۸۵ با خون خود شرافت ملت را بیمه کردند
- ۸۵ با شهادت عزیزان صفوف فداکاران فشرده‌تر می‌شود
- ۸۶ شهادت موجب تقویت روحیه ملت است
- ۸۶ با نثار خون جوانان، حکومت را از ستمگران گرفتند
- ۸۶ شهادت عامل پیروزی است
- ۸۷ استقلال و آزادی، محصول خون شهدا
- ۸۷ گرچه خسارت زیاد دیده‌ایم ولی آنهمه مفاسد را دفع کردیم
- ۸۸ ملتی که اینهمه خون داده است، به دشمن نمی‌گوید بسم‌الله
- ۸۹ اگر عشق به شهادتها نبود، ما باید هنوز در زندانهای شاهنشاهی باشیم
- ۸۹ نتیجه شهادتها آن است که دنیا سر تعظیم فرود آورده است
- ۹۰ این فداکاریها موجب شد اسلام عزیز را به دست آوریم
- ۹۱ قطع دست قدرتها از برکات خون شهادت
- ۹۱ ملت ما با ایثار جان، ستمگران را بیرون راندند
- ۹۲ پیروزیها تحفه‌ای است که شهیدان آورده‌اند
- ۹۲ به برکت خون شهدا تمام توطئه‌ها خنثی شد
- ۹۳ نجات کشور مرهون مجاهدات شماست
- ۹۴ شهادت، عامل نشاط ملت
- ۹۴ انقلاب ما از برکات عاشورا است
- ۹۵ خون شهدا کاخ ظالمین را لرزانده است
- ۹۶ خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرد
- ۹۷ همه برکات جنگ و انقلاب از خون شهادت
- ۹۸ **روحیات شهدا و ایثارگران**
- ۹۸ با مشت به جنگ سرنیزه می‌روند
- ۹۸ در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است؟

- ۹۹..... مادرانی که سه فرزندشان شهید شده میلند فرزند دیگرشان را هم بدهند
- ۱۰۰..... جوانهای ما از شهادت استقبال می‌کردند
- ۱۰۰..... ملت ما مثل اصحاب رسول‌الله آرزوی شهادت می‌کردند
- ۱۰۱..... روحیه شهادت طلبی بالاتر از اصل مبارزه است
- ۱۰۲..... امور مادی و گردش زندگی این دنیا مطرح نبود
- ۱۰۲..... به عشق اینکه شاید شهید شوند به خیابانها می‌ریختند
- ۱۰۲..... این روحیه انقلابی یک معجزه الهی است
- ۱۰۳..... جوانهای ما شهادت را آرزو دارند
- ۱۰۳..... روحیه شهادت طلبی ملت ما بر تانکهای عالم مقدم است
- ۱۰۴..... شهادت را شرف خودشان می‌دانند
- ۱۰۴..... برای شهادت پیشقدم هستند
- ۱۰۵..... با روحیه شهادت طلبی مردم همه مشکلات را حل می‌کنیم
- ۱۰۵..... مکرر می‌آمدند اصرار می‌کردند که دعا کنید شهید شویم
- ۱۰۶..... ملت ما شهادت را ترجیح می‌دهد
- ۱۰۶..... ملت ما به فداکاری خو گرفته است
- ۱۰۶..... با آغوش باز شهادت را استقبال می‌کنند
- ۱۰۷..... پیرمردهای هشتاد ساله برای رفتن به جبهه گریه می‌کنند
- ۱۰۷..... پیرمردهای ضعیف هم آرزوی جبهه دارند
- ۱۰۸..... جانبازان می‌گویند دعا کنید ما شهید شویم
- ۱۰۸..... شناخت شهادت طلبان مشکل است
- ۱۰۸..... والدین شهدا گریه می‌کنند که اجازه رفتن به جبهه بیابند
- ۱۰۸..... عشق به شهادت در دل زن و مرد، پیر و جوان موج می‌زند
- ۱۰۹..... در صدر اسلام نیز مثل جوانان ما نبوده است
- ۱۰۹..... اشک می‌ریزند برای اینکه بروند جبهه و شهید شوند
- ۱۰۹..... همه با روی گشاده به طرف جبهه می‌روند

- در همان حال که دستشان قطع شده به میدان می‌روند..... ۱۱۰
- جهاد در راه خداوند را با جان و مال می‌خرند..... ۱۱۰
- ملتی که طعم شیرین شهادت را چشیده است از ابرقدرتها نمی‌هراسد..... ۱۱۰
- روحیات مجاهدان ما، در صدر اسلام کمتر دیده شده است..... ۱۱۱
- تأسف می‌خورند که چرا فرزندی ندارند در راه خدا بدهند..... ۱۱۱
- ملتی که برای شهادت ایستاده است مشکلات در او اثر ندارد..... ۱۱۲
- ملت با نورانیت و طمأنینه آماده شهادت هستند..... ۱۱۲
- بعد از موشک خوردن می‌ایستند و می‌گویند جنگ جنگ تا پیروزی..... ۱۱۳
- با عشق و عطش به پیشباز شهادت می‌روند..... ۱۱۴
- ملت ما از بذل فرزندان خود لذت می‌برند..... ۱۱۴
- جانبازان از خداگله می‌کنند که مگر ما لایق شهادت نبودیم..... ۱۱۴
- ادعیه و ابراز عواطف و همدلی امام نسبت به شهدا**..... ۱۱۵
- من در اولین فرصت خود را نزد شما می‌بینم..... ۱۱۵
- خاک بر سر من که بخواهم از خون شهدا استفاده ببرم!..... ۱۱۵
- امیدوارم نامتان در ردیف شهدای بدر و کربلا ثبت شود..... ۱۱۶
- به مادران و پدران به خاطر تربیت چنین فرزندانی تبریک عرض می‌کنم..... ۱۱۶
- امیدوارم مقامات شهدای جنگ احد را داشته باشند..... ۱۱۶
- خود را مرهون شهدا می‌دانم..... ۱۱۷
- خداوند ما را به شما ملحق کند..... ۱۱۷
- ما هنوز در خم یک کوچه هم نیستیم..... ۱۱۷
- ای کاش خمینی در میان شما بود..... ۱۱۸
- خداوند این ملت را در احقاق حق و ابطال باطل پایدار فرماید..... ۱۱۸
- شهدای ما را به رحمت خاصان درگاهش مفتخر فرماید..... ۱۱۸
- شهدای انقلاب اسلامی را به رحمت جاوید غریق فرماید..... ۱۱۹
- به شهدای جنگ تحمیلی تقرب به درگاه خود را مرحمت فرماید..... ۱۱۹

- ۱۱۹..... امیدوارم میهمانان را از محضر خود کامیاب فرماید.
- ۱۲۰..... خداوندا شهدای ما را در جوار اولیا مخلّد فرما.
- ۱۲۱..... در انتظار فوز شهادتم.
- ۱۲۱..... بدا به حال آنان که در قافله ایثار حضور نداشتند.
- ۱۲۱..... برای درک شهادت، روزشماری می‌کنیم.
- ۱۲۲..... من هدیه‌ای جز دعای خیر ندارم.
- ۱۲۲..... خداوند شهدای گمنام بسیج را به نعمت همجواری اهل بیت مغتنم فرماید.
- ۱۲۲..... خداوندا شهدا را از رزق حضور خویش بهره‌مند فرما.
- ۱۲۳..... از خانواده شهدا رسماً معذرت می‌خواهم.
- ۱۲۳..... پروردگارا شهدای ما را با شهدای بزرگوار اسلام محشور فرما.

فصل دوم: خانواده شهدا

- ۱۲۷..... **خاستگاه اجتماعی شهدا و ایثارگران**
- ۱۲۷..... زاغه‌نشینها بودند که خون دادند.
- ۱۲۷..... ما مرهون طبقه مستمندان هستیم.
- ۱۲۸..... توده ملت خون دادند نه اعیان و اشراف.
- ۱۲۸..... شهدا از طبقات بالا نبودند.
- ۱۲۹..... مستضعفین بودند که خون دادند.
- ۱۲۹..... شهدای ۱۵ خرداد از اقشار مسلمان و مستضعف بودند.
- ۱۳۰..... من مأیوسم که طبقات بالا خدمتی به انقلاب بکنند.
- ۱۳۱..... این طبقه محروم جامعه بود که شهید داد.
- ۱۳۱..... سنگینی انقلاب بر دوش توده‌های میلیونی و محرومان جامعه است.
- ۱۳۲..... جنوب شهرهای محروم در طول تاریخ بیشتر بپا خاسته‌اند.
- ۱۳۳..... زاغه‌نشینان شهید داده‌اند.
- ۱۳۳..... فداکاران جنگ، تربیت شده مکتب اولیای الهی.

- ۱۳۳ قشر فعال در جبهه‌ها طبقات محروم هستند
- ۱۳۴ پابره‌نه‌های محروم، ستون محکم انقلاب
- ۱۳۴ طبقات کم درآمد جامعه ما، سر و جان می‌دهند
- ۱۳۵ متدینین بی‌بضاعت برپادارندگان واقعی انقلابها
- ۱۳۶ مرفهین کمتر دل برای انقلاب سوزانده‌اند
- ۱۳۶ **موضع و مقام خانواده شهدا**
- ۱۳۶ افتخار مادران و خواهران به شهادت جوانان برومند
- ۱۳۶ در غم خانواده شهدا شریکم
- ۱۳۶ من از مصیبت وارده بر خانواده شهدا زجر می‌برم
- ۱۳۷ مادران شجاع، زنده‌کننده خاطرۀ جانبازی زنان قهرمان
- ۱۳۷ مادر چند شهید می‌گوید حاضرم همه چیزم از بین برود
- ۱۳۸ مادر چهار شهید از مردم می‌خواهد گریه نکنند
- ۱۳۸ در مواجهه با خانواده شهدا بار سنگینی بر دوش خود احساس می‌کنم
- ۱۳۹ شهادت فخر خانواده شهداست
- ۱۳۹ ما افتخار می‌کنیم که شهید دادیم
- ۱۴۰ ملت، قدردان شما خانواده‌های عزیز شهداست
- ۱۴۰ خانواده شهدا، ترسیم‌کننده حماسه تاریخ
- ۱۴۱ روحیه خانواده شهدا بسیار بلند است
- ۱۴۲ بازماندگان شهدا برای فداکاری حاضرند
- ۱۴۲ ملت شریک مصیبت خانواده شهداست
- ۱۴۳ خانواده شهدا در مقابل دشمن ایستاده‌اند
- ۱۴۳ فداکاری خانواده شهدا بی‌نظیر است
- ۱۴۴ مقاومت خانواده شهدا، زنده‌کننده خاطرۀ یاران سیدالشهداء
- ۱۴۴ انگیزه خانواده شهدا ایمان و اطمینان به غیب است
- ۱۴۵ خانواده شهدا در مقابل مدعیان صلح‌طلبی می‌ایستند

- ۱۴۵..... فریاد خانواده شهدا، جنگ جنگ تا پیروزی است
- ۱۴۶..... من به خاطر قوت قلبتان به شما تبریک می‌گویم
- ۱۴۷..... خانواده‌های عزیز شهدا بنیانی مرصوص هستند
- ۱۴۷..... عدم شکوه از فراق عزیزان، بالاترین تحول است
- ۱۴۷..... خانواده شهدا بر کاخ‌نشینان برتری دارند
- ۱۴۸..... جوان‌داده‌ها می‌گویند باز هم جوان داریم
- ۱۴۸..... خانواده شهدا، مشعلداران طرق الی‌الله
- ۱۴۹..... **توصیه به خانواده شهدا**
- ۱۴۹..... تحول روحی شما خانواده شهدا مایه امیدواری است
- ۱۴۹..... نصیحت پدرانه به همسران شهدا
- ۱۵۰..... خانواده شهدا مواظب مکر شیطان باشند
- ۱۵۱..... اگر باور کنیم شهدا مهمان خدا هستند ناراحت نمی‌شویم
- ۱۵۱..... شما فرزندان شهدا، فرزندان پیامبر(ص) هستید
- ۱۵۲..... فرزندان محترم شهدا، ذخیره‌های عظیم انقلاب
- ۱۵۴..... خانواده شهدا توجه کنند که با قبول صلح، چیزی از دستاورد شهدا کم نشده است
- ۱۵۴..... از قول من به فرزندان شهدا سلام برسان
- ۱۵۵..... علاقه‌مندم فرد فرد شما متخصص متعهد برای اسلام ناب باشید
- ۱۵۶..... **وظایف ما نسبت به خانواده شهدا و ایثارگران**
- ۱۵۶..... **وظیفه مردم نسبت به خانواده شهدا و ایثارگران**
- ۱۵۶..... باکمال احترام از مبارزین پشتیبانی کنید
- ۱۵۷..... فرزندان شهدا را چون اطفال خود بدانیم
- ۱۵۸..... از خانواده شهدا دلجویی نمایید
- ۱۵۹..... خانواده شهدا و ایثارگران را یاری دهید
- ۱۵۹..... باید پاسخگوی والدین شهدا باشیم
- ۱۶۰..... از کسانی که در راه انقلاب صدمه دیده‌اند حمایت کنید

- ۱۶۱ لازم است از مبارزان حمایت شود.
- ۱۶۲ پیام خون شهدا را ابلاغ کنیم.
- ۱۶۳ باید پاسخگوی انتظارات خانواده شهدا باشیم.
- ۱۶۳ واجب است به اعتصابیون کمک شود.
- ۱۶۴ مردم باید به مبارزین خدمت کنند.
- ۱۶۴ اعتصابیون محتاج به اعانت هستند.
- ۱۶۵ از اعتصابیون پشتیبانی کنید.
- ۱۶۵ از کمک به مبارزین غفلت نشود.
- ۱۶۵ ملت از خون شهدا حفاظت کنند.
- ۱۶۵ از هدر رفتن خون شهدا مانع شویم.
- ۱۶۶ باید فداکاری شهدا را به ثمر رسانیم.
- ۱۶۶ کاری نکنید که تمام خونها به هدر برود.
- ۱۶۷ حمایت از منافع مستضعفین، جلوگیری از هدر رفتن خون شهداست.
- ۱۶۷ رأی ندادن به قانون اساسی، هدر دادن خون شهیدان است.
- ۱۶۷ حضور یافتگان بر بالین شهدا، تبلیغات و سخنان را خنثی کنند.
- ۱۶۸ ما مرهون خانواده شهدا هستیم.
- ۱۷۰ جانفشانیها را ادامه دهید.
- ۱۷۰ به فکر خونهای به ناحق ریخته باشید.
- ۱۷۱ انصاف نیست عده‌ای در مصیبت و عده‌ای در عشرت باشند.
- ۱۷۲ وصیتنامه شهدا را بخوانید.
- ۱۷۳ ما نباید طریقه شهدا را فراموش کنیم.
- ۱۷۳ راه شهدا را دنبال کنیم.
- ۱۷۴ مسلمین به داد فرزندان شهدا برسند.
- ۱۷۴ برای حفظ اسلام خون شهیدان را پاس دارید.
- ۱۷۵ مقداری از تشریفات زاید را کم کنیم.

- ۱۷۶ یاد شهدا را زنده نگه دارید
- ۱۷۶ به ملت شهید داده خدمت کنیم
- ۱۷۷ اصلاح فرهنگ، پاسداری از خون شهداست
- ۱۷۷ ملت باید قدردان از جان گذشتگان باشد
- ۱۷۷ اگر سستی کنیم خونها به باد می‌رود
- ۱۷۸ در راهی که برایش خون دادید پایداری کنید
- ۱۷۸ تفرقه در صفوف، هدر رفتن خون شهداست
- ۱۷۸ ما باید از شهادت طلبی رزمندگان قدردانی کنیم
- ۱۷۹ خرید کالای امریکایی کمک به دشمن شهداست
- ۱۷۹ نگذارید پیشکسوتان شهادت به فراموشی سپرده شوند
- ۱۷۹ با تبلیغات از بین برنده خون شهدا مقابله کنید
- ۱۸۰ **وظیفه دولت در رسیدگی به خانواده شهدا (بنیاد شهید)**
- ۱۸۰ دولت برای بازماندگان شهدا مقرری قرار دهد
- ۱۸۱ با تأسیس بنیاد شهید به نحو احسن به وضع خانواده شهدا رسیدگی شود
- ۱۸۲ عموم دستگاههای اجرایی، امور خانواده شهدا را با سرعت عمل نمایند
- ۱۸۳ بنیاد شهید در امر سرپرستی فرزندان شهدا رسیدگی نماید
- ۱۸۴ ارزش خدمت برای شهدای اسلام از سایر ارزشها بیشتر است
- ۱۸۴ خدمت در بنیاد شهید در رأس خدمتهاست
- ۱۸۷ بنیاد شهید بهترین بنیاد است
- ۱۸۷ بنیاد شهید بنیادی است که تاکنون انتقاد از آن نشنیده‌ام
- ۱۸۷ دولت موظف است به خانواده شهدا رسیدگی کند
- ۱۸۸ خانواده شهدا مورد توجه بنیاد ۱۵ خرداد قرار گیرد
- ۱۸۸ خدمت به خانواده شهدا وظیفه شرعی ماست
- ۱۸۸ رسیدگی به خانواده شهدا یک وظیفه شرعی است
- ۱۸۹ در امور فرهنگی فرزندان شهدا بیشتر دقت کنید

- ۱۹۰..... شهید داده‌ها در اولویت هستند
- ۱۹۱..... مسئولان بدانند مصلحت شهید داده‌ها مقدم است
- ۱۹۲..... دست‌اندرکاران به امور فرهنگی فرزندان شهدا توجه کنند
- ۱۹۲..... دست‌اندرکاران نظام به تعریف و تمجید ظاهری قناعت نکنند

فصل سوم: سایر ایثارگران

- ۱۹۷..... **جانبازان**
- ۱۹۷..... کمک به جانبازان بر حج استحبابی ترجیح دارد
- ۱۹۸..... ملت شریف هیچ‌گاه شما جانبازان را فراموش نخواهد کرد
- ۱۹۹..... هرچه برای خدا از دست دادید پیش او محفوظ است
- ۱۹۹..... جانبازان موجب افتخار ایران هستند
- ۲۰۰..... جانبازان بهترین سند جنایات صدام هستند
- ۲۰۰..... از جانبازان درس بگیرید
- ۲۰۰..... جانبازان رهبران این نهضت هستند
- ۲۰۲..... کمک به جانبازان از بالاترین عبادت‌هاست
- ۲۰۳..... جانبازان چراغ هدایت ملتند
- ۲۰۳..... باید بهترین امکانات بنیاد مستضعفان در اختیار جانبازان قرار گیرد
- ۲۰۴..... **آزادگان**
- ۲۰۴..... اسرای عزیز، افتخار میهن اسلامی
- ۲۰۴..... اسرا، محبوب ملت ما
- ۲۰۴..... اسرا، سرود آزادی
- ۲۰۴..... مفقودین، محور دریای بیکران خداوندی
- ۲۰۵..... ابراز همدردی با اسرا
- ۲۰۵..... **مهاجرین جنگ تحمیلی**
- ۲۰۵..... مهاجرین جنگ، میهمانان عزیز ما هستند

- ۲۰۶ مهاجرین جنگ، در معرض امتحان
- ۲۰۶ مهاجرین جنگ از همه افضل هستند
- ۲۰۷ نگذارید مهاجرین جنگ، تلخی آوارگی را احساس نمایند
- ۲۰۷ نگذارید به مهاجرین جنگ بد بگذرد
- ۲۰۷ همه باید کمک کنند به مهاجرین جنگ
- ۲۰۸ از هیچ کوششی برای رفع حوائج آوارگان جنگی دریغ نشود
- ۲۰۸ رسیدگی به جنگزدگان از عبادات بزرگ است
- ۲۱۱ دولت به مشکلات مهاجرین توجه دارد
- ۲۱۲ پدر پیرتان ویرانی خانه‌های شما را ویرانی خانه خود می‌داند
- ۲۱۳ سلام بر خواهران و برادران مهاجر

فصل چهارم: بستر تاریخی ایثار و شهادت

- ۲۱۷ قبل از اسلام
- ۲۱۷ انبیا و اولیا خونشان را برای حفظ مکتب دادند
- ۲۱۷ تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده‌اند
- ۲۱۸ بت شکن جهان به ما آموخت که فرزندان خود را فدا کنید و عید بگیرید
- ۲۱۸ سیره انبیا بر مبارزه تا پای جان بوده است
- ۲۱۹ سیره انبیا مبارزه تا مرز شهادت بوده است
- ۲۱۹ ابراهیم(ع) قربانی کردن اسماعیل(ع) را ایثار نمی‌دانست
- ۲۲۰ انبیای عظام از آدم تا خاتم فداکاریهای جانفرسا نموده‌اند
- ۲۲۰ زمان پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع)
- ۲۲۰ پیامبر اکرم بر ضد شرک و کفر و بی‌عدالتی جنگها کرد
- ۲۲۱ سیره اولیا فداکاری در راه برپایی حکومت عدل اسلامی است
- ۲۲۱ مذهب تشیع، مذهب فداکاری بوده است
- ۲۲۱ برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون با شهادت توأم بوده است

- ۲۲۲..... فداکاری سیره پیامبر و ائمه بوده است
- ۲۲۲..... نبی اکرم و ائمه ما هرچه داشتند در راه اسلام تقدیم کردند
- ۲۲۲..... اسلام خیلی فدایی داده است
- ۲۲۳..... اسلام میراث گرانبهای شهادت است
- ۲۲۳..... ما باید مثل مجاهدین صدر اسلام باشیم
- ۲۲۳..... شعار صدر اسلام: بکشیم یا کشته بشویم پیروزیم
- ۲۲۴..... مشقات پیامبر(ص) فوق تحمل ماست
- ۲۲۴..... اولیای اسلام در راه هدف شهید شدند
- ۲۲۴..... تاریخ ائمه ما مشحون است از مجاهدات و شهادتها
- ۲۲۵..... اسلام این شهدا را داده است
- ۲۲۵..... اولیا همه چیزشان را در راه هدفشان دادند
- ۲۲۵..... پیامبر(ص) در راه اسلام جانفشانی کرد
- ۲۲۵..... هدف پیامبر حفظ اسلام بود
- ۲۲۶..... پیامبر و امامان برای استقرار حکومت الله فداکاری کردند
- ۲۲۶..... علی(ع) برای اسلام شهید شد
- ۲۲۷..... فداکاری در طول تاریخ اسلام رواج داشته است
- ۲۲۷..... اولیای خدا جان خودشان را فدای اسلام کردند
- ۲۲۷..... انبیا فدای اسلام شدند
- ۲۲۸..... فداشدن برای اسلام سیره اولیا بوده است
- ۲۲۸..... در صدر اسلام همه چیز فدای اسلام بود
- ۲۲۸..... در صدر اسلام خود پیامبر فداکاری کردند
- ۲۲۸..... ائمه همگی در راه پیاده کردن قرآن کریم شهید شدند
- ۲۲۹..... قیام عاشورا تبلور فرهنگ شهادت
- ۲۲۹..... علل و عوامل قیام عاشورا
- ۲۲۹..... مقابله با سلطان جائر

۲۲۹	یزید ملت را استثمار می‌کرد
۲۳۰	یزید حاکم ظالم بود
۲۳۰	یزید عهد خدا را شکسته است
۲۳۲	عدالت زیر پای تبهکاران بود
۲۳۲	خطر برای وجهه اسلام بود
۲۳۳	اسلام به صورت سلطنت درآمده بود
۲۳۴	اسلام را وارونه جلوه می‌دادند
۲۳۴	به اسم خلیفه رسول الله مثل چنگیز رفتار کردند
۲۳۵	اسلام را آلوده می‌کردند
۲۳۵	تبدیل حکومت عدل اسلامی به رژیم شاهنشاهی
۲۳۶	زنده کردن تعصب عربی جاهلیت
۲۳۶	هدر دادن زحمات پیامبر اسلام
۲۳۶	نابود کردن اسلام
۲۳۶	ولایتعهدی و سلطنت به نام اسلام
۲۳۷	اهداف قیام عاشورا
۲۳۷	براندازی حکومت فاسد اموی
۲۳۷	اصلاح امت پیامبر
۲۳۸	قیام علیه رژیم ظالم
۲۳۸	رسوا کردن قدرت ناحق
۲۳۹	اطاعت از خدا
۲۳۹	جلوگیری از نابودی مکتب
۲۳۹	دفاع از اسلام
۲۳۹	زنده کردن اسلام
۲۴۰	عقیده به مکتب
۲۴۰	مخالفت با ظلم

- ۲۴۰..... اصلاح جامعه
- ۲۴۱..... اقامه عدل الهی
- ۲۴۱..... برپایی حکومت عدل
- ۲۴۲..... از بین بردن حکومت جور
- ۲۴۲..... تشکیل حکومت عدل
- ۲۴۳..... تأمین آینده اسلام
- ۲۴۳..... **انتخاب آگاهانه شهدای کربلا**
- ۲۴۳..... چرا بترسیم؟
- ۲۴۴..... جنگ برای اقامه نماز
- ۲۴۴..... مسابقه شهادت
- ۲۴۵..... هر شهیدی امام را مصمم تر می‌کرد
- ۲۴۵..... هرچه به شهادت نزدیک می‌شد برافروخته‌تر می‌شد
- ۲۴۶..... هر شهیدی او را به مقصود نزدیکتر می‌کرد
- ۲۴۶..... مرتبه‌ای است در بهشت، نمی‌رسی مگر به شهادت
- ۲۴۶..... **نتایج و آثار قیام ابا عبدالله (ع)**
- ۲۴۶..... نتایج اسلام و عدالت
- ۲۴۷..... بنی‌امیه را شکست
- ۲۴۷..... سلطنت یزید را شکست
- ۲۴۷..... اسلام را احیا کردند
- ۲۴۸..... مکتب را زنده کرد
- ۲۴۸..... ممانعت از معرفی وارونه اسلام
- ۲۴۸..... پیشبرد مکتب
- ۲۴۹..... رژیم بنی‌امیه را دفن کرد
- ۲۴۹..... باطل کردن نقشه دشمن
- ۲۴۹..... نجات اسلام

۲۵۰	پیروزی واقعی
۲۵۰	استمرار حیات اسلام
۲۵۰	اسلام را بیمه کرد
۲۵۰	بیرق یزید را افکند
۲۵۱	یزیدیان دفن شدند
۲۵۱	کاخ ستمکاران را فرو ریخت
۲۵۲	برکات شهادت امام حسین(ع)
۲۵۲	سفینان را از صحنه تاریخ راند
۲۵۲	قرآن و وحی را جاوید ساخت
۲۵۳	با شهادت حسین(ع) اسلام نوین شد
۲۵۳	بنی امیه را رسوا کرد
۲۵۴	گور یزیدیان کنده شد
۲۵۴	اسلام را وارونه نشان دادند
۲۵۴	تدارک نهضت‌های حق طلبانه در اسلام
۲۵۵	حرکت سیاسی امام حسین(ع)
۲۵۵	قیام عاشورا اسوه آزادگان
۲۵۵	مصایب ما در مقایسه با حوادث عاشورا چیزی نیست
۲۵۶	نهضت ما به پیروی از نهضت حسینی بود
۲۵۶	مگر خون ما رنگین‌تر از خون سیدالشهداست
۲۵۷	امام حسین(ع) قیام علیه حکومت جابرانه را به ما آموخت
۲۵۷	مسأله ما همان است که سیدالشهداء بر سر آن جان فدا کرد
۲۵۷	ما که از سیدالشهداء بالاتر نیستیم
۲۵۸	شعار کل یوم عاشورا سرمشق امت ماست
۲۵۹	همه سرزمینها کربلاست
۲۵۹	نه گفتن در مقابل امپراتوری ظالمانه باید محفوظ بماند

- ۲۶۰..... شهادت طلبان ما خاطره شب عاشورا را زنده می‌کنند
- ۲۶۰..... اگر عاشورا نبود نهضت ۱۵ خرداد هم نبود
- ۲۶۰..... سیدالشهداء آموخت به ما که از قلت عدد نترسیم
- ۲۶۱..... فداکاری در میدان و تبلیغ در خارج میدان را به ما آموختند
- ۲۶۲..... جبهه‌های ما با عشق امام حسین گرم است
- ۲۶۳..... به تبعیت از امام حسین انقلاب را ضمانت نماییم
- ۲۶۳..... جوانان ما در همان راه سیدالشهداء فدا شدند

فصل پنجم: ایام‌الله خونبار در انقلاب اسلامی ایران

- ۲۶۷..... پانزدهم خرداد ۱۳۴۲.....
- ۲۶۷..... تا ملت عمر دارد غمگین در مصیبت ۱۵ خرداد است
- ۲۶۸..... ۱۵ خرداد مرا کوبید
- ۲۶۸..... ۱۵ خرداد روی رژیم شاه را سیاه کرد
- ۲۶۹..... واقعه ۱۵ خرداد ننگ بزرگی بر رژیم شاه
- ۲۶۹..... ۱۵ خرداد را عزای عمومی اعلام می‌کنیم
- ۲۶۹..... فاجعه ۱۵ خرداد روی چنگیز را سفید کرد
- ۲۷۰..... انقلاب اسلامی پرتوی از نهضت ۱۵ خرداد است
- ۲۷۱..... جنایات ۱۵ خرداد به فرمان شاه بود
- ۲۷۱..... جنایت ۱۵ خرداد را از یاد نبرید
- ۲۷۲..... شهدای ۱۵ خرداد فرزندان من هستند
- ۲۷۲..... قیامی که از ۱۵ خرداد شروع شد قیام ملی نیست اسلامی است
- ۲۷۳..... طرفداران حقوق بشر شهدای ۱۵ خرداد را نمی‌بینند
- ۲۷۳..... ۱۵ خرداد طلیعه نهضت اسلامی است
- ۲۷۴..... ۱۵ خرداد را بشناسیم
- ۲۷۵..... ۱۵ خرداد نقطه عطفی در تاریخ این نهضت است

- ۲۷۶..... مبدأ نهضت از ۱۵ خرداد بود
- ۲۷۷..... شهدای ۱۵ خرداد تخت و تاج را بر باد دادند
- ۲۷۷..... ۱۵ خرداد ظلم ۲۵۰۰ ساله را برچید
- ۲۷۸..... ۱۵ خرداد الهام گرفته از عاشورا
- ۲۷۹..... ۱۵ خرداد یوم الله است
- ۲۷۹..... خون سیدالشهدا، ۱۵ خرداد را به وجود آورد
- ۲۷۹..... ۱۵ خرداد مبدأ تحولات بعدی شد
- ۲۸۰..... ۱۵ خرداد، پرتوی از عاشورا
- ۲۸۱..... شهدای ۱۵ خرداد، بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران
- ۲۸۲..... در ۱۵ خرداد می خواستند صدای اسلامخواهی را خاموش کنند
- ۲۸۲..... علما اولین شهدای نهضت ۱۵ خرداد بودند
- ۲۸۳..... ۱۵ خرداد مهمترین فصل خونین مبارزه بود
- ۲۸۳..... **هفدهم شهریور ۱۳۵۷**
- ۲۸۳..... ای کاش خمینی در میان شما بود و در کنار شما کشته می شد
- ۲۸۴..... شهدای ۱۷ شهریور همگی «مصطفی» های من بودند
- ۲۸۵..... در ۱۷ شهریور قدرت اسلام زیاد شد
- ۲۸۵..... ۱۷ شهریور درسی برای کوردلان بود
- ۲۸۵..... ۱۷ شهریور از ایام الله است
- ۲۸۶..... ۱۷ شهریور جلوه قدرت ایمان به غیب بود
- ۲۸۶..... درود بر شهدای ۱۷ شهریور
- ۲۸۶..... **هفتم تیر ۱۳۶۰**
- ۲۸۷..... شهادت این چند نفر عزیز، ملت را از صحنه خارج نمی کند
- ۲۸۸..... بهشتی مظلوم زیست
- ۲۸۹..... محمد منتظری فرزند اسلام و قرآن بود
- ۲۹۰..... ملت ایران در این فاجعه ۷۲ تن بیگناه به عدد شهدای کربلا از دست داد

- ۲۹۳..... شهادت آقای بهشتی منحرفین را رسوا کرد
- ۲۹۴..... شهادت این هفتاد نفر مظلوم، مردم را متحول کرد
- ۲۹۵..... برای شهدای هفتم تیر عظمت و بزرگواری قائم
- ۲۹۶..... فاجعه هفتم تیر انقلاب را سرعت بخشید
- ۲۹۷..... هشتم شهریور ۱۳۶۰
- ۲۹۷..... دست جنایتکاران منافق، رئیس جمهور متعهدی را از ملت گرفت
- ۲۹۷..... رجایی که وضع منزلش آنطوری است برای چه بترسد؟
- ۲۹۸..... رجایی معلم اخلاق بود
- ۲۹۹..... خداوند خواست که شهید رجایی و شهید باهنر با هم به سوی او هجرت کنند
- ۳۰۶..... مقام باعث تغییر در روحیه شهید رجایی و باهنر نگردید
- ۳۰۷..... حج خونین ۱۳۶۶
- ۳۰۸..... زائران شریف ایرانی پیام برائت را با خونشان ابلاغ نمودند
- ۳۱۴..... عید قربان با شهادت فرزندان ابراهیم
- ۳۱۵..... کشتار زائران خانه خدا توطئه‌ای برای جلوگیری از نفوذ اسلام
- ۳۱۶..... حادثه مکه منشأ تحولات بزرگ در جهان اسلام

فصل ششم: اسوه‌های شهادت در عصر حاضر

- ۳۲۱..... شهید سیدحسین مدرس
- ۳۲۱..... مدرس جلوی اولتیماتوم دولت روس ایستاد
- ۳۲۲..... مدرس به تنهایی در مقابل ظلم می‌ایستاد
- ۳۲۲..... یکی از اشتباهات این بود که از مدرس حمایت نشد
- ۳۲۳..... مدرس و شکست رضاشاه
- ۳۲۳..... مدرس، الهی بود
- ۳۲۴..... مدرس، نمونه انسان مورد نظر اسلام
- ۳۲۴..... مدرس یک نفری بر همه مجلس غلبه می‌کرد

- ۳۲۵ مدرس می‌گفت: ظالمان را بزنید تا بروند از شما شکایت کنند
- ۳۲۵ رضاخان از مدرس می‌ترسید
- ۳۲۶ تنها مدرس بود که جلوی رضاخان ایستاد
- ۳۲۶ لباس کرباسی مدرس زیانزد همه بود
- ۳۲۷ بدون مدرس، مجلس احساس نقص می‌کرد
- ۳۲۹ اگر چند نفر افکار مدرس را داشتند مشروطه منحرف نمی‌شد
- ۳۳۰ مدرس ستاره درخشانی بر تارک کشور
- ۳۳۱ مدرس اولین مرد مجاهد
- ۳۳۱ شهید سیدمحمدرضا سعیدی
- ۳۳۱ شهید سعیدی برای حفظ اسلام فدا شد
- ۳۳۲ شهید مرتضی مطهری
- ۳۳۲ مطهری حاصل عمرم محسوب می‌شد
- ۳۳۴ با ترور شهید مطهری نهضت ما زنده شد
- ۳۳۵ شهادت مطهری اسلام را زنده کرد
- ۳۳۵ جرم مطهری چه بوده است؟
- ۳۳۶ نگذارید کتابهای این استاد عزیز فراموش شود
- ۳۳۷ آثار قلم و زبان مطهری بی‌استثنا آموزنده است
- ۳۳۸ شهید مهدی عراقی
- ۳۳۸ برای عراقی مردن در رختخواب کوچک بود
- ۳۳۸ عراقی عمرش را صرف خدمت به اسلام کرد
- ۳۳۸ شهید عراقی مرد بسیار صالحی بود
- ۳۳۹ شهید سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی
- ۳۳۹ شهادت مرحوم طباطبایی نشانه خودباختگی و ناتوانی دشمنان اسلام است
- ۳۴۰ شهادت مرحوم طباطبایی اراده‌ها را مصمتمتر می‌کند
- ۳۴۱ مرحوم طباطبایی مجاهدات زیادی کرده بود

- ۳۴۱ شهید محمد مفتاح
- ۳۴۱ شهادت آقای مفتاح در دل ملت حماسه آفرید
- ۳۴۲ روز شهادت بزرگانی مثل شهید مفتاح را بزرگ بشمارید
- ۳۴۳ شهید سید محمد باقر صدر
- ۳۴۳ شهید صدر از مفاخر علم و ادب و حوزه‌های علمیه بود
- ۳۴۴ آیت‌الله صدر به جرم طلب حکومت اسلامی شهید شد
- ۳۴۴ شهید محمد حسین فهمیده
- ۳۴۴ رهبر ما آن طفل دوازده ساله است
- ۳۴۵ شهید مصطفی چمران
- ۳۴۵ چمران جنگجویی پرهیزکار و معلمی متعهد بود
- ۳۴۶ مثل چمران بمیرید
- ۳۴۷ شهید سید محمد حسینی بهشتی
- ۳۴۷ شهید محمد منتظری
- ۳۴۷ شهید محمد علی رجائی
- ۳۴۸ شهید محمد جواد باهنر
- ۳۴۸ شهید علی قدوسی
- ۳۴۸ آقای قدوسی سالیان طولانی در خدمت اسلام بود
- ۳۴۹ شهادت آقای قدوسی به نفع اسلام بود
- ۳۵۰ آقای قدوسی اهل علم و عمل بود
- ۳۵۰ شهید سید اسدالله مدنی
- ۳۵۰ شهید مدنی به حد وافر از علم و عمل برخوردار بود
- ۳۵۳ شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد
- ۳۵۳ مراتب فضل و مجاهدت شهید هاشمی نژاد پوشیده نیست
- ۳۵۵ سرداران شهید
- ۳۵۵ اینان خدمتگزاران رشید و متعهد بودند

- ۳۵۷ شهید سید عبدالحسین دستغیب
- ۳۵۷ شهید دستغیب گنااهش فقط تعهد به اسلام بود
- ۳۶۰ شهید دستغیب یک وارسته به تمام معنا بود
- ۳۶۲ شهید محمد صدوقی
- ۳۶۲ شهید صدوقی برای خدمت به انقلاب سر از پا نمی‌شناخت
- ۳۶۴ امثال آقای صدوقی را کم داریم
- ۳۶۵ شهید عطاءالله اشرفی اصفهانی
- ۳۶۵ شهید اشرفی از مصادیق بارز «رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه» بود
- ۳۶۷ شهادت شهید اشرفی‌ها، موجب رسوایی منافقین جنایتکار
- ۳۶۷ شهدای خانواده آیت‌الله محسن حکیم
- ۳۶۸ خانواده حکیم در راه اسلام شهید شدند
- ۳۶۸ شهادت اعضای خانواده حکیم فاجعه‌ای بزرگ است
- ۳۶۹ شهید مهدی شاه‌آبادی
- ۳۶۹ آقای شاه‌آبادی مجاهدی شریف بود
- ۳۷۰ شهید فضل‌الله محلاتی
- ۳۷۰ شهید محلاتی یکی از چهره‌های درخشان انقلاب بود
- ۳۷۰ آقای محلاتی از یاران باوفای اینجانب و مردی صالح و فداکار بود
- ۳۷۱ شهید سید عارف حسین حسینی
- ۳۷۱ شهید عارف حسینی برای یاری پابرهنگان لحظه‌ای آرام نداشت

فصل هفتم: احکام و استفتائات مربوط به شهدا

- ۳۷۷ شهدای معرکه جنگ
- ۳۷۹ شهدای خارج از معرکه
- ۳۸۳ مزار شهدا
- ۳۸۴ مسائل متفرقه

فهرست ماخذ

ردیف	تاریخ	عنوان	عنوان کتاب	جلد	صفحه
۱	۵۷/۸/۱۶	پیام به ملت ایران	صحیفه امام	۴	۳۵۲-۳۵۱
۲	۵۷/۹/۱	پیام به ملت مسلمان ایران	صحیفه امام	۵	۷۸
۳	۵۷/۱۱/۱	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	صحیفه امام	۵	۵۱۰
۴	۵۷/۱۲/۱۴	سخنرانی در جمع گروهی از پاسداران	صحیفه امام	۶	۳۱۲-۳۱۱
۵	۵۷/۱۲/۱۴	سخنرانی در جمع گروهی از پاسداران	صحیفه امام	۶	۳۱۱
۶	۵۸/۲/۵	سخنرانی در جمع نمایندگان کارکنان گمرکات ایران	صحیفه امام	۷	۱۳۷-۱۳۶
۷	۵۸/۲/۱۴	سخنرانی در جمع مردم	صحیفه امام	۷	۱۸۲
۸	۵۸/۲/۱۶	سخنرانی در جمع پرسنل شهربانی تهران	صحیفه امام	۷	۱۹۱
۹	۵۸/۳/۱۱	سخنرانی در جمع بانوان اهواز، قم و بروجرد	صحیفه امام	۸	۴۴
۱۰	۵۸/۳/۲۳	سخنرانی در جمع درجه‌داران پادگانهای تبریز	صحیفه امام	۸	۱۲۸
۱۱	۵۸/۶/۲	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	صحیفه امام	۹	۳۴۱
۱۲	۵۸/۲/۲۰	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	صحیفه امام	۷	۲۴۱
۱۳	۵۸/۷/۹	سخنرانی در جمع خانواده شهدای پاوه و فرماندهان ارتش	صحیفه امام	۱۰	۱۹۱

۴۱۸ □ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

۴۲۰	۱۰	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۸/۱۱	۱۴
			سخنرانی در جمع زندانیان سیاسی در رژیم	۵۸/۸/۱۱	۱۵
۴۴۰	۱۰	صحیفه امام	پهلوی		
۲۵۶	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۹/۲/۵	۱۶
۲۶۱	۱۳	صحیفه امام	مصاحبه با خبرنگاران خارجی	۵۹/۷/۱۷	۱۷
			سخنرانی در جمع خانواده شهدا و جانبازان	۶۰/۱/۱۳	۱۸
۲۵۷	۱۴	صحیفه امام	خوزستان		
			سخنرانی در جمع خانواده شهدا و جانبازان	۶۰/۱/۱۳	۱۹
۲۵۸	۱۴	صحیفه امام	خوزستان		
۱	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۴/۹	۲۰
۸	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تهران	۶۰/۴/۱۰	۲۱
۲۰۳	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و نیروهای نظامی	۶۱/۱/۲۹	۲۲
			سخنرانی در جمع مسئولان و اعضای جهاد	۶۲/۳/۱	۲۳
۴۴۴	۱۷	صحیفه امام	سازندگی		
۳۳۴-۳۳۳	۱۸	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۲/۱۱/۲۲	۲۴
۸۸	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۲۵
۱۵۵	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۸/۴	۲۶
۳۵	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۸	۲۷
۷۸	۵	صحیفه امام	پیام به ملت مسلمان ایران	۵۷/۹/۱	۲۸
۱۰-۹	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده شهدا و پرسنل کمیته	۵۸/۶/۲۶	۲۹
۱۴۷	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۱۱/۲۲	۳۰
			سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت و	۵۹/۸/۶	۳۱
۲۹۹	۱۳	صحیفه امام	نمایندگان مجلس		
			سخنرانی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط	۵۹/۸/۱۲	۳۲
۳۱۶-۳۱۵	۱۳	صحیفه امام	امام		

			سخنرانی در جمع مسئولین بنیاد شهید و جمعی	۵۹/۱۰/۲۰	۳۳
۵۱۶-۵۱۵	۱۳	صحیفه امام	از خانواده‌های شهدا		
			سخنرانی در جمع مسئولین بنیاد شهید و جمعی	۵۹/۱۰/۲۰	۳۴
۵۱۵-۵۱۳	۱۳	صحیفه امام	از خانواده‌های شهدا		
			سخنرانی در جمع خانواده شهدا و جانبازان	۶۰/۱/۱۳	۳۵
۲۵۸-۲۵۷	۱۴	صحیفه امام	خوزستان		
	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۴/۹	۳۶
	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۱۱/۲۱	۳۷
	۱۶	صحیفه امام	پیام به فرماندهان نظامی	۶۱/۱/۱۰	۳۸
	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع رزمندگان اسلام و دانشجویان	۶۱/۱/۲۸	۳۹
۴۱۰-۴۰۹	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع استانداران سراسر کشور	۶۱/۵/۱۷	۴۰
۵۲۲-۵۲۱	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۶/۳۱	۴۱
	۱۷	صحیفه امام	پیام به خانواده‌های شهیدان	۶۱/۹/۲۰	۴۲
	۱۷	صحیفه امام	پیام به رزمندگان و ملت ایران	۶۱/۱۱/۲۱	۴۳
	۱۸	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۲/۶/۶	۴۴
۳۲۶-۳۲۵	۱۸	صحیفه امام	پیام به خانواده‌های شهدا و ایثارگران	۶۲/۱۱/۱۹	۴۵
۳۳۳-۳۳۲	۱۸	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۲/۱۱/۲۲	۴۶
	۱۸	صحیفه امام	پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران	۶۳/۱/۱	۴۷
	۱۹	صحیفه امام	پیام به رزمندگان	۶۳/۶/۵	۴۸
۱۵۰-۱۴۹	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۳/۱۱/۲۲	۴۹
	۱۹	صحیفه امام	پیام به خانواده‌های شهدا و ملت ایران	۶۳/۱۱/۱۸	۵۰
	۲۰	صحیفه امام	پیام به مردم و زائران بیت‌الله الحرام	۶۵/۵/۱۶	۵۱
۹۵-۹۴	۲۰	صحیفه امام	پیام به مردم و زائران بیت‌الله الحرام	۶۵/۵/۱۶	۵۲
	۲۰	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۵/۱۱/۱۶	۵۳
	۲۱	صحیفه امام	پیام به هنرمندان و خانواده شهدا	۶۷/۶/۳۰	۵۴

۴۲۰ □ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

۱۴۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۷/۱	۵۵
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و	۶۷/۱۲/۳	۵۶
۲۷۳	۲۱	صحیفه امام	ائمه جمعه و جماعات		
۱۹۹-۱۹۶	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع رزمندگان اسلام و دانشجویان	۶۱/۱/۲۸	۵۷
۲۸۷		کشف اسرار			۵۸
۱۶۶	۱	صحیفه امام	بیانات در جمع روحانیون قم	۴۲/۱/۲	۵۹
۳۰۷	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مردم	۴۳/۱/۲۶	۶۰
۲۹۳	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مردم	۴۳/۱/۲۶	۶۱
۱۷۰	۳	صحیفه امام	پیام به عموم مسلمین و دانشجویان	۵۵/۷/۴	۶۲
۴۲۱	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۳/۲۰	۶۳
۴۳۲	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۵/۵	۶۴
۱۵۵	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۸/۴	۶۵
۵۱۲	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۷/۲۰	۶۶
۱۵۲	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۳	۶۷
۱۵۱-۱۵۰	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۳	۶۸
۳۶۶	۴	صحیفه امام	مصاحبه با روزنامه انگلیسی فاینشال تایمز	۵۷/۸/۱۶	۶۹
۳۵۱	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۸/۱۶	۷۰
۱۰۸	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۴	۷۱
۱۴۷-۱۴۶	۵	صحیفه امام	مصاحبه با تلویزیون «پی. بی. اس»	۵۷/۹/۱۰	۷۲
۳۳	۶	صحیفه امام	سخنرانی در مدرسه علوی	۵۷/۱۱/۱۳	۷۳
۲۷۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۵۷/۱۲/۱۰	۷۴
۳۱۴	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از پاسداران	۵۷/۱۲/۱۴	۷۵
۳۶۰-۳۵۹	۶	صحیفه امام	سخنرانی برای اقشار مختلف مردم در قم	۵۷/۱۲/۱۸	۷۶
۴۰۲-۴۰۱	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت دولت موقت	۵۷/۱۲/۲۹	۷۷
۴۶	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان کمیته‌های انقلاب	۵۸/۱/۲۹	۷۸

فهرست مأخذ □ ۴۲۱

۷۶	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان روحانی گُرد	۵۸/۲/۱	۷۹
۱۱۷	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأتی از لیبی	۵۸/۲/۴	۸۰
۱۹۲	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان جنوب تهران	۵۸/۲/۱۶	۸۱
۲۰۰	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع عشایر	۵۸/۲/۱۷	۸۲
۱۹۷	۷	صحیفه امام	بیانات خطاب به سفیر سومالی	۵۸/۲/۱۷	۸۳
			سخنرانی در جمع عشایر مَمَسنی و دانشجویان	۵۸/۲/۲۱	۸۴
۲۴۶	۷	صحیفه امام	یزد		
۴۶۱	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان اهواز	۵۸/۳/۲	۸۵
			سخنرانی در جمع بانوان سازمان حمایت از	۵۸/۳/۴	۸۶
۴۸۶	۷	صحیفه امام	خانواده‌ها		
			سخنرانی در جمع بانوان سازمان حمایت از	۵۸/۳/۴	۸۷
۴۸۵	۷	صحیفه امام	خانواده‌ها		
۵۴۱	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ورزشکاران ورزش باستانی	۵۸/۳/۸	۸۸
			سخنرانی در جمع بانوان شاغل در مؤسسه کیهان	۵۸/۳/۸	۸۹
۵۳۷	۷	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع بانوان شاغل در مؤسسه کیهان	۵۸/۳/۸	۹۰
۵۳۸	۷	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع پزشکان، اساتید و	۵۸/۳/۱۶	۹۱
۶۳	۸	صحیفه امام	دانشجویان شیراز		
			بیانات در جمع مجروحان و پزشکان بیمارستان	۵۸/۳/۲۴	۹۲
۱۵۲-۱۵۱	۸	صحیفه امام	شفا یحییاییان		
			سخنرانی در جمع پاسداران مسجد نبی اکرم	۵۸/۳/۲۸	۹۳
۲۰۴	۸	صحیفه امام	تهران		
			سخنرانی در جمع پاسداران مسجد نبی اکرم	۵۸/۳/۲۸	۹۴
۲۰۲	۸	صحیفه امام	تهران		

۴۲۲ □ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

			سخنرانی در جمع پاسداران مسجد نبی اکرم	۵۸/۳/۲۸	۹۵
۲۰۱	۸	صحیفه امام	تهران		
۲۴۴	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و روحانیون مشهد	۵۸/۳/۳۱	۹۶
			سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی	۵۸/۴/۶	۹۷
۳۱۵	۸	صحیفه امام	دانشگاه تربیت معلم		
۳۴۱-۳۴۰	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۸/۶/۲	۹۸
۳۳۲	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیهای مقیم کویت	۵۸/۶/۲	۹۹
۴۳۶	۹	صحیفه امام	بیانات در جمع خانواده شهید فرخ‌نیا	۵۸/۶/۱۵	۱۰۰
۴۵۱	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان پخش رادیو	۵۸/۶/۱۷	۱۰۱
۴۹۴	۹	صحیفه امام	بیانات خطاب به اقشار مختلف مردم	۵۸/۶/۲۱	۱۰۲
۵۵	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع عشایر آذربایجان شرقی	۵۸/۶/۲۸	۱۰۳
۳۰۰	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدای سردشت	۵۸/۷/۲۹	۱۰۴
۴۷۳	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانش آموزان قم و تهران	۵۸/۸/۱۳	۱۰۵
			سخنرانی در جمع اعضای انجمن تبلیغات	۵۸/۸/۱۸	۱۰۶
۲۶	۱۱	صحیفه امام	فرهنگ اسلامی خرم‌آباد		
۲۱۸	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پیشه‌وران اصفهان	۵۸/۹/۲۱	۱۰۷
۵۱۴	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده شهدا و امدادگران	۵۸/۱۰/۱۱	۱۰۸
۲۶۸-۲۶۷	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه	۵۹/۲/۱۲	۱۰۹
			پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران در	۵۹/۵/۱۵	۱۱۰
۸۰	۱۳	صحیفه امام	روز قدس		
۲۵۶	۱۳	صحیفه امام	پیام به ملت و ارتش عراق	۵۹/۷/۱۲	۱۱۱
			سخنرانی در جمع فارغ‌التحصیلان دانشکده	۵۹/۸/۲۵	۱۱۲
۳۵۱-۳۵۰	۱۳	صحیفه امام	افسری		
			سخنرانی در جمع گروهی از جانبازان و	۵۹/۹/۲۶	۱۱۳
۴۰۸	۱۳	صحیفه امام	پاسداران		

فهرست مأخذ □ ۴۲۳

۷۳	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و مسلمانان جهان	۵۹/۱۱/۲۲	۱۱۴
۷۸-۷۷	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و مسلمانان جهان	۵۹/۱۱/۲۲	۱۱۵
۷۷	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و مسلمانان جهان	۵۹/۱۱/۲۲	۱۱۶
۱۳۸	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۶/۹	۱۱۷
۱۳۵-۱۳۴	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۶/۹	۱۱۸
۲۸۱	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان کشور	۶۰/۷/۱۷	۱۱۹
۴۴۹	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۱۰/۷	۱۲۰
			سخنرانی در جمع فرماندهان و پاسداران	۶۰/۱۲/۱۰	۱۲۱
۷۵	۱۶	صحیفه امام	کمیته‌ها		
۹۱-۹۰	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع رزمندگان اسلام	۶۰/۱۲/۱۸	۱۲۲
۱۹۹	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع رزمندگان اسلام و دانشجویان	۶۱/۱/۲۸	۱۲۳
۲۰۱	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و نیروهای نظامی	۶۱/۱/۲۹	۱۲۴
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و	۶۱/۷/۲۵	۱۲۵
۵۷	۱۷	صحیفه امام	آذربایجان		
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و	۶۱/۷/۲۵	۱۲۶
۶۱	۱۷	صحیفه امام	آذربایجان		
۲۵۴	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس شورا	۶۱/۱۱/۴	۱۲۷
۳۱۳	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع میهمانان مراسم «دهه فجر»	۶۱/۱۱/۲۱	۱۲۸
			سخنرانی در جمع پرسنل کمیته‌های مرکزی	۶۲/۱/۲۱	۱۲۹
۴۰۲	۱۷	صحیفه امام	انقلاب		
۴۲۱	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۲/۲/۱۴	۱۳۰
۷۸	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت	۶۲/۶/۷	۱۳۱
			سخنرانی در جمع اعضای شوراهای محلی	۶۲/۱۱/۱۱	۱۳۲
۳۱۴	۱۸	صحیفه امام	توزیع کالا در تهران		
			سخنرانی در جمع مسئولان سپاه، ارتش و بسیج	۶۳/۲/۳۰	۱۳۳

۴۲۴ □ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

۴۴۰	۱۸	صحیفه امام	مستضعفان		
			سخنرانی در جمع اعضای کمیته برگزاری هفته	۶۳/۶/۱۸	۱۳۴
۵۶	۱۹	صحیفه امام	جنگ		
			پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران و مسلمانان	۶۴/۱/۱	۱۳۵
۱۹۸-۱۹۷	۱۹	صحیفه امام	جهان		
			پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران و مسلمانان	۶۴/۱/۱	۱۳۶
۱۹۹	۱۹	صحیفه امام	جهان		
۲۹۰-۲۸۹	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۴/۳/۳۰	۱۳۷
۳۴۴	۱۹	صحیفه امام	پیام به حجج و مسلمانان ایران و جهان	۶۴/۵/۲۵	۱۳۸
۴۹۷	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۴/۱۲/۳	۱۳۹
۵۵	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۵/۳/۱۹	۱۴۰
			پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران	۶۶/۵/۶	۱۴۱
۳۴۷-۳۴۶	۲۰	صحیفه امام	بیت الله الحرام		
۴۴۹	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۱۴۲
۳۶۰	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۱/۴	۱۴۳
۱۵۵	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۸/۴	۱۴۴
۱۵۸-۱۵۷	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۸/۴	۱۴۵
۲۶۲	۶	صحیفه امام	پیام چهارده ماده‌ای به ملت ایران	۵۷/۱۲/۹	۱۴۶
۳۶۱-۳۶۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی برای اقشار مختلف مردم در قم	۵۷/۱۲/۱۸	۱۴۷
			سخنرانی در جمع اسقف هیلارین کاپوچی و	۵۸/۱/۱۳	۱۴۸
۴۶۹	۶	صحیفه امام	همراهان		
			سخنرانی در جمع مسئولان اجرای رفراندم در	۵۸/۱/۱۶	۱۴۹
۴۷۸	۶	صحیفه امام	قم		
۵۰۲	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مبارزین کشورهای اسلامی	۵۸/۱/۱۷	۱۵۰

فهرست مأخذ □ ۴۲۵

۲۴-۲۳	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل نیروی هوایی	۵۸/۱/۲۶	۱۵۱
۱۹۲	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان جنوب تهران	۵۸/۲/۱۶	۱۵۲
۱۶۹	۷	صحیفه امام	پیام به آقای معمر قذافی	۵۸/۲/۱۰	۱۵۳
			سخنرانی در جمع مردم و پاسداران حصارک	۵۸/۴/۱۶	۱۵۴
۵۰۹	۸	صحیفه امام	کرج		
۸۶	۹	صحیفه امام	پیام به آقای سید رضی شیرازی	۵۸/۴/۲۴	۱۵۵
۱۳۷	۱۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۹/۷	۱۵۶
۲۱۱	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۸/۹/۲۱	۱۵۷
۱۴۴	۱۲	صحیفه امام	پیام به خانواده‌های شهدا	۵۸/۱۱/۱۹	۱۵۸
۱۴۷-۱۴۶	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در سالگرد پیروزی انقلاب	۵۸/۱۱/۲۲	۱۵۹
			پیام یازده ماده‌ای به نیروهای مسلح و ملت	۵۹/۱۱/۱	۱۶۰
۵۴۴	۱۳	صحیفه امام	ایران		
۷۳-۷۲	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و مسلمانان جهان	۵۹/۱۱/۲۲	۱۶۱
۷۹	۱۴	صحیفه امام	پیام به خانواده‌های شهدا	۵۹/۱۱/۲۲	۱۶۲
۲	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۴/۹	۱۶۳
۱۴۹-۱۴۸	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۶/۱۰	۱۶۴
۲۸۰	۱۵	صحیفه امام	حکم تنفیذ ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای	۶۰/۷/۱۷	۱۶۵
			سخنرانی در جمع فرماندهان و پاسداران	۶۰/۱۲/۱۰	۱۶۶
۷۶	۱۶	صحیفه امام	کمیته‌ها		
			سخنرانی در جمع اعضای هیأت ایرانی در	۶۱/۷/۲۱	۱۶۷
۳۵	۱۷	صحیفه امام	کنفرانس بین‌المجالس		
۴۵-۴۴	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور	۶۱/۷/۲۲	۱۶۸
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و	۶۱/۷/۲۵	۱۶۹
۶۱	۱۷	صحیفه امام	آذربایجان		
۲۱۲-۲۱۱	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۱/۱۰/۱۲	۱۷۰

۴۲۶ □ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

۳۰۵-۳۰۴	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع میهمانان مراسم «دهه فجر»	۶۱/۱۱/۲۱	۱۷۱
۳۱۳	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع میهمانان مراسم «دهه فجر»	۶۱/۱۱/۲۱	۱۷۲
			سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس و مسئولین	۶۲/۳/۱۴	۱۷۳
۴۷۷	۱۷	صحیفه امام	بنیاد ۱۵ خرداد		
۵۰۱	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و عراق	۶۲/۳/۲۸	۱۷۴
۳۲۶	۱۸	صحیفه امام	پیام به خانواده‌های شهدا و ایثارگران	۶۲/۱۱/۱۹	۱۷۵
۴۷۵-۴۷۴	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۴/۱۱/۱۷	۱۷۶
۱۴۵-۱۴۴	۱۹	صحیفه امام	پیام به خانواده‌های شهدا و ملت ایران	۶۳/۱۱/۱۸	۱۷۷
			پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران	۶۶/۵/۶	۱۷۸
۳۳۲	۲۰	صحیفه امام	بیت الله الحرام		
۱۹۹-۱۹۸	۲۰	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۵/۱۱/۱۶	۱۷۹
۱۹۷-۱۹۶	۲۰	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۵/۱۱/۱۶	۱۸۰
۹۳-۹۲	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۱۸۱
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و	۶۷/۱۲/۳	۱۸۲
۲۸۴-۲۸۳	۲۱	صحیفه امام	ائمه جمعه و جماعات		
۹۳	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۷/۲۹	۱۸۳
۵۱۲	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۷/۲۰	۱۸۴
			سخنرانی در جمع مردم قم و تأکید بر الهی بودن	۵۸/۱/۱۷	۱۸۵
۴۹۲-۴۹۱	۶	صحیفه امام	تحول در ملت		
۵۱۶	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان مخابرات	۵۸/۱/۱۹	۱۸۶
۱۲۵-۱۲۴	۷	صحیفه امام	بیانات خطاب به سفیر تونس در ایران	۵۸/۲/۵	۱۸۷
			سخنرانی در جمع معلمان و دانشجویان تبریز و	۵۸/۳/۴	۱۸۸
۴۹۴-۴۹۳	۷	صحیفه امام	کاشان		
			سخنرانی در جمع پاسداران مسجد نبی اکرم	۵۸/۳/۲۸	۱۸۹
۲۰۲	۸	صحیفه امام	تهران		

فهرست مأخذ □ ۴۲۷

۴۳۹	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اساتید دانشگاه تهران	۵۸/۴/۱۳	۱۹۰
			سخنرانی در جمع خانواده جانبازان شهید پایگاه	۵۸/۶/۱۱	۱۹۱
۳۸۵-۳۸۴	۹	صحیفه امام	بوشهر		
۴۹۵	۹	صحیفه امام	بیانات خطاب به اقشار مختلف مردم	۵۸/۶/۲۱	۱۹۲
۱۳-۱۲	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده شهدا و پرسنل کمیته	۵۸/۶/۲۶	۱۹۳
۱۰۷	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع افسران ارتش پاکستان	۵۸/۹/۱	۱۹۴
۳۴۶	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کشاورزان کفن پوش کوران ده	۵۸/۹/۲۹	۱۹۵
۳۶	۱۲	صحیفه امام	مصاحبه با مجله «تایم»	۵۸/۱۰/۱۵	۱۹۶
۲۹۶	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در حضور فرمانده لشکر ۲۸ کردستان	۵۹/۲/۲۶	۱۹۷
			سخنرانی در جمع شرکت کنندگان در کنفرانس	۵۹/۳/۱۴	۱۹۸
۳۷۸	۱۲	صحیفه امام	بررسی مداخلات امریکا در ایران		
۱۸۷	۱۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۹/۶/۱۶	۱۹۹
			سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت و	۵۹/۸/۶	۲۰۰
۲۹۳	۱۳	صحیفه امام	نمایندگان مجلس		
			سخنرانی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط	۵۹/۸/۱۲	۲۰۱
۳۰۷	۱۳	صحیفه امام	امام		
۱۸۰	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت بررسی جنگ تحمیلی	۵۹/۱۲/۱۳	۲۰۲
۴۴۳	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرماندهان نظامی	۶۰/۳/۲۴	۲۰۳
۲	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۴/۹	۲۰۴
۱۳-۱۲	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه خوزستان	۶۰/۱۱/۱۴	۲۰۵
۴۸	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۱۱/۲۲	۲۰۶
			سخنرانی در جمع ائمه جمعه مازندران و دشت	۶۰/۱۲/۱۹	۲۰۷
۹۶	۱۶	صحیفه امام	گرگان		
۱۳۸	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۱/۱/۱	۲۰۸
۱۸۲	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع قشرهای مختلف مردم	۶۱/۱/۲۱	۲۰۹

۴۲۸ □ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

۲۶۱	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان کرمان	۶۱/۳/۴	۲۱۰
۲۹۳	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۳/۱۵	۲۱۱
۳۸۱-۳۸۰	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و مسلمانان جهان	۶۱/۴/۲۵	۲۱۲
			سخنرانی در جمع اعضای هیأت ایرانی در	۶۱/۷/۲۱	۲۱۳
۳۴	۱۷	صحیفه امام	کنفرانس بین‌المجالس		
۱۰۷-۱۰۶	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان خراسان	۶۱/۹/۳	۲۱۴
			سخنرانی در جمع کارگران، معلمان و مربیان	۶۲/۲/۴	۲۱۵
۴۱۵	۱۷	صحیفه امام	پرورشی		
			پیام رادیو-تلویزیونی به ملت ایران و مسلمانان	۶۴/۱/۱	۲۱۶
۱۹۶-۱۹۵	۱۹	صحیفه امام	جهان		
۲۱۷	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل ارتش و سپاه	۶۴/۱/۱۵	۲۱۷
۴۹۷	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۴/۱۲/۳	۲۱۸
			پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران	۶۶/۵/۶	۲۱۹
۳۳۳-۳۳۲	۲۰	صحیفه امام	بیت‌الله الحرام		
۲۷۲	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۶/۳/۸	۲۲۰
۲	۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و افشای جنایات دولت بختیار	۵۷/۱۱/۹	۲۲۱
			سخنرانی در جمع روحانیون و اقشار مختلف	۵۸/۳/۱۵	۲۲۲
۵۷-۵۶	۸	صحیفه امام	مردم		
			سخنرانی در جمع خانواده شهدای پاوه و	۵۸/۷/۹	۲۲۳
۱۹۲	۱۰	صحیفه امام	فرماندهان ارتش		
۲۱۰	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۹/۱/۱	۲۲۴
۲۹۷-۲۹۶	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی با حضور فرمانده لشکر ۲۸ کردستان	۵۹/۲/۲۶	۲۲۵
۱۰۸	۱۳	صحیفه امام	پیام به خانواده‌های شهدای کردستان	۵۹/۵/۲۲	۲۲۶
			پیام به نیروهای مسلح، ملت ایران و مسلمانان	۵۹/۷/۲۷	۲۲۷
۲۷۳-۲۷۲	۱۳	صحیفه امام	جهان		

			تقریظ بر کتاب «پیام خون» حاوی بعضی از	۶۰/۲/۱	۲۲۸
۳۱۰	۱۴	صحیفه امام	وصایای شهدا		
۴۶۰	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۶/۱۸	۲۲۹
۲۹۴	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۳/۱۵	۲۳۰
۳۰۷	۱۷	صحیفه امام	پیام به رزمندگان و ملت ایران	۶۱/۱۱/۲۱	۲۳۱
۴۸۴	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۲/۳/۱۵	۲۳۲
۱۶۱-۱۶۰	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۳/۱۱/۲۲	۲۳۳
۴۹۸-۴۹۷	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۴/۱۲/۳	۲۳۴
۲۰۱	۲۰	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۵/۱۱/۱۶	۲۳۵
			پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران	۶۶/۵/۶	۲۳۶
۳۱۸	۲۰	صحیفه امام	بیت‌الله‌الحرام		
۹۳	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۲۳۷
۸۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۲۳۸
۱۳۸	۲۱	صحیفه امام	پیام به آقای مهدی کروی	۶۷/۶/۲۸	۲۳۹
۱۹۶	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور	۶۷/۹/۲	۲۴۰
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و	۶۷/۱۲/۳	۲۴۱
۲۹۳	۲۱	صحیفه امام	ائمه جمعه و جماعات		
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و	۶۷/۱۲/۳	۲۴۲
۲۸۴	۲۱	صحیفه امام	ائمه جمعه و جماعات		
۳۵۹-۳۵۸	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و نیروهای مسلح	۶۷/۱/۲۸	۲۴۳
			سخنرانی در جمع علاقه‌مندان انقلاب اسلامی	۵۷/۱۲/۶	۲۴۴
۲۲۹	۶	صحیفه امام	درکویت		
			سخنرانی در جمع علاقه‌مندان انقلاب اسلامی	۵۷/۱۲/۶	۲۴۵
۲۲۸	۶	صحیفه امام	درکویت		
۲۷۶	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۵۷/۱۲/۱۰	۲۴۶

۴۳۰ □ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

۳۳۲	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۷/۱۲/۱۵	۲۴۷
۳۲۷	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع عشایر لرستان	۵۸/۲/۲۶	۲۴۸
			سخنرانی در جمع روحانیون و اقشار مختلف مردم	۵۸/۳/۱۵	۲۴۹
۵۵-۵۳	۸	صحیفه امام	مردم		
			سخنرانی در جمع روحانیون و اقشار مختلف مردم	۵۸/۳/۱۵	۲۵۰
۵۷-۵۶	۸	صحیفه امام	مردم		
			سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم جنوب تهران	۶۰/۱/۱۶	۲۵۱
۲۶۲-۲۶۱	۱۴	صحیفه امام	تهران		
۲۶	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۱۱/۲۱	۲۵۲
۱۶	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۷/۱۰	۲۵۳
			سخنرانی در جمع شورای مرکزی کمیته‌های امداد	۶۲/۲/۱۸	۲۵۴
۴۲۶	۱۷	صحیفه امام	امداد		
۳۳۳	۱۸	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۲/۱۱/۲۲	۲۵۵
۴۷۱	۱۸	صحیفه امام	پیام به نمایندگان مجلس	۶۳/۳/۷	۲۵۶
			پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت‌الله الحرام	۶۶/۵/۶	۲۵۷
۳۳۴-۳۳۳	۲۰	صحیفه امام	بیت‌الله الحرام		
			پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت‌الله الحرام	۶۶/۵/۶	۲۵۸
۳۴۲	۲۰	صحیفه امام	بیت‌الله الحرام		
۸۶	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۲۵۹
۱۵۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۷/۱۱	۲۶۰
۳۱۶	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۶/۱۱/۲	۲۶۱
۵۱۳	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۷/۲۰	۲۶۲
۳۰۳	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۳	۲۶۳
۴۴۰	۴	صحیفه امام	مصاحبه با مجله القوامی العربی	۵۷/۸/۲۰	۲۶۴
۲۵	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۷	۲۶۵

فهرست مأخذ □ ۴۳۱

۵۸	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۹	۲۶۶
۱۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در بهشت زهرا(س)	۵۷/۱۱/۱۲	۲۶۷
۲۰۰-۱۹۹	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت دولت	۵۸/۷/۱۰	۲۶۸
۳۲۶	۱۱	صحیفه امام	مصاحبه با حسنین هیکل نویسنده مصری	۵۸/۹/۲۸	۲۶۹
۱۰۸	۱۳	صحیفه امام	پیام به خانواده‌های شهدای کردستان (پاوه)	۵۹/۵/۲۲	۲۷۰
۱۰۸	۱۳	صحیفه امام	پیام به خانواده‌های شهدای کردستان (پاوه)	۵۹/۵/۲۲	۲۷۱
۴۱۱-۴۱۰	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدای اصفهان	۵۹/۹/۲۷	۲۷۲
۴۶۲	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده شهدای نیروی هوایی	۵۹/۱۰/۸	۲۷۳
۳۰۱	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و نیروهای مسلح	۶۰/۱/۲۷	۲۷۴
۳۱۳	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از خانواده‌های شهدا	۶۰/۷/۲۶	۲۷۵
۱۹۴	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۱/۲۵	۲۷۶
۹۵	۱۷	صحیفه امام	پیام به مردم اصفهان	۶۱/۸/۲۵	۲۷۷
۴۱۱-۴۱۰	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۲۷۸
۴۷	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان وزارت امور خارجه	۶۲/۵/۲۰	۲۷۹
۱۷۸-۱۷۷	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت عراق	۶۳/۱۲/۱۸	۲۸۰
۱۸	۲۰	صحیفه امام	پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران	۶۵/۱/۱	۲۸۱
۱۹۷	۲۰	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۵/۱۱/۱۶	۲۸۲
۱۹۹	۲۰	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۵/۱۱/۱۶	۲۸۳
			پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران	۶۶/۵/۶	۲۸۴
۳۴۲	۲۰	صحیفه امام	بیت الله الحرام		
۴۹۶	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران	۶۶/۱۲/۱۲	۲۸۵
۱۴۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۷/۱	۲۸۶
۸	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدا	۵۸/۶/۲۶	۲۸۷
۱۹۵	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۱/۲۵	۲۸۸
۱۴۸	۱۸	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۲/۶/۳۱	۲۸۹

۴۳۲ □ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

۳۹۶	۱۸	صحیفه امام	پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران	۶۳/۱/۱	۲۹۰
۲۹۳-۲۹۲	۱۹	صحیفه امام	نامه به فرزندی یکی از شهدا	تیر ۱۳۶۴	۲۹۱
			پیام به خانواده شهیدان و ایثارگران و تجلیل از آنها	۶۵/۲/۸	۲۹۲
۳۸-۳۷	۲۰	صحیفه امام			
۱۹-۱۸	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۲۹۳
۱۰۹	۲۱	صحیفه امام	نامه به خانم شمسی نورانی	۶۷/۵/۲۳	۲۹۴
۱۳۸-۱۳۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به آقای مهدی کروی	۶۷/۶/۲۸	۲۹۵
۳۹۹	۲	صحیفه امام	پاسخ استفتاء	۵۰/۸/۲۶	۲۹۶
۱۹۳-۱۹۲	۳	صحیفه امام	پیام به ملت مسلمان ایران و جهان	۵۵/۱۱/۲	۲۹۷
۴۳۴-۴۳۳	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۵/۵	۲۹۸
۳۵۲	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۸/۱۶	۲۹۹
۳۸۹-۳۸۸	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۷	۳۰۰
			پیام به علما و روحانیون و دعوت از آنان برای کمک به محرومین	۵۷/۸/۱۸	۳۰۱
۴۰۹-۴۰۸	۴	صحیفه امام			
۴۹۸	۴	صحیفه امام	پیام به کارکنان شرکت نفت	۵۷/۸/۲۴	۳۰۲
۴۳-۴۲	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۸	۳۰۳
۹۱-۹۰	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۲	۳۰۴
۲۵۰	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۲۵	۳۰۵
۲۶۰-۲۵۹	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۰/۱	۳۰۶
۲۶۰	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۰/۱	۳۰۷
۲۸۵	۵	صحیفه امام	پیام به ملت مسلمان ایران	۵۷/۱۰/۶	۳۰۸
۳۵۱	۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۱۰/۱۶	۳۰۹
۳۶۳	۶	صحیفه امام	سخنرانی برای اقشار مختلف مردم در قم	۵۷/۱۲/۱۸	۳۱۰
۴۰۸	۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۱/۴	۳۱۱
۴۴۶-۴۴۵	۹	صحیفه امام	پیام عفو عمومی در کردستان	۵۸/۶/۱۶	۳۱۲

فهرست مأخذ □ ۴۳۳

۲۹۵	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان صدا و سیما	۵۸/۷/۲۹	۳۱۳
۴۷۳	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانش آموزان قم و تهران	۵۸/۸/۱۳	۳۱۴
۱۳۷	۱۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۹/۷	۳۱۵
۱۳۸	۱۲	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان	۵۸/۱۱/۱۵	۳۱۶
۴۷۹-۴۷۶	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده شهدا و پاسداران	۵۹/۴/۶	۳۱۷
۱	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۹/۱۱/۲	۳۱۸
۵۱-۵۰	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۹/۱۱/۱۵	۳۱۹
			سخنرانی در جمع کارکنان وزارت دفاع ارتش و	۵۹/۱۲/۷	۳۲۰
۱۵۸-۱۵۷	۱۴	صحیفه امام	هلال احمر		
۴۹۱	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۴/۱	۳۲۱
۲۸-۲۷	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدای هفتم تیر	۶۰/۴/۱۱	۳۲۲
۲۳-۲۲	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدای هفتم تیر	۶۰/۴/۱۱	۳۲۳
			سخنرانی در جمع میهمانان خارجی در جشن	۶۰/۱۱/۲۱	۳۲۴
۳۶-۳۵	۱۶	صحیفه امام	پیروزی انقلاب		
۴۵-۴۴	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۱۱/۲۲	۳۲۵
			سخنرانی در جمع کارکنان وزارت امور خارجه و	۶۰/۱۲/۲۴	۳۲۶
۱۱۲	۱۶	صحیفه امام	پرسنل هواییروز		
۵۲۱	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۶/۳۱	۳۲۷
۲۴۰	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان صنایع دفاع	۶۱/۱۰/۲۶	۳۲۸
۳۲۳	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و مسئولین نظام	۶۱/۱۱/۲۲	۳۲۹
			سخنرانی در جمع مسئولان نظام جمهوری	۶۲/۱/۱	۳۳۰
۳۸۱	۱۷	صحیفه امام	اسلامی		
			سخنرانی در جمع ائمه جمعه و جماعات	۶۲/۳/۲۱	۳۳۱
۴۹۷	۱۷	صحیفه امام	استانهای خراسان، باختران، فارس و ...		

۴۳۴ □ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

			سخنرانی در جمع فرماندهان، بخشداران و	۶۲/۱۰/۱۳	۳۳۲
۲۸۵	۱۸	صحیفه امام	اعضای شوراهای روستایی		
۳۴۵	۱۸	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۲/۱۱/۲۲	۳۳۳
۳۵۹	۱۹	صحیفه امام	پیام به رزمندگان و خانواده‌های شهدا	۶۴/۶/۱۰	۳۳۴
۹۷	۲۰	صحیفه امام	پیام به مردم و زائران بیت‌الله الحرام	۶۵/۵/۱۶	۳۳۵
۹۳	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۳۳۶
۹۵-۹۴	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۳۳۷
			حکم رسیدگی و حمایت مالی از خانواده‌های	۵۸/۶/۲	۳۳۸
۳۲۵	۹	صحیفه امام	شهدا به آقای مهدی بازرگان		
			حکم به آقای مهدی کروبی جهت تأسیس بنیاد	۵۸/۱۲/۲۵	۳۳۹
۱۸۶-۱۸۵	۱۲	صحیفه امام	شهید انقلاب اسلامی		
۴۴۴	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و پاسداران	۵۹/۳/۲۶	۳۴۰
۴۲۴	۱۳	صحیفه امام	حکم به آقای مهدی کروبی	۵۹/۱۰/۲	۳۴۱
			سخنرانی در جمع مسئولین بنیاد شهید و جمعی	۵۹/۱۰/۲۰	۳۴۲
۵۱۳	۱۳	صحیفه امام	از خانواده‌های شهدا		
			سخنرانی در جمع مسئولین بنیاد شهید و جمعی	۵۹/۱۰/۲۰	۳۴۳
۵۱۷-۵۱۵	۱۳	صحیفه امام	از خانواده‌های شهدا		
۳۱۹	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از خانواده‌های شهدا	۶۰/۶/۲۷	۳۴۴
۳۶۴	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان بنیاد شهید و ...	۶۰/۸/۲۵	۳۴۵
۱۷	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۷/۱۰	۳۴۶
			حکم انتصاب آقای حسن صانعی به سمت	۶۲/۴/۲۲	۳۴۷
۱	۱۸	صحیفه امام	سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد		
			سخنرانی در جمع خطبا و وعاظ در آستانه ماه	۶۲/۷/۱۳	۳۴۸
۱۷۹	۱۸	صحیفه امام	محرم		

فهرست مأخذ □ ۴۳۵

			حکم تشکیل «ستاد کمک‌رسانی به مردم مناطق	۶۲/۷/۱۴	۳۴۹
۱۸۰	۱۸	صحیفه امام	بمباران شده» به آقای مهدوی کنی		
۲۹-۲۸	۲۰	صحیفه امام	حکم به آقای مهدی کروب‌بی	۶۵/۱/۶	۳۵۰
			پیام به خانواده شهیدان و ایثارگران و تجلیل از	۶۵/۲/۸	۳۵۱
۳۹-۳۸	۲۰	صحیفه امام	آنها		
			پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران	۶۶/۵/۶	۳۵۲
۳۳۳	۲۰	صحیفه امام	بیت‌الله الحرام		
۱۳۸	۲۱	صحیفه امام	پیام به آقای مهدی کروب‌بی	۶۷/۶/۲۸	۳۵۳
۱۵۸-۱۵۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۷/۱۱	۳۵۴
			پیام به آقایان محی‌الدین انواری و فضل‌الله	۵۸/۶/۲۹	۳۵۵
۶۳-۶۲	۱۰	صحیفه امام	محلّاتی		
۴۸۳	۱۱	صحیفه امام	پیام به جامعه مصدومین و معلولین	۵۸/۱۰/۹	۳۵۶
۵۷-۵۶	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع جانبازان و پرستاران آنها	۵۸/۱۰/۱۶	۳۵۷
۵۲۱	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۹/۱۰/۲۲	۳۵۸
۲۶	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۹/۱۱/۹	۳۵۹
۴۹۱	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۴/۱	۳۶۰
			سخنرانی در جمع جانبازان انقلاب و جنگ	۶۰/۱۱/۱۵	۳۶۱
۱۶-۱۴	۱۶	صحیفه امام	تحمیلی		
۱۴۱-۱۴۰	۲۰	صحیفه امام	حکم به آقای حسن صانعی	۶۵/۷/۱۶	۳۶۲
۱۴۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۷/۱	۳۶۳
			حکم انتصاب میرحسین موسوی به سمت	۶۷/۹/۳	۳۶۴
۱۹۹	۲۱	صحیفه امام	سرپرست امور جانبازان		
۳۲۶	۱۸	صحیفه امام	پیام به خانواده‌های شهدا و ایثارگران	۶۲/۱۱/۱۹	۳۶۵
۵	۲۱	صحیفه امام	پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران	۶۷/۱/۱	۳۶۶
۱۴۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۷/۱	۳۶۷

۴۳۶ □ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

۱۴۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۷/۱	۳۶۸
۱۰۸-۱۰۷	۲۰	صحیفه امام	نامه به آقای محمد رنجبر و دعا برای او	شهریور	۳۶۹
				۱۳۶۵	
			سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی در آستانه ماه محرم	۵۹/۸/۱۴	۳۷۰
۳۳۲	۱۳	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع خانواده شهدا و اقشار مختلف مردم	۵۹/۱۰/۷	۳۷۱
۴۵۴	۱۳	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی	۵۹/۱۲/۲۸	۳۷۲
۲۱۴-۲۱۳	۱۴	صحیفه امام			
۲۲۰-۲۱۹	۱۴	صحیفه امام	پیام به مردم و مسئولین	۵۹/۱۲/۲۹	۳۷۳
۳۲۴	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از معلمان مازندران	۶۰/۲/۷	۳۷۴
			سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا	۶۰/۵/۱۹	۳۷۵
۱۰۱	۱۵	صحیفه امام			
۲۴۱	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۶/۲۷	۳۷۶
			سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم و مسئولان	۶۰/۹/۳	۳۷۷
۳۸۵-۳۸۲	۱۵	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع اعضای شوراهای اسلامی روستاها	۶۱/۸/۱۳	۳۷۸
۷۹	۱۷	صحیفه امام			
۱۹۸-۱۹۷	۲۰	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۵/۱۱/۱۶	۳۷۹
۳۲۹-۳۲۵	۲۱	صحیفه امام	پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی	۶۸/۱/۲	۳۸۰
۵۲۶-۵۲۵	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وعاظ تهران	۵۸/۴/۱۷	۳۸۱
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و روحانیون	۶۰/۶/۱۸	۳۸۲
۲۱۷	۱۵	صحیفه امام			
۸۶	۱۸	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان	۶۲/۶/۱۲	۳۸۳
۲۶۹	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم و مسئولین نظام	۶۲/۱۰/۱	۳۸۴

فهرست مأخذ □ ۴۳۷

۲۶۹	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم و مسئولین نظام	۶۲/۱۰/۱	۳۸۵
۴۹-۴۸	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم و مسئولان	۶۳/۶/۱۵	۳۸۶
۴۰۳	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۳۸۷
۳۹۳	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب	۵۷/۲/۲۳	۳۸۸
۴۵۴	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۶/۱۵	۳۸۹
۱۷۱	۵	صحیفه امام	مصاحبه با مجله فردای آفریقا	۵۷/۹/۱۳	۳۹۰
۱۷۹	۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۲/۱۱	۳۹۱
۲۷۶	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی قم	۵۸/۲/۲۳	۳۹۲
			سخنرانی در جمع جامعه ورزشکاران باستانی	۵۸/۴/۱۲	۳۹۳
۳۷۵-۳۷۴	۸	صحیفه امام	مشهد		
			سخنرانی در جمع کارکنان بهداری و بهزیستی	۵۸/۴/۱۳	۳۹۴
۴۳۱	۸	صحیفه امام	آذربایجان شرقی		
			سخنرانی در جمع خانواده خلبانان شهید پایگاه	۵۸/۶/۱۱	۳۹۵
۳۸۳	۹	صحیفه امام	بوشهر		
۲۳۷	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان کمیته‌های امداد مرکز	۵۸/۹/۲۳	۳۹۶
۳۴۷	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کشاورزان کفن‌پوش کوران ده	۵۸/۹/۲۹	۳۹۷
۵۱۲-۵۱۱	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کفن‌پوشان شهرکرد و بابل	۵۸/۱۰/۱۰	۳۹۸
۱۶۷-۱۶۶	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده امام موسی صدر	۵۹/۶/۶	۳۹۹
			سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب مبارز	۵۹/۷/۲۱	۴۰۰
۲۶۵	۱۳	صحیفه امام	عراق		
			سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت و	۵۹/۸/۶	۴۰۱
۲۹۸	۱۳	صحیفه امام	نمایندگان مجلس		
			سخنرانی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط	۵۹/۸/۱۲	۴۰۲
۳۰۸	۱۳	صحیفه امام	امام		
۲۹۸	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از اهالی میانه	۶۰/۱/۲۱	۴۰۳

□ ۴۳۸ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

۹	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تهران	۶۰/۴/۱۰	۴۰۴
۶۳	۱۵	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان	۶۰/۵/۱۰	۴۰۵
۱۳۸	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۶/۹	۴۰۶
۴۱۷	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۹/۲۰	۴۰۷
۴۰-۳۹	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع میهمانان خارجی	۶۰/۱۱/۲۱	۴۰۸
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان	۶۱/۷/۲۵	۴۰۹
۵۷	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان خراسان	۶۱/۹/۳	۴۱۰
۳۱۴-۳۱۳	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع میهمانان مراسم «دهه فجر»	۶۱/۱۱/۲۱	۴۱۱
۲۲۱	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان بسیج مستضعفان	۶۴/۱/۲۵	۴۱۲
۳۹۷	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۴۱۳
۱۵۱	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۳	۴۱۴
۳۲۴	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۴	۴۱۵
۱۶۲	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۱۱	۴۱۶
۱۹۳-۱۹۲	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۱۸	۴۱۷
۲۸۳	۵	صحیفه امام	پیام به ملت مسلمان ایران	۵۷/۱۰/۶	۴۱۸
۲	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۸/۳/۸	۴۱۹
			سخنرانی در جمع هیأت قائمیه تهران، پاسداران و اهالی کرج	۵۸/۳/۸	۴۲۰
۱۰-۹	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب مدرسه فیضیه و مبلغان	۵۸/۴/۷	۴۲۱
۳۳۶	۸	صحیفه امام			
۳۰۵	۸	صحیفه امام	پیام به پاسداران انقلاب اسلامی	۵۸/۴/۶	۴۲۲
			سخنرانی در جمع پاسداران و روحانیون	۵۸/۴/۱۳	۴۲۳
۴۲۰	۸	صحیفه امام	تربیت حیدریه		
۴۴۱	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و پاسداران	۵۹/۳/۲۶	۴۲۴

			سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی در آستانه ماه محرم	۵۹/۸/۱۴	۴۲۵
۳۳۰	۱۳	صحیفه امام			
۲۶۳	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۳/۶	۴۲۶
			سخنرانی در جمع فرماندهان و اعضای شورای عالی سپاه	۶۲/۲/۲۶	۴۲۷
۴۳۹	۱۷	صحیفه امام			
۱۴		ولایت فقیه			۴۲۸
۳۷۳-۳۷۲	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱	۴۲۹
۱۵۱	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۳	۴۳۰
۱۹	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۷	۴۳۱
۱۶۳-۱۶۲	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۱۱	۴۳۲
۱۶۹	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۱۱	۴۳۳
			سخنرانی در جمع طلاب مدرسه فیضیه و مبلغان	۵۸/۴/۷	۴۳۴
۳۳۵	۸	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع روحانیون، پرسنل کمیته و سپاه	۵۸/۴/۱۵	۴۳۵
۴۸۹	۸	صحیفه امام			
۵۲۹	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وعاظ تهران	۵۸/۴/۱۷	۴۳۶
۱۰۹	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران	۵۸/۷/۲	۴۳۷
۳۱۴-۳۱۳	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم و عشایر	۵۸/۷/۳۰	۴۳۸
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و روحانیون	۶۰/۶/۱۸	۴۳۹
۲۱۷	۱۵	صحیفه امام			
۳۶۹	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت	۶۶/۶/۱	۴۴۰
۴	۲۱	صحیفه امام	پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران	۶۷/۱/۱	۴۴۱
۱	۲۱	صحیفه امام	پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران	۶۷/۱/۱	۴۴۲
۳-۲	۲۱	صحیفه امام	پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران	۶۷/۱/۱	۴۴۳
۱۳۵		ولایت فقیه			۴۴۴

□ ۴۴۰ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

۴۱۳	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان جهاد سازندگی	۵۸/۶/۱۳	۴۴۵
۳۹۲	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه تهران	۵۹/۳/۱۴	۴۴۶
۹	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تهران	۶۰/۴/۱۰	۴۴۷
۲۶۴	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۷/۸	۴۴۸
			سخنرانی در جمع کارگران، معلمان و مربیان	۶۲/۲/۴	۴۴۹
۴۱۴	۱۷	صحیفه امام	پرورشی		
			سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی	۶۳/۳/۹	۴۵۰
۴۷۷-۴۷۶	۱۸	صحیفه امام	اسلامی		
۲۴۲		چهل حدیث			۴۵۱
۲۸۳	۵	صحیفه امام	پیام به ملت مسلمان ایران	۵۷/۱۰/۶	۴۵۲
۱۰۶-۱۰۵	۶	صحیفه امام	سخنرانی برای جمعی از معلمان	۵۷/۱۱/۱۹	۴۵۳
۹	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت قائمیه تهران	۵۸/۳/۸	۴۵۴
			بیانات در جمع مجروحان و پزشکان بیمارستان	۵۸/۳/۲۴	۴۵۵
۱۵۱	۸	صحیفه امام	شفا یحییاییان		
			سخنرانی در جمع طلاب مدرسه فیضیه و مبلغان	۵۸/۴/۷	۴۵۶
۳۳۵	۸	صحیفه امام			
۳۰۵	۸	صحیفه امام	پیام به پاسداران انقلاب اسلامی	۵۸/۴/۶	۴۵۷
			سخنرانی در جمع هیأت بحرینی و روحانیون	۵۸/۴/۱۲	۴۵۸
۳۶۸	۸	صحیفه امام	کردستان		
			سخنرانی در جمع پاسداران و روحانیون تربت	۵۸/۴/۱۳	۴۵۹
۴۲۰	۸	صحیفه امام	حیدریه		
			سخنرانی در جمع روحانیون، پرسنل کمیته و	۵۸/۴/۱۵	۴۶۰
۴۸۴-۴۸۳	۸	صحیفه امام	سپاه		
۵۲۷	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وعاظ تهران	۵۸/۴/۱۷	۴۶۱
۴۱۰	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان جهاد سازندگی	۵۸/۶/۱۳	۴۶۲

فهرست مأخذ □ ۴۴۱

۳۱۳	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم و عشایر	۵۸/۷/۳۰	۴۶۳
۹۷	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از خطبا و وعاظ	۵۸/۸/۲۹	۴۶۴
۴۹۵	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل نیروی هوایی	۵۸/۱۰/۹	۴۶۵
۴۹۶	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون ارومیه	۵۸/۱۰/۱۰	۴۶۶
۴۴۱	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و پاسداران	۵۹/۳/۲۶	۴۶۷
۳۳۰	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی	۵۹/۸/۱۴	۴۶۸
۴۰۳	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۳/۱۵	۴۶۹
۴۰۷-۴۰۶	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و مسلمانان جهان	۶۰/۳/۱۶	۴۷۰
۱۳۸	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۶/۹	۴۷۱
۸۹	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع رزمندگان اسلام	۶۰/۱۲/۱۸	۴۷۲
۲۹۰	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۳/۱۵	۴۷۳
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان	۶۱/۷/۲۵	۴۷۴
۵۳-۵۲	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان	۶۱/۷/۲۵	۴۷۵
۵۵	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خطبا و وعاظ	۶۲/۷/۱۳	۴۷۶
۱۷۷	۱۸	صحیفه امام	بیانات در جمع روحانیون قم	۴۲/۱/۲	۴۷۷
۳۱۵-۳۱۴	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۶/۱۱/۲	۴۷۸
۱۵۲-۱۵۱	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۳	۴۷۹
۷۵	۵	صحیفه امام	پیام به ملت مسلمان ایران	۵۷/۹/۱	۴۸۰
۳۳	۶	صحیفه امام	سخنرانی در مدرسه علوی	۵۷/۱۱/۱۳	۴۸۱
۵۲	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان کمیته‌های انقلاب	۵۸/۱/۲۹	۴۸۲
۴۴۶-۴۴۵	۹	صحیفه امام	پیام عفو عمومی در کردستان	۵۸/۶/۱۶	۴۸۳
۱۲۳-۱۲۲	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت فاطمیون تهران	۵۸/۷/۴	۴۸۴
۳۱۵	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم و عشایر	۵۸/۷/۳۰	۴۸۵

۴۴۲ □ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

۱۵۱	۱۶	صحیفه امام	پیام به فرماندهان نظامی	۶۱/۱/۱۰	۴۸۶
۲۹۰	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۳/۱۵	۴۸۷
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان	۶۱/۷/۲۵	۴۸۸
۵۳-۵۲	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان	۶۱/۷/۲۵	۴۸۹
۵۶-۵۳	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان	۶۱/۷/۲۵	۴۹۰
۵۸	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرماندهان و اعضای شورای عالی سپاه	۶۲/۲/۲۶	۴۹۱
۴۳۹	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان وزارت صنایع، مخترعان و مبتکران	۶۲/۸/۱	۴۹۲
۱۹۲-۱۹۱	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان و طلاب	۴۳/۱/۲۱	۴۹۳
۲۷۲	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مردم	۴۳/۱/۲۶	۴۹۴
۲۸۵	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مردم	۴۳/۱/۲۶	۴۹۵
۲۸۹	۱	صحیفه امام	اعلامیه مشترک آیات عظام	۴۳/۳/۱۵	۴۹۶
۳۳۵	۱	صحیفه امام	اعلامیه مشترک آیات عظام	۴۳/۳/۱۵	۴۹۷
۳۳۷	۱	صحیفه امام	نامه تشکر به آقای یاسر عرفات	۵۶/۸/۱۳	۴۹۸
۲۵۵	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۶/۱۱/۲	۴۹۹
۳۱۵-۳۱۴	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب	۵۷/۳/۱۰	۵۰۰
۴۰۶	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب	۵۷/۳/۱۰	۵۰۱
۴۱۲	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از پاسداران	۵۷/۱۲/۱۴	۵۰۲
۳۰۸	۶	صحیفه امام	سخنرانی برای اقشار مردم در قم	۵۷/۱۲/۱۸	۵۰۳
۳۶۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأت بازرگانان ایرانی	۵۸/۲/۲۵	۵۰۴
۳۰۷	۷	صحیفه امام			

فهرست مأخذ □ ۴۴۳

۵۰	۸	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۳/۱۲	۵۰۵
			سخنرانی در جمع روحانیون و اقشار مختلف مردم	۵۸/۳/۱۵	۵۰۶
۵۴-۵۳	۸	صحیفه امام			
۴۰۵	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده‌های ۱۵ خرداد ۴۲	۵۸/۸/۹	۵۰۷
۳۹۷-۳۹۶	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۹/۳/۱۴	۵۰۸
۴۰۳	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۳/۱۵	۵۰۹
			سخنرانی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری	۶۰/۶/۱۷	۵۱۰
۱۹۹	۱۵	صحیفه امام			
۲۹۰	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۳/۱۵	۵۱۱
۲۹۴	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۳/۱۵	۵۱۲
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ تهران و قم	۶۱/۳/۳۱	۵۱۳
۳۴۶	۱۶	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس و مسئولین بنیاد ۱۵ خرداد	۶۲/۳/۱۴	۵۱۴
۴۶۸	۱۷	صحیفه امام			
۴۸۲-۴۸۱	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۲/۳/۱۵	۵۱۵
۲۶۷	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۴/۳/۱	۵۱۶
			پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت‌الله الحرام	۶۶/۵/۶	۵۱۷
۳۲۳-۳۲۲	۲۰	صحیفه امام			
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات	۶۷/۱۲/۳	۵۱۸
۲۷۵	۲۱	صحیفه امام			
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات	۶۷/۱۲/۳	۵۱۹
۲۸۰-۲۷۹	۲۱	صحیفه امام			
۴۶۰	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۶/۱۸	۵۲۰
۴۶۲	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۶/۲۱	۵۲۱
۱۸۷-۱۸۶	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت	۶۰/۶/۱۶	۵۲۲

۴۴۴ □ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

۱۹۴	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۶/۱۷	۵۲۳
۱۹۴	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۶/۱۷	۵۲۴
۴۸۶-۴۸۵	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۶/۱۷	۵۲۵
۴۸۷	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۶/۱۷	۵۲۶
۵۲۵-۵۲۴	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای ستاد جهاد سازندگی	۶۰/۴/۸	۵۲۷
۵۱۹-۵۱۸	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای ستاد جهاد سازندگی	۶۰/۴/۸	۵۲۸
۵۱۱	۱۴	صحیفه امام	تلگراف تسلیت به آقای منتظری	۶۰/۴/۸	۵۲۹
۳-۱	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۴/۹	۵۳۰
			سخنرانی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب	۶۰/۶/۱۷	۵۳۱
۱۹۹-۱۹۸	۱۵	صحیفه امام	جمهوری		
			سخنرانی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب	۶۰/۶/۱۷	۵۳۲
۲۰۱-۲۰۰	۱۵	صحیفه امام	جمهوری		
۳۶۴	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۴/۶	۵۳۳
۳۶۲	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۴/۶	۵۳۴
۲۷۸	۱۵	صحیفه امام	حکم تنفیذ ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای	۶۰/۷/۱۷	۵۳۵
۴۴۵	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت	۶۱/۶/۷	۵۳۶
۷۷	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت	۶۲/۶/۷	۵۳۷
۱۴۰-۱۳۴	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۶/۹	۵۳۸
۱۲۵-۱۲۴	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت	۶۵/۶/۸	۵۳۹
			پیام به آقای مهدی کروبی، سرپرست حجاج ایرانی	۶۶/۵/۱۲	۵۴۰
۳۵۴-۳۴۹	۲۰	صحیفه امام	ایرانی		
۷۵-۷۴	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۵۴۱
۸۰	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۵۴۲
۸۵-۸۳	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۵۴۳
۴۲۲	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۴۳/۸/۴	۵۴۴

فهرست مأخذ □ ۴۴۵

۲۴۵-۲۴۴	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۸/۱۰	۵۴۵
۳۶۹	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۶	۵۴۶
۵۱۵	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۱/۱	۵۴۷
			سخنرانی در جمع کارگران کوره‌پزخانه‌های تهران و حومه	۵۸/۲/۲۵	۵۴۸
۳۰۵	۷	صحیفه امام			
۴۱۵	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان	۵۸/۲/۳۱	۵۴۹
			سخنرانی در جمع پزشکان، اساتید و دانشجویان شیراز	۵۸/۳/۱۶	۵۵۰
۶۷	۸	صحیفه امام			
۱۳۹-۱۳۸	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه تهران	۵۸/۳/۲۳	۵۵۱
۲۹۴	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع معلمان کشور	۵۸/۵/۲۷	۵۵۲
۳۸۹-۳۸۸	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه تهران	۵۹/۳/۱۴	۵۵۳
۴۱۸-۴۱۷	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب و دانشجویان	۵۹/۹/۲۷	۵۵۴
۴۵۳-۴۵۱	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت	۶۱/۶/۷	۵۵۵
۳۳۵	۱۸	صحیفه امام	حکم انتصاب آقای اکبر هاشمی رفسنجانی	۶۲/۱۱/۳۰	۵۵۶
۷۴-۷۳	۱۹	صحیفه امام	پیام به آقای عباس واعظ طبسی	۶۳/۶/۲۸	۵۵۷
۴۳۱	۱۹	صحیفه امام	حکم به بانک مرکزی	۶۴/۹/۷	۵۵۸
۲۷۹-۲۷۷	۲	صحیفه امام	نامه به فضلا و محصلین حوزه‌های علمیه	۴۹/۴/۲۰	۵۵۹
۱۷۹-۱۷۸	۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۲/۱۱	۵۶۰
۱۸۴-۱۸۳	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۵۸/۲/۱۴	۵۶۱
۱۹۱-۱۹۰	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل شهربانی تهران	۵۸/۲/۱۶	۵۶۲
			سخنرانی در جمع اعضای هیأت بازرگانان ایرانی	۵۸/۲/۲۵	۵۶۳
۳۱۳-۳۱۲	۷	صحیفه امام			
۱۸۸-۱۸۷	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۱۲/۲۷	۵۶۴
۳۲۵	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۲/۹	۵۶۵
۳۵۰	۹	صحیفه امام	بیانات در جمع خانواده شهید عراقی	۵۸/۶/۴	۵۶۶

۴۴۶ □ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

۷۷	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت	۶۲/۶/۷	۵۶۷
۱۲۵	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت	۶۵/۶/۸	۵۶۸
۴۲۱-۴۲۰	۱۰	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۸/۱۱	۵۶۹
			سخنرانی در جمع زندانیان سیاسی در رژیم	۵۸/۸/۱۱	۵۷۰
۴۴۱-۴۴۰	۱۰	صحیفه امام	پهلوی		
۴۵۲	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ورزشکاران و اهالی قزوین	۵۸/۸/۱۲	۵۷۱
۳۲۱-۳۲۰	۱۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۹/۲۷	۵۷۲
۴۴۳	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۹/۲۵	۵۷۳
۲۵۴-۲۵۳	۱۲	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان	۵۹/۲/۲	۵۷۴
			سخنرانی در جمع روحانیون مبارز عراق و	۶۰/۱/۲۰	۵۷۵
۲۸۰-۲۷۶	۱۴	صحیفه امام	مسلمانان رانده شده		
۷۳	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و مسلمانان جهان	۵۹/۱۱/۲۲	۵۷۶
۴۷۹-۴۷۸	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت مسلمان ایران و لبنان	۶۰/۴/۱	۵۷۷
۴۹۱	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۴/۱	۵۷۸
۱۷۴-۱۷۳	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۶/۱۵	۵۷۹
			سخنرانی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب	۶۰/۶/۱۷	۵۸۰
۲۰۱	۱۵	صحیفه امام	جمهوری		
			سخنرانی در جمع خانواده و طلاب مدرسه	۶۲/۶/۱۳	۵۸۱
۱۰۰	۱۸	صحیفه امام	شهید قدوسی		
۲۲۷-۲۲۵	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۶/۲۱	۵۸۲
۲۵۹-۲۵۷	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۷/۷	۵۸۳
۲۶۴-۲۶۳	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۷/۸	۵۸۴
۴۱۹-۴۱۷	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۹/۲۰	۵۸۵
۴۲۶-۴۲۴	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان سمنان	۶۰/۹/۲۱	۵۸۶
۳۶۹-۳۶۷	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۴/۱۱	۵۸۷

فهرست مأخذ □ ۴۴۷

۶	۱۷	صحیفه امام	بیانات در جمع مسئولان ارگانها و ادارات یزد	۶۱/۷/۳	۵۸۸
۵۰-۴۹	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۷/۲۳	۵۸۹
۶۳	۱۷	صحیفه امام	نامه تشکر به آقای مرعشی نجفی	۶۱/۷/۲۸	۵۹۰
۵۰۱-۵۰۰	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و عراق	۶۲/۳/۲۸	۵۹۱
۱۷۷-۱۷۶	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت عراق	۶۳/۱۲/۱۸	۵۹۲
۴۰۷	۱۸	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۳/۲/۷	۵۹۳
۴۹۸	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۴/۱۲/۳	۵۹۴
۳۱۳	۲۱	صحیفه امام	حکم انتصاب آقای عبدالله نوری	۶۷/۱۲/۱۸	۵۹۵
۱۲۲-۱۱۹	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت مسلمان و علمای پاکستان	۶۷/۶/۱۴	۵۹۶
۱۱۱	۱	ترجمه تحریرالوسیله			۵۹۷
۱۱۷	۱	ترجمه تحریرالوسیله			۵۹۸
۵۰۷	۱	استفتائات			۵۹۹
۸۴-۸۳	۱	استفتائات			۶۰۰
۸۲	۱	استفتائات			۶۰۱
۸۰	۱	استفتائات			۶۰۲
۸۱	۱	استفتائات			۶۰۳
۸۰	۱	استفتائات			۶۰۴
۵۰۵	۱	استفتائات			۶۰۵
۷۹-۷۸	۱	استفتائات			۶۰۶
۷۹	۱	استفتائات			۶۰۷
۸۰-۷۹	۱	استفتائات			۶۰۸
۸۳	۱	استفتائات			۶۰۹
۵۰۵	۱	استفتائات			۶۱۰
۸۳	۱	استفتائات			۶۱۱
۸۲	۱	استفتائات			۶۱۲

□ ۴۴۸ ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)

۸۲	۱	استفتائات	۶۱۳
۵۱۹	۱	استفتائات	۶۱۴
۱۶۷	۱	ترجمه تحریرالوسیله	۶۱۵
۱۶۹	۱	ترجمه تحریرالوسیله	۶۱۶
۸۳	۱	استفتائات	۶۱۷
۸۷	۱	استفتائات	۶۱۸
۴۱۱-۴۱۰	۱	استفتائات	۶۱۹
۵۱۸	۱	استفتائات	۶۲۰
۵۰۶	۱	استفتائات	۶۲۱
۵۰۶	۱	استفتائات	۶۲۲

فهرست منابع

- خمینی، روح الله؛ استفتائات؛ ج ۲، چ ۳، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ۱۳۷۵.
- خمینی، روح الله؛ تحریر الوسیله؛ ترجمه علی اسلامی؛ ج ۴، چ ۱۸، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ۱۳۷۹.
- خمینی، روح الله؛ چهل حدیث؛ ج ۲۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۰.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) (تنظیم و گردآوری)؛ صحیفه امام؛ ج ۲۲، چ ۳، ۱۳۷۹.
- خمینی، روح الله؛ کشف اسرار.
- خمینی، روح الله؛ ولایت فقیه؛ ج ۱۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۱.